





چکیده مقالات

هفتمین همایش بین‌المللی

ارزیابی و تضمین کیفیت در نظام آموزشی

با رویکرد مدرسه تراز سند تحول بنیادین آموزش و پرورش



جمهوری اسلامی ایران
وزارت آموزش و پرورش



انجمن
پژوهش‌های آموزشی ایران



پژوهش‌های وزارت آموزش و پرورش

خردادماه ۱۴۰۴



چکیده مقالات هفتمین همایش بین‌المللی ارزیابی و تضمین کیفیت در نظام آموزشی با رویکرد مدرسه تراز سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

فهرست مطالب

- ۱----- رابطه هوش مصنوعی با روابط درون سازمانی معلمان دوره ابتدائی شهر دهدشت
مدینه احسان بخش
- ۲----- مقایسه اثربخشی آموزش فرزندپروری مثبت و مدیریت استرس مبتنی بر ذهن‌آگاهی بر فرسودگی تحصیلی،
خودکارآمدی و خوش‌بینی دانش‌آموزان
ابوالفضل احسانی
- ۳----- ضرورت‌ها، چالش‌ها و راهبردهای مدیریت و راهبری تربیت در مدرسه تراز-----
ماهرخ احمدوند
- ۴----- هم‌آوایی خانواده و مدرسه در تربیت-----
علیرضا احمدی فاخر، زهرا نصرتیان اهور
- ۵----- بهره‌مندی هوشمندانه از فناوری‌های نوین در آموزش-----
نرگس ادیب، حامد عابدی، کوثر امینی
- ۶----- نقش والدین در تقویت عزت‌نفس دانش‌آموزان مبتنی بر تئوری انتخاب-----
پیمان اربابیان، فاطمه عابدی
- ۷----- تأثیر سواد دیجیتال بر اضطراب ریاضی دانش‌آموزان-----
مریم آزادپور، زهرا علی محمدی، مینا بشار، فرنگیس آزادپور
- تدوین و آزمون مدل علی صلاحیت دیجیتال بر اساس سواد یادگیری مادام‌العمر با میانجی‌گری راهبردهای
یادگیری خودتنظیمی آنلاین، در نمونه‌ای از معلمان کشور
۸-----
ماه آزادیان بجنوردی، محمد وحیدی
- آزمون مدل مشغولیت تحصیلی بر اساس کیفیت زندگی در مدرسه با میانجی‌گری اضطراب در دختران مقطع
ابتدایی دارای مشکلات رفتاری برونی‌سازی شده-----
۹-----
ماه آزادیان بجنوردی، معصومه محبان، شهبلا ایمری، زینب جراوی، ندا درویش خواه، سکینه عبادی اصل، مریم
شولی پور، شبنم شیرالی، نصرت نظرپور، داوود شیاری، زهرا سپهوند
- شاداب سازی محیطی و تأثیر آن بر سلامت روان با بهره‌گیری از نظریات بندورا و مدل سلامت روان کییز ۱۰
امیرحسین اسپو، فاطمه السادات میرامینی





چکیده مقالات هفتمین همایش بین‌المللی ارزیابی و تضمین کیفیت در نظام آموزشی با رویکرد مدرسه تراز سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

- ۱۱- بررسی رابطه شاخص‌های فرهنگی، فرهنگ‌سازی استفاده از فضای مجازی و جلوگیری از بروز آسیب‌های احتمالی در مدارس ابتدایی -----
محمد اسد، مرضیه قبادی پور
- ۱۲- بررسی تطبیقی نظریه‌های هویت‌محور با تأکید بر تأثیر آن‌ها بر آموزش پژوهش‌محور و هویت اسلامی -----
زینت اسدی
- ۱۳- بررسی نقش هوش مصنوعی در ارتقای مدیریت مدارس تراز شهر تهران -----
مریم اسماعیلی، علیرضا قنبری، محدثه اسماعیلی
- ۱۴- طراحی الگوی رهبری توزیعی مبتنی بر تعالی سازمانی مدارس تراز -----
مریم اسماعیلی، علیرضا محمدی نژاد گنجی، مژگان عبدالهی، پریرا ایران‌نژاد، رمضان جهانیان
- ۱۵- بررسی تأثیر مدارس هوشمند بر خلاقیت دانش‌آموزان -----
مهناز اسمعیلی
- ۱۶- پیش‌بینی خوش‌بینی تحصیلی و اشتیاق به مدرسه بر اساس یادگیری الکترونیکی -----
سیده نفیسه افتخاریان، زینب ربانی
- ۱۷- نقش سواد ارزشیابی معلمان با عملکرد آن‌ها در نمره‌گذاری سؤالات -----
افشین افضلی، محمد عارف پیله ورپور، حسین باجولوند، سید حسام موسوی
- ۱۸- نقش برنامه درسی و تربیتی در تحقق تربیت تمام‌ساحتی و متوازن در مدرسه تراز سند تحول بنیادین -----
سینا آقاجانی دفرازی، حمید آقاجانی دفرازی
- ۱۹- نقش فناوری سبز در خودتنظیمی تحصیلی با میانجی‌گری فناوری اطلاعات در مدارس سبز -----
نبی‌الله اکبرنتاج شوب، جمال صادقی، مسعود کرشی
- ۲۰- بررسی تأثیر استفاده از ابزارهای آموزش هوشمند در افزایش علاقه به یادگیری -----
ابراهیم اکبری، محمدعلی کامکار
- بررسی نقش عناصر طراحی فضاهای آموزشی (نور طبیعی، رنگ‌های آرام، فضای سبز) در کاهش استرس و
۲۱- اضطراب دانش‌آموزان مقطع ابتدایی -----
سورین الوندپور، لیلا کلاتتری، فاطمه بهاری، زینب ربانی
- ۲۲- بررسی رابطه شاداب‌سازی محیط مدرسه با هیجان تحصیلی دانش‌آموزان ایرانی -----
سورین الوندپور، حسین قهرمانی
- ۲۳- ارزیابی صلاحیت حرفه‌ای در بهزیستی شغلی معلمان -----
حدیثه امینی، محمد هداوند میرزائی، پروانه صفدریان





چکیده مقالات هفتمین همایش بین‌المللی ارزیابی و تضمین کیفیت در نظام آموزشی با رویکرد مدرسه تراز سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

- ۲۴----- بررسی تأثیر روش نوین کلاس درس معکوس در نظام آموزش چند فرهنگی
درسا امامیاری آستانچین، مریم یوسفیان
- ۲۵----- تحلیل نقش فناوری‌های نوین در بهبود فرآیند تدریس
مهدی المی
- ۲۶----- تجربه زیسته معلمان تربیت‌بدنی: تحلیل کیفی چالش‌ها، ضرورت‌ها و راهبردهای مؤثر در محیط تربیتی
مدارس دخترانه متوسطه دوم شهرستان لامرد
مرضیه باقرپور
- ۲۷----- جایگاه والدین در مدرسه با نگاهی به تجربیات بین‌المللی
دریا بختیاری، امیر بخشنده، ارمان فروتن
- ۲۸----- مطالعه پدیدارشناسی ترویج فرهنگ کتاب‌خوانی در دانش‌آموزان
کاظم برزگر بفرویی، بیتاسادات دهقانی، فاطمه محمدی، فاطمه کربلایی
- ۲۹----- پیوندهای ناپیدا: تأثیر اضطراب والدین بر احساس تعلق دانش‌آموزان به مدرسه
سمیرا برزگر پیرانفر
- نقش دانش‌آموزان مهاجر افغانستانی در تحقق مدرسه تراز: تأثیر حمایت اجتماعی ادراک‌شده و احساس تعلق
به مدرسه
سمیرا برزگر پیرانفر، طیبه حقیقت‌خواه
- ۳۰-----
- ۳۱----- بررسی نقش توانایی‌های فناورانه معلمان در شکل‌دهی یادگیری با پردازش ذهنی درونی و بیرونی دانش‌آموزان
زهرا برین، دانیال اسماعیلی
- ۳۲----- بررسی نقش شیوه‌های تربیتی والدین و توانمندی‌های ارتباطی معلمان در سطح ابعاد چندوجهی استعداد
دانش‌آموزان
زهرا برین، دانیال اسماعیلی
- ۳۳----- تحلیل تأثیر آموزش مهارت‌های خودآگاهی و خودکنترلی بر رفتارهای اجتماعی و پیشرفت تحصیلی
دانش‌آموزان ابتدایی، کاربردهای در مدیریت رفتار سازمانی و بازاریابی آموزشی
زهرا بومغینمی، محمدرضا بومغینمی
- ۳۴----- طراحی مدل مفهومی مدرسه تراز
معصومه بهاری، زهره بیات
- ۳۵----- ارزیابی وفاداری سازمانی و مؤلفه‌های آن در معلمان مدارس ابتدایی
سوسن بهرامی، محمدناصر شریف‌زاده





چکیده مقالات هفتمین همایش بین‌المللی ارزیابی و تضمین کیفیت در نظام آموزشی با رویکرد مدرسه تراز سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

- بازی‌وارسازی آموزشی هوشمند: تقویت خودکارآمدی و خلاقیت دانش‌آموزان ابتدایی با هوش مصنوعی؛
الگوی مبتنی بر سند تحول بنیادین و نظریه خودکارآمدی بندورا----- ۳۶
امین بهکار، صونا بهرامی قوجه
- نقش میانجی کارکردهای اجرایی بر رابطه بین احساس تعلق دانش‌آموزان به مدرسه و فایبگ----- ۳۷
فرشته بهروز، ابوالقاسم یعقوبی، افشین افضلی
- ویژگی‌های تعلیم و تربیت رسمی و عمومی----- ۳۸
فاطمه بهستانی، هادی مصدق
- اثربخشی بازی‌های آموزشی بر اعتمادبه‌نفس و مشکلات یادگیری دانش‌آموزان پیش‌دبستانی----- ۳۹
کلثوم بهلول زاده، علیرضا یاراحمدی خراسانی
- مبانی نظری مدرسه تراز در اسناد تحولی----- ۴۰
پرینوش بهمنی، دکتر نورالله بیگدلی
- مقایسه‌ی امیدواری، شادکامی، و سبک‌های دل‌بستگی دانش‌آموزان متوسطه اول ساکن در کانون اصلاح و
تربیت با دانش‌آموزان متوسطه اول بهنجار همدان----- ۴۱
احمد بیات، آرزو دلفان بیرانوند، محسن سروری، محمد مینایی
- مقایسه‌ی میزان پر خاشگری، اضطراب، و ناسازگاری اجتماعی در بین دانش‌آموزان محروم از پدر و دارای پدر
مقطع ابتدایی شهر همدان----- ۴۲
احمد بیات، آرزو دلفان بیرانوند، محمد مینایی، صادق کرمی
- ارتباط سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده والدین با اضطراب تحصیلی و خودکارآمدی دانش‌آموزان مقطع
ابتدایی----- ۴۳
احمد بیات، مریم غفوری آثار، آرزو دلفان بیرانوند، علی شرفخانی
- آموزش و یادگیری هوش مصنوعی در دوره پیش‌دبستانی تا دیپلم: مرور سیستماتیک ادبیات پژوهش (۲۰۲۴)
تا ۱۹۷۰)----- ۴۴
مجتبی بیرامی، مینا حسینی
- مقایسه مدل‌های طراحی فضاهای آموزشی در کشورهای توسعه‌یافته: بررسی تطبیقی رویکردها، چالش‌ها و
راهکارهای نوین----- ۴۵
هادی پیش‌بهار، حکیمه موسی‌پور، محمدابراهیم زلیکانی
- پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی بر اساس توانمندی‌های منشی و خودکارآمدی تحصیلی----- ۴۶
فاطمه تاروردی‌زاده خوجین





چکیده مقالات هفتمین همایش بین‌المللی ارزیابی و تضمین کیفیت در نظام آموزشی با رویکرد مدرسه تراز سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

فرسودگی تحصیلی و سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان با ناتوانی‌های یادگیری: مقایسه اثربخشی تنظیم
هیجانی با حل مسئله شناختی-اجتماعی ----- ۴۷

زهره تراز، ملوک خادمی اشکذری، مهناز اخوان تفتی

مروری بر مؤلفه‌های مدرسه تراز (مطلوب) در پژوهش‌ها و اسناد بالادستی ----- ۴۸
حمزه ترکمانی تمبکی، محمد ترکمانی تمبکی، راضیه قریشی‌زاده

تأثیر آموزش مسئولیت‌پذیری بر اساس رویکرد واقعیت درمانی بر خودکارآمدی دانش‌آموزان دختر هنرستانی
----- ۴۹

بگانه تقوائی، حسین محقق

بررسی کیفی تأثیر یاددهی یادگیری متوازن بر شکل‌گیری هویت فرهنگی دانش‌آموزان دوره ابتدایی از دیدگاه
معلمان ----- ۵۰

سارا تقی پور جارچلو، رؤیا بیطالی، آیتا ارشادی، عاطفه قهوه‌یان میانداوب

مرور روایتی فناوری واقعیت مجازی به‌عنوان ابزار آموزشی و مداخله‌ای برای دانش‌آموزان با اختلال طیف
اوتیسم ----- ۵۱

الهام توکلی طرقي

شناسایی و ارزشیابی نقش مدرسه در تربیت اجتماعی و خلاقیت دانش‌آموزان ----- ۵۲
سعید تیموری راد، روح اله کرمانی، پروانه صفدریان، مهناز توکلی کرهرودی

تحلیل تطبیقی نقش برنامه‌های توسعه حرفه‌ای در توانمندسازی معلمان و مدیران مدارس ----- ۵۳
سمیه ثابت‌قدم ۵۳

مدارس تراز در اسناد بالادستی آموزش و پرورش با تأکید بر سند تحول بنیادین ----- ۵۴
مهتاب ثابت عمل

مدارس تراز و آموزش مبتنی بر پروژه: فرصت‌ها و چالش‌ها ----- ۵۵
مهری جعفرخانی، آذر عزیزی، رؤیا مرادی، فاطمه سرداری، فرناز هیگلی

بررسی فرصت‌ها و چالش‌های خانواده و مدرسه در تربیت دانش‌آموزان مسئولیت‌پذیر ----- ۵۶
امیر جعفری

نقش هوش مصنوعی در تعالی تعاملات خانواده و مدرسه ----- ۵۷
هدیه جعفری، علی جعفری

مشارکت دانش‌آموزان در تصمیم‌گیری مدرسه: چالش‌ها و فرصت‌ها ----- ۵۸
امیر جعفری، عباس جعفری آقبلاغی

نقش رسانه‌های اجتماعی در آموزش مهارت‌های زندگی به خانواده‌ها ----- ۵۹
علی جعفری، فاطمه وصال طلب





چکیده مقالات هفتمین همایش بین‌المللی ارزیابی و تضمین کیفیت در نظام آموزشی با رویکرد مدرسه تراز سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

- ۶۰----- سواد رسانه‌ای در مدارس: راهکارهایی برای ارتقا آگاهی دانش‌آموزان در دنیای دیجیتال
علی جعفری، مصطفی یحیایی رودبارکی
- ۶۱----- بررسی اثربخشی آموزش تنظیم هیجان بر درگیری شغلی و بهزیستی روان‌شناختی معلمان تربیت‌بدنی -
علی جلیلی شیشوان، ساناز اشرفیان
- مقایسه اثربخشی آموزش خودکار آمدی و ذهن آگاهی بر میزان درگیری شغلی و استحقاقات روانی معلمان
ورزش----- ۶۲-----
علی جلیلی شیشوان، ساناز اشرفیان
- ۶۳----- تعیین اثربخشی آموزش ذهن آگاهی بر بهزیستی روان‌شناختی و اشتیاق شغلی در دبیران ورزش
علی جلیلی شیشوان، ساناز اشرفیان
- نقش میانجی مدیریت مشارکتی در رابطه بین انگیزش شغلی معلمان و خودتنظیمی تحصیلی
دانش‌آموزان----- ۶۴-----
زینب جهانبخش، زهرا جهانبخش
- ۶۵----- بررسی ویژگی‌های مدرسه تراز ایرانی-اسلامی از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)
سمیه چاچ، فاطمه چاچ، حدیث پوردهقان
- الگوی بهره‌مندی هوشمندانه از فناوری‌های نوین در تحقق مدرسه تراز با رویکرد ارتقاء کیفیت مدیریت
آموزشی----- ۶۶-----
امیر چهره‌پرداز
- ۶۷----- نقش مدیریت منابع انسانی در آموزش و پرورش با هدف توسعه پایدار
تینا حاج محمدی، ریحانه بهزادی
- ۶۸----- از پداگوژی تا هیوتاگوژی؛ بررسی نقش موک‌ها در سیر تحولات آموزشی
صادق حامدی نسب، حمیده عزیزی
- ۶۹----- چالش‌ها و راهکارهای توسعه حرفه‌ای در نظام‌های آموزشی
حمدالله حبیبی، ماریا فاطمی
- ۷۰----- رابطه سبک تغذیه و میزان تمرکز در دانش‌آموزان ابتدایی
زهرا سادات حجازی هاشمی، نرجس جمالی، مریم رحیمی حقیقی شیرازی، زینب ربانی
- ۷۱----- آسیب‌شناسی آموزش دینی در مدارس؛ بررسی چالش‌ها و راهکارها
فاطمه حسن‌آبادی، محمد مهدی دهقانی فیروزآبادی، سید مصطفی صفاری
- مسئله‌شناسی و ایده پردازی در مباحث دینی و فرهنگی آموزش و پرورش----- ۷۲-----
عاشور حسن‌زاده عرب





چکیده مقالات هفتمین همایش بین‌المللی ارزیابی و تضمین کیفیت در نظام آموزشی با رویکرد مدرسه تراز سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

- ۷۳----- نقش تغذیه در ارتقای عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان
اکرم سادات حسن‌زاده میدانی
- ۷۴----- واکاوی ابعاد محیط یادگیری در مدارس ابتدایی: یک مطالعه روایت پژوهی
سمیه حسن نیا، پرستو نیکخواه
- ۷۵----- کاربردها و چالش‌های فناوری‌های دیجیتال در فرآیند آموزش: نیاز به زیرساخت مناسب و حفظ حریم خصوصی
مصطفی حسین بیک، حلیمه حسین بکی
- ۷۶----- طراحی الگوی مدیریت مشارکتی در مدارس تراز شهر خرم‌آباد: یک نظریه داده بنیاد
حدیث حسینی
- ۷۷----- بهبود عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان با تقویت هوش معنوی و اخلاقی
بتول حسینی تلی
- ۷۸----- مدیریت مشارکتی در مدارس: ضرورت‌ها و راهبردهای اجرایی
سید احمد حسینی خلخال
- ۷۹----- فناوری آموزشی و بازآفرینی یادگیری در ایران
سیده غزاله حسینی موینی
- ۸۰----- بررسی رابطه میان حس تعلق با هویت اجتماعی و مشارکت در جامعه محلی در دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه دوم
محمدرضا حشمتی
- ۸۱----- بازخوانی عدالت آموزشی در مدارس تراز: مفاهیم، الگوها و پیامدهای سیاستی
محمدرضا حشمتی
- ۸۲----- مدیریت تربیت در عصر جدید و چالش‌های آن
فاطمه حمیدی فر، ساجده سرو
- ۸۳----- طراحی فضاهای آموزشی استاندارد: توازن بین امنیت، تنوع و تناسب در محیط‌های تربیتی
زهرا حیدری
- ۸۴----- معلم شایسته، زندگی متوازن: نقش منابع شغلی و سرمایه‌های روان‌شناختی در تعارض کار-زندگی و غنی‌سازی کار-خانواده
صدیقه حیدری
- ۸۵----- نقش مدرسه در تربیت اخلاقی دانش‌آموزان
ابوالفضل حیدری دخت، سید مصطفی صفاری





چکیده مقالات هفتمین همایش بین‌المللی ارزیابی و تضمین کیفیت در نظام آموزشی با رویکرد مدرسه تراز سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

- ۸۶----- بررسی راهبردها و چالش‌های برنامه درسی در مدارس چندپایه‌ی روستایی
پریا حیدری، مهین جلالی، ندا سلیمی زاده
- ۸۷----- بررسی کاربرد هوش مصنوعی در راستای بهبود آموزش در قرن بیست و یک
هانیه خادمی
- ۸۸----- تأثیر فضای عاطفی کلاس (حمایت معلم، احساس امنیت روانی) بر خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان -
آیدا خزلی، ابوالقاسم یعقوبی
- ۸۹----- بررسی تأثیر فناوری‌های نوین بر فرآیندهای مشاوره و تربیت: تحلیل روندها و چالش‌ها
مهسا داداشی
- ۹۰----- مقایسه سند رسمی آموزش و پرورش نروژ با ایران به منظور بهبود مدیریت کلاسی
مسلم دانش‌پایه، علیرضا محمدی
- ضرورت‌ها، چالش‌ها و راهبردها در مدیریت و رهبری مدارس بر اساس سند تحول برای رسیدن به مدرسه
تراز ----- ۹۱
ناهید دباغی
- ۹۲----- جایگاه اهداف تربیت دینی در دوره تحصیلی ابتدایی نظام رسمی آموزش و پرورش ایران و تحولات آن --
سید محمد دلبری
- بررسی دیدگاه معلمان نسبت به نقش شاداب سازی محیطی مدرسه در ارتقاء سلامت روانی معلمان و
دانش‌آموزان: یک مطالعه کیفی ----- ۹۳
مریم دلپذیر، سولماز دلپذیر، پریا دلپذیر، بهارک دلپذیر
- ۹۴----- بررسی قدر و منزلت معلمان در جامعه و عوامل مؤثر بر تعالی آن
فاطمه دهقان کلشادی، معصومه پوررجب
- ۹۵----- نقش هوش مصنوعی و تأثیر آن در بالا بردن خلاقیت دانش‌آموزان
مهدیه دهنوی
- ۹۶----- رابطه کیفیت محیط مدرسه با عملکرد تحصیلی و سلامت روان دانش‌آموزان
سکینه ذاکری
- ۹۷----- رابطه‌ی مدیریت مشارکتی با تعهد سازمانی و اعتماد سازمانی معلمان
حسین ذوالفقاری، محمد فلاحی
- ۹۸----- معلم به مثابه الگو: ویژگی‌ها در مطالعات اسنادی جهانی
حسن ذوالفقاری، سیروس منصوری، فرهاد شفیع پور مطلق





چکیده مقالات هفتمین همایش بین‌المللی ارزیابی و تضمین کیفیت در نظام آموزشی با رویکرد مدرسه تراز سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

- ۹۹----- مدرسه‌داری تربیت محور و درون‌زا
سید ضیاء راسخ، محسن دارابی
- ۱۰۰----- بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های کارآفرینی در کتاب‌های مطالعات اجتماعی دوره دوم ابتدایی با روش آنتروپی
شانون
عطیه راعی، فرحناز سادات دفتریان
- ۱۰۱----- اصول مدرسه تراز در منظومه فکری شهید مطهری
شهرام رامشت، میثم صداقت‌زاده
- ۱۰۲----- بررسی نگرش معلمان در خصوص عوامل مؤثر بر بهره‌مندی هوشمندانه از فناوری نوین (هوش مصنوعی) در مدارس استثنایی
مرتضی رجبی مقدم بازکیایی، فیروزه محمدی، افسانه عباسی بدایی
- ۱۰۳----- تأثیر آموزش امید به شیوه گروهی بر بهزیستی روان‌شناختی
خسرو رشید، ریزان نیک زبان، هما هوشنگی
- ۱۰۴----- هماهنگی تربیتی میان خانواده و مدرسه: چالش‌ها و راهکارها
فرشته رضایی فومنی
- ۱۰۵----- رابطه کیفیت برنامه‌های پرورشی با انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان
ابراهیم روشنا
- ۱۰۶----- بهبود بخشی غیبت یلدا در مدرسه با تقویت احساس مسئولیت‌پذیری و احساس تعلق به مدرسه
اعظم زارع میرک آباد، معصومه نوری، زهرا محمدزاده
- ۱۰۷----- بررسی نقش مدیران مدارس در بهبود مدیریت مشارکتی معلمان
امیرحسین زارعی، میثم فهمی جعفرقلی خاتلو، راحله خدایاری اهداف
- ۱۰۸----- مدرسه از دیدگاه دانش‌آموزان
زهرا سادات سادات حسینی، نرگس یافتیان
- ۱۰۹----- بهره‌مندی هوشمندانه از فناوری‌های نوین
فریده ساعدی
- ۱۱۰----- طراحی مدل مفهومی مدرسه تراز با رویکرد سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش
محبوبه سبحانی، حسن شهرکی پور
- ۱۱۱----- شاداب سازی محیطی و ارتقا سلامت روان
ستاره ستوده، فاطمه گوری





چکیده مقالات هفتمین همایش بین‌المللی ارزیابی و تضمین کیفیت در نظام آموزشی با رویکرد مدرسه تراز سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

- ۱۱۲- سنجش کلاسی به‌مثابه یادگیری: مروری بر تأثیر آن بر انگیزه و یادگیری در سطوح مختلف تحصیلی
فاطمه ستوده ثیان، نگین فخار، زهرا اسمعیلی
- ۱۱۳- مروری بر نقش بازی در یادگیری کودکان دبستانی: از دیدگاه نظریه‌های تربیتی
فاطمه ستیه
- ۱۱۴- روایت پژوهی درباره عوامل ترک تحصیل دختران در مناطق روستایی
فرزانه سرگزی، نگین درویشی، فاطمه لطیفی
- ۱۱۵- مروری بر فرصت‌ها و چالش‌های مدرسه هوشمند
مرضیه سهیلی
- ۱۱۶- ارزیابی تأثیر مشاوره تحصیلی و برنامه‌ریزی درسی مبتنی بر هدف بر عملکرد تحصیلی
امیرحسین سینایی
- ۱۱۷- ارزیابی، چالش‌ها و راهکارهای بهره‌برداری از کلان داده‌ها در نظام آموزش و پرورش ایران
فاطمه شایان
- ۱۱۸- ایفای نقش الگویی معلم در تحقق مدرسه تراز در چارچوب سند تحول بنیادین آموزش و پرورش
امیرعباس شایگان
- ۱۱۹- تأثیر برنامه‌های آموزشی نوآورانه بر رشد خلاقیت در معلمان و دانش‌آموزان
علی شریفی
- ۱۲۰- تأثیر آموزش خود دلسوزی بر اهمال کاری تحصیلی و ادراک امنیت در دانش‌آموزان
نسرین شکاری، محمدآزاد عبدالله پور، آرمین لطفی
- پیش‌بینی سرزندگی تحصیلی بر اساس فضای آموزشی، شایستگی‌های فردی و اشتیاق تحصیلی در دانش‌آموزان
۱۲۱- مهسا شماخی، سارا نیک‌اندیش، زینب ربانی
- ۱۲۲- بررسی تأثیر فضای آموزشی بر انگیزه‌های درونی و بیرونی در یادگیری
فریبا شهدی، عبدالله آریان
- ۱۲۳- پیش‌بینی بهزیستی تحصیلی بر اساس یادگیری خودراهبر با میانجی‌گری اشتیاق تحصیلی
سید محمد شیخی، کمال محمدطالبی
- ۱۲۴- بررسی آسیب‌شناسی برنامه درسی مقطع ابتدایی
سمیه شیرزادی، نفیسه رفیعی
- ۱۲۵- رابطه بین شاداب سازی محیط مدرسه با سلامت روان و رفتار پر خاشگروانه در دانش‌آموزان
معصومه شیرعلی نژاد یکتا، سارا جعفری، حدیثه عطایی، زینب ربانی





چکیده مقالات هفتمین همایش بین‌المللی ارزیابی و تضمین کیفیت در نظام آموزشی با رویکرد مدرسه تراز سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

- ۱۲۶----- اثربخشی آموزش خودتنظیمی بر اعتیاد به اینترنت و انگیزش تحصیلی
نسرین صالحی نژاد، فاطمه شیخ پور
- ۱۲۷----- مدارس ماژولار و پیش‌ساخته: راهکاری برای گسترش عدالت آموزشی در مناطق کم‌برخوردار
سینا صالحی نژاد
- ۱۲۸----- هوش مصنوعی در سیستم‌های آموزشی هوشمند در راستای آموزش پایدار
پروانه صفدریان، لیلا فروزنده
- ۱۲۹----- همکاری خانواده‌ها و مدارس تراز: راهی به‌سوی یادگیری مؤثرتر
فاطمه سادات صفوی
- ۱۳۰----- تبیین ابعاد، موانع و راهکارهای توسعه مشارکت خانواده در برنامه‌ریزی درسی جمهوری اسلامی ایران
عاطفه صلواتی، بهروز مهران، مرتضی کرمی
- ۱۳۱----- هم‌افزایی مدرسه و خانواده در پرورش شایستگی‌های کلیدی: راهبردهایی برای تحقق مدرسه تراز
پروین صولتی اصل، مریم قاسم احمد، سعید انصاری
- ۱۳۲----- شایسته‌گزینی و مسئولیت‌پذیری در منابع انسانی: رویکردی نوین برای ارتقاء رهبری آموزشی در مدرسه تراز
پروین صولتی اصل، سعید انصاری، بهروز نظری بوژانی
- ۱۳۳----- شناسایی ابعاد مدیریتی مدرسه تراز بر اساس سند تحول بنیادین
یاسر صیادی
- ۱۳۴----- واکاوی مؤلفه‌های نظارت و ارزیابی مدرسه تراز با تأکید بر تربیت تمام‌ساختی
یاسر صیادی
- ۱۳۵----- نقش مدرسه هوشمند در تحقق مدرسه تراز: شناسایی ابعاد و مؤلفه‌ها
یاسر صیادی
- ۱۳۶----- نقش کیفیت بهداشت و تغذیه در میزان تمرکز و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان
مریم طالبی، زینب ربانی
- ۱۳۷----- مدرسه تراز بر اساس اسناد تحولی و اصول روان‌شناسی تربیتی (مسیری به‌سوی خودکارآمدی و انگیزش پایدار)
علی طاهرخانی، عادل طاهرخانی
- ۱۳۸----- اثربخشی آموزش نظم‌بخشی در حوزه ردگیری تکلیف و مدیریت زمان بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دختر دارای اختلال نقص توجه - بیش‌فعالی
زینب عابدی، داوود تقوایی





چکیده مقالات هفتمین همایش بین‌المللی ارزیابی و تضمین کیفیت در نظام آموزشی با رویکرد مدرسه تراز سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

- ۱۳۹----- رابطه ابعاد سبک زندگی و شادکامی در دانش‌آموزان متوسطه
مریم عابدینی، نرگس غفارزاده
- ۱۴۰----- طراحی آزمایشگاه‌های آموزشی جانورشناسی در مدارس تراز برای آموزش مفاهیم پیچیده زیستی
وحیده سادات عباس نیا، فاطمه چاجی
- ۱۴۱----- واکاوی رابطه بین شخصیت فعال با رفتار کاری نوآورانه و نقش میانجی انگیزه درونی
زهرا عباسیان، محمد حسنی، ناصر شیربگی
- ۱۴۲----- نقش سبک رهبری اصیل بر بهبود پایدار مدارس از طریق فرهنگ نوآورانه و عملکرد نوآورانه
آرزو عباسی فرید
- ریاضی----- مقایسه اثربخشی روش کلاس درس معکوس و تدریس چهره‌به‌چهره بر یادگیری مفاهیم محیط زیست و
۱۴۳-----
سید مجید عبداللہی، علیرضا ایمانی، شهرام رضایی، سید حسین میرشفیعی
- ۱۴۴----- الگوی ساختاری رابطه ذهنیت فلسفی معلمان با عملکرد شغلی: نقش میانجی راهبردهای یادگیری
سید مجید عبداللہی، حدیث حسنونند، مهسا شمسی
- ۱۴۵----- اثربخشی آموزش الکترونیکی بر ارتقاء سواد زیست محیطی سلامت‌محور
سید مجید عبداللہی، اکبر قاضی، مهدیه رضایی، علی دلیری
- ۱۴۶----- مدیریت کلاس و تأثیر آن بر یادگیری دانش‌آموزان
فروزان عبداللہی میران
- ۱۴۷----- پرورش سوژه در مدرسه تراز
آتیہ عبدمولایی
- ۱۴۸----- الگوی اقتصاد مدرسه تراز با تأکید بر مشارکت اجتماعی و ظرفیت‌های بومی
مرجان عبدی، سید محمد عباس نیا
- ۱۴۹----- تأثیر آموزش حروف الفبای فارسی با داستان‌سرایی بر یادگیری و حافظه
آسیہ عبدی مینق، علی جعفری آذر، جاهد جعفریمند
- ۱۵۰----- شایسته‌گزینی در مدار تحول؛ بازآفرینی الگوی اجرایی منابع انسانی در مدارس تراز
مهدیه عزتی مهربانی
- ۱۵۱----- بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی بر عزت‌نفس و کم‌رویی دانش‌آموزان
آوات عزیزی
- ۱۵۲----- بررسی نقش نارسایی هیجانی، باورهای انگیزشی و خودناتوان‌سازی در تحصیل‌گریزی
مژگان عزیزی راد





چکیده مقالات هفتمین همایش بین‌المللی ارزیابی و تضمین کیفیت در نظام آموزشی با رویکرد مدرسه تراز سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

- بررسی مفاهیم و عوامل مؤثر بر ارتقای سلامت روان دانش‌آموزان با تأکید بر فناوری در مدارس و محیط‌های آموزشی-----۱۵۳
محسن عسکری
- رابطه ادراک عدالت در رفتار معلمان بر انگیزش تحصیلی و خودکارآمدی دانش‌آموزان-----۱۵۴
فریناز عسگری، فاطمه کیان، زهرا ابراهیم زاده، زینب ربانی
- نقش هوش فرهنگی معلمان بر مهارت‌های حل مسئله دانش‌آموزان-----۱۵۵
سودابه عضدالملکی
- روایت یک معلم از حضور یک دانش‌آموز بیش‌فعال در کلاس درس؛ رویکرد روایت پژوهی-----۱۵۶
مهدیه علی پور، مهدیه عباس زاده بزی
- جایگاه تعلیم و تربیت از منظر رهبر انقلاب اسلامی: تحلیل مبانی نظری و کاربردهای عملی-----۱۵۷
شهریار علی زاده، مرضیه جعفری، فاطمه براتی سده
- ایجاد فضای همدلانه در کلاس درس با توازن بین صمیمیت و جدیت-----۱۵۸
شهریار علی زاده، مرضیه جعفری، زهرا کریمی
- ادغام هوش مصنوعی در اقدام‌پژوهی: تحلیل چالش‌ها، فرصت‌ها و تأثیرات بر تجربه یادگیری معلمان و دانش‌آموزان (رویکردی نوین در آموزش مبتنی بر داده و بازخورد هوشمند)-----۱۵۹
شهریار علی زاده، مرضیه پرچمی برجوئی، فاطمه براتی سده
- مطالعه صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان دانش‌آموزان با اختلال طیف اتیسم در دوره ابتدایی: یک مطالعه پدیدارشناسی-----۱۶۰
عسگر علیمحمدی، مژگان فرهید
- بررسی چالش‌ها و راهکارهای اجرایی‌سازی مدرسه تراز در بستر آموزش و پرورش ایران-----۱۶۱
یگانه علی‌نژاد، کتایون گرمایی، بهاره صدراله
- طراحی نظام‌مند برنامه درسی مدرسه تراز مبتنی بر نیازهای قرن بیست‌ویکم-----۱۶۲
یگانه علی‌نژاد، کتایون گرمایی، بهاره صدراله
- مروری بر تأثیرات آموزش بازی محور بر انگیزش و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان-----۱۶۳
زهرا غلامی، نجمه خدادادی، مرضیه صادقی گوغری
- بررسی چگونگی تأثیر حلقه‌های مبانی بر توسعه حرفه‌ای معلمان و ارتقاء کیفیت آموزش-----۱۶۴
پروانه فتحعلی بیگی، معصومه السادات ابطی، حمیدرضا مقامی، رحیم مرادی
- نقش فلسفه در پرورش تفکر انتقادی-----۱۶۵
نگین فخار، فاطمه ستوده ثیان، زهرا اسمعیلی





چکیده مقالات هفتمین همایش بین‌المللی ارزیابی و تضمین کیفیت در نظام آموزشی با رویکرد مدرسه تراز سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

- ۱۶۶----- بررسی اثربخشی استفاده از دستیارهای هوشمند گفتاری (Voice AI) بر مشارکت و انگیزش دانش‌آموزان در کلاس درس
مجتبی فرامرزی
- ۱۶۷----- تحلیل یافته‌های پژوهشی درباره عوامل مؤثر بر تمرکز دانش‌آموزان ابتدایی
مهسا فرهادی
- ۱۶۸----- بررسی استفاده از فناوری‌های نو و هوش مصنوعی در مدارس: چالش‌ها و فرصت‌ها
فرنوش فروزی
- ۱۶۹----- بررسی ارتباط مدیریت مسیر شغلی با شایستگی شغلی معلمان
میثم فهمی جعفرقلی خانلو، علی خالق خواه، مهدی معینی کیا
- ۱۷۰----- بررسی رابطه توسعه حرفه‌ای معلمان با شایستگی شغلی آن‌ها
میثم فهمی جعفرقلی خانلو، ویدا فصاحتی
- طراحی فضاهای آموزشی ایمن، متنوع و هوشمند با رویکرد تلفیقی مهندسی عمران سازه و تربیت تمام‌ساحتی
۱۷۱-----
فرزان فهمی
- طراحی فضاهای سبز آموزشی با رویکرد مهندسی پایدار برای ارتقای سلامت روانی و تربیت تمام ساحتی در
۱۷۲-----
فرزان فهمی
- بررسی چالش‌های تعامل میان مدرسه و خانواده و تبیین اصول تعامل مطلوب در مدرسه تراز
۱۷۳-----
مینا فیاضی
- تبیین الگوی مناسبات رفتاری مبتنی بر کرامت قرآنی در مدرسه تراز: از خودآگاهی تا مسئولیت اجتماعی
۱۷۴-----
مریم قاسم احمد، پروین صولتی اصل، بهروز نظری بوژانی
- طراحی مدرسه تراز برای نظام آموزش و پرورش ایران
۱۷۵-----
طاهره قاسمی، محمد قاسمی
- بررسی رابطه شاداب سازی محیط با انگیزه تحصیلی و سلامت روان
۱۷۶-----
زینب قاسمی نژاد دهج، مریم سلیمی ترکمانی، مهسا پاشایی مرنی، زینب ربانی
- نقش شایستگی‌های دیجیتال در تربیت اجتماعی دانش‌آموزان ابتدایی و جایگاه آن در سند تحول
بنیادین
۱۷۷-----
فاطمه قدردان
- معماری مدارس ابتدایی با رویکرد افزایش خلاقیت دانش‌آموزان
۱۷۸-----
رضا قدردان قراملکی، زهرا قدردان قراملکی





چکیده مقالات هفتمین همایش بین‌المللی ارزیابی و تضمین کیفیت در نظام آموزشی با رویکرد مدرسه تراز سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

- ۱۷۹----- نقش انعطاف‌پذیری فضا بر ارتقا کیفیت آموزش در معماری مدرسه
رضا قدردان قراملکی، زهرا قدردان قراملکی
- فرا تحلیلی بر طراحی و اعتبارسنجی چارچوب سنجش شایستگی‌های پایه در دوره ابتدایی با تمرکز بر سواد خواندن، نوشتن، حساب کردن و مهارت‌های اجتماعی-عاطفی
۱۸۰-----
زهرا قدس، مبینا غفوری
- پیش‌بینی اهمال‌کاری بر اساس کمال‌گرایی، خودارجی و خودپنداره تحصیلی
۱۸۱-----
بهروز قلائی، خسرو رشید، افشین افضل‌ی، فاطمه مهدوی راد، زهرا نعیمی
- بررسی تحلیلی چالش‌ها و راهکارهای بهبود کیفیت آموزش در مدارس
۱۸۲-----
ناهید قندهاری علویجه، فاطمه شیبانی
- اثربخشی روش یادگیری معکوس بر فراگیری و علاقه دانش‌آموزان به درس عربی (نمونه موردی: دانش‌آموزان دختر دوره‌ی دوم متوسطه شهر داران)
۱۸۳-----
ناهید کاویانی دارانی، لطفعلی عابدی
- ارائه مدل ساختاری پیشرفت تحصیلی بر اساس سرزندگی تحصیلی، اشتیاق به مدرسه، احساس تعلق به مدرسه با میانجی‌گری خودپنداره تحصیلی در دانش‌آموزان
۱۸۴-----
میسره کرامتی، اعظم زارع میرک آباد
- شاداب سازی محیطی و ارتقای سلامت روان در مدارس
۱۸۵-----
میسره کرامتی، اعظم زارع میرک آباد
- تأثیر شاداب سازی محیطی و ارتقا سلامت روانی بهداشت و تغذیه در دانش‌آموزان ابتدایی
۱۸۶-----
شایان کرد، حمید لشکری، آرمان کرد، عمران دهانی، محمدرضا وکیلی
- مطالعه تجارب زیسته بزرگان اسلام و انقلاب، رویکردی برای تربیت دانش‌آموز تراز انقلاب اسلامی
۱۸۷-----
زهرا کرمی
- هنر متعهد، ابزاری برای تربیت اخلاقی دانش‌آموزان
۱۸۸-----
زهرا کرمی
- بررسی رابطه بین خودکارآمدی با بهزیستی تحصیلی دانش‌آموزان
۱۸۹-----
فائزه کمالی
- نقش آزمایشگاه مجازی در بهبود آموزش فیزیک
۱۹۰-----
احمد کمالیان‌فر، عباس نوری‌فیروزی، علی حاج‌علیزاده، علی اسماعیلی، میلاد حمید
- مطالعه تطبیقی مدل جذب و گزینش دانشجو معلم در کشورهای منتخب فرهنگی آیسسکو به منظور ارائه مدل مناسب برای کشور ایران
۱۹۱-----
نوراله کیانی، بدری شاه طالبی، محمدعلی نادی





کجیده مقالات هفتمین همایش بین‌المللی ارزیابی و تضمین کیفیت در نظام آموزشی با رویکرد مدرسه تراز سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

مدل یابی استفاده از آموزش آنلاین و عملکرد درسی دانش‌آموزان دوره اول متوسطه منطقه ۴ تهران با توجه به نقش میانجی قابلیت‌های نوآوری آموزشی و توانمندسازی دانش‌آموزان ----- ۱۹۲
رستا کیمیایی

بهبود عدالت آموزشی با هوش مصنوعی و راهکاری برای کاهش شکاف‌های آموزشی در ایران ----- ۱۹۳
محسن گلریز، مصطفی رجب‌زاده

بررسی رابطه شادابی سازی محیط با ارتقاء سلامت روانی در معلمان ----- ۱۹۴
محبوبه گلشن، حامد رضائی پور

بازاندیشی در معماری مدارس با رویکرد تربیت تمام‌ساختی الزامات طراحی و مواجهه با چالش‌های نوپدید ----- ۱۹۵
فاطمه گلشنی کلور

اثربخشی آموزش مدیریت خشم بر کارکردهای اجرایی، سازگاری تحصیلی و کفایت اجتماعی ----- ۱۹۶
لیلا گنجی، الهام فرزین

رابطه سبک مدیریتی مدیران با تعهد سازمانی و کارآمدی معلمان ابتدایی منطقه تبادلگان ----- ۱۹۷
رؤیا گولانی، مریم فانی دیسفانی، اکرم ملول

بررسی اهمیت و ضرورت پویایی و شادابی محیط آموزشی و رابطه آن با افزایش مشارکت تحصیلی دانش‌آموزان ----- ۱۹۸
حمیدرضا لشکری، اله نظر علی صوفی، محمد شاه‌زهی، محمدرضا روحی

چالش‌های هوشمندسازی مدارس و نقش آن در یادگیری سریع دانش‌آموزان ----- ۱۹۹
حمیدرضا لشکری، سجاد باقری، آریان یارمحمدزهی چاه بیدی

مدیریت مشارکتی و تصمیم‌گیری جمعی مبتنی بر پژوهش و تفکر انتقادی در آموزش و پرورش ----- ۲۰۰
حمیدرضا لشکری، اله نظر علی صوفی، علی حیدری، عرفان جلیلی نیا

مدرسه تراز اسلامی-ایرانی، مدلی برای پرورش انسان متعادل در تراز انقلاب اسلامی ----- ۲۰۱
حمیدرضا لشکری، میلاد کرد، یونس قربانی، محمدناصری

معماری مدرسه آینده‌نگر، همگرایی تربیت تمام‌ساختی با فناوری‌های نوین در طراحی فضاهای آموزشی ----- ۲۰۲
حمیدرضا لشکری، محمد محمد نژاد، شعیب ریگی بیداستری، طاه‌احمد زهی

هم‌آوایی خانه و مدرسه در تربیت ادبی: راهکارهای روان‌شناختی برای مشارکت والدین در فرایند یاددهی-یادگیری ادبیات فارسی و ارزیابی آن در مدرسه تراز ----- ۲۰۳
افسانه لطفی عظیمی، فریده محسنی هنجانی، فرزانه بنیان پور





چکیده مقالات هفتمین همایش بین‌المللی ارزیابی و تضمین کیفیت در نظام آموزشی با رویکرد مدرسه تراز سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

بررسی الگوهای ارزیابی جامع و تأثیر آن‌ها بر مهارت‌های اجتماعی و عاطفی دانش‌آموزان: مطالعه‌ای کیفی از تجربیات معلمان در مدارس تراز ----- ۲۰۴

هانیه مبصر، ثمین جولای مجیدی، شیوا خلیلی، فرشته رزاقی

تکنولوژی‌های کلیدی در مدارس هوشمند: از کلاس‌های دیجیتال تا یادگیری مبتنی بر داده ----- ۲۰۵
معصومه محسن نژاد

نقش تحلیل روان‌شناختی شخصیت‌های ادبیات کلاسیک فارسی در پرورش شایستگی‌های عاطفی-اجتماعی دانش‌آموزان (مطالعه موردی در چارچوب مدرسه تراز) ----- ۲۰۶
فریده محسنی هنجنی، افسانه لطفی عظیمی

نقش الگویی معلم به‌عنوان کنشگر اصلی در یادگیری درس فارسی دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه ----- ۲۰۷
فریده محسنی هنجنی

رابطه‌ی شادکامی با خودکارآمدی ----- ۲۰۸
حسین محقق، زهرا نبی‌ئی نوید، نازنین احمدی

طراحی مدل‌های تربیتی پژوهش‌محور در مدارس با تأکید بر ظرفیت‌های کتابخانه‌های نوین ----- ۲۰۹
مریم محمدعلی نژاد

الگوی کاوش مفهوم: رویکردی فعال در تدریس ریاضی ----- ۲۱۰
علیرضا محمدی

اثر بخشی آموزش راهبردهای نوین شناختی در چهارچوب (DOLA) بر بهبود تفکر انتقادی: یک مطالعه فراتحلیل ----- ۲۱۱
مسعود محمدی، سید داوود حسینی نسب، علی‌نقی اقدسی

سطوح یادگیری روش نوین یادگیری شناختی (DOLA) و نحوه پیاده‌سازی آن در مدارس ----- ۲۱۲
مسعود محمدی، سید داوود حسینی نسب، علی‌نقی اقدسی

مروری بر رویکردهای نوین مدیریت مدارس هوشمند مبتنی بر هوش مصنوعی و داده‌کاوی ----- ۲۱۳
فاطمه محمدی، احمد محمدی

مدیریت هوشمند مدارس با هوش مصنوعی: چالش‌ها، فرصت‌ها و روندهای آینده (مطالعه مروری) ----- ۲۱۴
فاطمه محمدی، احمد محمدی

طراحی الگوی تربیتی «تکامل» مبتنی بر بیانات مقام معظم رهبری با رویکرد کاربست در مدارس ----- ۲۱۵
مریم محمدی، اشکان رفعتی





چکیده مقالات هفتمین همایش بین‌المللی ارزیابی و تضمین کیفیت در نظام آموزشی با رویکرد مدرسه تراز سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

- ۲۱۶----- بررسی رابطه مدیریت مشارکتی و تصمیم‌گیری جمعی مبتنی بر پژوهش و کانون‌های تفکر با عملکرد کارکنان و معلمان مدارس استثنایی
فیروزه محمدی، سهیل انصاری پیری، زهرا نیکی
- ۲۱۷----- بررسی ارتباط بین سبک‌های یادگیری و نگرش‌های آموزشی دانش‌آموزان
محمد مهدی محمدی، محترم روحانی
- ۲۱۸----- مقایسه سیستم‌های آموزشی هوشمند مبتنی بر هوش مصنوعی
شهین محمدیان
- ۲۱۹----- واکاوی تجارب زیسته والدین دانش‌آموزان از چالش‌های فضای مجازی
عبدالباسط محمودپور، نورا گیلانی نژاد، لیلا بیرانوند
- ۲۲۰----- بررسی رابطه بین خودمتمایزسازی، تنظیم هیجان و حمایت اجتماعی ادراک‌شده با میزان تحمل پریشانی در میان دانش‌آموزان
عبدالباسط محمودپور، نورا گیلانی نژاد، لیلا بیرانوند
- ۲۲۱----- نقش فناوری کمک‌آموزشی در بهبود یادگیری مفاهیم ریاضی در دانش‌آموزان ناشنوا
مجید محمودی
- ۲۲۲----- پیش‌بینی اهمال‌کاری تحصیلی بر اساس اعتیاد به اینترنت و ناهماهنگی شناختی
عطاالله محمودی، محمد آزاد عبدالله‌پور
- ۲۲۳----- طراحی و پیاده‌سازی مدل جامع توانمندسازی معلمان مبتنی بر هوش مصنوعی با رویکرد تحول در فرایند یاددهی و یادگیری
مهران مداح
- ۲۲۴----- رابطه صمیمیت و خودانسجامی، والدین با امنیت روانی دانش‌آموزان
اشکان مدرس، جمال صادقی
- ۲۲۵----- رابطه خودانسجامی و بهزیستی روان‌شناختی والدین با امنیت روانی دانش‌آموزان
اشکان مدرس، جمال صادقی
- ۲۲۶----- بررسی رابطه بین سبک‌های والدگری و روابط معلم - دانش‌آموز با سواد هیجانی دانش‌آموزان دوره ابتدایی
هوشنگ مدملی‌خواه، محمدحسین محبی نورالدین‌وند
- ۲۲۷----- رابطه بین سبک‌های والدگری و شادکامی تحصیلی با سواد هیجانی دانش‌آموزان دوره ابتدایی
هوشنگ مدملی‌خواه، محمدحسین محبی نورالدین‌وند، راضیه شیروانی فیل آبادی
- ۲۲۸----- بهره‌مندی هوشمندانه از فناوری نوین
بهاره مرادی





چکیده مقالات هفتمین همایش بین‌المللی ارزیابی و تضمین کیفیت در نظام آموزشی با رویکرد مدرسه تراز سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

- ۲۲۹----- مدرسه تراز در اندیشه تربیتی صاحب‌نظران تعلیم و تربیت
بهنوش مرادی
- ۲۳۰----- مدیریت مشارکتی در مدرسه تراز با استفاده از پلتفرم‌های دیجیتال
راضیه مردی، حمیدرضا مقامی
- ۲۳۱----- مدرسه هوشمند و سلامت روان: نقش فناوری در شاداب سازی محیط تربیت
راضیه مردی
- ۲۳۲----- تحلیل همبستگی بین ادراک دانش‌آموزان از نقش الگویی معلم و هویت تحصیلی و اجتماعی آنان
فائزه مصداقی بهاری
- ۲۳۳----- بررسی تأثیر برنامه‌های درسی واگرا بر رشد متوازن دانش‌آموزان
مهدی مصطفایی، بهنام سلامی، مهدی عباس زاده
- ۲۳۴----- مروری بر پژوهش‌های مرتبط با گذار از ابتدایی به متوسطه
انسیه سادات مصطفوی، زهرا هاشمی
- ۲۳۵----- واکاوی پدیدارشناسانه فرسودگی تحصیلی دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه
انسیه سادات مصطفوی، حمیده یزدی، ملوک خادمی اشکدری
- ۲۳۶----- بررسی کاربرد هوش مصنوعی در یادگیری شخصی سازی شده
راحله مظاهری، شکبیا مظاهری
- تأثیر آموزش مثبت نگر بر بهبود نشاط تحصیلی، افزایش امید به زندگی و تقویت تاب‌آوری در دانش‌آموزان
۲۳۷----- دارای اضطراب اجتماعی
مرضیه معتوقی، فاطمه السادات احمدی حسینیان نژاد
- بررسی ضرورت‌ها، چالش‌ها و راهبردهای تربیتی در مدارس ابتدایی پسرانه: گامی به سوی ارتقاء کیفیت تربیت
دانش‌آموزان
۲۳۸-----
امیررضا مفیدی
- نقش شبکه‌های اجتماعی در هم‌آوایی خانواده و مدرسه
۲۳۹-----
حمیدرضا مقامی، راضیه مردی
- چالش و راهکارهای آموزگاران پیش‌دبستانی در آموزش کودکان با نیازهای ویژه
۲۴۰-----
راحیل مقدم دوست
- بررسی تأثیر راهبردهای توان‌بخشی در برنامه‌ریزی درسی دانش‌آموزان ابتدایی با اختلال طیف اتیسم
۲۴۱-----
عاطفه مقیمی اردکانی، نرگس میرزایی تشنیزی





چکیده مقالات هفتمین همایش بین‌المللی ارزیابی و تضمین کیفیت در نظام آموزشی با رویکرد مدرسه تراز سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

- ۲۴۲----- پیش‌بینی کیفیت تدریس بر اساس سبک‌های مدیریت کلاس و خودکارآمدی معلمان
اعظم منصوری نیک
- ۲۴۳----- بررسی مرجعیت و جایگاه اجتماعی معلم در شهرستان آبادان
مریم موزرمی، لیلا بهزادی کیا
- ۲۴۴----- چارچوب یکپارچه دوقلوهای دیجیتال و یادگیری عمیق تحولی در یادگیری ترکیبی
سمانه سادات موسویان، سمیرا حبیبی، سپیده نوروزی
- ۲۴۵----- بررسی جایگاه برنامه درسی پنهان در بهبود فرایند تعلیم و تربیت در مدارس تراز
سیده زهرا موسوی قیدار
- ۲۴۶----- ظرفیت فناوری‌های نوین یادگیری برای پذیرش تنوع فرهنگی میان دانش‌آموزان
مریم مولائی آرانی، مهدی مولائی آرانی
- ۲۴۷----- بررسی تأثیر معلمان بر فراهم کردن محیط آموزشی برابر و حمایت از دانش‌آموزان با نیازهای مختلف
مهدی مهدیخانلو
- ۲۴۸----- بررسی روش‌های ارزیابی عملکرد دانش‌آموزان در مدارس تراز
مهدی مهدیخانلو
- ۲۴۹----- بررسی استراتژی‌های مؤثر در ایجاد فرهنگ تصمیم‌گیری جمعی مبتنی بر تفکر انتقادی
مهدی مهدیون فرد
- ۲۵۰----- رابطه بین باورهای فراشناختی با عملکرد تحصیلی در دانش‌آموزان
فائزه میرزائی خرگوشکی
- ۲۵۱----- بررسی رابطه راهبردهای خودتنظیمی و پردازش هیجانی با یادگیری ریاضی در دانش‌آموزان
فائزه میرزائی خرگوشکی
- ۲۵۲----- معایب و مزایای هوشمندسازی مدارس در شهر بیرجند
آفرین میرشاهی
- الگویابی یا شخصی‌سازی: مقایسه مدل‌های انطباقی وب و مدل‌های دانش‌بنیان در آموزش مبتنی بر هوش مصنوعی
۲۵۳-----
ابراهیم مهرعلیان، مسعود جوروند خسروآبادی
- ۲۵۴----- تأثیرات اخلاقی چرخه‌ای استفاده از هوش مصنوعی در آموزش
ابراهیم مهرعلیان، روح‌الله مهرعلیان
- ۲۵۵----- تعیین چشم‌انداز و تدوین برنامه‌های راهبردی و عملیاتی مدرسه
امیرحسین میرشکار





چکیده مقالات هفتمین همایش بین‌المللی ارزیابی و تضمین کیفیت در نظام آموزشی با رویکرد مدرسه تراز سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

بررسی تأثیر محبوبیت معلم بر میزان یادگیری دانش‌آموزان (مورد مطالعه: مدارس دانشگاه صنعتی اصفهان)-----۲۵۶

سید حمیدرضا میرطاوسی، فاطمه ایزدی امین‌آبادی، اصغر تیموری جروکانی

رابطه نیازهای اساسی روان‌شناختی با هویت تحصیلی: نقش واسطه‌ای خودتنظیمی و جهت‌گیری هدفی-----۲۵۷

مهدی ناصرزعیف، الهه حجازی‌موغاری، ولی‌الله فرزاد

بررسی عوامل مؤثر در ایجاد انگیزه برای مشارکت دانش‌آموزان متوسطه در آموزش سایه-----۲۵۸
محمد مهدی نامی، ناصر کمالپور

یادگیری مبتنی بر بازی دیجیتال دانش‌آموز محور: نگرشی نوین در آموزش-----۲۵۹
محمد مهدی نامی، حمید هاشمی، مریم رشیدیان

بررسی جایگاه معلمان در شکل‌گیری رفتارهای قانونی در دانش‌آموزان-----۲۶۰
فائزه نجفی شهبازی

استفاده از متاورس در ارزیابی مسئولیت‌پذیری معلمان: طراحی محیط مجازی شبیه‌سازی کلاس درس-----۲۶۱
محمد مهدی نجفی شهرضا

نقش سبک‌های دل‌بستگی و سبک‌های اسنادی در پیش‌بینی اختلالات رفتاری برونی‌سازی شده با واسطه‌گری کارکردهای اجرایی در دانش‌آموزان-----۲۶۲
ناصر نصرالهی، حسن امین‌پور

عدالت آموزشی و تحول مدارس: راهکارهای گذار به مدارس تراز سند تحول بنیادین-----۲۶۳
بهروز نظری بوژانی، امیر نوری زاده، پروین صولتی اصل، مریم قاسم احمد

مقایسه سیستم‌های آموزشی هوشمند مبتنی بر هوش مصنوعی-----۲۶۴
علیرضا نظریان

واکاوی منابع توسعه و شکل‌گیری دانش فناورانه معلمان دوره ابتدایی با رویکرد پدیدارشناسی-----۲۶۵
علیرضا نظریان، صادق انوشا

هدایت تحصیلی هدفمند در مدرسه تراز: از شناخت استعدادها تا طراحی مسیرهای شغلی-----۲۶۶
قادر نعیمی

چالش‌ها و راهبردهای هوشمندسازی مدارس ابتدایی شهرستان لامرد-----۲۶۷
سمیه نگهداری، زهرا انصاری

تدوین الگوی گذر از کلاس سنتی به آموزش فناورانه جغرافیا: مطالعه‌ای به روش بنیادبخشی نظریه-----۲۶۸
فاطمه نورانی فر، ام‌البنین معمری، نازنین غفاری، آیدا غلامی مقدم، زهرا سادات فریمانه





چکیده مقالات هفتمین همایش بین‌المللی ارزیابی و تضمین کیفیت در نظام آموزشی با رویکرد مدرسه تراز سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

- ۲۶۹----- اهمیت توانایی استدلال و تحلیل دانش‌آموزان در مدرسه تراز
ریحانه نیکنام اسکویی، نرگس یافتیان
- ۲۷۰----- رابطه بین هوشمند سازی مدارس با پیشرفت تحصیلی و انگیزه یادگیری دانش‌آموزان
فریبا وفائی، حدیثه قورچیان، سحر رفیعی نوروژی، پربناز طهورثی اشتلق
- ۲۷۱----- کرامت، تعاون و عدالت در مناسبات رفتاری مدرسه
بتول هاتفی کیوانلو، مریم مجیدی فر
- ۲۷۲----- تحلیل محتوای کتاب‌های درسی مقطع ابتدایی از نظر میزان توجه به مهارت‌های تفکر خلاق
سوگند هاشم زاده
- ۲۷۳----- ارائه الگوی عوامل مؤثر بر اجتماع یادگیری حرفه‌ای معلمان
معصومه هرمزی‌نژاد، مجتبی جهانی‌فر، ماریا نصیری
- ۲۷۴----- رابطه مکانیزم‌های دفاعی و وابستگی به شبکه‌های اجتماعی با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان
علیرضا همایونی، فائزه میرزائی خرگوشکی
- ۲۷۵----- بررسی جایگاه و اهمیت استفاده از استراتژی‌های مدیریت کلاس درس در مدارس تراز
فرناز هیکلی، فاطمه سرداری، رؤیا مرادی، آذر عزیزی، مه‌ری جعفرخانی
- مطالعه تأثیر مدارس هوشمند بر توانمندی شناختی، خوش‌بینی علمی و راهبردهای یادگیری خودتنظیمی
دانش‌آموزان----- ۲۷۶-----
فهمه یاری، علیرضا همایونی، یوسف بهارلو، مهدی حاجی شمسایی، علی توکلی
- ۲۷۷----- ارائه مدل مفهومی برای مدرسه تراز: رویکردی نوین به آموزش فراگیر و پایدار
مجتبی یزدان پناه، سعیده نجم الدینی، اعظم شعبانی
- ۲۷۸----- نقش کتاب‌های مصور در پرورش خلاقیت
ابوالقاسم یعقوبی، حسین باجولوند، سید حسام موسوی، محمد عارف پیله ورپور
- ۲۷۹----- تأثیر آموزش احساسات با استفاده از انیمیشن بر تنظیم هیجان و مهارت‌های ارتباطی
ابوالقاسم یعقوبی، محمدرضا روشنائی، زهرا امیرآبادی
- عوامل مؤثر بر پذیرش فناوری‌های هوش مصنوعی توسط مشاوران مدارس در راستای پیشگیری از اختلالات
یادگیری----- ۲۸۰-----
ابوالقاسم یعقوبی، آرزو سماوات، حسین محقق
- ۲۸۱----- تأثیر بازی‌های آموزشی مبتنی بر واقعیت افزوده (AR) بر یادگیری خلاقانه در کودکان دبستانی
ابوالقاسم یعقوبی، آرزو سماوات، حسین محقق





چکیده مقالات هفتمین همایش بین‌المللی ارزیابی و تضمین کیفیت در نظام آموزشی با رویکرد مدرسه تراز سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

ارزیابی مدل انگیزش تحصیلی بر اساس خودتنظیمی تحصیلی و اشتیاق به مدرسه با میانجی‌گری فرسودگی تحصیلی----- ۲۸۲

ابوالقاسم یعقوبی، زهرا ورمزیار، زهرا الماسی

چالش‌های عدالت آموزشی مدارس ابتدایی کم‌برخوردار و راهکارهای ارتقاء کیفیت آموزشی: (مطالعه موردی مدرسه ابتدایی حر در منطقه ۸ تهران)----- ۲۸۳

صفیه یوسف صفری

Impact of Entrepreneurship on Digital Transformation in Schools----- 284

Rouhollah Givechi, Abbas Jafari

Investigating The Impact of AI-Assisted Learning on Critical Thinking in Educational Environments: A Systematic Literature Review----- 285

Mohammad Hossein Hashemi Arasi, Zahra Amani

The Anatomy of Critical Thinking in Iran's National Curriculum: A Phenomenological Perspective----- 286

Mohammad Hossein Hashemi Arasi, Fahimeh Yoozbashi

SHAD Application in ELT in Iranian High Schools: A Retrospective Study --- 287

Abutaleb Iranmehr, Hamidreza Ahmadi

Challenges and Strategies in Mixed-ability EFL Classrooms in Iran: Teacher Perspectives----- 288

Abutaleb Iranmehr, Zahra Rahimi

Predicting depressive symptoms in high school adolescents based on self-compassion and perfectionism----- 289

Nasrin Ganjei, Jalil Babapour Kheyraddin

The study and comparative evaluation of intelligent educational systems and the effectiveness of artificial intelligence-based learning platforms----- 290

Mehri Nodolaghi Kavanroudi, Jamileh Bozorgbashar, Zahra Mokhtari

Investigating the impact of job burnout on teachers as a role model and its impact on teachers' teaching style on students in society ----- 291

Zahra Parsaei Panah, Salar Karjalian

Social Status of Teachers: A Systematic Review----- 292

Vida Rahiminezhad

Family-School Collaboration: A systematic Review ----- 293

Vida Rahiminezhad, Mahdiah Sadat Faal Nazari

The Role of ChatGPT in Shaping Intelligent Educational Systems: A Short Review----- 294

Mohsen Saffar¹, Hojatollah Hamidi





رابطه هوش مصنوعی با روابط درون‌سازمانی معلمان دوره ابتدایی شهر دهدشت

مدینه احسان‌بخش^{۱*}

*۱. کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی، بهبهان، ایران / آموزگار آموزش و پرورش شهر دهدشت، ایران
Mahgerdi1352@gmail.com

چکیده

با گسترش کاربردهای هوش مصنوعی در آموزش و پرورش، این فناوری نه تنها فرآیندهای یاددهی-یادگیری را دگرگون کرده، بلکه تأثیرات عمیقی بر تعاملات میان معلمان و ساختار سازمانی مدارس می‌گذارد. هدف این پژوهش، بررسی رابطه هوش مصنوعی با روابط درون‌سازمانی معلمان دوره ابتدایی شهر دهدشت بود. این مطالعه از نوع توصیفی-همبستگی انجام شد؛ جامعه آماری شامل ۳۲۰ معلم ابتدایی بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای، ۱۷۵ نفر انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه هوش مصنوعی چن و همکاران (۲۰۲۲) و پرسشنامه روابط درون‌سازمانی تانگ و گائو (۲۰۱۲) جمع‌آوری شد. روایی ابزارها با استفاده از نظر کارشناسان و پایایی با ضریب آلفای کرونباخ تأیید شد و روش تحلیل داده‌ها شامل ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه بود. یافته‌ها نشان دادند بین هوش مصنوعی و روابط درون‌سازمانی معلمان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین، ابعاد هوش مصنوعی از جمله مدیریت هوش مصنوعی، تصمیم‌گیری مبتنی بر هوش مصنوعی و تجهیزات هوش مصنوعی به‌طور مجزا تأثیرگذار بر بهبود تعاملات میان معلمان شناسایی شدند. نتیجه‌گیری این مطالعه حاکی از آن است که استفاده از هوش مصنوعی می‌تواند با تسهیل ارتباطات الکترونیکی، افزایش هماهنگی و مشارکت، و بهینه‌سازی فرآیندهای مدیریتی به بهبود روابط درون‌سازمانی معلمان کمک کند. ادغام این فناوری در محیط‌های آموزشی می‌تواند زمینه‌ساز تغییرات سازمانی مثبت و ارتقای کارایی مدارس باشد.

واژه‌های کلیدی: هوش مصنوعی، روابط درون‌سازمانی، معلمان ابتدایی





مقایسه اثربخشی آموزش فرزندپروری مثبت و مدیریت استرس مبتنی بر ذهن‌آگاهی بر فرسودگی تحصیلی، خودکارآمدی و خوشبینی دانش‌آموزان

ابوالفضل احسانی*

* دکتری روان‌شناسی تربیتی، مدرس دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران a.ehsani84@yahoo.com

چکیده

زمینه این پژوهش به تأثیر آموزش فرزندپروری و مدیریت استرس مبتنی بر ذهن‌آگاهی بر سلامت روانی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان مربوط بود. هدف پژوهش مقایسه اثربخشی آموزش فرزندپروری مثبت و مدیریت استرس مبتنی بر ذهن‌آگاهی بر فرسودگی تحصیلی، خودکارآمدی و خوشبینی دانش‌آموزان انجام گرفت. پژوهش حاضر یک مطالعه نیمه‌آزمایشی بود. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان دوره ابتدایی سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ و والدین آن‌ها بود. نمونه پژوهش شامل ۴۵ آزمودنی بود که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شده و به‌طور تصادفی در سه گروه آزمایشی ۱ (۱۵ نفر)، آزمایشی ۲ (۱۵ نفر) و کنترل (۱۵ نفر) قرار گرفتند. گروه آزمایشی ۱ هشت جلسه تحت آموزش فرزندپروری مثبت بر اساس بسته آموزشی ساندرز (۱۹۹۳) و گروه آزمایشی ۲ هشت جلسه تحت آموزش کاهش استرس مبتنی بر ذهن‌آگاهی کابات زین (۱۹۷۰) قرار گرفتند. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه فرسودگی تحصیلی بر سو و همکاران (۱۹۹۷) و پرسشنامه خودکارآمدی شرر و همکاران (۱۹۸۲) استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها از تحلیل واریانس چندمتغیری استفاده شد. نتایج نشان داد که هر دو مداخله آموزشی تأثیر مثبتی بر کاهش فرسودگی تحصیلی و افزایش خودکارآمدی و خوشبینی دانش‌آموزان داشتند. این پژوهش بر اهمیت رویکردهای حمایتی و مهارت‌محور برای بهبود سلامت روان و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان تأکید کرد.

واژه‌های کلیدی: فرزندپروری مثبت، ذهن‌آگاهی، فرسودگی تحصیلی، خودکارآمدی.





ضرورت‌ها، چالش‌ها و راهبردهای مدیریت و راهبری تربیت در مدرسه تراز

ماهرخ احمدوند^۱

۱. کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی / مشاور مدرسه استان همدان، آموزش و پرورش، نهاوند، ایران
Ahmdvandmahrokh@gmail.com

چکیده

مدیریت و راهبری تربیت در مدارس تراز با چالش‌های متعددی روبرو است که نیازمند راهبردهای کارآمد برای تحقق اهداف تربیتی است. هدف از پژوهش حاضر تحلیل تجارب مدیران موفق از چالش‌ها، راهبردهای مدیریتی و رهبری الگوهایی موفق در پرورش ساحت‌های تربیتی بود. پژوهش کیفی و از نوع تحلیل داده بنیاد بود. جامعه آماری مدیران مدارس متوسطه اول شهرستان نهاوند در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ بودند. روش نمونه‌گیری از نوع هدفمند بود و ۱۲ نفر از مدیران شهر مورد مطالعه نیمه ساختاریافته قرار گرفتند. داده‌ها با استفاده از تحلیل محتوا تحلیل شدند. نتایج به شناسایی مضامین اصلی شامل رویکرد دموکراتیک ستاد (وزارت)، اشتراک‌پذیری، تشکل‌های راهبردی، چشم‌انداز مدرسه و چشم‌انداز دانش‌آموزی منجر شد. این یافته‌ها بر اهمیت بهبود رهبری در مدیریت و راهبری تربیت از طریق بهبود مدرسه و توانمندی یادگیری خود رهبر تأکید کردند.

واژه‌های کلیدی: مدیریت تربیت، مدرسه تراز، راهبردهای مدیریتی، تحلیل داده بنیاد، رهبری.





هم‌آوایی خانواده و مدرسه در تربیت

علیرضا احمدی فاخر*^۱، زهرا نصرتیان اهور^۲

*۱. کارشناسی ارشد برق قدرت، دانشگاه آزاد اسلامی / آموزش و پرورش، همدان، ایران Edisona91@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، دانشگاه پیام نور / آموزش و پرورش، همدان، ایران

Edisona90@yahoo.com

چکیده

تربیت کودکان و نوجوانان به‌عنوان یک فرآیند پیچیده و چندبعدی، نیازمند تعامل مؤثر میان نهاد خانواده و مدرسه است. هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر هم‌آوایی خانواده و مدرسه بر بهبود شاخص‌های تربیتی دانش‌آموزان، ازجمله موفقیت تحصیلی، مهارت‌های اجتماعی و اعتمادبه‌نفس بود. شیوه تحقیق توصیفی-تحلیلی با رویکرد آمیخته بود و داده‌ها از طریق تحلیل اسناد، پرسشنامه و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته گردآوری شدند. جامعه آماری شامل والدین و معلمان دوره ابتدایی در استان همدان، شهرستان رزن (سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲) بود و نمونه به‌صورت هدفمند انتخاب شد. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه محقق ساخته (مبتنی بر ادبیات نظری) و مصاحبه‌های هدایت‌شده استفاده شد. ابزارها از نظر روایی و پایایی مورد تأیید قرار گرفتند. نتایج نشان داد که هم‌آوایی و همکاری خانواده و مدرسه به افزایش موفقیت تحصیلی، تقویت مهارت‌های اجتماعی و بهبود اعتمادبه‌نفس در دانش‌آموزان منجر شد. این پژوهش بر اهمیت تقویت ارتباط و همکاری بین خانواده و مدرسه برای ارتقای شاخص‌های تربیتی دانش‌آموزان تأکید کرد.

واژه‌های کلیدی: هم‌آوایی خانواده، همکاری مدرسه، شاخص‌های تربیتی، دانش‌آموزان





بهره‌مندی هوشمندانه از فناوری‌های نوین در آموزش

نرگس ادیب*^۱، حامد عابدی^۲، کوثر امینی^۳

۱. کارشناسی ارشد ریاضی محض، دانشگاه صنعتی سهند تبریز / آموزش و پرورش، اهر، ایران n.adib88@yahoo.com
۲. کارشناسی ارشد مهندسی عمران، دانشگاه آزاد اسلامی تهران / آموزش و پرورش، اهر، ایران abedi.hamed.ce@gmail.com
۳. کارشناسی روان‌شناسی، دانشگاه زنجان / آموزش و پرورش، اهر، ایران n.adib88@yahoo.com

چکیده

فناوری‌های نوظهور مانند هوش مصنوعی و واقعیت مجازی، ظرفیت‌های جدیدی برای تحول نظام آموزشی فراهم آورده‌اند. این مطالعه با هدف بررسی تأثیر هوشمندسازی استفاده از فناوری‌های نوین بر فرآیند یاددهی-یادگیری در آموزش ابتدایی انجام شد. پژوهش کیفی با رویکرد تحلیل محتوا صورت گرفت. جامعه آماری شامل معلمان مقطع ابتدایی شهر تهران بود و ۱۰ شرکت‌کننده از طریق نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری داده، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته محقق ساخته بود که روایی آن توسط متخصصان تأیید شده بود، و داده‌ها از طریق تحلیل مضمونی تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد که استفاده از فناوری‌های نوین انگیزه و مشارکت دانش‌آموزان را افزایش داد و به یادگیری عمیق‌تر کمک کرد، همچنین فرآیند ارزشیابی را هوشمندتر و دقیق‌تر ساخت. با این حال، چالش‌هایی نظیر کمبود زیرساخت‌ها و آشنایی محدود معلمان با فناوری‌ها وجود داشت. این پژوهش بر پتانسیل بالای فناوری در آموزش تأکید کرد، اما لزوم رفع چالش‌های زیرساختی و توانمندسازی معلمان را برای تحقق کامل مدرسه هوشمند برجسته ساخت.

واژه‌های کلیدی: فناوری نوین، آموزش ابتدایی، یاددهی-یادگیری، هوش مصنوعی، ارزشیابی هوشمند.





نقش والدین در تقویت عزت‌نفس دانش‌آموزان مبتنی بر تئوری انتخاب

پیمان اربابیان^{۱*}، فاطمه عابدی^۲

۱. کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران dr.arbabian@gmail.com

۲. کارشناسی مشاوره دانشگاه معارف اصفهان، اصفهان، ایران fater.135.a@gmail.com

چکیده:

تأثیر سبک فرزندپروری والدین بر رشد روانی-اجتماعی نوجوانان به‌ویژه عزت‌نفس آن‌ها به‌عنوان چالشی مهم در نظام خانواده‌ها و مدارس مطرح شده است. این پژوهش با هدف شناسایی تأثیر سبک فرزندپروری والدین بر عزت‌نفس دانش‌آموزان متوسطه شهر اصفهان انجام شد. روش پژوهش کیفی و از نوع تحلیل مضمون بود که جامعه آماری آن شامل والدین دانش‌آموزان مقطع متوسطه اصفهان قرار داشت. با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند، ۵ نفر از والدین دارای تجربه مشارکت فعال در تربیت فرزند انتخاب شدند. داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه‌ساختارمند جمع‌آوری شدند و با استفاده از روش تحلیل مضمون گراون و لوندمن (۲۰۰۴) و مراحل شش‌گانه براون و کلارک (۲۰۰۶) تحلیل گردیدند. همچنین برای افزایش اعتبار یافته‌ها از روش‌های بررسی توسط مشارکت‌کنندگان، بازبینی همکار پژوهشی و استفاده از نقل‌قول‌های مستقیم استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که سبک‌های فرزندپروری مشارکتی و پردازشی تأثیر مثبتی بر افزایش عزت‌نفس نوجوانان داشته‌اند، درحالی‌که سبک‌های سخت‌گیرانه و بی‌تفاوتی نقش منفی در این زمینه ایفا کرده‌اند. این نتایج حاکی از آن است که آموزش والدگری مثبت می‌تواند به‌عنوان یک مداخله مؤثر در بهبود رشد شناختی و اجتماعی دانش‌آموزان عمل کند؛ بنابراین، طراحی برنامه‌های آموزشی مبتنی بر تئوری انتخاب برای والدین پیشنهاد می‌شود تا از طریق بهبود روش‌های فرزندپروری، شرایط محیطی مناسبی برای ارتقای عزت‌نفس نوجوانان فراهم شود.

واژه‌های کلیدی: سبک فرزندپروری، عزت‌نفس، والدین، دانش‌آموزان، تحلیل مضمون.





تأثیر سواد دیجیتال بر اضطراب ریاضی دانش‌آموزان

مریم آزادپور^{۱*}، زهرا علی محمدی^۲، مینا بشار^۳، فرنگیس آزادپور^۴

*۱. کارشناسی ارشد علوم تربیتی دانشگاه پیام نور تهران / آموزش و پرورش، خوزستان، ایران maryamazad061@yahoo.com

۲. کارشناسی عمران دانشگاه آزاد اسلامی دهلران / آموزش و پرورش، تهران، ایران alimohamadezahra6@gmail.com

۳. کارشناسی دینی عربی دانشگاه آزاد اسلامی دزفول / آموزش و پرورش، خوزستان، ایران minabashar1359@gmail.com

۴. کارشناسی ارشد روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی بروجرد / آموزش و پرورش، خوزستان، ایران

azadpwrfrngys@gmail.com

چکیده

اضطراب ریاضی یک مشکل گسترده برای تمام سنین در سراسر جهان است. لذا پژوهش حاضر با هدف تأثیر سواد دیجیتال بر اضطراب ریاضی انجام شد. طرح پژوهش از نوع نیمه تجربی و پیش‌آزمون پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان پسر دوره دوم ابتدایی مدارس شهرستان اندیمشک در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ بود. تعداد نمونه ۳۰ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و در دو گروه آزمایش (۱۵ نفر) و گروه کنترل (۱۵ نفر) به صورت مساوی انتخاب شدند. گروه مداخله (آزمایش) تحت آموزش سواد دیجیتال در ۸ جلسه‌ی ۴۵ دقیقه‌ای قرار گرفتند. ابزار پژوهش شامل الگوی سواد دیجیتال دانش‌گاه گاندی (۲۰۱۶) مبتنی بر چارچوب مهارت‌های سواد دیجیتال دانش‌گاه اوپن و پرسشنامه اضطراب ریاضی دانش‌آموزان، از مقیاس اضطراب ریاضی برای کودکان (mesc) چپو و هنری (۱۹۹۰) استفاده شد. روش تحلیل داده‌ها در دو بخش توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) و استنباطی (تحلیل کوواریانس - تک متغیره) صورت گرفت. یافته‌ها نشان داد، که میزان تأثیر مداخله آموزشی بین دو گروه در مؤلفه‌های سواد دیجیتال (درک تجربیات دیجیتال و همکاری و اشتراک دیجیتالی) و اضطراب ریاضی (اضطراب حل مسائل ریاضی) تفاوت معنی‌داری دیده شد و در کاهش اضطراب ریاضی دانش‌آموزان تأثیر دارد. در نتیجه بر اساس نتایج به دست آمده برای کاهش اضطراب ریاضی دانش‌آموزان گسترش سواد و مهارت‌های دیجیتالی لازم در مورد درس ریاضی، بسیار ضروری است.

واژه‌های کلیدی: تفکر محاسباتی، دانش‌آموزان ابتدایی، سواد دیجیتال.





**چکیده مقالات هفتمین همایش بین‌المللی ارزیابی و تضمین کیفیت در نظام آموزشی
با رویکرد مدرسه تراز سند تحول بنیادین آموزش و پرورش**

تدوین و آزمون مدل علی صلاحیت دیجیتال بر اساس سواد یادگیری مادام‌العمر با میانجی‌گری راهبردهای یادگیری خودتنظیمی آنلاین. در نمونه‌ای از معلمان کشور

ماه آزادیان بجنوردی^{۱*}، محمد وحیدی^۲

۱. * دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز / آموزش و پرورش، تهران، ایران mahazadian@gmail.com
۲. دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز / وزارت آموزش و پرورش، تهران، ایران.
mvahidi1348@gmail.com

چکیده

با نقش فزاینده فناوری‌های دیجیتال در نظام‌های آموزش، صلاحیت دیجیتال به مؤلفه‌ای کلیدی در توسعه حرفه‌ای معلمان تبدیل شده است. این مطالعه با هدف طراحی و آزمون یک مدل علی صلاحیت دیجیتال معلمان بر اساس سواد یادگیری مادام‌العمر، با نقش میانجی‌گری راهبردهای خودتنظیمی یادگیری آنلاین انجام شد. طرح پژوهش توصیفی-همبستگی با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) بود. جامعه آماری شامل کلیه معلمان مقاطع ابتدایی و متوسطه ایران در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ بودند که از میان آن‌ها نمونه‌ای شامل ۴۵۰ نفر با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای استاندارد شده شامل پرسشنامه صلاحیت دیجیتال معلمان زیمر و همکاران (۲۰۲۱)، مقیاس سواد یادگیری مادام‌العمر لی و تسای (۲۰۰۷) و پرسشنامه خودتنظیمی یادگیری آنلاین لای و همکاران (۲۰۲۱) استفاده شدند. داده‌ها با استفاده از تحلیل شدند. نتایج نشان داد که سواد یادگیری مادام‌العمر به‌طور معناداری با صلاحیت دیجیتال معلمان مرتبط بود و راهبردهای خودتنظیمی یادگیری آنلاین نقش میانجی‌گری در این رابطه داشتند. این یافته‌ها بر اهمیت توسعه مهارت‌های دیجیتال و خودتنظیمی در معلمان برای مواجهه با چالش‌های آموزشی مدرن تأکید کردند.

**واژه‌های کلیدی: صلاحیت دیجیتال، یادگیری مادام‌العمر، خودتنظیمی آنلاین، معلمان،
مدل‌سازی معادلات ساختاری.**





آزمون مدل مشغولیت تحصیلی بر اساس کیفیت زندگی در مدرسه با میانجی‌گری اضطراب در دختران مقطع ابتدایی دارای مشکلات رفتاری برونی‌سازی شده

ماه آزادیان بجنوردی^{۱*}، معصومه محبان^۲، شهلا ایمری^۲، زینب جراوی^۲،
ندا درویش خواه^۲، سکینه عبادی اصل^۲، مریم شولی پور^۲، شبنم شیرالی^۲، نصرت
نظرپور^۲، داوود شیاری^۲، زهرا سپهوند^۲

*. دکتري تخصصی روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز / آموزش و پرورش، تهران، ایران

mahazadian@gmail.com

۲. فرهنگی، آموزش و پرورش خوزستان

چکیده

مشکلات رفتاری برونی‌سازی شده در دانش‌آموزان می‌تواند منجر به افت تحصیلی و کاهش مشارکت در فرایند یادگیری شود. این مطالعه با هدف بررسی مدل مشغولیت تحصیلی بر اساس کیفیت زندگی در مدرسه با میانجی‌گری اضطراب در دانش‌آموزان دختر مقطع ابتدایی دارای مشکلات رفتاری انجام شد. پژوهش حاضر از نوع همبستگی و مبتنی بر مدلیابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری شامل دانش‌آموزان دختر پایه چهارم تا ششم شهرستان باوی در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ بود که از میان آن‌ها ۱۶۷ نفر به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه مشکلات رفتاری کودکان و نوجوانان کوای و پترسون (۱۹۹۲)، پرسشنامه کیفیت زندگی در مدرسه اینلی و بورک (۱۹۹۹)، پرسشنامه مشغولیت تحصیلی ریو و تسینگ (۲۰۱۱)، و مقیاس اضطراب کودکان اسپنس (۱۹۹۸) بودند. داده‌ها با استفاده از روش همبستگی و مدلیابی معادلات ساختاری تحلیل شدند. نتایج نشان داد که کیفیت زندگی در مدرسه رابطه مثبت و معناداری با مشغولیت تحصیلی دارد و اضطراب این رابطه را به صورت جزئی میانجی‌گری می‌کند. بهبود کیفیت زندگی در مدرسه و کاهش اضطراب می‌تواند به افزایش مشغولیت تحصیلی در این دانش‌آموزان منجر شود.

واژه‌های کلیدی: مشغولیت تحصیلی، کیفیت زندگی در مدرسه، اضطراب، مشکلات رفتاری
برونی‌سازی شده، دانش‌آموزان ابتدایی.





شاداب سازی محیطی و تأثیر آن بر سلامت روان با بهره‌گیری از نظریات بندورا و مدل سلامت روان کییز

امیرحسین اسپو^{۱*}، فاطمه السادات میرامینی^۲

۱. کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، آزاد اسلامی، بندرگز، ایران / آموزش و پرورش، بندرگز، ایران

amirhosseinaae@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، آزاد اسلامی، بندرگز، ایران Fatemeh.miramini@yahoo.com

چکیده

استراتژی‌های شاداب سازی به‌عنوان راهکارهای مؤثر در ترویج سلامت روان دانش‌آموزان و ایجاد محیط‌های یادگیری پویا مطرح شده‌اند، زیرا می‌توانند با کاهش استرس و افزایش مشارکت تحصیلی، به کیفیت آموزش بینجامند. این پژوهش با هدف تحلیل نقش استراتژی‌های شاداب سازی بر سلامت روان دانش‌آموزان در محیط‌های آموزشی انجام شد. روش پژوهش فراترکیب و کیفی-تحلیلی بود؛ جامعه آماری شامل منابع علمی مرتبط با کلیدواژه‌های «شاداب سازی»، «سلامت روان»، «مدرسه» و «بندورا» در پایگاه‌های داده داخلی (۱۳۹۳-۱۴۰۳) و خارجی (۲۰۱۴-۲۰۲۴) بود و نمونه‌گیری به‌صورت غیرتصادفی هدفمند انجام گرفت (n=48). مطالعه داده‌ها با استفاده از روش تحلیل محتوا و مدل پریزما استخراج و سنتس شدند، درحالی‌که ابزار چک‌لیست ۲۷گانه پریزما و نظریه شناخت اجتماعی بندورا (۱۹۸۶) به‌عنوان چارچوب تحلیلی مورد استفاده قرار گرفتند. داده‌ها با استفاده از تکنیک‌های کیفی تحلیل شدند. نتایج نشان داد که استراتژی‌های شاداب سازی مانند فعالیت‌های گروهی، تعاملات مثبت و طراحی محیط‌های آموزشی خلاقانه نقش برجسته‌ای در کاهش اضطراب، افزایش انگیزه و تقویت هویت دانش‌آموزان داشتند. همچنین، یافته‌ها ضرورت تلفیق این استراتژی‌ها با رویکردهای رفتاری-شناختی بندورا را در سیاست‌های آموزشی برجسته کردند. درنهایت، یافته‌ها اهمیت طراحی برنامه‌های شاداب سازی مبتنی بر مشارکت فعال دانش‌آموزان و معلمان در جهت تقویت سلامت روان و بهبود کیفیت آموزش را برجسته کردند.

واژه‌های کلیدی: استراتژی‌های شاداب سازی، سلامت روان، بندورا، محیط‌های آموزشی، روش فراترکیب





بررسی رابطه شاخص‌های فرهنگی. فرهنگ‌سازی استفاده از فضای مجازی و جلوگیری از بروز آسیب‌های احتمالی در مدارس ابتدایی

محمد اسد^۱، مرضیه قبادی پور^{۲*}

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی، دانشکده علوم انسانی، واحد میمه، دانشگاه آزاد اسلامی، میمه، ایران.

mohammad.asad.09130@gmail.com

۲. استادیار، گروه علوم تربیتی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

Marziehghobadipour@gmail.com

چکیده

استفاده از فضای مجازی توسط دانش‌آموزان نیازمند فرهنگ‌سازی و شاخص‌هایی برای تقویت رفتارهای مسئولانه و اخلاقی در این حوزه است. هدف این پژوهش شناسایی و تحلیل شاخص‌های فرهنگ‌سازی در استفاده از فضای مجازی به منظور ارتقای سواد دیجیتال و رفتارهای مسئولانه دانش‌آموزان بود. روش این مطالعه از نوع توصیفی-پیمایشی انجام شد؛ جامعه آماری شامل دانش‌آموزان مقطع متوسطه و خانواده‌های آنها بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی، گروهی از دانش‌آموزان و والدین انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه شاخص‌های فرهنگ‌سازی (باسیلی و کواوادرز، ۲۰۲۰) شامل دسترسی به آموزش‌های دیجیتال، امنیت اطلاعات، رفتارهای اخلاقی، تعادل در استفاده از فناوری و نظارت خانوادگی جمع‌آوری شد. روش تحلیل داده‌ها بر اساس تحلیل کیفی و کمی از طریق توصیف الگوها و روابط بین شاخص‌ها انجام گرفت. نتایج نشان دادند شاخص‌های مورد مطالعه به‌ویژه نظارت خانوادگی و آموزش سواد دیجیتال نقش کلیدی در تقویت رفتارهای مسئولانه و کاهش خطرات فضای مجازی دارند. همچنین، مشارکت در کمپین‌های اجتماعی و تعادل در استفاده از فناوری به افزایش آگاهی دانش‌آموزان منجر شدند. نتیجه‌گیری این مطالعه حاکی از آن است که توسعه شاخص‌های فرهنگ‌سازی می‌تواند با ایجاد ساختارهای آموزشی و خانوادگی مناسب، فضای مجازی را به محیطی امن و مسئولانه تبدیل کند. همکاری مدارس، خانواده‌ها و سازمان‌های اجتماعی ضروری است تا از این طریق جامعه‌ای مسئولانه در استفاده از فناوری‌های دیجیتال شکل گیرد.

واژه‌های کلیدی: سواد دیجیتال، رفتار مسئولانه، فرهنگ‌سازی، فضای مجازی، نظارت خانوادگی





بررسی تطبیقی نظریه‌های هویت‌محور با تأکید بر تأثیر آنها بر آموزش پژوهش‌محور و هویت اسلامی

زینت اسدی^{۱*}

*۱. کارشناسی ارشد علوم تربیتی - تکنولوژی آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب / سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی
آموزشی، تهران، ایران Zasadi5075@gmail.com

چکیده

با توجه به اهمیت نظریه‌های هویت در شکل‌دهی به رویکردهای آموزشی و تربیتی، ضرورت مقایسه و تحلیل این دیدگاه‌ها برای طراحی چارچوب‌های پژوهش‌محور اسلامی برجسته شده است؛ اما شواهد کمی درباره کاربرد عملی این نظریه‌ها در نظام‌های آموزشی اسلامی وجود دارد. هدف این پژوهش تحلیل تطبیقی نظریه‌های هویت در رابطه با آموزش پژوهش‌محور و هویت اسلامی بود. روش تحقیق کیفی با رویکرد تحلیل چارچوبی و استفاده از تطبیق تماتیک بر اساس پنج محور (منشأ هویت، نقش مدرسه، نقش معلم، ماهیت هویت، نسبت با پژوهش) انجام شد که در آن ۱۲ منبع معتبر شامل کتاب‌ها و مقالات فارسی و انگلیسی (۱۹۵۰-۲۰۲۳) انتخاب و با کدگذاری سیستماتیک تحلیل شدند. داده‌ها در قالب پنج مضمون و ۱۸ کد سازمان‌دهی شدند و یافته‌ها نشان دادند نظریه‌گیدنز با بیشترین تطابق با ویژگی‌های آموزش پژوهش‌محور، دیدگاه فوکو با تأکید بر نقد قدرت، و رویکرد اسلامی با محوریت اخلاق و تعقل، بیشترین پتانسیل را برای طراحی چارچوب‌های هویت‌ساز دارند. پژوهش تأکید کرد که تلفیق این نظریه‌ها با اصول ارزش‌محور اسلامی می‌تواند زمینه را برای توسعه مدل‌های بومی و معنوی آموزشی فراهم کند و نیاز به مطالعات تطبیقی بیشتری در سطح عملیاتی وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: نظریه‌های هویت، آموزش پژوهش‌محور، هویت اسلامی، چارچوب تطبیقی،
تحلیل تماتیک



بررسی نقش هوش مصنوعی در ارتقای مدیریت مدارس تراز شهر تهران

مریم اسماعیلی^{۱*}، علیرضا قنبری^۲، محدثه اسماعیلی^۳

۱. دکتری مدیریت آموزشی، گروه علوم تربیتی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

maryamesmaili72@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، گروه روان‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

Dr.alireza.tea@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی، گروه علوم تربیتی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

Esmaeili.mohaddeseh@yahoo.com

چکیده

با گسترش فناوری‌های هوشمند و نیاز مدارس تراز به مدیریت کارآمد، استفاده از هوش مصنوعی (AI) به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی در بهبود فرایندهای آموزشی و مدیریتی مطرح شده است؛ اما چارچوب‌های کاربردی متناسب با اهداف سند تحول بنیادین آموزش و پرورش کمتر موردتوجه قرار گرفته‌اند. هدف این پژوهش بررسی نقش هوش مصنوعی در ارتقای مدیریت مدارس تراز شهر تهران بود. روش تحقیق ترکیبی (کیفی-کمی) انجام شد که در بخش کیفی از روش نظریه داده‌بنیاد با رویکرد اشتراوس و کوربین (۱۹۹۸) استفاده شد؛ جامعه آماری شامل ۲۰ مدیر مدرسه تراز شهر تهران بود که از طریق نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند و داده‌ها با مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته جمع‌آوری شدند. در بخش کمی، جامعه آماری شامل ۴۵۰ مدیر مدرسه منطقه ۶ تهران بود که با استفاده از فرمول کوکران، ۲۹۱ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار پژوهش پرسشنامه محقق ساخته با ۶۸ گویه بود که چهار مؤلفه اصلی (مدیریت منابع انسانی، بهینه‌سازی فرایندهای اداری، شخصی‌سازی آموزش، پایش عملکرد دانش‌آموزان) را می‌سنجید و داده‌ها با روش‌های آماری توصیفی و تحلیلی (رگرسیون چندگانه) تحلیل شدند. یافته‌های کیفی نشان دادند هوش مصنوعی در شش بعد (عوامل علی، شرایط مداخله‌گر، مقوله محوری، بسترها، راهبردها، پیامدها) بر مدیریت مدارس تراز تأثیر دارد؛ همچنین یافته‌های کمی حاکی از آن بودند که هوش مصنوعی به‌طور معناداری کارایی مدیریت و رضایت ذینفعان را افزایش داده است. پژوهش چارچوبی برای ادغام هوش مصنوعی در مدیریت مدارس تراز ارائه کرد و تأکید کرد که رفع چالش‌های فناورانه و سازمانی ضروری است تا این فناوری بتواند به‌طور مؤثر در دستیابی به اهداف تحول‌آفرین نظام آموزشی کمک کند.

واژه‌های کلیدی: هوش مصنوعی در آموزش، مدیریت مدارس تراز، شخصی‌سازی آموزش، بهینه‌سازی فرایندهای مدرسه



طراحی الگوی رهبری توزیعی مبتنی بر تعالی سازمانی مدارس تراز

مریم اسماعیلی^{*۱}، علیرضا محمدی نژاد گنجی^۲،
مژگان عبدالهی^۳، پریسا ایران نژاد^۴، رمضان جهانیان^۵

۱. گروه علوم تربیتی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران Maryamesmaili72@yahoo.com

۲. گروه علوم تربیتی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران Aganji33@yahoo.com

۳. گروه علوم تربیتی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران Mabdollahi49@gmail.com

۴. گروه علوم تربیتی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران parisairannejad@yahoo.com

۵. گروه علوم تربیتی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران Ramezan.jahanian@gmail.com

چکیده

با توجه به اهمیت رهبری توزیعی و تعالی سازمانی در بهبود عملکرد مدارس، ضرورت طراحی الگوهای کاربردی برای مدیران مدارس تراز برجسته شده است؛ اما چارچوب‌های نظری و عملی این رابطه هنوز به‌خوبی توسعه نیافته است. هدف این پژوهش طراحی الگوی رهبری توزیعی مبتنی بر تعالی سازمانی در مدیران مدارس تراز شهرستان‌های استان تهران بود. روش تحقیق آمیخته (کیفی-کمی) با رویکرد اکتشافی انجام شد که در بخش کیفی از روش نظریه داده‌بنیاد با رویکرد اشتراوس و کوربین (۱۹۹۸) و در بخش کمی از مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شد. جامعه آماری کیفی شامل ۱۴ خبره در حوزه مدیریت آموزشی بود که با نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند و داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته جمع‌آوری شدند. در مرحله کمی، جامعه آماری شامل تمام مدیران مدارس تراز منطقه مورد مطالعه بود و داده‌ها با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته مبتنی بر مؤلفه‌های استخراج شده از فاز کیفی (روایی محتوایی تأییدشده و پایایی با آلفای کرونباخ ۰/۸۷) گردآوری و با روش‌های آماری تحلیلی (تحلیل عاملی و آزمون معناداری مسیر) تحلیل شدند. یافته‌ها مدلی چندبعدی را نشان دادند که در آن شرایط علی (مانند توانمندسازی حرفه‌ای)، بسترها (فرهنگ سازمانی دانش‌بنیان)، راهبردها (تفویض اختیار هدفمند) و پیامدها (ارتقای کیفیت آموزشی) به‌صورت تعاملی بر تعالی سازمانی تأثیر داشتند؛ همچنین تحلیل‌های کمی تأثیر معنادار مؤلفه‌های رهبری توزیعی بر پیامدهای سازمانی را تأیید کردند. پژوهش الگویی یکپارچه ارائه کرد که با تقویت اعتماد سازمانی، نوآوری و مشارکت جمعی، می‌تواند به تحول پایدار در مدارس تراز کمک کند و زمینه را برای تصمیم‌گیری‌های مبتنی بر شواهد فراهم آورد.

واژه‌های کلیدی: رهبری توزیعی، تعالی سازمانی، مدیران مدارس تراز، نظریه داده‌بنیاد





بررسی تأثیر مدارس هوشمند بر خلاقیت دانش‌آموزان

مهناز اسمعیلی

کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه پیام نور / آموزگار (نیروی آزاد آموزش و پرورش مشهد)
mahnazmaaily67@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر فناوری‌های هوشمندسازی مدارس (مدارس هوشمند) بر خلاقیت دانش‌آموزان بود. روش: روش پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه اجرا نیمه آزمایشی با استفاده از روش پیش‌آزمون-پس‌آزمون دوگروهی بود. جامعه آماری پژوهش دانش‌آموزان دبستان شهید رضا دهسنگی شهر مشهد بودند. بر اساس شرایط و طرح انتخاب شده در این پژوهش و همچنین امکانات اجرایی تعداد ۵۰ نفر از دانش‌آموزان با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای به‌عنوان افراد نمونه انتخاب شدند. معیارهای ورود افراد نمونه به پژوهش عبارت بودند از: ۱- رضایت والدین. ۲- تجانس فرهنگی کودکان آر لحاظ نوع آموزش‌های قبلی ۳- عدم وجود سابقه طلاق و جدایی در خانواده آن‌ها ۴- عدم ابتلا به اختلالات یادگیری و غیره. لازم به ذکر است که دانش‌آموزان در دو گروه به مدت یک‌ترم (یک گروه روش سنتی و دیگر گروه در مدارس هوشمند) آموزش دیده بودند. ابزار اندازه‌گیری آزمون خلاقیت تورنس بود که خلاقیت را در ۴ بعد، سیالی، انعطاف‌پذیری، ابتکار و بسط اندازه‌گیری می‌کند. روایی و پایایی آزمون هم در پژوهش‌های پیشین و هم در این پژوهش مورد تأیید قرار گرفت. یافته‌ها: نتایج نشان داد که هوشمندسازی مدارس بر خلاقیت دانش‌آموزان تأثیر مثبت و معناداری داشته است و بین نمرات خلاقیت دانش‌آموزان با احتساب متغیرهای کنترل و تعدیل نمرات پیش‌آزمون در دو گروه تفاوت معناداری وجود دارد. نتیجه‌گیری: لازم است برنامه‌ای جامع برای ورود فناوری اطلاعات به مدارس و هوشمندسازی آن‌ها در راستای ارتقا خلاقیت دانش‌آموزان تدوین و ارائه شود.

واژه‌های کلیدی: محیط آموزشی، مدرسه هوشمند، خلاقیت، عوامل فیزیکی، فناوری مدارس، عوامل محیطی





پیش‌بینی خوش‌بینی تحصیلی و اشتیاق به مدرسه بر اساس یادگیری الکترونیکی

سیده نفیسه افتخاریان^{۱*}، زینب ربانی^۲

۱. دانشجوی کارشناسی روان‌شناسی، دانشگاه الکترونیکی ایران، تهران، ایران nafas.ed@gmail.com

۲. استادیار گروه روان‌شناسی، دانشکده تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اسلامشهر، تهران، ایران

Zrabbani@iaau.ac.ir

چکیده

استفاده از ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی در آموزش به‌عنوان یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر مطرح شده است. این مطالعه با هدف بررسی رابطه بین یادگیری الکترونیکی و ابعاد خوش‌بینی تحصیلی و اشتیاق به مدرسه در دانش‌آموزان انجام شد. پژوهش حاضر از نوع توصیفی-همبستگی بود و جامعه آماری آن را دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه اول شهر فردیس کرج در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ تشکیل دادند. از میان این جامعه، ۱۰۰ دانش‌آموز به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه خوش‌بینی تحصیلی (Tschannen-Moran و همکاران، ۲۰۱۳)، مقیاس اشتیاق به مدرسه (Wang و همکاران، ۲۰۱۱) و پرسشنامه یادگیری الکترونیکی (Watkins و همکاران، ۲۰۰۴) بودند. داده‌ها با استفاده از روش همبستگی کانونی تحلیل شدند. نتایج نشان داد که بین یادگیری الکترونیکی و ابعاد خوش‌بینی تحصیلی و اشتیاق به مدرسه رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین، واریانس مشترک بین این متغیرها قابل توجه بود. این یافته‌ها حاکی از آن است که یادگیری الکترونیکی می‌تواند به‌عنوان یک عامل مؤثر در افزایش خوش‌بینی تحصیلی و اشتیاق به مدرسه دانش‌آموزان نقش داشته باشد.

واژه‌های کلیدی: خوش‌بینی تحصیلی، اشتیاق به مدرسه، یادگیری الکترونیکی، هوش مصنوعی، دانش‌آموزان.





نقش سواد ارزشیابی معلمان با عملکرد آن‌ها در نمره‌گذاری سؤالات

افشین افزلی*^۱، محمد عارف پیله ورپور^۲، حسین باجولوند^۳، سید حسام موسوی^۴

*۱. دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

afzali.afshin@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

m.pilehvarpour@eco.basu.ac.ir

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

hossein.bajolvand96@gmail.com

۴. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

s.mousavi@eco.basu.ac.ir

چکیده

این پژوهش به بررسی نقش سواد ارزشیابی معلمان در نمره‌گذاری سؤالات می‌پردازد. سواد ارزشیابی معلمان، که شامل دانش و مهارت در زمینه سنجش عملکرد دانش‌آموزان است، تأثیر مستقیمی بر کیفیت ارزشیابی و تصمیم‌گیری‌های آموزشی دارد. معلمان باسواد در این حوزه می‌توانند درک بهتری از نتایج آزمون‌ها داشته باشند و در طول فرایند یادگیری، تصمیمات اصلاحی مناسبی اتخاذ کنند. همچنین، برخورداری از سواد ارزشیابی بالا موجب افزایش دقت و عدالت در نمره‌گذاری و کاهش سوگیری‌های ذهنی می‌شود. این مطالعه با استفاده از روش مروری کتابخانه‌ای انجام شده است. پژوهش‌های معتبر داخلی و خارجی در زمینه سواد ارزشیابی معلمان و تأثیر آن بر نمره‌گذاری بررسی شده و یافته‌های آن‌ها تحلیل و مقایسه شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که سواد ارزشیابی معلمان عاملی کلیدی در افزایش دقت و پایداری نمره‌گذاری است. معلمان که از دانش کافی در این حوزه برخوردارند، قادرند توانایی‌های یادگیرندگان را به‌درستی ارزیابی کنند و از روش‌های متنوع و معتبر برای نمره‌گذاری استفاده نمایند. همچنین، پژوهش‌ها تأکید دارند که ارتقای سواد ارزشیابی معلمان از طریق آموزش‌های تخصصی می‌تواند منجر به بهبود کیفیت ارزشیابی، افزایش عدالت در نمره‌گذاری، و ارتقای عملکرد دانش‌آموزان شود. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که سواد ارزشیابی معلمان نقش اساسی در بهبود دقت و عدالت نمره‌گذاری دارد. معلمان که در این حوزه آموزش دیده‌اند، قادرند ارزیابی‌های معتبرتر و منصفانه‌تری انجام دهند؛ بنابراین، ارتقای سواد ارزشیابی می‌تواند گامی مؤثر در بهبود کیفیت آموزش و یادگیری باشد.

واژه‌های کلیدی: سواد ارزشیابی، نمره‌گذاری سؤالات، معلمان، دقت و پایداری





نقش برنامه درسی و تربیتی در تحقق تربیت تمام ساحتی و متوازن در مدرسه تراز سند تحول بنیادین

سینا آقاجانی دفرازی^{۱*}، حمید آقاجانی دفرازی^۲

۱. دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه پردیس امام علی (ع)، رشت، ایران sinaaghajani.work@gmail.com

۲. دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی - توسعه، دانشگاه علوم تحقیقات، تهران، ایران / آموزش و پرورش، رشت، ایران
hamid1350df@gmail.com

چکیده

توسعه برنامه‌های درسی متوازن و بومی‌سازی شده به‌عنوان ابزاری کلیدی برای تقویت هویت اسلامی-ایرانی دانش‌آموزان ضروری است؛ با این حال، نبود چارچوبی جامع از مؤلفه‌های کلیدی این برنامه‌ها در سند تحول بنیادین و سایر اسناد بالادستی چالش برانگیز بوده است. این مطالعه با هدف شناسایی مؤلفه‌های اصلی برنامه درسی مدرسه تراز در پیوند با ساحت‌های تربیتی اسلامی انجام شد. طرح پژوهش کیفی و مبتنی بر تحلیل محتوای اسنادی بود؛ جامعه آماری شامل اسناد بالادستی نظام آموزشی ایران (سند تحول بنیادین، برنامه درسی ملی، نقشه راه مدرسه تراز) و مقالات علمی داخلی و بین‌المللی در بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۳ بود که ۱۸ منبع به صورت هدفمند و براساس معیارهای پوشش ساحت‌های تربیتی، رویکرد بومی و هم‌سویی با مبانی اسلامی انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از تحلیل مفهومی و تطبیق مضامین اسناد و مقالات استخراج و دسته‌بندی شدند. نتایج نشان داد پنج مؤلفه اصلی شامل «تنوع فرصت‌های تربیتی»، «تربیت متوازن»، «بومی‌سازی محتوا»، «نقش‌آفرینی کنشگران تربیتی» و «نظام ارزشیابی کیفی» زمینه‌ساز تقویت هویت اسلامی-ایرانی دانش‌آموزان هستند و می‌توانند به‌عنوان چارچوبی برای بازطراحی برنامه‌های درسی مورد استفاده قرار گیرند. به‌طور کلی، هماهنگی بین مؤلفه‌های برنامه درسی و ارزش‌های فرهنگی-دینی ایران اسلامی ضروری است و نیازمند توجه به مشارکت معلمان، خانواده و جامعه در اجرای این الگو است.

واژه‌های کلیدی: برنامه درسی متوازن، مدرسه تراز، تربیت اسلامی، بومی‌سازی، ارزشیابی کیفی.





نقش فناوری سبز در خودتنظیمی تحصیلی با میانجی‌گری فناوری اطلاعات در مدارس سبز

نبی‌الله اکبرنتاج شوب*^۱، جمال صادقی^۲، مسعود کرشی^۳

۱. دانشیار، گروه آموزشی روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران akbarnataj@baboiau.ac.ir

۲. دانشیار، گروه آموزشی روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران jamalsadeghi48@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران ghalameayandeh@gmail.com

چکیده

با توجه به توسعه فناوری‌های سبز و نقش آن در نظام‌های آموزشی، شناسایی رابطه این فناوری‌ها با خودتنظیمی دانش‌آموزان به چالشی مهم در بهبود یادگیری پویا و پویا تبدیل شده است. این پژوهش با هدف بررسی تأثیر فناوری سبز بر خودتنظیمی دانش‌آموزان متوسطه دوم شهر آمل با میانجی‌گری فناوری اطلاعات انجام شد. روش پژوهش توصیفی-همبستگی از نوع معادلات ساختاری بود که جامعه آماری آن شامل ۸۰۰۰ دانش‌آموز متوسطه دوم آمل (سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳) قرار داشت. با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای دومرحله‌ای، ۳۶۰ نفر انتخاب شدند. داده‌ها با پرسشنامه‌های استاندارد شامل فناوری سبز (چن و همکاران، ۲۰۱۲)، فناوری اطلاعات (دیوس، ۱۹۸۹) و خودتنظیمی بوفارد (۱۹۹۵) جمع‌آوری شدند. تحلیل داده‌ها با روش‌های توصیفی (میانگین، انحراف استاندارد) و تحلیل عاملی تأییدی و معادلات ساختاری صورت گرفت. یافته‌ها نشان داد که فناوری سبز و فناوری اطلاعات به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر خودتنظیمی دانش‌آموزان تأثیر مثبتی دارند و فناوری اطلاعات نقش میانجی این رابطه را ایفا می‌کند. این نتایج حاکی از آن است که تلفیق فناوری‌های سبز و اطلاعات در محیط‌های یادگیری می‌تواند به تقویت مهارت‌های خودآموزی و انطباق با تغییرات آینده کمک کند؛ بنابراین، طراحی برنامه‌های درسی مبتنی بر فناوری‌های پویا و تقویت زیرساخت‌های دیجیتال به‌منظور افزایش خودکارآمدی دانش‌آموزان پیشنهاد می‌شود.

واژه‌های کلیدی: فناوری سبز، خودتنظیمی، فناوری اطلاعات، معادلات ساختاری.





بررسی تأثیر استفاده از ابزارهای آموزش هوشمند در افزایش علاقه به یادگیری

ابراهیم اکبری^{۱*}، محمدعلی کامکار^۲

۱. کارشناسی ارشد سنجش‌ازدور و سیستم اطلاعات جغرافیایی (Gis Rs)، فرهنگی وزارت آموزش و پرورش، ایران
e.akbari.2791@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد مدیریت ورزشی، فرهنگی وزارت آموزش و پرورش تبادکان مشهد، kamkar.1364@gmail.com

چکیده

در دنیای امروز که زندگی بشر با فناوری‌های جدید و نوظهور درهم آمیخته است، پرداختن به مسائل حوزه آموزش هوشمند ضروری به نظر می‌رسد. هدف این پژوهش بررسی تأثیر استفاده از ابزارهای نوین آموزش هوشمند در افزایش علاقه به یادگیری دانش‌آموزان پایه چهارم مدرسه صالح بود. روش تحقیق توصیفی بود و ابزارهای جمع‌آوری اطلاعات شامل مشاهده، پرسشگری، مصاحبه و بررسی نتایج امتحانی در بازه زمانی سه‌ماهه بود. جامعه آماری این پژوهش شامل ۲۳ دانش‌آموز پسر پایه چهارم دبستان صالح روستای کلاکوب منطقه تبادکان مشهد بود. کلاس مورد مطالعه مجهز به سیستم هوشمند (ویدئو پروژکتور) بود. نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد که آموزش هوشمند و استفاده از ابزارهای آن تأثیر قابل توجهی در افزایش خلاقیت و علاقه به جستجو و مطالعه جانبی در دانش‌آموزان داشت. همچنین، دانش‌آموزان تمایل بسیار بالایی به ادامه استفاده از این ابزارها داشتند و در مقایسه با روش‌های سنتی تدریس (استفاده از تخته سیاه و تدریس کلامی معلم)، رضایت بالایی از آموزش هوشمند ابراز کردند. این یافته‌ها نشان داد که آموزش هوشمند نقش بسیار زیادی در افزایش سطح سواد و یادگیری دانش‌آموزان دارد و به افزایش خلاقیت، مشارکت و تثبیت یادگیری عمیق در آن‌ها کمک می‌کند.

واژه‌های کلیدی: آموزش هوشمند، یادگیری، خلاقیت، دبستان صالح، مشهد





بررسی نقش عناصر طراحی فضاهای آموزشی (نور طبیعی، رنگ‌های آرام، فضای سبز) در کاهش استرس و اضطراب دانش‌آموزان مقطع ابتدایی

سورین الوندپور^۱، لیلا کلانتری^۲، فاطمه بهاری^۳، زینب ربانی^۴

۱. دانشجوی کارشناسی معماری، روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد الکترونیک، تهران ایران

sourin.alvandpour73@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد الکترونیک، تهران ایران Leilakalantari.ir@gmail.com

۳. کارشناسی ارشد مهندسی فناوری اطلاعات IT موسسه غیرانتفاعی پاسارگاد، شیراز، ایران / دانشجوی کارشناسی معماری،

Fatemeh.bahari1362@gmail.com دانشگاه آزاد اسلامی واحد الکترونیک، تهران ایران

۴. استادیار گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشکده تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اسلامشهر، تهران، ایران

Rabbany2007@gmail.com

چکیده

تأثیر محیط فیزیکی مدارس بر سلامت روان دانش‌آموزان به موضوعی مهم تبدیل شده است، اما بررسی جامع نقش عناصر طراحی محیطی خاص در کاهش استرس و اضطراب کودکان ابتدایی نیاز به پژوهش بیشتری دارد. این پژوهش با هدف بررسی نقش نور طبیعی، رنگ‌های آرام و فضای سبز در کاهش استرس و اضطراب دانش‌آموزان مقطع ابتدایی انجام شد. این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی بود. جامعه آماری شامل دانش‌آموزان ابتدایی شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ بودند. از میان آن‌ها، ۲۵۰ دانش‌آموز از طریق نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. ابزارهای جمع‌آوری داده‌ها شامل پرسشنامه‌های استاندارد استرس کودک (کوهن و همکاران، ۱۹۸۳) و اضطراب حالت-صفت (اسپیلبرگر، ۱۹۸۳) و چک‌لیست مشاهده محیطی برای ارزیابی نور، رنگ و فضای سبز بود. داده‌ها با استفاده از تحلیل رگرسیون چندگانه تحلیل شدند. نتایج نشان داد که وجود نور طبیعی کافی، استفاده از رنگ‌های آرام و دسترسی به فضاهای سبز در محیط‌های آموزشی به‌طور معناداری با کاهش سطوح استرس و اضطراب در دانش‌آموزان ابتدایی مرتبط بود. این یافته‌ها بر اهمیت طراحی محیط‌های آموزشی با در نظر گرفتن عناصر طبیعی و رنگی برای ارتقای سلامت روان دانش‌آموزان تأکید می‌کند.

واژه‌های کلیدی: نور طبیعی، رنگ‌های آرام، فضای سبز، استرس، اضطراب





بررسی رابطه شاداب سازی محیط مدرسه با هیجان تحصیلی دانش‌آموزان ایرانی

سورین الوندپور^۱، حسین قهرمانی^۲

۱. دانشجوی کارشناسی معماری، روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد الکترونیک، تهران ایران

sourin.alvandpour73@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد الکترونیک

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین شاداب سازی محیط مدرسه و هیجان تحصیلی دانش‌آموزان ایرانی انجام شده است. پژوهش حاضر از نوع توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری آن شامل دانش‌آموزان ابتدایی پایه سوم تا پنجم ابتدایی مدرسه شهید کئی در منطقه چهار تهران بود؛ که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای ۲۳۰ نفر از آنان انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها شامل: پرسشنامه محقق ساخته شاداب سازی محیط مدرسه (۱۴۰۳)، با سه مؤلفه فیزیکی، اجتماعی و آموزشی؛ و پرسشنامه هیجان تحصیلی پکران (۲۰۰۶) است. برای تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری همبستگی و رگرسیون استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که بین شاداب سازی محیط مدارس و هیجان تحصیلی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ($r=0.63$ ، $p>0.001$) و مؤلفه‌های نور، رنگ، فضای سبز و روابط مثبت معلم-دانش‌آموز بیشترین سهم را در پیش‌بینی هیجان تحصیلی دارند. مدل رگرسیون توانست ۵۵ درصد از واریانس هیجان تحصیلی را تبیین کند. این نتایج بر اهمیت طراحی محیط‌های آموزشی شاد، تعاملی و حمایتگر تأکید دارد. بر اساس یافته‌ها، می‌توان نتیجه گرفت که توجه به ابعاد فیزیکی و عاطفی مدرسه نقش مهمی در ارتقاء انگیزش و هیجانات تحصیلی ایفا می‌کند.

واژه‌های کلیدی: شاداب سازی مدرسه، هیجان تحصیلی، طراحی محیط آموزشی، تعامل معلم-دانش‌آموز، انگیزش یادگیری



ارزیابی صلاحیت حرفه‌ای در بهزیستی شغلی معلمان

حدیثه امینی^{۱*}، محمد هداوند میرزائی^۲، پروانه صفدریان^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران

Hadisehamini272@gmail.com

۲. کارشناسی روان‌شناسی عمومی، دانشگاه ادیبان، گرمسار، ایران Mohammad.mirzaei90@gmail.com

۳. استادیار، گروه آموزش ابتدایی دانشکده تخصصی مرکز آموزش عالی شهید بهشتی، دانشگاه فرهنگیان تهران، تهران، ایران
parimaah.s@gmail.com

چکیده

در سیستم آموزش و پرورش، توجه به صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان و ارتباط آن با بهزیستی شغلی اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا کیفیت آموزش مستلزم تربیت معلمان متخصص و متعهد است. این مطالعه با هدف بررسی تأثیر صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان بر بهزیستی شغلی آنان انجام شد. روش پژوهش به صورت مرور تلفیقی با جستجو در پایگاه‌های ISI، Magiran، SID و Google Scholar از سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۳ و ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۴ انجام گرفت؛ پس از غربالگری ۳۵۳ مقاله، ۳۴ مطالعه معتبر شامل ۲۷ مقاله، ۴ طرح پژوهشی و ۳ رساله دکتری وارد تحلیل شدند. داده‌ها با استفاده از روش تحلیل تماتیک (Thematic synthesis) و کدگذاری محتوا در چهار بعد دانشی، مهارتی، نگرشی/ارزشی و شخصیتی/اخلاقی مورد بررسی قرار گرفتند. یافته‌ها نشان داد که صلاحیت‌های حرفه‌ای مانند برنامه‌ریزی، مدیریت کلاس درس، انگیزش دانش‌آموزان و تعامل مؤثر با والدین نقش کلیدی در ارتقای بهزیستی شغلی معلمان دارند، همچنین، توسعه صلاحیت‌های شناختی و اخلاقی به عنوان مداخلات مؤثر در این زمینه شناسایی شدند. معلمان مانند خلاقیت، انعطاف‌پذیری و تعهد به یادگیری مادام‌العمر، بهزیستی شغلی را از طریق افزایش رضایت و کاهش استرس بهبود بخشید. نتایج این مطالعه برجسته کرد که تقویت صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان می‌تواند به عنوان یک عامل تعیین‌کننده در ارتقای کیفیت آموزش و پایداری نظام تربیتی عمل کند، لذا سیاست‌گذاران باید با اجرای برنامه‌های آموزشی مبتنی بر نیازهای روز و حمایت از توسعه حرفه‌ای معلمان، شرایط لازم برای بهزیستی شغلی آنان را فراهم کنند.

واژه‌های کلیدی: صلاحیت حرفه‌ای، بهزیستی شغلی، عملکرد معلم.



بررسی تأثیر روش نوین کلاس درس معکوس در نظام آموزش چند فرهنگی

درسا امامیاری آستانجین^۱، مریم یوسفیان^۲

۱. دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان، البرز، ایران dorsa.emamyari@gmail.com
۲. دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان، البرز، ایران maryamyousefian1490@gmail.com

چکیده

در دهه‌های اخیر، سیستم‌های آموزشی با چالش تنوع فرهنگی در کلاس‌های درس و نیاز به پاسخگویی به نیازهای متنوع دانش‌آموزان مواجه شده‌اند. در این زمینه، مدل کلاس معکوس، با بهره‌گیری از فناوری، فرصتی برای یادگیری فعال و عادلانه در محیط‌های چندفرهنگی فراهم می‌کند. این مطالعه با هدف بررسی تأثیر روش نوین کلاس معکوس در سیستم آموزش چندفرهنگی از طریق یک مرور سیستماتیک کیفی انجام شد. داده‌ها از مرور ۳۳ مقاله علمی فارسی و انگلیسی منتشر شده بین سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۲۳ جمع‌آوری شدند. این مقالات با استفاده از کلمات کلیدی مانند «کلاس معکوس»، «آموزش چندفرهنگی»، «تدریس» و «یادگیری» از پایگاه‌های داده‌ای شامل SID, Magiran, Noormags, Google Scholar, ScienceDirect, Springer, و Scopus انتخاب شدند. معیارهای انتخاب منابع شامل اعتبار علمی، همسویی با هدف پژوهش و انتشار در مجلات معتبر آکادمیک بود. جامعه پژوهش شامل مقالات تجربی، توصیفی و مروری مرتبط با هر دو حوزه یادگیری معکوس و آموزش چندفرهنگی بود. چارچوب PRISMA برای غربالگری و انتخاب مقالات استفاده شد. نتایج نشان داد که کلاس معکوس می‌تواند به بهبود مشارکت دانش‌آموزان، افزایش انعطاف‌پذیری در یادگیری و فراهم کردن فرصت‌های برابر برای دانش‌آموزان با پیشینه‌های فرهنگی مختلف کمک کند.

واژه‌های کلیدی: کلاس معکوس، آموزش چندفرهنگی، یادگیری فعال.





تحلیل نقش فناوری‌های نوین در بهبود فرآیند تدریس

مهدی المی^{۱*}

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران. Mahdialami233@gmail.com

چکیده

این پژوهش با هدف تحلیل نقش فناوری‌های نوین در بهبود فرآیند تدریس انجام شد. با توجه به تحولات سریع فناوری در عرصه آموزش، ضرورت بررسی تأثیر این ابزارها بر کیفیت تدریس و یادگیری احساس می‌شد. هدف اصلی تحقیق، بررسی تأثیر فناوری‌های نوین بر طراحی آموزشی، تعامل معلم و دانش‌آموز، ارزشیابی یادگیری و افزایش انگیزه و مشارکت دانش‌آموزان بود. روش پژوهش کیفی و توصیفی بود و از تحلیل محتوای منابع کتابخانه‌ای استفاده شد. جامعه آماری شامل مقالات و منابع علمی معتبر منتشرشده در پایگاه‌های داخلی و بین‌المللی بین سال‌های ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۴ بود. نمونه‌گیری به روش هدفمند انجام شد و ۱۱ منبع مرتبط انتخاب گردید. ابزار گردآوری داده‌ها فیش‌برداری از منابع بود و داده‌ها با روش تحلیل محتوای کیفی استقرایی تجزیه و تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد که فناوری‌های نوین مانند پلتفرم‌های آموزشی آنلاین و ابزارهای تعاملی، طراحی آموزشی را شخصی‌سازی کرده و تعامل معلم و دانش‌آموز را بهبود بخشیدند. همچنین، این فناوری‌ها ارزشیابی یادگیری را دقیق‌تر و انگیزه دانش‌آموزان را افزایش دادند. نتایج تحقیق بر ضرورت ادغام فناوری‌های نوین در فرآیند تدریس برای ارتقای کیفیت آموزشی تأکید کرد. برای دستیابی به نتایج مطلوب، توانمندسازی معلمان و توسعه زیرساخت‌های فناوری در مدارس پیشنهاد شد.

واژه‌های کلیدی: فناوری‌های نوین، فرآیند تدریس، تعامل معلم و دانش‌آموز، ارزشیابی یادگیری، انگیزه دانش‌آموزان.



تجربه زیسته معلمان تربیت‌بدنی: تحلیل کیفی چالش‌ها، ضرورت‌ها و راهبردهای مؤثر در محیط تربیتی مدارس دخترانه متوسطه دوم شهرستان لامرد

مرضیه باقرپور^۱

۱. کارشناسی ارشد تربیت‌بدنی گرایش فیزیولوژی ورزشی / آموزش و پرورش، فارس، ایران bagheri1372@gmail.com

چکیده

تربیت‌بدنی به‌عنوان یکی از ارکان اساسی برنامه درسی، نقش مهمی در رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان ایفا می‌کند و می‌تواند زمینه‌ساز ارتقای سلامت جسمی، روانی و اجتماعی آنان باشد. در مدارس دخترانه متوسطه دوم شهرستان لامرد، معلمان تربیت‌بدنی با چالش‌ها و ضرورت‌های متعددی در محیط‌های آموزشی مواجه بودند که بر کیفیت یاددهی-یادگیری تأثیرگذار بوده‌اند. این پژوهش با هدف تحلیل کیفی تجربه زیسته معلمان تربیت‌بدنی در رابطه با ضرورت‌ها، چالش‌ها و راهبردهای محیط تربیتی انجام شد. طرح پژوهش از نوع پدیدارشناسی بوده و جامعه آماری آن را معلمان تربیت‌بدنی مدارس دخترانه مقطع متوسطه دوم شهرستان لامرد در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ تشکیل دادند. نمونه‌گیری به روش هدفمند انجام شد و ۱۲ نفر از معلمان به‌عنوان مشارکت‌کننده انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه نیمه ساختاریافته بود و داده‌ها با استفاده از روش تحلیل مضمون بررسی شدند. نتایج نشان داد که کمبود تجهیزات، فضای نامناسب و انگیزه پایین دانش‌آموزان از مهم‌ترین چالش‌ها بوده‌اند. در مقابل، ضرورت‌هایی چون ارتقای سلامت، توسعه مهارت‌های حرکتی و اجتماعی و توجه به نیازهای روانی دانش‌آموزان مطرح شدند. راهبردهایی مانند تنوع محتوا، استفاده از روش‌های نوین و حمایت مدیریتی برای مقابله با چالش‌ها پیشنهاد گردید. یافته‌ها نشان دادند که چالش‌های ساختاری مانند کمبود تجهیزات و فضای نامناسب به‌طور مستقیم کیفیت آموزش تربیت‌بدنی را کاهش داده و انگیزه دانش‌آموزان را تحت تأثیر منفی قرار می‌دهد. همچنین، ضرورت‌های تربیتی همچون ارتقای سلامت جسمی و روانی، توسعه مهارت‌های حرکتی و اجتماعی، و توجه به ابعاد روانی دانش‌آموزان، اهمیت ویژه‌ای در بهبود فرآیند یاددهی-یادگیری دارند. معلمان با بهره‌گیری از راهبردهایی نظیر تنوع‌بخشی به محتوا، استفاده از روش‌های نوین تدریس و جلب حمایت مدیریت، توانسته‌اند بخشی از موانع را کاهش دهند. نتایج این پژوهش تأکید می‌کند که بهبود مستمر محیط تربیتی تربیت‌بدنی نیازمند توجه جدی به زیرساخت‌ها، ارتقای انگیزه دانش‌آموزان و تقویت حمایت‌های مدیریتی است؛ بنابراین، برنامه‌ریزی هدفمند و حمایت همه‌جانبه آموزش و پرورش، کلید اصلی تحقق کیفیت مطلوب در آموزش تربیت‌بدنی مدارس دخترانه محسوب می‌شود و با شناخت عمیق تجربه معلمان می‌توان راهکارهایی عملی برای بهبود محیط تربیتی تربیت‌بدنی ارائه داد. تحقق این راهکارها مستلزم برنامه‌ریزی هدفمند و حمایت همه‌جانبه از سوی مسئولان آموزش و پرورش است.

واژه‌های کلیدی: تربیت‌بدنی، تجربه زیسته، چالش‌های آموزشی، مدارس دخترانه، تحلیل کیفی، راهبردهای تربیتی

جایگاه والدین در مدرسه با نگاهی به تجربیات بین‌المللی

دریا بختیاری^{۱*}، امیر بخشنده^۲، ارمان فروتن^۳

۱. * دانشگاه آزاد اسلامی بابل. esmatbakhtiari59@gmail.com

۲. دکتری فیزیولوژی ورزش دانشگاه مازندران. aamirbakshandehh@gmail.com

۳. دکتری مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات. armaghanforoutan@gmail.com

چکیده

در نظام‌های آموزشی، مشارکت خانواده‌ها در فرآیند تعلیم و تربیت به‌عنوان عاملی کلیدی در بهبود یادگیری دانش‌آموزان و ارتقای تعاملات مثبت میان مدرسه و خانواده شناخته شده است، اما شکافی بین روش‌های معمول مشارکت و نیازهای واقعی وجود دارد. این مطالعه با هدف شناسایی جایگاه والدین و راهکارهای ارتقای تعامل خانواده-مدرسه در ایران انجام شد. روش پژوهش کیفی با رویکرد تطبیقی-تحلیلی بود؛ داده‌ها از طریق مطالعه اسنادی، مرور متون علمی و تجارب بین‌المللی گردآوری و با روش تحلیل محتوای کیفی استخراج الگوها و سیاست‌ها موردبررسی قرار گرفتند. مداخلات موردبررسی شامل برنامه‌های «آماده‌سازی» (بر اساس استراتژی‌های مشاوره سه‌جانبه و مشترک والد-مربی) و «بررسی خانواده» (با رویکرد بوم‌شناختی) بودند که به تقویت روابط، احترام به فرهنگ، و توسعه مهارت‌های اجتماعی-عاطفی کودکان می‌پرداختند. یافته‌ها نشان داد که برنامه‌های ساختارمند مانند آموزش والدین، تقویت تعاملات عمده و پاسخگو، و ادغام راهبردهای مبتنی بر شواهد می‌توانند بهبود قابل‌توجهی در همکاری خانواده-مدرسه و ایجاد محیط‌های امن یادگیری ایجاد کنند. همچنین، توجه به تنوع جمعیتی و استفاده از رویکردهای انعطاف‌پذیر در طراحی مداخلات به‌عنوان عوامل مؤثر در موفقیت این برنامه‌ها شناسایی شد. نتایج این مطالعه برجسته کرد که همکاری نظام‌مند میان مدارس، خانواده‌ها و سیاست‌گذاران می‌تواند به‌عنوان یک راهکار پایدار در بهبود کیفیت آموزش و تقویت روابط متقابل عمل کند؛ بنابراین، توسعه برنامه‌های آموزشی یکپارچه و توجه به زمینه‌های فرهنگی-اجتماعی در سطح ملی ضروری است.

واژه‌های کلیدی: مدرسه، خانواده، مشارکت خانواده، تعامل مدرسه-خانواده.

مطالعه پدیدارشناسی ترویج فرهنگ کتابخوانی در دانش‌آموزان

کاظمبرزگر بفرویی^{۱*}، بیتاسادات دهقانی^۲، فاطمه محمدی^۳، فاطمه کربلایی^۴

۱. دانشیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه یزد، یزد، ایران K.Barzegar@yazd.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه یزد، یزد، ایران dehghani.bitasadat@gmail.com

۳. کارشناسی علوم تربیتی، دانشگاه یزد، یزد، ایران mf3256780@gmail.com

۴. کارشناسی علوم تربیتی، دانشگاه یزد، یزد، ایران Fa.karbalaee@gmail.com

چکیده

فرهنگ مطالعه بستر مناسبی برای رشد شناختی، شکل‌گیری شخصیت و سواد فرهنگی فراهم می‌کند، اما ترویج این عادت ارزشمند در میان دانش‌آموزان با چالش‌هایی روبرو بوده که نیازمند بررسی و ارائه راه‌حل‌های اثربخش است. مطالعه حاضر با هدف بررسی پدیده ترویج فرهنگ مطالعه در میان دانش‌آموزان انجام شد. رویکرد پژوهش کیفی و روش آن پدیدارشناسی توصیفی بود. میدان پژوهش دانش‌آموزان مدارس ابتدایی شهر یزد بودند که به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. حجم نمونه ۶ نفر بود که بر اساس رسیدن به اشباع نظری تعیین شد. داده‌های پژوهش با استفاده از ابزار مصاحبه نیمه‌ساختاریافته جمع‌آوری و با روش تحلیل مضمونی (Thematic Analysis) تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد که عوامل متعددی از جمله نقش خانواده، مدرسه، معلمان، دسترسی به منابع، و برنامه‌های فرهنگی در ترویج فرهنگ مطالعه نقش دارند. همچنین، چالش‌هایی مانند کمبود زمان، عدم علاقه، و ضعف زیرساخت‌ها نیز شناسایی شدند. نتایج حاکی از آن بود که برای تقویت فرهنگ مطالعه نیاز به یک رویکرد جامع و همه‌جانبه با مشارکت تمامی ذینفعان است. این یافته‌ها می‌تواند به سیاست‌گذاران و مربیان در طراحی برنامه‌های مؤثر برای ترویج فرهنگ مطالعه در میان دانش‌آموزان کمک کند.

واژه‌های کلیدی: فرهنگ مطالعه، دانش‌آموزان، پدیدارشناسی، مصاحبه.

پیوندهای ناپیدا: تأثیر اضطراب والدین بر احساس تعلق دانش‌آموزان به مدرسه

سمیرا برزگر پیرانفر^{۱*}

۱. دانشجوی دکتری مشاوره، دانشگاه تهران مرکز، تهران، ایران sbpiranfar@gmail.com

چکیده

با توجه به نقش کلیدی خانواده در رشد اجتماعی و روانی کودکان، پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر اضطراب و استرس والدین بر احساس تعلق به مدرسه در میان دانش‌آموزان مقطع ابتدایی و متوسطه اول انجام شد. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان پایه چهارم تا هشتم مدارس دولتی شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ بود. از بین آن‌ها، ۳۰۰ دانش‌آموز و والدین آن‌ها به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه احساس تعلق به مدرسه گودنو (۱۹۹۳) و پرسشنامه اضطراب و استرس والدین لایباند و لایباند (۱۹۹۵) استفاده شد. داده‌ها با روش تحلیل همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه بررسی شدند و نتایج نشان داد بین سطوح بالای اضطراب و استرس والدین با کاهش معنادار احساس تعلق دانش‌آموزان به مدرسه رابطه منفی و معناداری وجود دارد. تحلیل رگرسیون نیز نشان داد که متغیر اضطراب والدین پیش‌بینی‌کننده قوی‌تری برای میزان تعلق دانش‌آموزان به مدرسه نسبت به استرس بود. یافته‌ها بیانگر اهمیت مداخلات روان‌شناختی برای والدین، به‌ویژه در حوزه مدیریت هیجانی و حمایت اجتماعی به‌منظور ارتقای احساس امنیت و تعلق در محیط مدرسه برای فرزندان است. این نتایج می‌تواند در طراحی سیاست‌های مدرسه‌محور خانواده‌گرا برای مدارس تراز مورد استفاده قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: احساس تعلق به مدرسه، اضطراب والدین، استرس والدین، سلامت روان
کودک، مدرسه تراز



نقش دانش‌آموزان مهاجر افغانستانی در تحقق مدرسه تراز: تأثیر حمایت اجتماعی ادراک‌شده و احساس تعلق به مدرسه

سمیرا برزگر پیرانفر*^۱، طیبه حقیقت‌خواه^۲

۱. دانشجوی دکتری مشاوره، دانشگاه آزاد، تهران، ایران sbpiranfar@gmail.com

۲. مشاور و مدرس موسسه بامداد امید صبا. haghghatkah@gmail.com

چکیده

با توجه به افزایش جمعیت دانش‌آموزان مهاجر افغانستانی در ایران، بررسی عوامل مؤثر بر اثربخشی سازمانی مدارس ضروری به نظر می‌رسد. این پژوهش با هدف تحلیل رابطه حمایت اجتماعی ادراک‌شده و احساس تعلق با اثربخشی مدرسه در بین دانش‌آموزان افغانستانی انجام شد. مطالعه از نوع توصیفی-همبستگی بود و جامعه آماری آن را کلیه دانش‌آموزان افغانستانی مقاطع متوسطه دوم تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ تشکیل دادند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران با خطای ۵٪ و سطح اطمینان ۹۵٪، ۳۵۰ نفر برآورد شد که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی از ۵ منطقه آموزشی تهران انتخاب شدند. داده‌ها با سه ابزار پرسشنامه حمایت اجتماعی ادراک‌شده ساخته زیمت و همکاران (۱۹۸۸)، مقیاس احساس تعلق به مدرسه ساخته گودنو (۱۹۹۳) و پرسشنامه اثربخشی سازمان مدرسه مبتنی بر مدل هریسون (۲۰۰۲) جمع‌آوری شده و با روش‌های همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی ساده تحلیل شدند. نتایج نشان داد حمایت اجتماعی ادراک‌شده و احساس تعلق رابطه مثبت و معناداری با اثربخشی مدرسه داشتند. همچنین، بهبود کیفیت آموزشی و عدالت سنجیده شده با مؤلفه‌های فرآیندهای یادگیری و فرهنگ سازمانی در پرسشنامه هریسون، تحت تأثیر برنامه‌های چندفرهنگی مدارس قرار داشت. این یافته با تحلیل رگرسیون و شناسایی ضریب تأثیر معنادار برای مؤلفه محیط چندفرهنگی تأیید شد. پژوهش نشان داد که حمایت اجتماعی ادراک‌شده و احساس تعلق دانش‌آموزان مهاجر نقش مهمی در افزایش اثربخشی سازمانی مدارس دارند. همچنین، ایجاد و تقویت محیط‌های چندفرهنگی می‌تواند به بهبود کیفیت آموزشی و تحقق عدالت در مدارس منجر شود. این عوامل روان‌شناختی و ساختاری به صورت هم‌افزا، زمینه‌ساز ارتقای عملکرد مدارس با جمعیت متنوع هستند؛ بنابراین، سیاست‌گذاران آموزشی باید برنامه‌های چندجانبه‌ای طراحی کنند که به حمایت اجتماعی، تقویت حس تعلق و ایجاد فرهنگ چندفرهنگی توجه ویژه داشته باشند. درنهایت، چنین رویکردی می‌تواند مدارس را به سمت دستیابی به شاخص‌های مدرسه تراز و ارتقای سطح کیفی آموزش برای دانش‌آموزان مهاجر هدایت کند.

واژه‌های کلیدی: دانش‌آموزان مهاجر، حمایت اجتماعی ادراک‌شده، اثربخشی مدارس، احساس تعلق به مدرسه





بررسی نقش توانایی‌های فناورانه معلمان در شکل‌دهی یادگیری با پردازش ذهنی درونی و بیرونی دانش‌آموزان

زهره برین^{۱*}، دانیال اسماعیلی^۲

۱. کارشناسی معماری، موسسه آموزش عالی اترک، قوچان، ایران، mim.zb4321@gmail.com

۲. دکتری مهندسی کامپیوتر، مهندسی فناوری اطلاعات، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران، D.Server13@gmail.com

چکیده

امروزه، استفاده گسترده از فناوری‌های نوین در آموزش، کیفیت یادگیری را به‌طور چشمگیری افزایش داده و به یکی از اجزای کلیدی نظام‌های آموزشی تبدیل شده است. این مطالعه با هدف بررسی نقش توانایی‌های فناورانه معلمان در شکل‌دهی یادگیری از طریق پردازش ذهنی درونی و بیرونی دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایی در مدارس مشهد انجام شد. پژوهش حاضر از روش توصیفی-همبستگی مبتنی بر مدل‌سازی معادله ساختاری استفاده کرد. جامعه آماری شامل تمامی دانش‌آموزان پایه ششم منطقه ۱ مشهد در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ بود. با استفاده از فرمول کوکران، حجم نمونه ۳۸۵ دانش‌آموز تعیین شد و از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده گردید؛ در نهایت، ۳۲۴ پرسشنامه معتبر برای تحلیل آماری انتخاب شد. ابزار جمع‌آوری داده‌ها شامل پرسشنامه بار پردازش ذهنی کلپش و همکاران (۲۰۱۷) بود. یافته‌ها نشان داد که توانایی‌های فناورانه معلمان تأثیر معناداری بر بار شناختی درونی و بیرونی دانش‌آموزان و در نتیجه بر کیفیت یادگیری آن‌ها داشت. این نتایج بر اهمیت ارتقای مهارت‌های فناورانه معلمان برای بهینه‌سازی فرآیندهای یادگیری تأکید کرد.

واژه‌های کلیدی: توانایی فناورانه، بار شناختی، یادگیری، معلمان، دانش‌آموزان





بررسی نقش شیوه‌های تربیتی والدین و توانمندی‌های ارتباطی معلمان در سطح ابعاد چندوجهی استعداد دانش‌آموزان

زهره برین^{۱*}، دانیال اسماعیلی^۲

۱. کارشناسی معماری، موسسه آموزش عالی اترک، قوچان، ایران، mim.zb4321@gmail.com

۲. دکتری مهندسی کامپیوتر، مهندسی فناوری اطلاعات، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران، D.Server13@gmail.com

چکیده

توجه به استعداد‌های چندوجهی دانش‌آموزان و نقش عوامل محیطی در شکوفایی آن‌ها به یکی از چالش‌های کلیدی نظام‌های آموزشی تبدیل شده است. این پژوهش با هدف بررسی تأثیر شیوه‌های تربیتی والدین و توانمندی‌های ارتباطی معلمان بر سطح ابعاد چندوجهی استعداد دانش‌آموزان متوسطه اول طرح شهاب انجام شد. روش تحقیق توصیفی-همبستگی بود که جامعه آماری آن شامل ۱۱۵۰ نفر از والدین دانش‌آموزان پایه هفتم و ۲۴۸ نفر از معلمان مدارس مشهد بود. نمونه‌ای به حجم ۱۸۳ نفر از هر گروه با روش‌های تصادفی هدفمند (برای والدین) و ساده (برای معلمان) انتخاب شد. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه‌های استاندارد سنجش هوش‌های چندگانه گاردنر (۲۰۰۱)، شیوه‌های فرزندپروری بامریند (۱۹۷۲) و مهارت‌های ارتباطی کوئین دام (۲۰۰۴) جمع‌آوری و با روش تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام موردبررسی قرار گرفت. یافته‌ها نشان دادند که شیوه تربیتی اقتدار منطقی والدین و مهارت‌های ارتباطی معلمان مانند کنترل عاطفی، گوش دادن فعال و بینش نسبت به فرآیند ارتباط، پیش‌بینی‌کننده معناداری برای تمامی ابعاد استعداد دانش‌آموزان هستند. همچنین مشخص شد که شیوه‌های سهل‌گیرانه و استبدادی ممکن است تأثیرات منفی قابل‌توجهی بر برخی از این ابعاد داشته باشند. درنهایت، ضرورت تلفیق شیوه‌های تربیتی تعادلی و مهارت‌های ارتباطی مؤثر معلمان به‌منظور ایجاد محیطی حمایتی برای شکوفایی استعداد‌های دانش‌آموزان مورد تأکید قرار گرفت.

واژه‌های کلیدی: شیوه تربیتی، توانمندی ارتباطی، استعداد چندوجهی، هوش چندگانه، نظام آموزشی.





تحلیل تأثیر آموزش مهارت‌های خودآگاهی و خودکنترلی بر رفتارهای اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان ابتدایی. کاربردهایی در مدیریت رفتار سازمانی و بازاریابی آموزشی

زهرا بومغینمی^{۱*}، محمدرضا بومغینمی^۲

۱. نویسنده مسئول، دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی - پیش‌دبستانی و دبستان، دانشگاه امیرالمؤمنین (ع) اهواز، اهواز، ایران.
ahwaz.ahvaz.1377@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی - بازاریابی، مرکز وزون، دانشگاه پیام نور اصفهان، اصفهان، ایران.

چکیده

اهمیت رفتارهای اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، لزوم بررسی عوامل مؤثر بر آن‌ها را نشان می‌داد. این مطالعه با هدف بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های خودآگاهی و خودکنترلی بر رفتارهای اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان ابتدایی انجام شد. روش پژوهش کیفی و مبتنی بر مطالعه مروری (مطالعه کتابخانه‌ای) بود که در آن ۱۲ مقاله معتبر در پنج سال اخیر تحلیل شدند. جامعه آماری شامل مقالات منتشر شده در زمینه آموزش مهارت‌های خودآگاهی و خودکنترلی بود و نمونه‌گیری به صورت هدفمند انجام شد. ابزارهای پژوهش شامل تحلیل محتوا و ارزیابی اعتبار با استفاده از معیارهای کوبا و لینکلن بود. یافته‌ها نشان دادند که آموزش این مهارت‌ها منجر به بهبود رفتارهای اجتماعی، کاهش رفتارهای نامطلوب مانند پرخاشگری و بی‌توجهی تحصیلی، و افزایش تعاملات مثبت در محیط مدرسه شد. همچنین، دانش‌آموزان توانایی بیشتری در مدیریت هیجانات و تصمیم‌گیری هوشمندانه از خود نشان دادند. در نتیجه، توسعه این مهارت‌ها در مدارس می‌تواند به پرورش شهروندانی مسئولیت‌پذیر و با مهارت‌های اجتماعی بالا کمک کند.

واژه‌های کلیدی: خودآگاهی، خودکنترلی، رفتارهای اجتماعی، پیشرفت تحصیلی





طراحی مدل مفهومی مدرسه تراز

معصومه بهاری^{۱*}، زهره بیات^۲

۱. کارشناسی ارشد علوم تربیتی گرایش تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش / آموزگار آموزش و پرورش ناحیه دو اراک، اراک، ایران
masomehbahari4@gmail.com

۲. کارشناسی زبان انگلیسی / آموزگار آموزش و پرورش ناحیه دو اراک، اراک، ایران.
zohreh.bayat.20192@gmail.com

چکیده

نیاز به مدل‌های جامع و بومی از «مدرسه تراز» که بتوانند اهداف آموزشی، تربیتی و اجتماعی را در قالبی منسجم و پویا فراموش نکنند، یکی از چالش‌های مهم سیاست‌گذاران و متخصصان آموزشی است؛ با این حال، تلفیق مؤلفه‌های کلیدی این مدل با اسناد بالادستی و دیدگاه‌های نظری موردنظر در داخل و خارج از کشور همواره با کمبودها و شکاف‌هایی همراه بوده است. این مطالعه با هدف طراحی مدل مفهومی «مدرسه تراز» برای ارتقای فرآیندهای آموزشی، تربیتی و اجتماعی در مدارس ابتدایی ایران اسلامی انجام شد. این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی با رویکرد کیفی بود؛ جامعه آماری شامل اسناد بالادستی نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران، منابع کتابخانه‌ای داخلی و خارجی، و مقالات علمی مرتبط با نظام‌های آموزشی جهانی بود که نمونه‌ها به صورت هدفمند و بر اساس معیارهایی چون ارتباط با موضوع، اعتبار علمی و تناسب با رویکردهای اسلامی-ایرانی انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از تحلیل محتوای کیفی، طبقه‌بندی مؤلفه‌ها و روش تحلیل مضمون استخراج و ساختاردهی شدند. نتایج نشان داد مدل مفهومی «مدرسه تراز» شامل شش مؤلفه کلیدی است: هویت اسلامی-ایرانی، برنامه درسی متوازن، رهبری و مدیریت مشارکتی، محیط یاددهی-یادگیری اثربخش، تعامل خانواده و مدرسه، و نظام ارزشیابی کیفی، که در تعامل با یکدیگر چارچوبی منسجم از مدرسه تراز را فراهم می‌کنند. به‌طور کلی، این مدل می‌تواند زمینه‌ساز توسعه مدارس کارآمد و تأثیرگذار در نظام آموزشی ایران باشد که نیازمند حمایت‌های سیستمی و هماهنگی بین تمامی ذی‌نفعان است.

واژه‌های کلیدی: مدرسه تراز، تحلیل مضمون، برنامه درسی متوازن، مدیریت مشارکتی، ارزشیابی کیفی.





ارزیابی وفاداری سازمانی و مؤلفه‌های آن در معلمان مدارس ابتدایی

سوسن بهرامی^{۱*}، محمدناصر شریفزاده^۲

۱. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه قم، قم، ایران Bahrami837@gmail.com
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم، ایران
m.naser.sh.1991@gmail.com

چکیده

تعهد سازمانی به‌عنوان یک عامل کلیدی در بهبود عملکرد شغلی معلمان و افزایش رضایت آنان شناخته شده است، اما نحوه تأثیر آن در محیط‌های آموزشی متنوع نیازمند بررسی بیشتر است. این مطالعه با هدف تحلیل رابطه بین تعهد سازمانی و عملکرد شغلی معلمان دوره ابتدایی ناحیه ۳ شهر قم انجام شد. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بود؛ جامعه آماری شامل ۸۰۲ معلم ابتدایی بود که ۲۶۰ نفر به صورت نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه استاندارد وفاداری سازمانی بر اساس مدل والز و لوثانس (۲۰۰۲) و پرسشنامه عملکرد شغلی بود که روایی و پایایی آن‌ها تأیید شد. داده‌ها با روش‌های آماری توصیفی و استنباطی تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد که تعهد سازمانی به‌ویژه ابعاد تعهد عاطفی و تعهد مداوم، با افزایش رضایت شغلی و بهبود عملکرد آموزشی معلمان ارتباط معناداری دارد. همچنین، فرصت‌های توسعه حرفه‌ای و حمایت سازمانی به‌عنوان متغیرهای میانجی در تقویت این رابطه شناسایی شدند. نتایج این مطالعه برجسته کرد که تقویت تعهد سازمانی می‌تواند به‌عنوان یک راهکار مؤثر در ارتقای کیفیت آموزش و پایداری نظام تربیتی عمل کند؛ بنابراین، مدیران آموزشی باید با ایجاد محیط‌های حمایتی و برنامه‌های توسعه فردی، شرایط لازم برای افزایش تعهد و عملکرد معلمان را فراهم کنند.

واژه‌های کلیدی: تعهد سازمانی، عملکرد شغلی، معلمان ابتدایی.





بازی‌وارسازی آموزشی هوشمند: تقویت خودکارآمدی و خلاقیت دانش‌آموزان ابتدایی با هوش مصنوعی؛ الگویی مبتنی بر سند تحول بنیادین و نظریه خودکارآمدی بندورا

امین بهکار، صونا بهرامی قوجه

۱. کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه ارومیه / آموزش و پرورش، تبریز، ایران. a.behkar8@gmail.com
۲. کارشناس ادبیات فارسی، دانشگاه ارومیه / آموزش و پرورش استثنائی، تبریز، ایران. s.bahrami.iran8@gmail.com

چکیده

ضرورت تحول در محیط‌های یادگیری و نقش فناوری‌های نوین در ارتقای کیفیت آموزش، زمینه‌ساز این پژوهش بود. این پژوهش با هدف طراحی و ارزشیابی محیط یادگیری هوشمند مبتنی بر بازی‌وارسازی، هوش مصنوعی و ساحت‌های شش‌گانه تربیتی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش برای بهبود خودکارآمدی و خلاقیت دانش‌آموزان ابتدایی انجام شد. مطالعه حاضر به روش ترکیبی (کمی-کیفی) با طرح شبه‌آزمایشی پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل اجرا گردید. جامعه آماری شامل دانش‌آموزان پایه چهارم ناحیه ۲ تبریز در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ بود که ۶۲ نفر از آن‌ها با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل قرار گرفتند. گروه آزمایش به مدت ۸ هفته از سیستم هوشمند یادگیری (شامل مکانیزم‌های تحلیل پیشرفت، بازخورد هوشمند و تنظیم سطح دشواری) استفاده کردند، درحالی‌که گروه کنترل آموزش سنتی را دریافت کردند. ابزارهای اندازه‌گیری شامل پرسشنامه خودکارآمدی کودکان شرر و همکاران (۱۹۸۲) و پرسشنامه خلاقیت تورنس (۱۹۶۶) بود. تحلیل داده‌ها با استفاده از تحلیل کوواریانس (ANCOVA) صورت پذیرفت. یافته‌ها نشان دادند که محیط یادگیری هوشمند مبتنی بر بازی‌وارسازی و هوش مصنوعی، خودکارآمدی و خلاقیت دانش‌آموزان را به‌طور معناداری افزایش داد. این نتایج بر پتانسیل بالای فناوری‌های نوین در بهبود فرآیند یاددهی-یادگیری تأکید داشتند.

واژه‌های کلیدی: بازی‌وارسازی، هوش مصنوعی، خودکارآمدی، خلاقیت، سند تحول بنیادین





نقش میانجی کارکردهای اجرایی بر رابطه بین احساس تعلق دانش‌آموزان به مدرسه و فابینگ

فرشته بهروز^{۱*}، ابوالقاسم یعقوبی^۲، افشین افزلی^۳

۱. *آموزش و پرورش همدان، مشاور مدرسه. رایانامه: matinbeh@gmail.com

۲. استاد، گروه روان‌شناسی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا همدان، همدان، ایران

yaghoobi@basu.ac.ir

۳. دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا همدان، ایران

afzali.afshin@basu.ac.ir

چکیده

مدارس زمانی به فضایی برای زندگی تبدیل می‌شوند که دانش‌آموزان احساس تعلق، زندگی، عشق و اشتیاق به یادگیری داشته باشند. این مطالعه با هدف بررسی نقش میانجی‌گر کارکردهای اجرایی بر رابطه حس تعلق دانش‌آموزان به مدرسه و فابینگ انجام شد. پژوهش حاضر از نوع همبستگی بود و جامعه آماری شامل ۳۸۶۴۳ دانش‌آموز دختر مقطع متوسطه دوم در استان همدان در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ بود. نمونه آماری شامل ۸۷ دانش‌آموز دختر بود که با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از سه پرسشنامه گردآوری شدند؛ پرسشنامه حس تعلق به مدرسه (Goodenow, 1993)، پرسشنامه کارکردهای اجرایی (Barkley, 1997) و پرسشنامه فابینگ (Karadağ et al., 2015). تحلیل داده‌ها با استفاده از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری انجام شد. یافته‌ها نشان دادند که کارکردهای اجرایی نقش میانجی‌گری در رابطه بین حس تعلق به مدرسه و فابینگ دانش‌آموزان داشتند. این نتایج بر اهمیت تقویت کارکردهای اجرایی و حس تعلق به مدرسه برای کاهش فابینگ در دانش‌آموزان تأکید داشتند.

واژه‌های کلیدی: حس تعلق به مدرسه، فابینگ، کارکردهای اجرایی





ویژگی‌های تعلیم و تربیت رسمی و عمومی

فاطمه بهستانی*^۱، هادی مصدق^۲

*۱. دانشجوی مدیریت آموزش دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم. fatemehbehestani@gmail.com

۲. استاد گروه مدیریت آموزش دانشگاه قم. hadimosadegh@gmail.com

چکیده

زمینه مسئله: تعلیم و تربیت رسمی و عمومی یکی از ارکان اساسی هر جامعه است که نقش حیاتی در شکل‌دهی به رفتارها و نگرش‌های افراد دارد. با توجه به تغییرات اجتماعی و فرهنگی در طول زمان، بررسی ویژگی‌های این نوع آموزش ضروری به نظر می‌رسد. هدف: هدف این تحقیق استخراج ویژگی‌های تعلیم و تربیت رسمی و عمومی و تحلیل ساختارهای آن در سیستم‌های آموزشی مختلف است. روش: این تحقیق از نظر ماهیت تجربی، از نظر رویکرد کیفی و از نظر روش جمع‌آوری داده‌ها، توصیفی تحلیلی با ابزار فیش‌برداری انجام شده است. نتایج: یافته‌های تحقیق نشان داد که تعلیم و تربیت رسمی و عمومی در چارچوب سازمانی ساختاریافته، معمولاً با ترتیب زمانی و سلسله‌مراتبی رخ می‌دهد. سیستم آموزشی مدرن کلاس‌ها را بر اساس سن و پیشرفت دانش‌آموز از دبستان تا دانشگاه سازمان‌دهی می‌کند. آموزش رسمی تحت نظارت و تنظیم دولت قرار دارد و اغلب تا سن معینی اجباری می‌شود. در مقابل، در فرهنگ‌های بدوی، آموزش به‌صورت غیررسمی و با تمایز کمی بین فعالیت‌های آموزشی و سایر تلاش‌های روزانه انجام می‌شود. نتیجه‌گیری: آموزش غیررسمی به‌تنهایی برای انتقال حجم بالای دانش کافی نیست و به همین دلیل تنظیمات تعلیم و تربیت رسمی و مربیان آموزش‌دیده ضروری است. این ضرورت به اهمیت روزافزون آموزش رسمی کمک کرده و منجر به تغییراتی در تجربیات و موضوعات یادگیری انتزاعی‌تر شده است. در این مقاله، ویژگی‌های تعلیم و تربیت رسمی و عمومی و اهمیت آن بررسی شده است.

واژه‌های کلیدی: آموزش، تعلیم و تربیت، رسمی و عمومی



اثربخشی بازی‌های آموزشی بر اعتمادبه‌نفس و مشکلات یادگیری دانش‌آموزان پیش‌دبستانی

کلتوم بهلول زاده^{۱*}، علیرضا یاراحمدی خراسانی^۲

۱. کارشناسی ارشد علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران Golsombohlolzade1371@gmail.com
۲. استادیار، گروه علوم تربیتی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران a.yarahmadi@mshdiau.ac.ir

چکیده

نقش اعتمادبه‌نفس در یادگیری و پیشگیری از مشکلات تحصیلی دانش‌آموزان به‌عنوان یکی از مسائل کلیدی در حوزه آموزش شناخته شده است. این پژوهش با هدف بررسی رابطه بین اعتمادبه‌نفس و مشکلات یادگیری در دانش‌آموزان انجام شد. روش پژوهش توصیفی-همبستگی بود؛ جامعه آماری شامل ۱۵۰۰۰ دانش‌آموز و نمونه‌گیری به صورت طبقه‌بندی شده و تصادفی انجام گرفت ($n=300$) و مداخله‌ای صورت نگرفت و ابزارهای مورد استفاده پرسشنامه استاندارد اعتمادبه‌نفس (SEI، هارتر، ۱۹۸۲) و پرسشنامه استاندارد مشکلات یادگیری کلورادو (CLDQ، فین، ۱۹۹۴) بودند. داده‌ها با استفاده از آزمون‌های همبستگی و رگرسیون مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج نشان داد بین ابعاد اعتمادبه‌نفس و مشکلات یادگیری رابطه منفی معناداری وجود دارد و دانش‌آموزان با اعتمادبه‌نفس بالاتر تمایل کمتری به بروز مشکلات یادگیری داشتند. همچنین، متغیر اعتمادبه‌نفس نقش پیش‌بینی‌کننده برجسته‌ای در شدت مشکلات یادگیری ایفا کرد. درنهایت، یافته‌ها اهمیت طراحی برنامه‌های هدفمند برای تقویت اعتمادبه‌نفس دانش‌آموزان و پیشگیری از مشکلات آموزشی را برجسته کردند.

واژه‌های کلیدی: اعتمادبه‌نفس، مشکلات یادگیری، دانش‌آموزان، همبستگی، عملکرد تحصیلی



چکیده مقالات هفتمین همایش بین‌المللی ارزیابی و تضمین کیفیت در نظام آموزشی با رویکرد مدرسه تراز سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

مبانی نظری مدرسه تراز در اسناد تحولی

پرینوش بهمنی^۱، دکتر نورالله بیگدلی^۲

۱. مدیر دبیرستان کوثر باصدی، آموزش و پرورش شهرستان رامهرمز، ایران bahmaei.pa@gmail.com

۲. اداره آموزش و پرورش شهرستان رامهرمز، ایران bigdeli1356@gmail.com

چکیده

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، نهاد تعلیم و تربیت رسمی عمومی را مهم‌ترین عامل انتقال و اعتلای فرهنگ در جامعه اسلامی ایران می‌داند. این پژوهش با هدف بررسی و تبیین مبانی نظری مدرسه تراز در سند تحولی با نگاه سیستمی و رویکرد کاربردی انجام شد. این مطالعه از نوع نظریه‌مبنایی بود. جامعه آماری شامل دست‌اندرکاران آموزشی و دانش‌آموزان دبیرستان کوثر روستای باصدی رامهرمز در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ بودند که به روش نمونه‌گیری هدفمند از بین آن‌ها انتخاب شدند. برای تحلیل داده‌ها از جدول SWOT و روش تحلیل عاملی استفاده شد. نتایج نشان داد که مؤلفه‌هایی چون توجه به ساحت‌های شش‌گانه تربیت، نقش محوری معلم، اهمیت مشارکت خانواده، و برنامه‌ریزی درسی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی از جمله مبانی اصلی مدرسه تراز محسوب می‌شوند. همچنین، با شناسایی نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها، راهبردهایی برای بهبود عملکرد مدارس ارائه گردید. این یافته‌ها بر اهمیت رویکرد جامع و سیستمی به مدرسه و نیاز به تدوین برنامه‌های عملی برای تحقق اهداف سند تحول تأکید کردند.

واژه‌های کلیدی: مدرسه تراز، سند تحول بنیادین، تحلیل سیستمی، آموزش و پرورش.



مقایسه‌ی امیدواری، شادکامی، و سبک‌های دل‌بستگی دانش‌آموزان متوسطه اول ساکن در کانون اصلاح و تربیت با دانش‌آموزان متوسطه اول بهنجار همدان

احمد بیات^{۱*}، آرزو دلفان بیرانوند^۲، محسن سروری^۳، محمد مینایی^۴

۱. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران bayat@cfu.ac.ir

۲. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران a.delfan@cfu.ac.ir

۳. کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی کودک و نوجوان، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

۴. کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

چکیده

امید، شادکامی و سبک‌های دل‌بستگی از عوامل مهم روان‌شناختی در رشد دانش‌آموزان محسوب می‌شوند. هدف از این مطالعه مقایسه امید، شادکامی و سبک‌های دل‌بستگی دانش‌آموزان دوره اول متوسطه ساکن در مراکز اصلاح و تربیت با دانش‌آموزان عادی دوره اول متوسطه شهر همدان بود. روش پژوهش توصیفی از نوع علی-مقایسه‌ای بود. جامعه آماری شامل تمامی دانش‌آموزان دوره اول متوسطه شهر همدان بودند. ۵۰ دانش‌آموز عادی و ۵۰ دانش‌آموز بزهکار به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. ابزارهای مورد استفاده شامل پرسش‌نامه امید اشنایدر (۲۰۰۰)، پرسش‌نامه شادکامی آکسفورد (۱۹۹۰) و پرسش‌نامه سبک‌های دل‌بستگی کولینز و رید (۱۹۹۰) بودند. داده‌ها با استفاده از روش مانوا تجزیه و تحلیل شدند. نتایج نشان دادند که تفاوت معناداری بین امید، شادکامی و سبک‌های دل‌بستگی دانش‌آموزان دوره اول متوسطه ساکن در مراکز اصلاح و تربیت و دانش‌آموزان عادی وجود داشت. امید و شادکامی در دانش‌آموزان عادی بالاتر و سبک دل‌بستگی ایمن در آن‌ها شایع‌تر بود. این یافته‌ها بر ضرورت توجه به عوامل روان‌شناختی در برنامه‌های تربیتی تأکید داشتند.

واژه‌های کلیدی: امید، شادکامی، سبک‌های دل‌بستگی، دانش‌آموزان

مقایسه‌ی میزان پرخاشگری، اضطراب، و ناسازگاری اجتماعی در بین دانش‌آموزان محروم از پدر و دارای پدر مقطع ابتدایی شهر همدان

احمد بیات*^۱، آرزو دلفان بیرانوند^۲، محمد مینایی^۳، صادق کرمی^۴

۱. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران bayat@cfu.ac.ir

۲. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران a.delfan@cfu.ac.ir

۳. کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

۴. کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی / مدیر دبیرستان شهید پورمیدانی، آموزش و پرورش ناحیه ۲، همدان، ایران.

چکیده

مواجهه با فقدان پدر می‌تواند بر سلامت روان و سازگاری اجتماعی کودکان تأثیرگذار باشد. هدف از این پژوهش مقایسه سطح پرخاشگری، اضطراب و ناسازگاری اجتماعی در دانش‌آموزان ابتدایی فاقد پدر و دارای پدر در شهر همدان بود. روش این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش شناسی علی-مقایسه‌ای بود. جامعه آماری تمامی دانش‌آموزان ابتدایی شهر همدان در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ به تعداد ۵۸، ۹۳۵ نفر بودند. نمونه‌ای به تعداد ۱۲۰ نفر (دو گروه ۶۰ نفره) انتخاب شدند که در نهایت ۱۰۸ پرسش‌نامه (۵۲ دانش‌آموز فاقد پدر و ۵۶ دانش‌آموز عادی) مورد تحلیل نهایی قرار گرفت. روش نمونه‌گیری نیز طبقه‌بندی شده بود. ابزارهای پژوهش شامل مقیاس پرخاشگری ب‌اس و پری (۱۹۹۲)، پرسش‌نامه اضطراب اسپنس (۱۹۹۸) و پرسش‌نامه ناسازگاری اجتماعی سینه‌ها و سینگ (۱۹۹۳) بودند. داده‌ها با استفاده از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره (MANOVA) تجزیه و تحلیل شدند. نتایج نشان دادند که دانش‌آموزان فاقد پدر به‌طور معناداری سطح بالاتری از پرخاشگری، اضطراب و ناسازگاری اجتماعی را تجربه می‌کردند. این یافته‌ها بر اهمیت حمایت‌های روان‌شناختی برای کودکان فاقد پدر تأکید داشتند.

واژه‌های کلیدی: پرخاشگری، اضطراب، ناسازگاری اجتماعی، دانش‌آموزان



ارتباط سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده والدین با اضطراب تحصیلی و خودکارآمدی دانش‌آموزان مقطع ابتدایی

احمد بیات^{*۱}، مریم غفوری آثار^۲، آرزو دلفان بیرانوند^۳، علی شرفخانی^۴

*۱. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. bayat@cfu.ac.ir

۲. دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشکده‌ی علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی رودهن / مشاور مرکز رهگشا، اداره آموزش و پرورش ناحیه ۱ همدان، ایران.

۳. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. a.delfan@cfu.ac.ir

۴. کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشکده‌ی علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی همدان / آموزگار ابتدایی، مدرسه‌ی شهید رستمی، کبودرآهنگ، ایران.

چکیده

هدف از انجام این پژوهش بررسی ارتباط سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده با اضطراب تحصیلی و خودکارآمدی دانش‌آموزان مقطع ابتدایی بود. روش این پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل همه‌ی دانش‌آموزان مشغول به تحصیل در مقطع ابتدایی شهر همدان در نیم‌سال دوم سال تحصیلی ۱۴۰۲-۰۳ بودند. نمونه‌ی آماری بر اساس جدول کرجسی و مورگان (۱۹۷۰) و با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای، ۳۶۳ نفر در نظر گرفته شد. برای گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه‌های اضطراب تحصیلی سارا سون (۱۹۸۴)، خودکارآمدی شرر و مادوکس (۱۹۸۲)، و سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده‌ی بامبریند (۱۹۹۱) استفاده شد. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون داده‌های پژوهش نشان داد که ۷ درصد از تغییرات متغیر اضطراب تحصیلی توانست توسط متغیرهای سبک‌های فرزندپروری تبیین شود ($P > 0/001$ و $F = 9/63$). همچنین، بین فرزندپروری قاطعانه و اضطراب تحصیلی ($r = 0/265$) رابطه‌ی منفی معنادار و بین فرزندپروری مستبدانه و اضطراب تحصیلی ($r = 0/173$) رابطه‌ی مثبت معنادار وجود داشت. نهایتاً، بین فرزندپروری قاطعانه و خودکارآمدی ($r = 0/45$) رابطه‌ی مثبت معنادار و بین فرزندپروری مستبدانه و خودکارآمدی ($r = -0/375$) رابطه‌ی منفی معنادار وجود داشت. یافته‌های به‌دست‌آمده از این پژوهش تلویحات تربیتی و آموزشی برای خانواده‌ها و کارکنان آموزش و پرورش دارد.

واژه‌های کلیدی: سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده والدین، اضطراب تحصیلی، خودکارآمدی





آموزش و یادگیری هوش مصنوعی در دوره پیش‌دبستانی تا دیپلم: مرور سیستماتیک ادبیات پژوهش (۲۰۱۹ تا ۲۰۲۴)

مجتبی بیرامی^{۱*}، مینا حسینی^۲

*۱. دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه خوارزمی تهران، ایران beyrami.mojtaba@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات، دانشگاه زنجان، ایران nclhp2015@gmail.com

چکیده

علاقه فزاینده‌ای به آموزش و یادگیری هوش مصنوعی (AI) در محیط‌های دانشگاهی از مقطع ابتدایی تا دبیرستان وجود دارد. این مطالعه با هدف بررسی سیستم‌مند ادبیات موجود و تحلیل پژوهش‌های انجام شده بین سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۴ درباره نتایج آموزش و یادگیری هوش مصنوعی از پیش‌دبستانی تا دبیرستان انجام شد. با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند، از بین ۱۷۵۸ مقاله شناسایی شده از پنج پایگاه داده پژوهشی (ACM, Digital Library, ProQuest, Web of Science, Scopus, IEEE Xplore) با کلمات کلیدی «هوش مصنوعی»، «یادگیری ماشین»، «پیش‌دبستانی»، «دبیرستان»، «یادگیری» و «آموزش»، ۲۸ مطالعه برای تحلیل نهایی انتخاب شدند. معیارهای ورود شامل ارتباط مستقیم با آموزش هوش مصنوعی در مقاطع پیش‌دبستانی تا دبیرستان، انتشار بین ژانویه ۲۰۱۹ تا ژانویه ۲۰۲۴، و انتشار در مجلات معتبر بودند. نتایج نشان داد که آموزش هوش مصنوعی در این مقاطع، به افزایش سواد فناورانه دانش‌آموزان و تقویت مهارت‌های حل مسئله و تفکر محاسباتی آن‌ها منجر شد. این پژوهش بر اهمیت توسعه برنامه‌های درسی متناسب با سن و مراحل رشد برای آموزش مؤثر هوش مصنوعی تأکید کرد.

واژه‌های کلیدی: هوش مصنوعی، آموزش، پیش‌دبستانی، دبیرستان.



مقایسه مدل‌های طراحی فضاهای آموزشی در کشورهای توسعه‌یافته: بررسی تطبیقی رویکردها، چالش‌ها و راهکارهای نوین

هادی پیش بهار*^۱، حکیمه موسی پور^۲، محمدابراهیم زلیکانی^۳

۱. دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نکا. hpishbahar66@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد / آموزش و پرورش

۳. کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری

چکیده

طراحی فضاهای آموزشی به‌عنوان یکی از ارکان اساسی نظام‌های یادگیری، تأثیر مستقیمی بر کیفیت آموزش و یادگیری دارد. این پژوهش با هدف شناسایی و مقایسه نظام‌مند الگوهای طراحی فضاهای آموزشی در پنج کشور پیشرفته (فنلاند، ژاپن، سوئد، کانادا، استرالیا) و ارائه چارچوبی تحلیلی برای بهبود کیفیت محیط‌های یادگیری انجام شد. مطالعه حاضر به روش ترکیبی (کیفی - کمی) و با رویکرد تطبیقی اجرا گردید. داده‌ها از طریق بررسی ۴۰ منبع معتبر علمی، مشاهده میدانی ۱۵ مدرسه نمونه (۳ مدرسه از هر کشور) با استفاده از چکلیست استاندارد، و مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با ۳۰ متخصص گردآوری شد. ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسش‌نامه محقق ساخته طراحی فضاهای آموزشی، چکلیست مشاهده ساختاریافته، پروتکل مصاحبه نیمه ساختاریافته و فرم تحلیل اسناد بود. تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری از روش‌های تحلیل محتوای کیفی و مقایسه‌ای کمی صورت پذیرفت. تحلیل‌ها نشان داد چهار الگوی طراحی غالب در فضاهای آموزشی کشورهای مورد مطالعه وجود داشت: الگوی انعطاف‌پذیر (فنلاند)، الگوی پایدار (ژاپن)، الگوی فناورانه (کانادا) و الگوی مشارکتی (سوئد). همچنین، رابطه معناداری بین ویژگی‌های طراحی فضایی و سطح مشارکت یادگیرندگان مشاهده شد. میزان تأثیر طراحی فضایی بر پیشرفت تحصیلی به‌طور میانگین برآورد شد. یافته‌های این پژوهش مؤید تأثیر چشمگیر طراحی فضاهای آموزشی بر کیفیت یادگیری بود. مطالعه حاضر با ارائه چارچوبی نظام‌مند، مبنای علمی مناسبی برای تصمیم‌گیری طراحان و سیاست‌گذاران آموزشی فراهم کرد.

واژه‌های کلیدی: طراحی فضاهای آموزشی، کشورهای توسعه‌یافته، رویکردهای نوین، تحلیل تطبیقی.



پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی بر اساس توانمندی‌های منشی و خودکارآمدی تحصیلی

فاطمه تاروردی زاده خوجین^{۱*}

*۱. کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران tarverdizadeh.fa@gmail.com

چکیده

موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان همواره از مهم‌ترین شاخص‌های ارزیابی کارایی و اثربخشی نظام‌های آموزشی بوده است. این مطالعه با هدف پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان بر اساس توانمندی‌های منشی و خودکارآمدی تحصیلی آن‌ها انجام شد. روش پژوهش توصیفی و همبستگی بود. جامعه آماری شامل تمامی دانش‌آموزان دختر پایه نهم شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ بودند. از میان آن‌ها، ۲۹۴ دانش‌آموز با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه ارزش‌ها در عمل، نسخه نوجوانان (VIA Y-96) (پارک و پیترسون، ۲۰۰۶)، پرسشنامه خودکارآمدی تحصیلی (مک‌ایلروی و بانتینگ، ۲۰۰۱)، و معدل کل دانش‌آموزان بود. روایی و پایایی ابزارها مناسب ارزیابی شدند. تحلیل داده‌ها از طریق تحلیل رگرسیون چندگانه با روش همزمان انجام شد. نتایج نشان داد که در بین مؤلفه‌های توانمندی‌های منشی، توانمندی‌های بیش‌گسترده، شجاعت، کار گروهی، و رهبری نقش معنی‌داری در پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان داشتند. همچنین، خودکارآمدی تحصیلی نیز به‌طور معنی‌داری پیشرفت تحصیلی را پیش‌بینی کرد. این یافته‌ها نشان‌دهنده اهمیت توانمندی‌های منشی و خودکارآمدی تحصیلی در موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان است و می‌تواند راهنمای سیاست‌گذاری‌های آموزشی برای تقویت این عوامل باشد.

واژه‌های کلیدی: پیشرفت تحصیلی، توانمندی‌های منشی، خودکارآمدی تحصیلی.





فرسودگی تحصیلی و سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان با ناتوانی‌های یادگیری: مقایسه اثربخشی تنظیم هیجانی با حل مسئله شناختی-اجتماعی

زهرا تراز^{۱*}، ملوک خادمی اشکذری^۲، مهناز اخوان تفتی^۳

۱. *دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران

taraziza88@gmail.com

۲. استاد روان‌شناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران

mkhademi@alzahra.ac.ir

۳. استاد روان‌شناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران

makhavan@alzahra.ac.ir

چکیده

ناتوانی‌های یادگیری، یکی از مهم‌ترین علل عملکرد ضعیف تحصیلی و اجتماعی دانش‌آموزان به شمار می‌رود. پژوهش حاضر با هدف مقایسه اثربخشی مداخله تنظیم هیجانی و حل مسئله شناختی-اجتماعی بر کاهش فرسودگی تحصیلی و افزایش سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان با ناتوانی یادگیری ابتدایی شهر تهران در سال ۱۳۹۷-۹۸ انجام شد. روش پژوهش حاضر نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل و دوره پیگیری یک ماهه بود. ۳۰ دانش‌آموز دختر و پسر دارای ناتوانی یادگیری ۸ تا ۱۲ ساله، به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده از مرکز ناتوانی یادگیری شماره ۳، منطقه ۱۳ تهران انتخاب شدند و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و یک گروه شاهد قرار گرفتند. بسته‌های آموزشی تنظیم هیجانی مدل جیمز گروس (۲۰۰۲) و حل مسئله شناختی-اجتماعی دو مدل بستر-استرات (۲۰۰۰)، و اسپوواک و شوره (۲۰۰۰) طی ۸ جلسه یک ساعته، به دو گروه آزمایش ارائه گردید، اما گروه شاهد هیچ‌گونه مداخله‌ای دریافت نکرد. از پرسشنامه‌های فرسودگی تحصیلی بر سو و همکاران (۱۹۹۷) و سازگاری اجتماعی سینها و سینگ (۱۹۹۳) در مرحله پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری استفاده شد. داده‌ها با استفاده از روش تحلیل کوواریانس تک‌متغیری و چندمتغیری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که آموزش‌های تنظیم هیجانی و حل مسئله شناختی-اجتماعی با میزان تأثیر یکسان منجر به کاهش معنی‌دار فرسودگی تحصیلی و افزایش معنی‌دار سازگاری اجتماعی گردید و تفاوت معناداری بین دو برنامه آموزشی مشاهده نشد. برنامه‌های آموزشی که از رویکرد شناختی اجتماعی بندورا جهت طراحی بسته‌های آموزشی بهره می‌گیرند، تأثیرات معنی‌دار بیشتری دارند. نتایج این پژوهش نشان داد که هر دو مداخله تنظیم هیجانی و حل مسئله شناختی-اجتماعی به طور معناداری موجب کاهش فرسودگی تحصیلی و افزایش سازگاری اجتماعی در دانش‌آموزان با ناتوانی یادگیری شدند. اثربخشی این دو روش تفاوت معناداری با یکدیگر نداشت و هر دوی یک میزان مؤثر بودند. این یافته‌ها بر اهمیت به‌کارگیری مداخلات روان‌شناختی مبتنی بر رویکرد شناختی-اجتماعی در ارتقای سلامت تحصیلی و اجتماعی دانش‌آموزان تأکید دارد؛ بنابراین استفاده از نتایج پژوهش در طراحی برنامه‌های آموزشی پیشگیرانه و بهبود دستاوردهای آموزشی مؤثر است.

واژه‌های کلیدی: تنظیم هیجانی، حل مسئله شناختی-اجتماعی، فرسودگی تحصیلی، سازگاری اجتماعی، ناتوانی یادگیری





مروری بر مؤلفه‌های مدرسه تراز (مطلوب) در پژوهش‌ها و اسناد بالادستی

حمزه ترکمانی تمبکی^{۱*}، محمد ترکمانی تمبکی^۲، راضیه قریشی‌زاده^۳

*۱. دانشجوی دکتری زمین‌شناسی مهندسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران torkamani2788@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد جغرافیا / دبیر مدارس متوسطه دوره اول و دوم آموزش و پرورش شهرستان سیریک، هرمزگان، ایران.

۳. کارشناسی ارشد ریاضی / کارشناس مسئول امور اداری اداره کل آموزش و پرورش، هرمزگان، ایران

r.ghoreshizadeh@gmail.com

چکیده:

تعریف و شناسایی مؤلفه‌های مدرسه تراز (مطلوب) به‌ویژه در چارچوب اسناد تحولی نظام آموزشی کشور به‌عنوان چالشی کلیدی در بهبود کیفیت آموزش و پرورش مطرح شده است. این پژوهش با هدف شناسایی ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مدرسه تراز اسلامی بر اساس اسناد بالادستی و پژوهش‌های داخلی و خارجی انجام شد. روش پژوهش کیفی و از نوع تحلیل محتوا بود که ابتدا با استفاده از روش مرور نظام‌مند منابع (پایگاه‌های Science Direct، ERIC، Magiran، SID و سند تحول بنیادین و سند برنامه درسی ملی) داده‌های مرتبط جمع‌آوری شدند. سپس با کاربرد تحلیل مضمون گراون و لوندمن (۲۰۰۴) و مراحل شش‌گانه براون و کلارک (۲۰۰۶)، مؤلفه‌های اصلی مدرسه تراز شامل رهبری و مدیریت تربیتی، برنامه درسی و تربیتی، پژوهش و ارزشیابی، محیط تربیتی و فرهنگ، و مدیریت منابع استخراج شدند. یافته‌ها نشان داد که مدرسه تراز اسلامی باید دارای چشم‌انداز مشترک، تعامل مشارکتی میان ذینفعان، برنامه‌های درسی مبتنی بر زندگی واقعی، ارزشیابی مداوم و محیطی متعالی با هویت ملی-دینی باشد. همچنین تلفیق ارزش‌های اخلاقی و معنوی با فناوری‌های نوین و توجه به نیازهای رشدی دانش‌آموزان به‌عنوان شاخص‌های کلیدی شناسایی شدند. این نتایج حاکی از آن است که تحقق این مؤلفه‌ها می‌تواند به‌عنوان چارچوبی استاندارد برای ارزیابی و بهبود عملکرد مدارس در جهت اهداف سند تحول بنیادین آموزش و پرورش عمل کند؛ بنابراین، طراحی الگوهای عملیاتی مبتنی بر این یافته‌ها برای سیاست‌گذاران و مدیران آموزشی پیشنهاد می‌شود.

واژه‌های کلیدی: مدرسه تراز، اسناد تحولی، برنامه درسی ملی، ارزش‌های اخلاقی، تحلیل مضمون





تأثیر آموزش مسئولیت‌پذیری بر اساس رویکرد واقعیت درمانی بر خودکارآمدی دانش‌آموزان دختر هنرستانی

پگاه تقوائی^۱، حسین محقق^{۲*}

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

Pegahtaghvaei2@gmail.com

۲. دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

H.Mohagheghi@basu.ac.ir

چکیده

خودکارآمدی یکی از متغیرهای مهم در دوران نوجوانی است که بر ابعاد مختلف زندگی فرد تأثیر می‌گذارد. این مطالعه با هدف تعیین تأثیر آموزش مسئولیت‌پذیری بر اساس رویکرد واقعیت‌درمانی بر خودکارآمدی دانش‌آموزان دختر دبیرستانی انجام شد. طرح پژوهش، آزمایشی دوگروهی از نوع پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه آزمایش و کنترل بود. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان دختر دبیرستانی شهر اراک در سال ۱۴۰۳ بودند. با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند، ۱۵۰ دانش‌آموز با پرسشنامه خودکارآمدی نوجوانان غربالگری شدند و از میان آن‌ها ۳۰ دانش‌آموز با نمرات پایین‌تر به‌صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل قرار گرفتند. مداخله شامل هشت جلسه ۹۰ دقیقه‌ای آموزش مسئولیت‌پذیری بر اساس واقعیت‌درمانی بود. نتایج نشان داد که آموزش مسئولیت‌پذیری بر اساس رویکرد واقعیت‌درمانی به‌طور معناداری خودکارآمدی دانش‌آموزان گروه آزمایش را افزایش داد. این یافته‌ها حاکی از آن بود که این نوع آموزش می‌تواند در بهبود خودکارآمدی نوجوانان مؤثر باشد.

واژه‌های کلیدی: مسئولیت‌پذیری، واقعیت‌درمانی، خودکارآمدی، دانش‌آموزان





بررسی کیفی تأثیر یاددهی یادگیری متوازن بر شکل‌گیری هویت فرهنگی دانش‌آموزان دوره ابتدایی از دیدگاه معلمان

سارا تقی پور جارچلو^۱، رؤیا بیطالی^۲، آنتیا ارشادی^۳، عاطفه قهوه‌عیان میان‌دوآب^۴

۱. کارشناسی علوم تربیتی، دانشگاه ارومیه / آموزش و پرورش، ارومیه، ایران sarataghipour@gmail.com

۲. کارشناسی علوم تربیتی، دانشگاه ارومیه / آموزش و پرورش، ارومیه، ایران royabitali@gmail.com

۳. کارشناسی علوم تربیتی، دانشگاه ارومیه / آموزش و پرورش، ارومیه، ایران anitaershadi5@gmail.com

۴. کارشناسی علوم تربیتی، دانشگاه ارومیه / آموزش و پرورش، ارومیه، ایران atefe33@gmail.com

چکیده

در نظام‌های آموزشی امروزی، توجه به هویت فرهنگی دانش‌آموزان به‌ویژه در دوره ابتدایی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. یاددهی یادگیری متوازن به‌عنوان رویکردی که در آن توازن میان جنبه‌های مختلف فردی، اجتماعی و فرهنگی در فرآیند آموزش برقرار می‌شود، می‌تواند نقش مهمی در شکل‌گیری هویت فرهنگی ایفا کند. این پژوهش به بررسی تأثیر یاددهی یادگیری متوازن بر شکل‌گیری هویت فرهنگی دانش‌آموزان دوره ابتدایی از دیدگاه معلمان در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ در منطقه انزل استان آذربایجان غربی پرداخته است. هدف این مطالعه، تحلیل کیفی نقش یاددهی یادگیری متوازن در توسعه هویت فرهنگی دانش‌آموزان در مقطع ابتدایی بود. پژوهش از نوع کیفی و با استفاده از طرح پژوهش پدیدارشناسانه انجام شد. جامعه آماری معلمان دوره ابتدایی در منطقه انزل بود و از روش نمونه‌گیری هدفمند برای انتخاب ۱۲ نفر معلم استفاده شد. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته جمع‌آوری گردید و با استفاده از روش تحلیل‌تیم تحلیل شد. نتایج نشان داد که معلمان بر اهمیت توجه به تنوع فرهنگی و ارزش‌های محلی در فرایند یاددهی یادگیری متوازن تأکید داشتند و معتقد بودند که این رویکرد موجب تقویت هویت فرهنگی دانش‌آموزان می‌شود. علاوه بر این، معلمان بر این باور بودند که یاددهی یادگیری متوازن به تسهیل تعاملات فرهنگی و رشد حس تعلق به هویت فرهنگی در دانش‌آموزان کمک می‌کند. نتایج پژوهش به‌وضوح نشان می‌دهد که یاددهی یادگیری متوازن، با توجه ویژه به تنوع فرهنگی و ارزش‌های بومی، نقش اساسی در تقویت هویت فرهنگی دانش‌آموزان دوره ابتدایی ایفا می‌کند. این رویکرد آموزشی زمینه‌ساز رشد حس تعلق، تعاملات فرهنگی مؤثر و انسجام اجتماعی در میان دانش‌آموزان می‌شود. معلمان معتقدند که آموزش متوازن، نه‌تنها باعث ارتقای شناخت فرهنگی، بلکه به تقویت اعتمادبه‌نفس و هویت فردی دانش‌آموزان کمک می‌کند؛ بنابراین، ادغام این رویکرد در برنامه‌های آموزشی ابتدایی می‌تواند بستر مناسبی برای پرورش نسلی با هویت فرهنگی قوی و پایدار فراهم آورد. درنهایت، توجه هدفمند به یاددهی یادگیری متوازن، راهکاری مؤثر در پاسخ به نیازهای تربیتی و فرهنگی جوامع چندفرهنگی امروز است. درنتیجه، توجه به رویکردهای یاددهی متوازن در برنامه‌های آموزشی ابتدایی پیشنهاد می‌شود تا زمینه‌ساز توسعه هویت فرهنگی دانش‌آموزان گردد.

واژه‌های کلیدی: یاددهی یادگیری متوازن، هویت فرهنگی، دوره ابتدایی، معلمان، آموزش کیفی، منطقه انزل





مرور روایتی فناوری واقعیت مجازی به‌عنوان ابزار آموزشی و مداخله‌ای برای دانش‌آموزان با اختلال طیف اوتیسم

الهام توکلی طرقي^{۱*}

۱. استادیار پژوهشکده دانش‌آموزان استثنایی، پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، تهران،
elhamtavakoli1988@gmail.com ایران

چکیده

استفاده از فناوری‌های نوآورانه مانند واقعیت مجازی به‌عنوان ابزاری مؤثر در آموزش مهارت‌های اجتماعی برای دانش‌آموزان مبتلا به اختلال طیف اوتیسم (ASD) مطرح شده است. این پژوهش با هدف مرور نظام‌مند شواهد موجود درباره تأثیر واقعیت مجازی بر بهبود مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان با ASD انجام شد. روش پژوهش اسنادی-مروری بود که داده‌ها از طریق جستجو در پایگاه‌های علمی PubMed، Scopus و Web of Science در بازه زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۴ گردآوری شدند. معیارهای انتخاب شامل مطالعات تجربی، کارآزمایی‌های بالینی و مرورهای مرتبط با کاربرد واقعیت مجازی در آموزش مهارت‌های اجتماعی برای این گروه از دانش‌آموزان بود. یافته‌ها نشان داد که استفاده از واقعیت مجازی می‌تواند تعاملات اجتماعی را در محیط‌های شبیه‌سازی شده تسهیل کند، مهارت‌های ارتباطی را تقویت کند و انگیزه یادگیری را افزایش دهد. همچنین، این فناوری به‌عنوان یک مداخله بدون خطر، امکان تمرین مهارت‌ها در شرایط کنترل شده را فراهم کرد. این نتایج حاکی از آن است که واقعیت مجازی می‌تواند به‌عنوان یک روش مکمل در برنامه‌های آموزشی دانش‌آموزان ASD مورد استفاده قرار گیرد؛ بنابراین، گسترش این فناوری در مدارس ویژه و آموزش معلمان به نحوه کاربرد آن پیشنهاد می‌شود.

واژه‌های کلیدی: واقعیت مجازی، اختلال طیف اوتیسم، مهارت‌های اجتماعی، دانش‌آموزان، مداخله آموزشی.



شناسایی و ارزشیابی نقش مدرسه در تربیت اجتماعی و خلاقیت دانش‌آموزان

سعید تیموری راد^۱، روح اله کرمانی^۲، پروانه صفدریان^{۳*}، مهناز توکلی کرهرودی^۴

۱. رئیس اداره آموزش و پرورش، آموزش و پرورش شهرستان ملارد، ملارد، ایران Saeedteymori14@gmail.com

۲. معاونت پشتیبانی و توسعه مدیریت آموزش و پرورش، آموزش و پرورش شهرستان ملارد، ملارد، ایران

e2582060@gmail.com

۳. استادیار، گروه آموزش ابتدایی دانشکده تخصصی مرکز آموزش عالی شهید بهشتی، دانشگاه فرهنگیان تهران، تهران، ایران

parimaah.s@gmail.com

۴. کارشناس مسئول آموزش نیروی انسانی و تکریم مقام معلم آموزش و پرورش، آموزش و پرورش شهرستان ملارد، ملارد، ایران

tavakoli.k94@gmail.com

چکیده

نقش مدرسه به‌عنوان بستری مؤثر در تربیت اجتماعی دانش‌آموزان همواره موردتوجه بوده است؛ بااین‌حال، ناهمخوانی‌های موجود در اجرای برنامه‌های مرتبط و شناسایی عوامل مؤثر در این حوزه چالش‌برانگیز مانده است. این مطالعه با هدف شناسایی چالش‌ها و راهکارهای تربیت اجتماعی دانش‌آموزان در مدارس انجام شد. طرح پژوهش مروری-تحلیلی بود؛ جامعه آماری شامل مقالات علمی منتشرشده در پایگاه‌های Google Scholar، SID، Magiran، Pubmed، ISI و Scopus از سال ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۴ بود که ۳۰ مطالعه براساس کلیدواژه‌های «مدرسه» و «تربیت اجتماعی» به روش هدفمند انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از تحلیل محتوای کیفی و روش کدگذاری مضمون استخراج و دسته‌بندی شدند. نتایج نشان داد عواملی مانند ناهمخوانی بین برنامه‌های آموزشی و نیازهای اجتماعی، کمبود منابع مناسب و محدودیت‌های روش‌های سنتی در تحقق تربیت اجتماعی مؤثر شناسایی شده‌اند؛ همچنین، استفاده از رویکردهای نوآورانه، مشارکت فعال خانواده و جامعه، و توجه به زمینه‌های فرهنگی به‌عنوان راهکارهای کلیدی برجسته شدند. به‌طورکلی، هماهنگی بین سیاست‌های آموزشی و شرایط محیطی، همراه با توسعه ابزارهای متنوع، می‌تواند کیفیت تربیت اجتماعی را افزایش دهد و ضرورت گسترش مدل‌های مبتنی بر شواهد را در نظام آموزشی برجسته کند.

واژه‌های کلیدی: تربیت اجتماعی، مدرسه، دانش‌آموزان، مرور نظام‌مند، برنامه‌های آموزشی.



تحلیل تطبیقی نقش برنامه‌های توسعه حرفه‌ای در توانمندسازی معلمان و مدیران مدارس

سمیه ثابت‌قدم^۱

۱. کارشناسی ارشد علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس / آموزش و پرورش، رشت، ایران رایانه:
sabetm560@gmail.com

چکیده

برنامه‌های توسعه حرفه‌ای برای معلمان و مدیران مدارس نقش حیاتی در پاسخگویی به نیازهای در حال تحول نظام‌های آموزشی ایفا می‌کند. این مطالعه با هدف بررسی نقش برنامه‌های توسعه حرفه‌ای در توانمندسازی معلمان و مدیران مدارس انجام شد. یک مرور نظام‌مند با رعایت پروتکل گزارش‌دهی PRISMA صورت گرفت. جامعه پژوهش شامل ۱۲۴۷ مطالعه منتشر شده در مورد توسعه حرفه‌ای بود که از پایگاه‌های اطلاعاتی اسکوپوس، وب‌آو ساینس و اریک بازیابی شدند. تلاش‌هایی برای شناسایی مطالعات مرتبط به زبان فارسی صورت گرفت، با این حال، تنها یک مطالعه به زبان انگلیسی با منشأ ایرانی معیارهای ورود را برآورده کرد؛ بنابراین، مرور نهایی بر منابع انگلیسی‌زبان متمرکز شد. بر اساس معیارهایی مانند تأکید بر توانمندسازی، استفاده از روش‌های تجربی، و انتشار در مجلات معتبر علمی، ۳۵ مطالعه از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۴ به صورت هدفمند انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از روش تحلیل مضمونی Braun و Clarke (2006) تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد که برنامه‌های توسعه حرفه‌ای برای معلمان عمدتاً بر یادگیری مبتنی بر عمل و مشارکتی متمرکز بودند، در حالی که برنامه‌ها برای مدیران مدارس بر رهبری آموزشی و تحول‌گرا تأکید داشتند. این پژوهش بر اهمیت برنامه‌های توسعه حرفه‌ای برای توانمندسازی کادر آموزشی و مدیریتی مدارس تأکید کرد.

واژه‌های کلیدی: توسعه حرفه‌ای، توانمندسازی، معلمان، مدیران، مرور نظام‌مند





مدارس تراز در اسناد بالادستی آموزش و پرورش با تأکید بر سند تحول بنیادین

مهتاب ثابت عمل^{۱*}

۱*. کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی / آموزگار دوره دوم ابتدایی، سازمان آموزش و پرورش تهران، منطقه ۱۷
m.sabet.amal1234@gmail.com

چکیده

ارکان آموزش و پرورش و شایستگی‌های دانش‌آموزان رابطه‌ای دوسویه و متقابل با یکدیگر دارند. نظام آموزشی ما نظامی متمرکز است و اسناد بالادستی در برنامه‌های درسی و فعالیت‌های جاری مدارس تعیین‌کنندگی بسزایی دارند. تمام امور مربوط به فرهنگ در مدارس، ریشه در اسناد بالادستی و سند تحول دارند. هدف پژوهش حاضر، بررسی مدارس تراز در اسناد بالادستی آموزش و پرورش است که با استفاده از روش تحلیلی - اسنادی انجام شده است. توجه سند تحول بر مدارس صالح و مطلوبی است که بتواند دانش‌آموزانی متعهد در تمام ساحت‌های تربیت و با فضیلت در راستای رسیدن به حیات طیبه پرورش دهد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد ارکان اسناد بالادستی به‌وضوح بر شایستگی‌های پایه‌ی دانش‌آموزان تأثیرگذار است. گردآوری داده‌ها بر پایه فنون سندکاوی و تحلیل آن بر اساس روش تأملی انجام شد. اعتباربخشی الگو در حیطه‌ی اجرایی با استفاده از نظرات خبرگان تدریس و صاحب‌نظران در آموزش و پرورش صورت گرفت. یافته‌های حاضر می‌تواند به‌عنوان چارچوبی مفهومی برای طراحی و تدوین برنامه درسی تربیت‌معلم مبتنی بر شایستگی‌های معلمان استفاده شود. نتایج این پژوهش نشان داد که اسناد بالادستی آموزش و پرورش، به‌ویژه سند تحول بنیادین، نقشی محوری در جهت‌دهی به اهداف، ساختار و عملکرد مدارس تراز دارند. این اسناد با تأکید بر تربیت متوازن در همه ساحت‌ها، بر شایستگی‌های پایه دانش‌آموزان تأثیر مستقیم دارند. مدارس تراز، بازتاب عملی اهداف کلان تربیتی‌اند و تحقق آن‌ها مستلزم انطباق برنامه‌های درسی، روش‌های تدریس و تربیت‌معلم با رویکردهای سند تحول است. تحلیل اسناد نشان می‌دهد که حرکت به‌سوی مدرسه تراز نیازمند رویکردی نظام‌مند، ارزشی و شایستگی‌محور است. یافته‌ها می‌توانند مبنایی علمی برای طراحی الگوهای تربیت‌معلم و ارتقای کیفیت نظام آموزشی فراهم آورند.

واژه‌های کلیدی: اسناد بالادستی، روش‌های نوین تدریس، شایستگی‌های پایه





مدارس تراز و آموزش مبتنی بر پروژه: فرصت‌ها و چالش‌ها

مهری جعفرخانی^۱، آذر عزیزی^۲، رؤیا مرادی^۳، فاطمه سرداری^۴، فرناز هیکلی^۵

۱. کارشناسی معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زنجان. mehrana.jafari2@gmail.com

۲. کارشناسی مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر

۳. کارشناسی مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر

۴. کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی دانشگاه فرهنگیان زنجان

۵. کارشناسی ارشد ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر

چکیده

مدارس تراز، به‌عنوان مراکز آموزشی پیشرفته، در صدد ارتقای کیفیت یادگیری هستند و آموزش پروژه‌محور به‌عنوان یک روش نوآورانه در فرآیند یاددهی و یادگیری مطرح شده است. هدف این مقاله مروری بررسی فرصت‌ها و چالش‌های آموزش پروژه‌محور در مدارس تراز بود. برای دستیابی به این هدف، تحلیل محتوای مقالات و پژوهش‌های پیشین به کار رفت تا مزایا و معایب این رویکرد آموزشی شناسایی شود. یافته‌ها نشان داد که آموزش پروژه‌محور می‌توانست انگیزه و مشارکت دانش‌آموزان را در فرآیند یادگیری افزایش دهد و مهارت‌های حل مسئله و تفکر انتقادی آن‌ها را تقویت کند. با این حال، چالش‌هایی نظیر نیاز به آموزش معلمان، محدودیت‌های زمانی و منابع، و مقاومت در برابر تغییر نیز در این زمینه وجود داشت. درنهایت، بر اهمیت رسیدگی به فرصت‌ها و چالش‌های آموزش پروژه‌محور در مدارس تراز و ارائه پیشنهادهایی برای بهبود اجرای این روش آموزشی تأکید شد.

واژه‌های کلیدی: مدارس تراز، یادگیری پروژه‌محور، فرصت‌ها، چالش‌ها





بررسی فرصت‌ها و چالش‌های خانواده و مدرسه در تربیت دانش‌آموزان مسئولیت‌پذیر

امیر جعفری^{۱*}

*۱. کارشناسی آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان شهید بهشتی. amir.jafary.13781378@gmail.com

چکیده

نقش خانواده و مدرسه در تربیت دانش‌آموزان مسئولیت‌پذیر در سال‌های اخیر به‌عنوان یک موضوع کلیدی در حوزه آموزش مطرح شده است. این مقاله مروری با هدف شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر همکاری خانواده و مدرسه در پرورش دانش‌آموزان مسئولیت‌پذیر انجام شد. برای دستیابی به این هدف، از تحلیل محتوای مقالات مرتبط و منابع علمی معتبر استفاده شد و بر الگوهای موفق و موانع موجود در این همکاری تمرکز گردید. یافته‌ها نشان داد که تعامل مثبت و مؤثر بین خانواده و مدرسه می‌تواند حس مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان را افزایش دهد. در مقابل، چالش‌هایی نظیر عدم همسویی انتظارات و ارتباط ناکارآمد بین والدین و معلمان مانع این تعامل مؤثر می‌شد. علاوه بر این، وجود برنامه‌های آموزشی مشترک و فعالیت‌های گروهی می‌توانست به بهبود این همکاری کمک کند. درنهایت، برقراری یک چارچوب منسجم و مؤثر برای همکاری بین خانواده و مدرسه به‌عنوان یک ضرورت برای تربیت نسل‌های آینده تأکید شد.

واژه‌های کلیدی: مسئولیت‌پذیری، خانواده، مدرسه، تربیت، دانش‌آموزان





نقش هوش مصنوعی در تعالی تعاملات خانواده و مدرسه

هدیه جعفری^۱، علی جعفری^۲

۱. کارشناسی تربیت بدنی، دانشگاه فرهنگیان. hediejafari2@gmail.com

۲. استادیار گروه مشارکت‌ها و ارتباطات، پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، تهران، ایران
alijafari@oerp.ir

چکیده

هوش مصنوعی به عنوان یک فناوری نوظهور، پتانسیل زیادی برای بهبود ارتباطات و فرآیندهای آموزشی بین خانواده و مدرسه دارد. این پژوهش با هدف بررسی نقش هوش مصنوعی در تعالی تعاملات خانواده و مدرسه انجام شد. تمرکز اصلی بر شناسایی کاربردها، مزایا و چالش‌های هوش مصنوعی در بهبود ارتباطات و فرآیندهای آموزشی بین این دو نهاد حیاتی بود. این مطالعه از روش تحلیل اسنادی بهره برد. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه اسناد، مقالات علمی، کتاب‌های تخصصی و پژوهش‌های معتبری بود که به موضوع نقش هوش مصنوعی در تعاملات خانواده و مدرسه پرداخته بودند. نمونه‌گیری به صورت هدفمند و تا حد اشباع نظری انجام شد. در نهایت، ۵۰ منبع شامل ۳۰ مقاله علمی، ۱۰ کتاب و ۱۰ سند رسمی انتخاب شدند. یافته‌های پژوهش نشان دادند که هوش مصنوعی می‌تواند با ارائه پلتفرم‌های ارتباطی هوشمند، تعامل بین خانواده و مدرسه را بهبود بخشد، موجب شخصی‌سازی یادگیری شود و مشارکت والدین را در فرآیند تربیت افزایش دهد. با این حال، چالش‌هایی مانند مسائل اخلاقی، حریم خصوصی و نیاز به سواد دیجیتال برای بهره‌گیری مؤثر از این فناوری وجود داشت. نتایج پژوهش بر اهمیت استفاده هوشمندانه از هوش مصنوعی برای تقویت همکاری خانواده و مدرسه تأکید داشتند.

واژه‌های کلیدی: هوش مصنوعی، خانواده، مدرسه، تعاملات، آموزش





مشارکت دانش‌آموزان در تصمیم‌گیری مدرسه: چالش‌ها و فرصت‌ها

امیر جعفری^۱، عباس جعفری آقبلاغی^۲

۱. کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان شهید بهشتی jafari.13781378@gmail.com

۲. کارشناسی حقوق دانشگاه پیام نور abbasjafari9362@gmail.com

چکیده

مشارکت دانش‌آموزان در تصمیم‌گیری‌های مدرسه به‌عنوان یک عامل کلیدی در بهبود کیفیت آموزش و افزایش حس مسئولیت‌پذیری آن‌ها شناخته می‌شود. این مقاله مروری با هدف بررسی چالش‌ها و فرصت‌های موجود در این زمینه انجام شد. برای دستیابی به این هدف، از تحلیل محتوای مقالات مرتبط و منابع علمی معتبر استفاده شد و بر تجربیات موفق و موانع موجود در این حوزه تمرکز گردید. یافته‌ها نشان داد که مشارکت فعال دانش‌آموزان می‌تواند حس تعلق و مسئولیت‌پذیری آن‌ها را تقویت کند. با این حال، چالش‌هایی نظیر عدم اعتماد به نفس دانش‌آموزان و عدم حمایت کافی معلمان و مدیران مانع این مشارکت مؤثر می‌شد. علاوه بر این، وجود برنامه‌های آموزشی و فعالیت‌های گروهی می‌توانست انگیزه و توانایی‌های دانش‌آموزان را در این زمینه افزایش دهد. در نهایت، ایجاد محیط‌های مناسب برای مشارکت دانش‌آموزان در تصمیم‌گیری‌های مدرسه یک ضرورت تلقی شد.

واژه‌های کلیدی: مشارکت دانش‌آموزان، تصمیم‌گیری، آموزش، چالش



نقش رسانه‌های اجتماعی در آموزش مهارت‌های زندگی به خانواده‌ها

علی جعفری^{۱*}، فاطمه وصال طلب^۲

۱. استادیار گروه مشارکت‌ها و ارتباطات، پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، تهران، ایران
alijafari@oerp.ir
۲. دانشجوی دکتری علوم ارتباطات، دانشگاه آزاد اسلامی، f_vesaltalab@yahoo.com

چکیده

رسانه‌های اجتماعی به بستری مهم برای تبادل اطلاعات و آموزش تبدیل شده‌اند، اما نقش آن‌ها در آموزش مهارت‌های زندگی به خانواده‌ها نیازمند بررسی دقیق‌تر است. این پژوهش با هدف بررسی نقش رسانه‌های اجتماعی در آموزش مهارت‌های زندگی به خانواده‌ها انجام شد. روش تحلیل مضمون براون و کلارک به کار گرفته شد. داده‌ها از طریق تحلیل محتوای کیفی ۳۰ منبع آموزشی پرکاربرد در پلتفرم‌های اینستاگرام، تلگرام و یوتیوب گردآوری و در قالب مضامین اصلی و فرعی سازمان‌دهی شدند. یافته‌ها نشان دادند که رسانه‌های اجتماعی از طریق پنج مضمون کلیدی شامل ترویج سبک زندگی سالم، تقویت مهارت‌های ارتباطی، آموزش سواد رسانه‌ای، حمایت اجتماعی دیجیتال و مخاطرات رسانه‌ای نقش‌آفرینی می‌کردند. تحلیل داده‌ها بر اساس نظریه‌های یادگیری اجتماعی بندورا و کنش ارتباطی هابرماس نشان داد که این رسانه‌ها از یک سو بستری برای یادگیری مشارکتی و توانمندسازی خانواده‌ها فراهم می‌کردند و از سوی دیگر، با چالش‌هایی مانند کاهش تعاملات حضوری و اشاعه اطلاعات نادرست همراه بودند. این دوگانگی مؤید ضرورت مدیریت آگاهانه و نقادانه استفاده از رسانه‌های اجتماعی برای آموزش مهارت‌های زندگی بود.

واژه‌های کلیدی: رسانه‌های اجتماعی، مهارت‌های زندگی، خانواده، تحلیل مضمون



سواد رسانه‌ای در مدارس: راهکارهایی برای ارتقا آگاهی دانش‌آموزان در دنیای دیجیتال

علی جعفری*^۱، مصطفی یحیایی رودبارکی^۲

۱. استادیار گروه مشارکت‌ها و ارتباطات، پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، تهران، ایران
alijafari@oerp.ir
۲. دانشجوی دکتری علوم ارتباطات، دانشگاه آزاد اسلامی. naghshnewspaper@gmail.com

چکیده

در دنیای امروز، رسانه‌های دیجیتال به بخش جدایی‌ناپذیری از زندگی کودکان و نوجوانان تبدیل شده است. دسترسی گسترده به اینترنت و محتوای رسانه‌ای مختلف، دانش‌آموزان را در معرض اطلاعات گوناگونی قرار می‌داد که لزوماً معتبر و صحیح نیستند. از این رو، آموزش سواد رسانه‌ای در مدارس، نه تنها یک ضرورت آموزشی بلکه یک راهکار اساسی برای مقابله با چالش‌های دنیای دیجیتال محسوب می‌شود. این پژوهش با هدف شناسایی راهکارهای مؤثر در آموزش سواد رسانه‌ای به دانش‌آموزان و بررسی چالش‌ها و فرصت‌های این حوزه انجام شد. روش تحقیق اسنادی-کتابخانه‌ای بود و منابع موردبررسی شامل پژوهش‌های تجربی، گزارش‌های رسمی (ازجمله سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران و برنامه‌های آموزشی کشورهای فنلاند و کانادا)، و سیاست‌نامه‌های مرتبط با سواد رسانه‌ای بودند. چارچوب نظری پژوهش بر اساس مدل «سواد رسانه‌ای انتقادی» طراحی شد. ابزار گردآوری داده‌ها، اسناد و منابع کتابخانه‌ای بودند. داده‌ها با تحلیل مضمون بررسی شدند. یافته‌ها نشان داد که کشورهای پیشرو مانند فنلاند و کانادا با ادغام سواد رسانه‌ای در برنامه‌های درسی و استفاده از روش‌های تعاملی به نتایج مطلوبی دست یافته بودند. در مقابل، ایران با چالش‌هایی مانند کمبود منابع آموزشی و عدم آموزش کافی معلمان مواجه بود. راهکارهای مؤثر شناسایی شده شامل تدوین برنامه‌های درسی ساختاریافته، آموزش معلمان از طریق کارگاه‌های تخصصی و استفاده از روش‌های فعال بود. نتایج حاکی از آن است که اجرای این راهکارها می‌توانست توانایی تحلیل انتقادی دانش‌آموزان را افزایش دهد و از آسیب‌هایی مانند اعتیاد دیجیتال پیشگیری کند. این پژوهش تأکید کرد که ایجاد یک چارچوب عملیاتی با همکاری نهادهای آموزشی و رسانه‌ای، گام کلیدی در تحقق این هدف بود.

واژه‌های کلیدی: سواد رسانه‌ای، آگاهی دیجیتال، آموزش دیجیتال، مدارس.





بررسی اثربخشی آموزش تنظیم هیجان بر درگیری شغلی و بهزیستی روان‌شناختی معلمان تربیت‌بدنی

علی جلیلی شیشوان^{۱*}، ساناز اشرفیان^۲

۱. * استادیار، گروه آموزشی روان‌شناسی ورزشی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. رایانامه: Jaliliali59@atu.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، پردیس بین‌المللی ارس، تبریز، ایران

چکیده

استرس و فشارهای شغلی در معلمان تربیت‌بدنی می‌تواند بر سلامت روان و عملکرد آنان تأثیر منفی بگذارد و نیازمند مداخلات مؤثر است. هدف این پژوهش: بررسی اثربخشی آموزش تنظیم هیجان بر درگیری شغلی و بهزیستی روان‌شناختی معلمان تربیت‌بدنی مقطع متوسطه دوم در شهر تبریز بود. مطالعه از نوع نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون و گروه کنترل انجام شد. جامعه آماری شامل معلمان تربیت‌بدنی مقطع متوسطه دوم در شهر تبریز در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ بود که ۳۰ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و به‌صورت تصادفی در دو گروه (آموزشی و کنترل) قرار گرفتند. گروه آموزش در طی ۸ جلسه آموزشی، بر اساس پروتکل آموزشی تنظیم هیجان که برگرفته از پروتکل‌های گراس (۲۰۰۷) است، آموزش دیدند (تعداد جلسات و مدت‌زمان هر جلسه: ۸ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای، هفته‌ای یک جلسه). ابزارهای اندازه‌گیری شامل پرسشنامه درگیری شغلی شووفلی و بیکر (۲۰۰۶) و پرسشنامه بهزیستی روان‌شناختی ریف و همکاران (۲۰۰۴) بود. داده‌ها با تحلیل کوواریانس چندمتغیره و تحلیل‌های تک‌متغیره مورد تحلیل قرار گرفتند. یافته‌های پژوهش نشان داد که آموزش تنظیم هیجان بر بهبود درگیری شغلی و بهزیستی روان‌شناختی معلمان تربیت‌بدنی تأثیر معناداری دارد. این مطالعه نشان داد که آموزش تنظیم هیجان به‌عنوان یک مداخله مؤثر می‌تواند درگیری شغلی و بهزیستی روان‌شناختی معلمان تربیت‌بدنی را بهبود بخشد و با کاهش استرس شغلی، گامی مهم در ارتقای سلامت روان و عملکرد حرفه‌ای آنان بردارد. یافته‌ها بر ضرورت توجه به برنامه‌های مداخلاتی مبتنی بر تنظیم هیجان در محیط‌های آموزشی تأکید می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: آموزش تنظیم هیجان، درگیری شغلی، بهزیستی روان‌شناختی، معلمان تربیت‌بدنی





مقایسه اثربخشی آموزش خودکار آمدی و ذهن آگاهی بر میزان درگیری شغلی و استحکامات روانی معلمان ورزش

علی جلیلی شیشوان^{۱*}، ساناز اشرفیان^۲

۱. * استادیار، گروه آموزشی روان‌شناسی ورزشی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. رایانامه: Jaliliali59@atu.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، پردیس بین‌المللی ارس، تبریز، ایران

چکیده

یکی از چالش‌های مهم در نظام آموزشی، تقویت استحکامات روانی و درگیری شغلی معلمان، به‌ویژه معلمان ورزش است که نقش مهمی در ارتقای سلامت جسمی و روانی دانش‌آموزان دارند. فقدان مداخلات مؤثر برای بهبود این عوامل می‌تواند به کاهش انگیزه و عملکرد شغلی معلمان منجر شود. پژوهش به بررسی مقایسه اثربخشی آموزش ذهن‌آگاهی و خودکارآمدی بر استحکامات روانی و درگیری شغلی در معلمان ورزش مقطع دوم متوسطه شهرستان تبریز در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ پرداخت. پژوهش حاضر یک مطالعه نیمه آزمایشی بود، طرح تحقیق پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل بود. با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس، حجم نمونه ۴۵ نفر انتخاب شدند و به‌صورت تصادفی در سه گروه کنترل (۱۵ نفر)، آموزش ذهن‌آگاهی سگال و همکاران (۲۰۲) (۱۵ نفر) برای هشت جلسه ۱/۵ ساعتی و آموزش خودکارآمدی کارگر (۱۳۹۶) در ۸ جلسه ۱/۵ ساعتی به‌طور هفتگی (۱۵ نفر) موردبررسی قرار گرفتند. ابزار استفاده‌شده در این پژوهش عبارت‌اند از پرسشنامه درگیری شغلی شائوفلی و بیکر (۲۰۰۶)، پرسشنامه استحکامات روانی کیامرثی و همکاران (۱۳۷۷). برای بررسی فرضیه‌های پژوهش از آزمون کوواریانس چند متغیره، تک متغیره و آزمون مانوا استفاده شد. نتایج نشان داد هر دو مداخله باعث افزایش معنی‌داری در درگیری شغلی و استحکامات روانی معلمان تربیت‌بدنی گردید. لذا آموزش ذهن‌آگاهی و خودکارآمدی می‌تواند به‌عنوان مداخلاتی مؤثر برای ارتقای استحکامات روانی و درگیری شغلی دبیران تربیت‌بدنی مورد استفاده قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: آموزش خودکارآمدی، آموزش ذهن‌آگاهی، درگیری شغلی، استحکامات روانی





تعیین اثربخشی آموزش ذهن‌آگاهی بر بهزیستی روان‌شناختی و اشتیاق شغلی در دبیران ورزش

علی جلیلی شیشوان^{۱*}، ساناز اشرفیان^۲

۱. * استادیار، گروه آموزشی روان‌شناسی ورزشی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. رایانامه: Jaliliali59@atu.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، پردیس بین‌المللی ارس، تبریز، ایران

چکیده

با توجه به فشارهای روانی و چالش‌های شغلی دبیران ورزش، بررسی راهکارهای مؤثری مانند آموزش ذهن‌آگاهی برای بهبود بهزیستی روان‌شناختی و اشتیاق شغلی آن‌ها ضروری به نظر می‌رسد. پژوهش حاضر یک مطالعه نیمه آزمایشی بود، طرح تحقیق عبارت از طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه کنترل بود که از دو گروه آزمودنی تشکیل شده و هر دو گروه دو بار مورد سنجش قرار گرفتند. جامعه آماری کل دبیران تربیت‌بدنی شهرستان تبریز در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ بود. با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس، حجم نمونه ۳۰ نفر انتخاب خواهند شد؛ و به‌صورت تصادفی در دو گروه کنترل (۱۵ نفر)، آموزش ذهن‌آگاهی (۱۵ نفر) مورد بررسی قرار گرفت. ابزار استفاده‌شده در این پژوهش عبارت‌اند از پرسشنامه اشتیاق شغلی شائوفلی و بیکر (۲۰۰۶)، پرسشنامه بهزیستی روان‌شناختی ریف و همکاران (۲۰۰۴). برای بررسی فرضیه‌های پژوهش از آزمون کوواریانس چند متغیره، تک متغیره استفاده شد. نتایج نشان داد که ذهن‌آگاهی بر افزایش بهزیستی ذهنی و اشتیاق شغلی اثر معنی‌دار دارد. لذا می‌توان نتیجه‌گیری کرد که برگزاری کارگاه‌های آموزش ذهن‌آگاهی برای دبیران ورزش به‌منظور بهبود عملکرد شغلی و افزایش بهزیستی روان‌شناختی آنان، در اولویت قرار گیرد و برنامه‌های مستمر و گسترده‌تری در این حوزه تدوین و اجرا شود.

واژه‌های کلیدی: آموزش ذهن‌آگاهی، اشتیاق شغلی، بهزیستی روان‌شناختی





نقش میانجی مدیریت مشارکتی در رابطه بین انگیزش شغلی معلمان و خودتنظیمی تحصیلی دانش‌آموزان

زینب جهانبخش^{۱*}، زهرا جهانبخش^۲

۱. * کارشناسی ارشد بیوتکنولوژی، دانشگاه علوم پزشکی آزاد اسلامی تهران، تهران، ایران.

z.jahanbakhsh.7291@gmail.com

۲. استادیار گروه سنجش و اندازه‌گیری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. z.jahanbakhsh@atu.ac.ir

چکیده

در راستای بهبود کیفیت فرآیندهای یادگیری دانش‌آموزان، درک سازوکارهای سازمانی مؤثر بر این فرآیند از اهمیت بالایی برخوردار است. این مطالعه با هدف بررسی نقش واسطه‌ای مدیریت مشارکتی در رابطه بین انگیزش شغلی معلمان و خودتنظیمی تحصیلی دانش‌آموزان دبیرستانی انجام شد. طرح پژوهش، توصیفی-همبستگی از نوع مدل‌سازی معادله ساختاری بود. جامعه آماری شامل تمامی معلمان و دانش‌آموزان ابتدایی شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ بودند که از میان آن‌ها ۱۰۰ معلم و ۲۰۰ دانش‌آموز با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی برای مناطق و نمونه‌گیری در دسترس برای افراد، انتخاب شدند. ابزارهای جمع‌آوری داده‌ها شامل پرسشنامه‌های انگیزش شغلی معلمان، مدیریت مشارکتی، و خودتنظیمی تحصیلی دانش‌آموزان بودند. داده‌ها با استفاده از تکنیک‌های مدل‌سازی معادله ساختاری تحلیل شدند. یافته‌ها نشان دادند که رابطه مثبت معناداری بین انگیزش شغلی معلمان و خودتنظیمی تحصیلی دانش‌آموزان وجود داشت و مدیریت مشارکتی نقش واسطه‌ای در این رابطه ایفا کرد. این نتایج بر اهمیت تقویت مدیریت مشارکتی در مدارس برای بهبود خودتنظیمی تحصیلی دانش‌آموزان تأکید داشت.

واژه‌های کلیدی: مدیریت مشارکتی، انگیزش شغلی، خودتنظیمی تحصیلی، معلمان





بررسی ویژگی‌های مدرسه تراز ایرانی- اسلامی از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

سمیه چاچ*^۱، فاطمه چاچ^۲، حدیث پوردهقان^۳

- *۱. کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه چمران، اهواز، ایران / آموزگار پایه دوم دبستان ایمان شهرستان رباط‌کریم، ایران
valipoormostafa1360@gmail.com
۲. کارشناسی ارشد شیمی، دانشگاه لرستان، ایران / آموزگار پایه ششم منطقه هفت آموزش و پرورش شهر تهران، ایران
valipoormostafa1360@gmail.com
۳. کارشناسی شیمی، دانشگاه لرستان، ایران / آموزگار پایه اول منطقه پانزده آموزش و پرورش شهر تهران، ایران
valipoormostafa1360@gmail.com

چکیده

تأسیس و توسعه مدارس تراز، نیازمند شناسایی ویژگی‌های معلم و مدرسه ایده‌آل است که در اسناد بالادستی و دیدگاه‌های رهبری نیز بر آن تأکید شده است. هدف این پژوهش شناسایی ویژگی‌های حرفه‌ای مدرسه و معلم تراز از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای در امر تأسیس و توسعه مدارس تراز بود. روش پژوهش کیفی و از نوع تحلیل محتوا بود. جمع‌آوری داده‌ها از طریق مطالعه اسناد کتابخانه‌ای با استفاده از نمونه‌گیری گلوله برفی انجام شد. جامعه آماری شامل سخنرانی‌ها، بیانات، پیام‌ها و کتب مرتبط با دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای بود. پس از بررسی، بیانات منتشرشده در پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای از سال ۱۳۶۸ تا ۱۴۰۲ به‌عنوان جامعه آماری انتخاب شدند. نتایج نشان داد که ویژگی‌های معلم شامل صلاحیت‌های علمی، اجتماعی و ارتباطی بود و ویژگی‌های مدرسه تراز نیز شامل برنامه‌ریزی درسی مناسب، محیطی پویا و مدیریت کارآمد بود. این پژوهش بر اهمیت هم‌سویی ویژگی‌های مدرسه و معلم با آموزه‌های اسلامی و انقلابی برای تربیت نسل آینده تأکید کرد.

واژه‌های کلیدی: مدرسه تراز، معلم تراز، دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، تربیت اسلامی





الگوی بهره‌مندی هوشمندانه از فناوری‌های نوین در تحقق مدرسه تراز با رویکرد ارتقاء کیفیت مدیریت آموزشی

امیر چهره‌پرداز^{۱*}

۱. کارشناسی ارشد علوم تربیتی برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دورود/ آموزش و پرورش، تهران، ایران
amir.chehrepardaz1992@gmail.com

چکیده

پیشرفت فناوری‌های نوین، به‌ویژه در حوزه‌هایی چون هوش مصنوعی، پلتفرم‌های یادگیری دیجیتال و ابزارهای مدیریتی، زمینه‌ساز تحول در مدیریت مدارس شده است. این پژوهش با هدف طراحی الگویی برای بهره‌مندی هوشمندانه از فناوری‌های نوین در راستای ارتقاء کیفیت مدیریت آموزشی در مدرسه‌های تراز ایران انجام شد. پژوهش حاضر از نوع کیفی توصیفی-تحلیلی بود. جامعه پژوهش شامل کلیه منابع علمی، مقالات و گزارش‌های رسمی داخلی (در بازه زمانی ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۴) و خارجی (۲۰۱۵ تا ۲۰۲۵) بود. با روش نمونه‌گیری هدفمند، ۴۰ منبع از پایگاه‌های معتبر SID، Magiran، ERIC و Google Scholar انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها، فیش‌برداری ساختاریافته و چارچوب نظری تحلیل شامل مدل مدرسه اثربخش لوین و مک‌بیث (Levin & McBeath) و الگوی تحول‌آفرین مایکل فولن (Michael Fullan) بود. داده‌ها با روش تحلیل مضمون کدگذاری و تحلیل شدند. یافته‌ها شش مؤلفه کلیدی شامل مدیریت داده‌محور، یادگیری شخصی‌سازی شده، نظارت هوشمند، مشارکت فناورانه والدین، پشتیبانی روانی-اجتماعی فناورمحور و ارتقای حرفه‌ای معلمان را شناسایی کردند. این مؤلفه‌ها به‌طور کلی چارچوبی منسجم برای بهبود مدیریت آموزشی و تحقق اهداف مدارس تراز در ایران ارائه دادند. بهره‌برداری استراتژیک و هوشمندانه از فناوری می‌تواند کاتالیزوری برای تحول پایدار در نظام‌های مدرسه‌ای باشد.

واژه‌های کلیدی: فناوری‌های نوین، مدرسه تراز، مدیریت آموزشی، تحلیل مضمون، هوش مصنوعی.



نقش مدیریت منابع انسانی در آموزش و پرورش با هدف توسعه پایدار

تینا حاج محمدی^{۱*}، ریحانه بهزادی^۲

۱. کارشناسی مهندسی کامپیوتر، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی / آموزش و پرورش، تبریز، ایران.

رایانامه: Tina.h.mohammadi@gmail.com

۲. کارشناسی آموزشی فیزیک، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی / آموزش و پرورش، تهران، ایران.

رایانامه: Reyhanebehzadi14@gmail.com

چکیده

آموزش و پرورش به عنوان زیربنای توسعه انسانی و اجتماعی، نقشی اساسی در شکل‌دهی به آینده کشور دارد و کیفیت مدیریت منابع انسانی در این نهاد، یکی از عوامل مؤثر بر تحقق توسعه پایدار و عدالت آموزشی به شمار می‌رود. این پژوهش با هدف تحلیل نقش مدیریت منابع انسانی در آموزش و پرورش در راستای دستیابی به توسعه پایدار انجام شد. مطالعه به روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد کیفی و استنباطی انجام گرفت؛ داده‌ها از طریق مطالعه منابع علمی و رسمی (کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها و گزارش‌ها) گردآوری و با تحلیل محتوای آن‌ها بررسی شدند. جامعه پژوهش شامل سیاست‌های منابع انسانی در نظام آموزش و پرورش ایران بود و نمونه‌گیری به صورت هدفمند و مبتنی بر تحلیل محتوای منابع صورت گرفت. در فرایند بررسی، سه ساحت اصلی مدیریت منابع انسانی شامل جذب و گزینش شایسته، تربیت علمی و حرفه‌ای معلمان، و ارزیابی عملکرد اثربخش مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که ضعف در نظام گزینش، ناکارآمدی دانشگاه‌های تربیت معلم و فقدان نظام ارزیابی شفاف از مهم‌ترین چالش‌های موجود در آموزش و پرورش است؛ همچنین، کمبود نیروی انسانی متخصص و مسائل معیشتی معلمان، بر کیفیت آموزشی و تحقق عدالت آموزشی تأثیر منفی داشت. یافته‌ها نشان داد که بهبود کارآمدی منابع انسانی نیازمند بازنگری در سیاست‌های جذب، طراحی نظام ارزیابی شایستگی‌محور، و ارتقای انگیزش و رفاه شغلی معلمان است. در نهایت، تقویت مدیریت منابع انسانی می‌تواند بستری مؤثر برای تحقق توسعه پایدار از مسیر آموزش و پرورش فراهم آورد.

واژه‌های کلیدی: آموزش و پرورش، توسعه پایدار، مدیریت منابع انسانی، تعلیم و تربیت، سیاست گذاری آموزشی، شایسته‌گزینی، کیفیت آموزش، عدالت آموزشی، تحلیل محتوای استنباطی

از پداگوژی تا هیوتاگوژی: بررسی نقش موک‌ها در سیر تحولات آموزشی

صادق حامدی نسب^{۱*}، حمیده عزیزی^۲

*. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران hamedinasab@cfu.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد علوم تربیتی، گرایش مدیریت آموزشی / آموزگار، آموزش و پرورش بیرجند، ایران
hamidehazizi90@yahoo.com

چکیده

با وجود تغییر و تحولات سریع در ابعاد مختلف زندگی بشر و به‌ویژه نظام آموزشی جوامع در عصر حاضر، دیگر روش‌های سنتی، پاسخگوی رفع نیازهای نسل کنونی نیست و پیشرفت‌های فناوری در قرن اخیر و گذر از آموزش‌های معلم محور به‌سوی آموزش‌های تلفیقی و یادگیرنده محور، لزوم توجه ویژه به این امر را روشن می‌سازد. از این رو، مقاله حاضر با هدف بررسی سیر تکامل موک‌ها را از پداگوژی تا هیوتاگوژی انجام شد. این پژوهش به روش مروری و براساس رویکرد توصیفی و تحلیلی انجام شد. جامعه آن منابع علمی منتشر شده بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۴ بود و نمونه‌ای شامل ۱۶ مقاله مرتبط، به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شد. ابزار گردآوری داده‌ها شامل مقالات، کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و گزارش‌های پژوهشی بود. داده‌ها با استفاده از تحلیل محتوای کیفی بررسی و مضامین مرتبط با نقش MOOCs در گذار از پداگوژی به هیوتاگوژی استخراج شدند. با توجه به یافته‌های حاصل، می‌توان از یادگیری هیوتاگوژیک به‌عنوان برآیند تحول در موک‌ها و نوعی یادگیری خودتعیین‌گری توسط یادگیرنده نام برد که سی موک‌ها (موک‌های تعاملی) حمایت‌کننده این نوع آموزش بودند. موک‌ها با ایجاد محیط‌های تعاملی زمینه خودراهبری یادگیرندگان را فراهم کردند و باعث شدند که یادگیرندگان به‌طور کامل اهداف و فرایندهای یادگیری را تعیین کنند. از این رو، مراکز آموزشی می‌توانستند با ایجاد و استفاده از موک‌های مختلف، زمینه استفاده یادگیرندگان از یادگیری هیوتاگوژی را فراهم نمایند. این امر منجر به درجات بالایی از تفکر انتقادی و یادگیری فراشناخت در یادگیرندگان شد.

واژه‌های کلیدی: موک‌ها، پداگوژی، هیوتاگوژی، آموزش آنلاین.



چالش‌ها و راهکارهای توسعه حرفه‌ای در نظام‌های آموزشی

حمدالله حبیبی^{۱*}، ماریا فاطمی^۲

*۱. دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران hamdullahhabibi@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، آموزش و پرورش، تهران، ایران / آموزش پرورش استان آذربایجان شرقی. marya.fatemi2012@yahoo.com

چکیده

توسعه حرفه‌ای معلمان و مدیران مدارس به‌عنوان رکن اصلی بهبود کیفیت آموزش در نظام‌های آموزشی مطرح شده است، اما چالش‌هایی مانند محدودیت‌های ساختاری، کمبود منابع و ناکارآمدی برنامه‌های آموزشی سبک‌های باعث ایجاد موانع جدی در این زمینه شده‌اند. این پژوهش با هدف شناسایی چالش‌ها و راهکارهای بهبود توسعه حرفه‌ای در نظام آموزشی ایران انجام شد. روش تحقیق تحلیلی-استنتاجی بود که با بررسی منابع داخلی و بین‌المللی منتشرشده از سال ۱۳۹۵ به بعد، به تحلیل مضمون کیفی داده‌ها پرداخت. جامعه آماری شامل تمام مقالات، کتاب‌ها و گزارش‌های تخصصی در زمینه توسعه حرفه‌ای در ایران بود و نمونه‌گیری به صورت هدفمند صورت گرفت. داده‌ها از طریق بررسی متون علمی و تحلیل یافته‌های موجود استخراج و به روش کیفی موردبررسی قرار گرفتند. نتایج نشان دادند که چالش‌های اصلی شامل کمبود مهارت‌های مدیریتی، مقاومت فرهنگی در پذیرش تغییرات و ضعف زیرساخت‌های آموزشی هستند، درحالی‌که راهکارهایی مانند طراحی برنامه‌های شخصی‌سازی شده، استفاده از فناوری و تقویت شبکه‌های حرفه‌ای می‌توانند به حل این مسائل کمک کنند. درنهایت، با توجه به نقش کلیدی توسعه حرفه‌ای در بهبود عملکرد آموزشی، ضرورت اصلاح ساختارهای سازمانی و تخصیص منابع کافی برای اجرای مؤثر این برنامه‌ها تأکید شد.

واژه‌های کلیدی: توسعه حرفه‌ای، معلمان، مدیران مدارس، نظام آموزشی.





رابطه سبک تغذیه و میزان تمرکز در دانش‌آموزان ابتدایی

زهرا سادات حجازی هاشمی^۱، نرجس جمالی^۲، مریم رحیمی حقیقی شیرازی^۳،
زینب ربانی^۴

۱. دانشجوی کارشناسی روان‌شناسی، واحد الکترونیک، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران *Rahahejazi62@gmail.com*

۲. دانشجوی کارشناسی روان‌شناسی، واحد الکترونیک، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ایران *narjesjamali@gmail.com*

۳. دانشجوی کارشناسی روان‌شناسی، واحد الکترونیک، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

Setareh2019rahimi@gmail.com

۴. استادیار، گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشکده تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اسلامشهر، تهران، ایران

Rabbany2007@gmail.com

چکیده:

تأثیر تغذیه سالم بر یادگیری و تمرکز دانش‌آموزان از مسائل مهم و پراهمیت در حوزه‌های تغذیه و آموزش محسوب می‌شود. این پژوهش با هدف بررسی رابطه سبک تغذیه و میزان تمرکز در دانش‌آموزان ابتدایی انجام شد. این مطالعه کاربردی با رویکرد توصیفی-همبستگی صورت گرفت. جامعه آماری شامل ۸۰۰ دانش‌آموز سال ششم ابتدایی بود که از میان آن‌ها نمونه‌ای ۴۲۷ نفری به روش تصادفی ساده انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها شامل پرسشنامه عادات غذایی و پرسشنامه بررسی توجه و تمرکز بود. پرسشنامه سبک تغذیه توسط چن و بور در سال ۲۰۱۰ ساخته شده بود. نتایج نشان داد که بین سبک تغذیه سالم و میزان تمرکز در دانش‌آموزان ابتدایی رابطه معناداری وجود داشت. همچنین، مشخص شد که عادات غذایی نامناسب می‌توانند تأثیر منفی بر سطح تمرکز و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان بگذارند؛ بنابراین، توجه به رژیم غذایی و ترویج عادات غذایی سالم در مدارس و خانواده‌ها می‌تواند به بهبود تمرکز و درنهایت پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان کمک شایانی کند.

واژه‌های کلیدی: سبک تغذیه، تمرکز، دانش‌آموزان ابتدایی، عادات غذایی.





آسیب‌شناسی آموزش دینی در مدارس: بررسی چالش‌ها و راهکارها

فاطمه حسن‌آبادی^۱، محمدمهدی دهقانی فیروزآبادی^{۲*}، سید مصطفی صفاری^۳

۱. دانشجوی کارشناسی آموزش تاریخ، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران Fhasanabadi19@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی آموزش تاریخ، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. mohammadmahdi7461@gmail.com

۳. دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران seyedmostafasaffari@cfu.ac.ir

چکیده

در آموزش و پرورش، شناسایی چالش‌ها و راهکارهای آموزش دینی در مدارس به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی در تقویت هویت فرهنگی-دینی دانش‌آموزان ضروری است؛ با این حال، ناهمخوانی‌های موجود در محتوا، روش‌های تدریس و منابع آموزشی موجب کاهش اثربخشی این حوزه شده است. این مطالعه با هدف بررسی چالش‌ها و راهکارهای آموزش دینی در مدارس انجام شد. پژوهش حاضر مروری کتابخانه‌ای با رویکرد تحلیل محتوای مطالعات علمی منتشرشده در پایگاه‌های معتبر داخلی و خارجی بود؛ جامعه آماری شامل مقالات علمی در زمینه آموزش دینی از سال ۱۳۹۰ به بعد بودند که نمونه‌ها به‌صورت هدفمند و بر اساس مرتبط بودن موضوع و اعتبار علمی انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از تحلیل محتوا و روش کدگذاری مضمون استخراج و دسته‌بندی شدند. نتایج نشان داد مهم‌ترین چالش‌ها شامل کمبود منابع آموزشی متنوع، عدم هماهنگی برنامه درسی با نیازهای دانش‌آموزان، و محدودیت‌های روش‌های تدریس سنتی است؛ همچنین، استفاده از روش‌های تدریس مشارکتی، به‌کارگیری فناوری آموزشی و توجه به نیازهای فردی دانش‌آموزان به‌عنوان راهکارهای مؤثر در بهبود آموزش دینی شناسایی شدند. به‌طور کلی، به‌روزرسانی محتوا، بهبود روش‌های تدریس و تقویت منابع آموزشی می‌تواند نقش مهمی در تحقق آموزش دینی مؤثر و پویا داشته باشد.

واژه‌های کلیدی: آموزش دینی، چالش‌های آموزشی، روش‌های تدریس، منابع آموزشی، تحلیل مضمون.



مسئله شناسی و ایده پردازی در مباحث دینی و فرهنگی آموزش و پرورش

عاشور حسن زاده عرب^۱

۱. دکتری زبان و ادبیات فارسی / استاد مدعو دانشگاه فرهنگیان اهواز / معلم ناحیه یک اهواز، آموزش و پرورش، اهواز.
ashour1363@gmail.com

چکیده

نظام آموزش دینی و فرهنگی ایران با چالش‌هایی روبروست که نیاز به رویکردهای نوآورانه دارد. این مطالعه با هدف شناسایی چالش‌ها در نظام آموزش دینی و فرهنگی ایران و ارائه راه‌حل‌های نوآورانه مبتنی بر فناوری و روش‌های یادگیری فعال انجام شد. این پژوهش کیفی بود و از رویکرد تحلیل محتوای مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای استفاده شد. جامعه آماری شامل ۶۰ منبع آکادمیک (۴۰ مقاله داخلی و ۲۰ مقاله بین‌المللی) از پایگاه‌های داده معتبر از جمله نورمگز، اسکوپوس، و ساینس دایرکت (منتشر شده بین سال‌های ۲۰۱۶-۲۰۲۳) بود که از طریق نمونه‌گیری نظام‌مند بر اساس اعتبار علمی، ارتباط موضوعی، و نوآوری انتخاب شدند. تحلیل داده‌ها با استفاده از رویکرد فراترکیب با کدگذاری سه مرحله‌ای (باز، محوری، و انتخابی) انجام شد. یافته‌های کلیدی شامل ضعف محتوای آموزشی (عدم جذابیت و عدم انطباق با نیازهای دانش‌آموزان)، روش‌های تدریس غیرفعال (اتکا به سخنرانی‌های یک‌طرفه)، و عدم توجه کافی به تفاوت‌های فردی و جنبه‌های عاطفی یادگیری بودند. راه‌حل‌های پیشنهادی در سه سطح طراحی شدند: سطح کلان (تولید محتوای دیجیتال تعاملی)، سطح میانی (آموزش معلمان در روش‌های فعال مانند یادگیری مبتنی بر پروژه و ایفای نقش)، و سطح خرد (برنامه‌های شخصی‌سازی شده بر اساس سبک‌های یادگیری). نتایج نشان داد که تحول در آموزش دینی و فرهنگی نیازمند رویکردی چندبعدی است که فناوری‌های دیجیتال، روش‌های تدریس فعال، و توجه به ابعاد عاطفی یادگیری را یکپارچه کند.

واژه‌های کلیدی: آموزش دینی، آموزش فرهنگی، فناوری، یادگیری فعال، چالش‌ها



نقش تغذیه در ارتقای عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان

اکرم سادات حسن‌زاده میدانی^{۱*}

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد گفتاردرمانی، آموزش و پرورش استثنایی. دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران
hassanzadeh7279@gmail.com

چکیده

تغذیه مناسب از طریق تأثیر بر مسیرهای نوروییولوژیک مختلف، نقش مهمی در ارتقای عملکرد شناختی و سلامت روانی دارد. هدف این مطالعه مروری بررسی نقش تغذیه در ارتقای عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان بود. این مطالعه به صورت مروری انجام شد و مقالات منتشر شده بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۳ را بررسی کرد. مطالعات انجام شده نشان دادند که مصرف منظم صبحانه و رژیم‌های سرشار از امگا-۳ و ویتامین‌های گروه B با بهبود توجه، حافظه و مشارکت دانش‌آموزان در کلاس همراه است، درحالی‌که مصرف مکرر فست‌فود و غذاهای بسیار فرآوری‌شده با کاهش تمرکز و افت نمرات مرتبط بود. مداخلات مدرسه‌ای نظیر برنامه‌های صبحانه رایگان و ارتقای کیفیت غذای مدرسه می‌توانند اثرات مثبتی بر عملکرد تحصیلی داشته باشند. این پژوهش بر اهمیت تغذیه سالم برای بهبود عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان تأکید کرد، اما به نیاز به مطالعات طولی بیشتر برای درک سازوکارهای زیربنایی این ارتباط اشاره کرد.

واژه‌های کلیدی: تغذیه، عملکرد تحصیلی، دانش‌آموزان، سلامت روان، رژیم غذایی.





واکاوی ابعاد محیط یادگیری در مدارس ابتدایی: یک مطالعه روایت پژوهی

سمیه حسن نیا^{۱*}، پرستو نیکخواه^۲

۱. استادیار، گروه آموزشی روان‌شناسی و مشاوره دانشگاه فرهنگیان تهران، ایران sm.hassannia@cfu.ac.ir
۲. دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

چکیده

محیط یادگیری در مدارس ابتدایی، به‌عنوان یک بستر چندبعدی، نقش حیاتی در شکل‌دهی تجربیات آموزشی دانش‌آموزان ایفا می‌کند. هدف اصلی این مطالعه، شناسایی ابعاد محیط یادگیری مؤثر بر فرآیند آموزشی از طریق تحلیل روایت‌های تولید شده توسط دانش‌جویان معلم بود. این مطالعه با استفاده از روش کیفی پژوهش روایی روزمره ریچاردسون (۱۹۹۰) انجام شد که بر این باور است افراد واقعیت‌های اجتماعی را از طریق روایت‌های خود (مانند داستان‌های شخصی، خاطرات یا مکالمات روزمره) بازسازی و تفسیر می‌کنند. داده‌ها در طول یک‌ترم تحصیلی (۱۶ هفته) در یک مدرسه ابتدایی در شهر یا سوج، از طریق مشاهده تأملی با ثبت ۴۰ یادداشت از خاطرات روزانه دانش‌جویان معلم، جمع‌آوری شدند. داده‌ها با استفاده از تحلیل مضمونی شامل کدگذاری باز، محوری و انتخابی پردازش شدند. در کدگذاری باز، ۴۸ کد اولیه استخراج شد. در کدگذاری محوری، کدها در ۴ دسته اصلی (تدریس معلم، تعاملات، باوجدان بودن و فیزیکی) طبقه‌بندی شدند. نتایج به شناسایی ابعاد مهم محیط یادگیری از دیدگاه دانش‌جویان معلم منجر شد.

واژه‌های کلیدی: محیط یادگیری، مدارس ابتدایی، روایت، تحلیل مضمونی، تدریس.





کاربردها و چالش‌های فناوری‌های دیجیتال در فرآیند آموزش: نیاز به زیرساخت مناسب و حفظ حریم خصوصی

مصطفی حسین بیکی^{۱*}، حلیمه حسین بیکی^۲

۱. دکتری شیمی / اداره کل آموزش و پرورش مازندران، اداره آموزش و پرورش تنکابن، تنکابن، ایران.

hosseinbakim@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق / اداره کل آموزش و پرورش مازندران، اداره آموزش و پرورش عباس‌آباد، عباس‌آباد، ایران.

halimeh1066@gmail.com

چکیده:

در سال‌های اخیر، گسترش فناوری‌های دیجیتال و نقش آن در نظام‌های آموزشی به‌عنوان فرصتی نوآورانه برای ارتقای کیفیت یادگیری مطرح شده است، اما با چالش‌هایی مانند نابرابری در دسترسی به زیرساخت‌ها و کمبود آموزش‌های تخصصی همراه بوده است. این پژوهش با هدف تحلیل نقش فناوری دیجیتال در آموزش و شناسایی چالش‌های آن بر اساس مطالعات بین‌المللی انجام شد. روش پژوهش کیفی و اسنادی-مروری بود که داده‌ها از طریق جستجو در پایگاه‌های علمی شامل PubMed، Google Scholar و Science Direct گردآوری شدند. پس از اعمال معیارهای ورود و خروج، ۲۲ مقاله مرتبط در بازه زمانی ۲۰۰۸ تا ۲۰۲۲ انتخاب و با روش تحلیل محتوای کیفی موردبررسی قرار گرفتند. یافته‌ها نشان داد فناوری دیجیتال می‌تواند به‌عنوان ارائه‌دهنده دانش، خالق اطلاعات، مربی و ارزیاب عمل کند و از این طریق بهره‌وری تدریس، رفع موانع آموزشی و توانمندسازی خودآموزی دانش‌آموزان را تسهیل کند. همچنین نتایج برجسته کرد که نارسایی در زیرساخت‌های فنی و عدم تطابق برنامه‌های آموزشی با نیازهای محلی از جمله چالش‌های اصلی در پیاده‌سازی این فناوری‌ها محسوب می‌شوند. این یافته‌ها حاکی از آن است که بدون برنامه‌ریزی استراتژیک برای رفع چالش‌های ساختاری، استفاده از فناوری دیجیتال ممکن است به نتایج مطلوب نرسد؛ بنابراین، طراحی الگوهای بومی‌سازی شده و تقویت زیرساخت‌های آموزشی به‌ویژه در مناطق محروم پیشنهاد می‌شود.

واژه‌های کلیدی: فناوری دیجیتال، آموزش، مرور نظام‌مند، چالش‌ها، تحلیل کیفی.





طراحی الگوی مدیریت مشارکتی در مدارس تراز شهر خرم‌آباد: یک نظریه داده بنیاد

حدیث حسینی*

*. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه لرستان. hadishoseini1395@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف طراحی الگوی مدیریت مشارکتی در مدارس تراز شهر خرم‌آباد در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ و با رویکرد کیفی و روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد انجام شده است. با توجه به نقش محوری مشارکت در ارتقاء عملکرد آموزشی و مدیریتی مدارس، این مطالعه بر آن است تا الگویی بومی و کارآمد برای مدیریت مشارکتی از منظر مدیران مدارس تراز ارائه دهد. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با ۱۵ نفر از مدیران منتخب، با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و گلوله‌برفی گردآوری و با رویکرد کدگذاری سه‌مرحله‌ای اشراف و کوربین تحلیل شدند. تحلیل داده‌ها به استخراج شش مقوله اصلی شامل رهبری تسهیلگر، اعتماد سازمانی، فرهنگ مشارکتی، ساختار منعطف، انگیزش درونی و نظام‌مندسازی مشارکت منجر شد. این مقولات در قالب الگویی مفهومی سازمان‌دهی گردیدند که بیانگر تعامل بین عوامل علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبردها و پیامدهای مدیریت مشارکتی است. الگوی نهایی با بهره‌گیری از نظرات خبرگان آموزشی مورد اعتبارسنجی قرار گرفت و اعتبار آن تأیید شد. یافته‌ها می‌توانند در راستای توانمندسازی مدیران مدارس و نهادینه‌سازی مشارکت اثربخش در محیط‌های آموزشی مورد استفاده قرار گیرند. نتایج این پژوهش نشان داد که مدیریت مشارکتی مؤثر در مدارس مستلزم ایجاد بستری مناسب از طریق رهبری تسهیلگر، تقویت اعتماد سازمانی، و ترویج فرهنگ مشارکت است. همچنین، وجود ساختارهای منعطف، انگیزش درونی کارکنان و نظام‌مندسازی فرآیندهای مشارکت، از عوامل کلیدی در تحقق این الگو به شمار می‌روند. الگوی طراحی شده می‌تواند به عنوان نقشه راهی علمی و کاربردی برای مدیران مدارس در جهت بهبود عملکرد سازمانی، افزایش هم‌افزایی نیروی انسانی و ارتقای کیفیت تصمیم‌گیری جمعی مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی: مدیریت مشارکتی، مدیران مدارس، مدارس تراز، نظریه داده بنیاد





بهبود عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان با تقویت هوش معنوی و اخلاقی

بتول حسینی تلی*^۱

*۱. دکتری فیزیک / دانشیار معلم آموزش و پرورش تهران، ایران hoseini1351@yahoo.com

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی رابطه بین هوش معنوی و هوش اخلاقی با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دختر دبیرستان سمیه انجام شد. با توجه به اهمیت نقش هوش معنوی و اخلاقی در موفقیت تحصیلی، این مطالعه به دنبال شناسایی ارتباط این متغیرها بود. روش تحقیق توصیفی از نوع همبستگی بود و جامعه آماری شامل ۱۷۵ دانش‌آموز دختر پایه‌های هفتم، هشتم و نهم بود که به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه هوش معنوی بدیع و همکاران (۱۳۸۹)، پرسشنامه هوش اخلاقی لینک، کیل و جردن (۲۰۱۱) و پرسشنامه عملکرد تحصیلی تیلور و فام (۱۹۹۹) بودند. داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه تحلیل شدند. نتایج نشان داد که بین هوش معنوی و هوش اخلاقی با عملکرد تحصیلی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین، ابعاد مختلف هوش معنوی و اخلاقی توانستند عملکرد تحصیلی را پیش‌بینی کنند. این یافته‌ها بر اهمیت تقویت هوش معنوی و اخلاقی در بهبود عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان تأکید دارند و می‌توانند به‌عنوان راهنمایی برای برنامه ریزان آموزشی مورد استفاده قرار گیرند.

واژه‌های کلیدی: هوش معنوی، هوش اخلاقی، عملکرد تحصیلی، دانش‌آموزان، رابطه همبستگی





مدیریت مشارکتی در مدارس: ضرورت‌ها و راهبردهای اجرایی

سید احمد حسینی خلخالی^{۱*}

*۱. مدیر مدرسه، آموزش و پرورش شهرستان رضوانشهر. s.hosseinihalkhali@mail.sbu.ac.ir

چکیده

ضرورت تقویت مدیریت مشارکتی در مدارس به‌عنوان یک راهبرد کلیدی برای بهبود تصمیم‌گیری و خلاقیت سازمانی به‌خوبی مورد تأکید قرار گرفته است. این پژوهش با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر مدیریت مشارکتی در مدارس و استخراج الگوهای عملیاتی آن انجام شد. روش پژوهش کیفی و اسنادی-مروری بود که با استفاده از تحلیل محتوای ۳۵ منبع علمی معتبر (مقالات، پایان‌نامه‌ها و گزارش‌های تحقیقاتی) در بازه زمانی ۱۹۸۰ تا ۲۰۲۵ میلادی و ۱۳۷۹ تا ۱۴۰۳ شمسی انجام گرفت. نمونه‌گیری به روش تمام‌شمار صورت گرفت و معیارهای انتخاب شامل ارتباط مستقیم با موضوع، اعتبار علمی منبع و رویکرد کاربردی نسبت به مدیریت مشارکتی بود. یافته‌ها نشان داد که تحقق مشارکت واقعی در مدارس مستلزم توانمندسازی منابع انسانی، تقویت فرهنگ همکاری، بازنگری در ساختارهای تشکیلاتی و آموزش مدیران به روش‌های تصمیم‌گیری مشارکتی است. همچنین ادغام اصول مدیریت مشارکتی در برنامه‌های تربیتی مدیران و بهبود فرآیندهای تصمیم‌گیری از طریق استفاده از راهبردهای تحلیل محتوا و مشارکت دانش‌آموزان و والدین به‌عنوان عوامل مؤثر شناسایی شدند. این نتایج حاکی از آن است که بدون ایجاد زیرساخت‌های فرهنگی و آموزشی لازم، اجرای مدیریت مشارکتی ممکن است به نتایج مطلوب نرسد؛ بنابراین، طراحی برنامه‌های آموزشی مبتنی بر تقویت مهارت‌های همکاری و توانمندسازی ذینفعان کلیدی به‌ویژه مدیران و معلمان پیشنهاد می‌شود.

واژه‌های کلیدی: مدیریت مشارکتی، همکاری آموزشی، تصمیم‌گیری مشارکتی، الگوهای مدیریت، تحلیل محتوا.





فناوری آموزشی و بازآفرینی یادگیری در ایران

سیده غزاله حسینی موینی*^۱

*۱. دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه بنت‌الهدی صدر، قزوین، ایران Ghazaleh.hosseiny83@gmail.com

چکیده

در دنیای امروز که فناوری‌های نوین به سرعت ساختارهای سنتی آموزش را دگرگون می‌کنند، بازاندیشی در نقش آن‌ها در نظام‌های آموزشی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. این پژوهش با هدف تبیین نقش فناوری‌های نوین آموزشی در تحول ساختار یاددهی-یادگیری و ارائه چارچوبی بومی برای بهره‌برداری راهبردی از این فناوری‌ها در نظام آموزشی ایران انجام شده است. روش پژوهش، کیفی از نوع نظریه‌پردازی مفهومی با رویکرد تحلیل محتوای قیاسی بود. داده‌ها از ۴۳ منبع شامل اسناد سیاستی، مقالات علمی و مطالعات تطبیقی سه کشور (فنلاند، کره جنوبی، و استونی) استخراج شدند. این منابع با نمونه‌گیری هدفمند و براساس معیارهایی مانند اعتبار علمی، ارتباط موضوعی، و بازه زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۴ انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها شامل اسناد سیاستی، مقالات علمی و مطالعات تطبیقی بود. تحلیل داده‌ها در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام شد که در نهایت به استخراج ۶ کد نهایی منجر گردید. یافته‌ها نشان داد که تحول فناورمحور در آموزش نیازمند بازتعریف نقش معلم، بازسازی محتوای درسی، توسعه زیرساخت‌های هوشمند و ارتقای نظام ارزشیابی است. بر این اساس، چارچوبی مفهومی شامل شش مؤلفه طراحی شد: رویکرد نوین یاددهی-یادگیری، رهبری فناورانه، عدالت آموزشی دیجیتال، زیرساخت انعطاف‌پذیر، توانمندسازی حرفه‌ای معلمان، و ارزشیابی یادگیرنده‌محور. این چارچوب با تلفیق تحلیل بومی و تجارب بین‌المللی، الگویی کاربردی برای سیاست‌گذاری آموزشی در ایران فراهم ساخت و توانست بستری راهبردی برای بازآفرینی ساختار آموزشی در مسیر تحول فناورمحور ایجاد کند.

واژه‌های کلیدی: فناوری آموزشی، عدالت آموزشی، تحول یادگیری، ایران.





بررسی رابطه میان حس تعلق با هویت اجتماعی و مشارکت در جامعه محلی در دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه دوم

محمد رضا حشمتی^{۱*}

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی بررسی مسائل اجتماعی ایران، دانشکده حقوق و علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران
Rezaheshmaty1037@gmail.com

چکیده

در دهه‌های اخیر، گسترش فضای مجازی، افزایش فردگرایی و کاهش تعاملات چهره‌به‌چهره، موجب فاصله‌گیری نوجوانان از جامعه محلی و کاهش مشارکت اجتماعی آن‌ها شده است. در چنین شرایطی، یکی از اهداف کلیدی نظام‌های آموزشی، تربیت شهروندانی با هویت اجتماعی پایدار و مشارکت‌جو است. این پژوهش با هدف بررسی رابطه میان حس تعلق با هویت اجتماعی و مشارکت در جامعه محلی در دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم انجام شده است. روش پژوهش از نوع توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل دانش‌آموزان دختر و پسر مشغول به تحصیل در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ در شهر تهران بود. با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، ۳۵۰ نفر به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. ملاک تعیین حجم نمونه، جدول مورگان بوده است. ابزار گردآوری داده‌ها شامل سه پرسش‌نامه استاندارد بود: مقیاس حس تعلق به مدرسه، ساخته‌ی بتی و وات (۲۰۰۴) - پرسش‌نامه هویت اجتماعی (SIQ)، تدوین شده توسط صفاری‌نیا و روشن (۱۳۹۰) پرسش‌نامه تمایل به مشارکت اجتماعی، طراحی و اعتباریابی شده توسط در ستکار و همکاران (۱۳۹۹) داده‌ها با استفاده از تحلیل رگرسیون چندگانه و آزمون همبستگی پیرسون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته‌ها نشان داد که بین حس تعلق دانش‌آموزان و هویت اجتماعی آن‌ها رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین، حس تعلق به‌طور معناداری با میزان مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های اجتماعی محلی مرتبط است. نتایج نشان داد که دانش‌آموزانی که تعلق بیشتری به مدرسه و اجتماع خود احساس می‌کنند، دارای هویت اجتماعی قوی‌تری بوده و مشارکت فعال‌تری در امور اجتماعی از خود نشان می‌دهند. این یافته‌ها بر اهمیت توجه به راهبردهای مدرسه‌محور و محله‌محور در تقویت تعلق اجتماعی و مشارکت‌جویی در نسل جوان تأکید دارد.

واژگان کلیدی: حس تعلق، هویت اجتماعی، مشارکت اجتماعی، دانش‌آموزان، تهران





بازخوانی عدالت آموزشی در مدارس تراز: مفاهیم، الگوها و پیامدهای سیاستی

محمد رضا حشمتی^{۱*}

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی بررسی مسائل اجتماعی ایران، دانشکده حقوق و علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران
Rezaheshmaty1037@gmail.com

چکیده

این پژوهش با هدف تحلیل مفهومی عدالت آموزشی در چارچوب نظری مدرسه تراز انجام شد. روش پژوهش کیفی و از نوع تحلیل اسنادی بود. جامعه آماری شامل اسناد رسمی، سیاست‌نامه‌ها، گزارش‌های تخصصی و منابع علمی مرتبط با عدالت آموزشی و مدرسه تراز بود که به‌صورت هدفمند انتخاب شدند. ملاک انتخاب منابع، ارتباط مستقیم با مفهوم عدالت آموزشی و سیاست‌گذاری مدرسه تراز بود. منابع از پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر نظیر SID، نورمگز، Google Scholar و اسناد منتشرشده وزارت آموزش و پرورش گردآوری شد. محدوده زمانی منابع موردبررسی بین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۳ برای منابع داخلی و ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۴ برای منابع خارجی بوده است. ابزار گردآوری داده‌ها فیش‌برداری نظام‌مند بود و داده‌ها با استفاده از تحلیل محتوای کیفی با رویکرد استنتاجی تحلیل شدند. یافته‌ها نشان دادند که عدالت آموزشی در مدرسه تراز مفهومی چندبعدی و متأثر از عوامل نهادی، اجتماعی و فرهنگی است. تحقق این مفهوم نیازمند بازطراحی ساختار مدرسه، مشارکت مؤثر کنشگران آموزشی و بازنگری در فرایندهای یاددهی-یادگیری است. همچنین چالش‌هایی نظیر تمرکزگرایی، شکاف میان سیاست و عمل، و ضعف در ارزیابی‌های کیفی مانع تحقق عدالت آموزشی در مدارس تراز می‌شوند. نتایج این پژوهش نشان داد که عدالت آموزشی در چارچوب مدرسه تراز، مفهومی پویا، چندبعدی و وابسته به بسترهای نهادی، اجتماعی و فرهنگی است. تحقق این عدالت مستلزم تغییر نگرش در سیاست‌گذاری آموزشی، بازطراحی ساختار مدرسه، تقویت نقش‌آفرینی کنشگران آموزشی و تحول در فرایندهای یاددهی-یادگیری است. چالش‌هایی نظیر تمرکزگرایی، گسست میان سیاست و اجرا، و فقدان نظام ارزیابی کیفی، موانعی جدی در مسیر تحقق عدالت آموزشی به‌شمار می‌روند؛ بنابراین، بازنگری اساسی در سیاست‌های آموزشی با رویکردی تلفیقی، مشارکتی و مبتنی بر زمینه‌های بومی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای استقرار عدالت آموزشی در مدارس تراز است. این بازنگری باید با تأکید بر شفافیت، پاسخ‌گویی و پویایی نظام مدرسه همراه باشد تا به ارتقای کیفیت و برابری آموزشی منجر گردد. نتیجه‌گیری نشان داد که بازنگری در سیاست‌گذاری آموزشی با رویکردی تلفیقی و توجه به بسترهای فرهنگی و مشارکتی، گامی ضروری برای تحقق عدالت آموزشی در مدارس تراز است.

واژه‌های کلیدی: عدالت آموزشی، مدرسه تراز، تحلیل اسنادی، سیاست‌گذاری آموزشی، مشارکت در آموزش





مدیریت تربیت در عصر جدید و چالش‌های آن

فاطمه حمیدی فر^{۱*}، ساجده سرو^۲

۱. دانشیار گروه مدیریت آموزشی، آموزش عالی واحد تهران مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

fatemehhamidifar@gmail.com

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی واحد تهران مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

sarvsajedeh6@gmail.com

چکیده

چالش‌های محیط‌های یادگیری به‌ویژه در زمینه انگیزه و تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان به‌عنوان یکی از مسائل کلیدی در حوزه آموزش مطرح شده است. این پژوهش با هدف تحلیل چالش‌های محیط‌های یادگیری با رویکرد تحلیل مضمون موضوعی انجام شد. روش پژوهش کیفی-توصیفی بود؛ جامعه آماری شامل ۲ مقاله و ۴ کتاب انتخاب‌شده از پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر (SID، ایرانداک، Google Scholar) و نمونه‌گیری به صورت هدفمند صورت گرفت. مداخله شامل کدگذاری متون با استفاده از روش تحلیل مضمون موضوعی (آتراید-سترلینگ، ۲۰۰۱) با رویکرد استقرایی و اکتشافی بود. داده‌ها با تحلیل مضمون اولیه (مانند مدیریت تربیتی، عصر جدید) موردبررسی قرار گرفتند. نتایج نشان داد که کاهش انگیزه و مشارکت دانش‌آموزان، تفاوت‌های فردی در یادگیری و نیاز به روش‌های آموزشی مناسب با نیازهای فردی ازجمله چالش‌های اصلی شناسایی شده بودند. همچنین، ضرورت طراحی استراتژی‌های شخصی‌سازی شده برای بهبود تعاملات یاددهی-یادگیری برجسته شد. درنهایت، یافته‌ها اهمیت توجه به مقوله‌های مرتبط با مدیریت آموزشی و توسعه روش‌های یادگیری منعطف را در محیط‌های آموزشی برجسته کردند.

واژه‌های کلیدی: چالش‌های یادگیری، محیط یادگیری، تحلیل مضمون، مدیریت آموزشی، روش‌های شخصی‌سازی





طراحی فضاهای آموزشی استاندارد: توازن بین امنیت، تنوع و تناسب در محیط‌های تربیتی

زهرا حیدری^{۱*}

۱. آموزگار رسمی آموزش و پرورش ایران zheidary464@gmail.com

چکیده

طراحی فضاهای آموزشی با توجه به نقش آن در کیفیت یادگیری دانش‌آموزان و تعاملات آموزشی به یک چالش کلیدی در حوزه آموزش تبدیل شده است. این پژوهش با هدف تحلیل استانداردهای طراحی فضاهای آموزشی با رویکرد توصیفی-تحلیلی و روش ترکیبی انجام شد. روش پژوهش شامل گردآوری داده‌های کمی (ابعاد و شاخص‌های فضاهای آموزشی) و کیفی (نظرات معلمان، معماران و دانش‌آموزان) بود؛ جامعه آماری شامل مدارس ابتدایی، متوسطه و دانشگاهی در مناطق شهری و روستایی و نمونه‌گیری به صورت تصادفی طبقه‌ای (برای بخش کمی) و هدفمند (برای مصاحبه‌های کیفی) انجام گرفت. مداخله شامل ارزیابی استانداردهای موجود و طراحی مدل جامع برای بهینه‌سازی فضاهای آموزشی بود. ابزارهای مورد استفاده شامل پرسشنامه‌های محقق ساخته (هاشمی نسب و همکاران، ۱۳۹۷) و مصاحبه‌های نیمه ساختارمند با متخصصان طراحی آموزشی بود. داده‌ها با استفاده از تحلیل محتوای کیفی و روش‌های آماری توصیفی-تحلیلی مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج نشان داد که عواملی مانند موقعیت جغرافیایی، نوع مدرسه و تعامل بین طراحان و کاربران نهایی فضاهای آموزشی تأثیر برجسته‌ای در رعایت استانداردهای طراحی داشتند. همچنین، یافته‌ها ضرورت همکاری چندجانبه بین معماران، معلمان و مدیران مدارس برای ایجاد محیط‌های یادگیری مؤثر را برجسته کردند. در نهایت، مدل پیشنهادی این پژوهش با توجه به تنوع فرهنگی و اجتماعی مناطق مختلف، قابلیت اجرا در مقاطع مختلف آموزشی را داشت و اهمیت رویکردهای یکپارچه در طراحی فضاهای آموزشی را تأکید کرد.

واژه‌های کلیدی: طراحی فضاهای آموزشی، استانداردهای معماری، یادگیری، تعامل آموزشی،
روش ترکیبی





معلم شایسته. زندگی متوازن: نقش منابع شغلی و سرمایه‌های روان‌شناختی در تعارض کار-زندگی و غنی سازی کار-خانواده

صدیقه حیدری^{۱*}

۱. * استادیار، گروه آموزشی روان‌شناسی، دانشگاه امیرالمؤمنین (ع) اهواز، اهواز، ایران heydari_ss@yahoo.com

چکیده

تعادل کار و زندگی برای معلمان به‌عنوان ستون‌های اصلی نظام آموزشی اهمیت فراوانی دارد. این پژوهش با هدف بررسی نقش منابع شغلی و سرمایه روان‌شناختی در پیش‌بینی تعارض کار-زندگی و غنی‌سازی کار-خانواده در بین معلمان انجام شد. این مطالعه توصیفی-همبستگی از نوع تحلیل مسیر بود. جامعه آماری شامل معلمان شهر اهواز در سال تحصیلی ۲۰۲۴-۲۵ بود که از بین آن‌ها ۲۰۱ نفر به‌صورت داوطلبانه انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از ابزارهای استاندارد تعارض کار-خانواده کارلسون و همکاران (۲۰۰۰)، غنی‌سازی کار-خانواده کارلسون و همکاران (۲۰۰۶)، تقاضای شغلی دی یونگ (۱۹۹۳)، منابع شغلی باباکاس و همکاران (۲۰۰۹) و سرمایه روان‌شناختی لوتانز (۲۰۰۷) استفاده گردید. داده‌ها با استفاده از روش‌های همبستگی و تحلیل مسیر تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد که منابع شغلی و سرمایه روان‌شناختی با تعارض کار-خانواده رابطه منفی و با غنی‌سازی کار-خانواده رابطه مثبت داشتند. همچنین، سرمایه روان‌شناختی به‌عنوان یک متغیر میانجی در این روابط عمل کرد. نتایج بر اهمیت ارتقای منابع شغلی و سرمایه روان‌شناختی در محیط‌های آموزشی برای بهبود تعادل کار و زندگی معلمان و درنهایت افزایش اثربخشی کلی آنان تأکید کردند.

واژه‌های کلیدی: تعادل کار-زندگی، منابع شغلی، سرمایه روان‌شناختی، تعارض کار-زندگی، غنی‌سازی کار-خانواده





نقش مدرسه در تربیت اخلاقی دانش‌آموزان

ابوالفضل حیدری دخت^۱، سید مصطفی صفاری^{۲*}

۱. دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران abolfazl.heydaridokht@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران mostafasafari14001400@gmail.com

چکیده

تربیت اخلاقی دانش‌آموزان با چالش‌هایی مانند ناهمگونی روش‌ها و کمبود برنامه‌های ساختارمند مواجه است؛ این وضعیت ضرورت شناسایی رویکردهای مؤثر در نقش‌آفرینی مدرسه در این حوزه را برجسته می‌کند. این مطالعه با هدف برر سی نقش مدرسه در تربیت اخلاقی دانش‌آموزان از طریق مرور نظام‌مند منابع علمی انجام شد. طرح پژوهش، کیفی و مبتنی بر روش تحلیل محتوای ادبیات موجود در پایگاه‌های گوگل اسکالر و SID بود؛ جامعه آماری شامل مقالات منتشرشده در زمینه تربیت اخلاقی بود که نمونه‌ها با معیارهای مرتبط بودن موضوع، اعتبار علمی و به‌روزی انتخاب شدند. داده‌ها از طریق جست‌وجو در منابع معتبر گردآوری و با استفاده از تحلیل مضمون دسته‌بندی شدند. نتایج نشان داد روش‌های آموزش ارزش‌محور، استفاده از الگوهای اخلاقی و تعامل با محیط همسالان می‌توانند رفتارهای اخلاقی دانش‌آموزان را تقویت کنند؛ اما نبود برنامه‌های جامع و چالش‌های فرهنگی مانع از اجرای مؤثر این روش‌ها می‌شوند. به‌طور کلی، تربیت اخلاقی مؤثر نیازمند تلفیق روش‌های مبتنی بر ارزش و آموزش معلمان است؛ بنابراین، طراحی برنامه‌های یکپارچه و توجه به زمینه‌های فرهنگی ضروری به نظر می‌رسد.

واژه‌های کلیدی: تربیت اخلاقی، آموزش ارزش‌محور، الگوهای اخلاقی، رفتار اخلاقی، تحلیل مضمون.





بررسی راهبردها و چالش‌های برنامه درسی در مدارس چندپایه‌ی روستایی

پریا حیدری^{۱*}، مهین جلالی^۲، ندا سلیمی زاده^۳

۱. کارشناسی ارشد علوم تربیتی، دانشگاه غیرانتفاعی باختر ایلام، ایلام، ایران paryahi22@gmail.com

۲. کارشناسی علوم تربیتی دانشگاه پیام نور دیواندره، کردستان، ایران mahin.jalali1367@gmail.com

۳. کارشناسی علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان پردیس صدر سنندج، کردستان، ایران nedasalimizadeh@gmail.com

چکیده

کلاس‌های چندپایه به‌عنوان چالشی پیش‌رونده در مدیریت آموزشی و ارتقای پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان شناخته شده‌اند؛ این وضعیت ضرورت شناسایی نقاط ضعف معلمان در این محیط‌ها و ارائه راهکارهای مؤثر را برجسته می‌کند. این مطالعه با هدف شناسایی ضعف‌های معلمان در مدیریت کلاس‌های چندپایه دوره ابتدایی و پیشنهاد راهکارهای مناسب بر اساس دیدگاه‌های داده بنیاد انجام شد. طرح پژوهش کیفی و مبتنی بر مطالعه موردی بود؛ جامعه آماری شامل معلمان دوره ابتدایی در استان مازندران بود که نمونه‌ها به‌صورت هدفمند و بر اساس تجربه آموزشی در کلاس‌های چندپایه انتخاب شدند. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته و پرسش‌نامه‌های محقق‌ساخته جمع‌آوری و با روش تحلیل مضمون بازتابی موردبررسی قرار گرفتند. نتایج نشان داد مهم‌ترین ضعف‌ها شامل عدم توانایی در برنامه‌ریزی یادگیری تفکیک شده، محدودیت در مدیریت زمان و ناهمخوانی بین منابع آموزشی و نیازهای متنوع دانش‌آموزان است؛ همچنین، راهکارهایی مانند آموزش‌های تخصصی برای معلمان و طراحی برنامه‌های درسی یکپارچه به‌عنوان عوامل کلیدی در بهبود کیفیت آموزش شناسایی شدند. به‌طورکلی، توسعه مهارت‌های مدیریتی معلمان و هماهنگی بین سیاست‌های آموزشی و شرایط کلاس‌های چندپایه نیازمند حمایت‌های سیستمی و برنامه‌ریزی دقیق است.

واژه‌های کلیدی: کلاس‌های چندپایه، ضعف‌های معلمان، پیشرفت تحصیلی، آموزش تخصصی، برنامه‌ریزی یادگیری.





بررسی کاربرد هوش مصنوعی در راستای بهبود آموزش در قرن بیست و یک

هانیه خادمی^{*۱}

*۱. دانشجوی کارشناسی آموزش علوم تجربی، دانشگاه فرهنگیان فاطمه الزهرا (س)، بندرعباس، ایران
Haniyeh.Khademi3002@gmail.com

چکیده

در عصر حاضر، فناوری با سرعت فزاینده‌ای در حال پیشرفت است و هوش مصنوعی به‌عنوان ابزاری کارآمد برای افزایش کیفیت تجربیات یادگیری و ارائه آموزش شخصی سازی شده ظهور کرده است. این پژوهش با هدف بررسی کاربردهای هوش مصنوعی در تحول چشم‌انداز آموزشی قرن ۲۱ انجام شد. مطالعه از روش مرور استفاده کرد؛ سه مقاله منتشر شده بین سال‌های ۲۰۲۳ تا ۲۰۲۴ به‌طور هدفمند از پایگاه داده سیویلیکا انتخاب شدند. بخش قابل توجهی از داده‌ها از دوره‌های آموزشی حضوری هوش مصنوعی در سال تحصیلی ۲۰۲۴-۲۰۲۵ جمع‌آوری شد، و اطلاعات موجود در وبسایت‌های دو مؤسسه تخصصی هوش مصنوعی ایرانی از طریق موتور جستجوی گوگل تحلیل شد. ابزارهای جمع‌آوری داده شامل یادداشت‌برداری و استخراج مطالب از منابع مذکور بود. داده‌ها با استفاده از رویکرد فراتحلیل برای رسیدن به یک نتیجه‌گیری جامع تحلیل شدند. یافته‌های پژوهش نشان داد که هوش مصنوعی کاربردهای متنوعی در آموزش دارد و نیازهای یادگیری را به‌طور پویا تا حد رضایت‌بخشی بهبود می‌بخشد و استفاده از آن منجر به صرفه‌جویی در زمان معلمان می‌شود. این مقاله تعدادی از کاربردهای مبتنی بر هوش مصنوعی و وبسایت‌های مرتبط را معرفی کرد. این پژوهش بر پتانسیل هوش مصنوعی برای بهبود و شخصی‌سازی آموزش در قرن بیست و یکم تأکید کرد.

واژه‌های کلیدی: هوش مصنوعی، آموزش، یادگیری، فناوری، شخصی‌سازی.





تأثیر فضای عاطفی کلاس (حمایت معلم، احساس امنیت روانی) بر خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان

آیدا خزلی^{۱*}، ابوالقاسم یعقوبی^۲

*۱. کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه بوعلی سینا همدان، همدان، ایران، AidaKhezeli80@gmail.com

۲. استاد، گروه روان‌شناسی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا همدان، همدان، ایران

yaghoobi@basu.ac.ir

چکیده

با وجود انجام مطالعات متعدد در حوزه محیط کلاس و یادگیری، تمرکز هم‌زمان بر حمایت عاطفی معلم و احساس امنیت روانی در ارتباط با خودکارآمدی تحصیلی، کمتر مورد توجه پژوهش‌های داخلی قرار گرفته است. پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر فضای عاطفی کلاس، به‌ویژه حمایت معلم و احساس امنیت روانی، بر خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان انجام شد. این مطالعه از نوع پژوهش توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان پایه هشتم مدارس متوسطه اول ناحیه ۲ شهر همدان در سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۳ بودند. از میان آن‌ها، ۲۷۰ نفر به‌عنوان نمونه پژوهش با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها شامل مقیاس فضای عاطفی کلاس (برگرفته از پرسشنامه معلم حمایتگر و احساس امنیت روانی) و پرسشنامه خودکارآمدی تحصیلی جرانک (۲۰۰۱) بود. روایی ابزارها با استفاده از نظر متخصصان و پایایی آن‌ها با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ تأیید شد. نتایج نشان داد که حمایت معلم و احساس امنیت روانی در کلاس به‌طور مثبتی با خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان مرتبط بود. این یافته‌ها بر اهمیت ایجاد فضایی عاطفی و حمایتگر در کلاس درس برای ارتقای خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان تأکید می‌کند.

واژه‌های کلیدی: فضای عاطفی کلاس، حمایت معلم، امنیت روانی، خودکارآمدی تحصیلی





بررسی تأثیر فناوری‌های نوین بر فرآیندهای مشاوره و تربیت: تحلیل روندها و چالش‌ها

مهسا داداشی^۱

۱. کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه تبریز. Mahsa.dsh7@gmail.com

چکیده

توسعه فناوری‌های نوین تأثیر عمیقی بر فرآیندهای مشاوره و آموزش گذاشته و چالش‌های مهمی را در حوزه آموزش ایجاد کرده است. هدف این مقاله مروری بر بررسی تأثیرات این فناوری‌ها بر فرآیندهای مشاوره و آموزش، و تحلیل روندها و چالش‌های مرتبط بود. برای دستیابی به این هدف، تحلیل محتوای مقالات و پژوهش‌های پیشین به کار رفت تا الگوها و نتایج حاصل از استفاده از فناوری‌های نوین در مشاوره و آموزش شناسایی شود. یافته‌ها نشان داد که فناوری‌های نوین دسترسی به منابع آموزشی و مشاوره‌ای را افزایش دادند و ارتباطات را تسهیل کردند. با این حال، چالش‌هایی نظیر نگرانی‌های مربوط به حریم خصوصی و نیاز به آموزش معلمان در استفاده از این فناوری‌ها نیز شناسایی شدند. در نهایت، بر اهمیت در نظر گرفتن هر دو تأثیر مثبت و منفی فناوری‌های نوین بر فرآیندهای مشاوره و آموزش و ارائه پیشنهادهایی برای مدیریت چالش‌های مرتبط تأکید شد.

واژه‌های کلیدی: فناوری نوین، مشاوره، آموزش، چالش





مقایسه سند رسمی آموزش و پرورش نروژ با ایران به منظور بهبود مدیریت کلاسی

مسلم دانش پایه^۱، علیرضا محمدی^۲

۱. دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی تهران، ایران m_daneshpayeh66@yahoo.com
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه انقلاب اسلامی، تهران، ایران alireza.m7395@yahoo.com

چکیده

مدیریت کلاس درس از چالش‌های مهم نظام‌های آموزشی است. هدف اصلی این پژوهش مقایسه اسناد رسمی آموزش و پرورش در ایران و نروژ، با تمرکز بر عوامل مؤثر بر بهبود عملکرد معلم در کلاس درس و ارائه راه‌حل‌های عملی برای نظام آموزش و پرورش ایران بود. مطالعه حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی و روش مقایسه‌ای براساس مدل بردی (۱۹۶۴) انجام شد. منابع پژوهش شامل سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران (۲۰۱۱) و سند برنامه درسی نروژ (۲۰۲۴) بود و داده‌ها از طریق تحلیل اسناد پشتیبان و منابع علمی جمع‌آوری شدند. یافته‌ها نشان داد که نظام آموزش نروژ با ساختار غیرمتمرکز، زیرساخت دیجیتال پیشرفته، فرهنگ آموزشی مشارکتی و آموزش حرفه‌ای مستمر معلمان، بستر مناسبی برای بهبود کیفیت تدریس و مدیریت کلاس درس فراهم کرده است. در مقابل، نظام آموزش ایران با ساختار متمرکز، فرهنگ رقابتی، زیرساخت فناوری ضعیف و آموزش محدود، چالش‌هایی در این زمینه داشت. این تفاوت‌ها لزوم بازنگری در سیاست‌های آموزشی ایران را برای بهبود مدیریت کلاس درس برجسته کرد.

واژه‌های کلیدی: مدیریت کلاس، آموزش و پرورش، ایران، نروژ، مقایسه.





ضرورت‌ها، چالش‌ها و راهبردها در مدیریت و رهبری مدارس بر اساس سند تحول برای رسیدن به مدرسه تراز

ناهید دباغی

کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب / مدیر دبستان دوره اول و دوم ابتدایی، منطقه ۳، استان تهران
Parisa.dabbaghi112@gmail.com

چکیده

تحقق مدرسه تراز در چارچوب سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مستلزم بازنگری اساسی در نظام مدیریت و رهبری مدارس است. این پژوهش با هدف شناسایی ضرورت‌ها، چالش‌ها و راهبردهای مؤثر در مدیریت و رهبری مدرسه محور برای تحقق مدرسه تراز انجام گرفت. پژوهش حاضر از نوع کیفی و مبتنی بر روش تحلیل محتوای قیاسی بود. جامعه آماری شامل مدیران، معاونان و کارشناسان آموزش و پرورش مناطق ۱ تا ۵ شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ بود. با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند، ۱۲ نفر بر اساس ملاک‌هایی نظیر سابقه مدیریتی بالای پنج سال، تجربه اجرایی در برنامه‌های تحولی و تنوع منطقه‌ای انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها، مصاحبه نیمه ساختاریافته محقق ساخته بر پایه الگوی رهبری تحولی باس (۱۹۸۵) بود. داده‌ها از طریق روش تحلیل محتوای کیفی مایرینگ در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل گردید. در مجموع ۵۳ کد باز اولیه استخراج شد که پس از تلفیق و پالایش، به پنج مقوله محوری شامل «رهبری تحولی»، «توانمندسازی حرفه‌ای»، «مشارکت خانواده و جامعه»، «ساختار منعطف مدرسه محور» و «پشتیبانی نظام‌مند» دسته‌بندی گردید. یافته‌ها حاکی از آن است که تحقق مدرسه تراز در گرو توسعه رهبری مشارکتی، ارتقای شایستگی مدیران، بهره‌گیری از ظرفیت خانواده و جامعه محلی، و حمایت ساختاری هدفمند است. نتایج نشان داد موانعی نظیر ضعف سیاست‌گذاری یکپارچه، کمبود نیروی انسانی توانمند و ناهماهنگی بین برنامه و اجرا نیز از چالش‌های جدی در این مسیر هستند. بر این اساس، طراحی برنامه‌های توانمندسازی مستمر، توسعه مدل‌های مشارکت محور و بازمهندسی نظام تصمیم‌گیری پیشنهاد می‌شود.

واژه‌های کلیدی: مدرسه تراز، رهبری تحولی، تحلیل محتوای کیفی، مدیریت مدرسه محور، سند تحول بنیادین





جایگاه اهداف تربیت دینی در دوره تحصیلی ابتدایی نظام رسمی آموزش و پرورش ایران و تحولات آن

سید محمد دلبری^{۱*}

۱. استادیار، عضو هیئت علمی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، پژوهشکده برنامه‌ریزی
درسی و نوآوری‌های آموزشی mhmddelbari1@gmail.com

چکیده

در نظام‌های آموزشی، تعیین اهداف رویکردی منسجم در تربیت دینی دانش‌آموزان مقطع ابتدایی از جمله چالش‌های پیش‌رونده است؛ عدم هماهنگی در الگوی تعریف اهداف و تنوع در گستره موضوعات از دهه‌های گذشته تاکنون باعث ایجاد ناهمخوانی‌هایی در برنامه‌های آموزشی شده است. این مطالعه با هدف تحلیل تاریخی تحولات اهداف تربیت دینی در دوره ابتدایی در طول بیش از صد سال گذشته انجام شد. طرح پژوهش، کیفی و مبتنی بر روش اسنادی بود؛ جامعه آماری شامل تمامی مصوبات شورای عالی معارف، فرهنگ و آموزش و پرورش از سال ۱۳۰۲ تاکنون بود که از میان آن‌ها اسناد مرتبط با تربیت دینی به صورت هدفمند انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از تحلیل محتوا و مقایسه تطبیقی اسناد در بازه‌های زمانی مختلف مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج نشان داد اهداف تربیت دینی از تمرکز اولیه بر «حوزه شناخت» به سمت «پرورش» و سپس «تربیت دینی» تغییر مسیر داده‌اند؛ همچنین در دوره پس از انقلاب، گستره موضوعات گسترده‌تر شد، اما اهداف در سطح جزئیات مندرج در کتب درسی محدود شدند. علاوه بر این، الگوی هدف‌گذاری به سوی رویکرد شایستگی‌محور حرکت کرد که ترکیبی از دانش، نگرش و مهارت را در نظر می‌گیرد. به طور کلی، تاریخچه اهداف تربیت دینی در این دوره نشان‌دهنده تغییرات عمیق در درک از نقش مدرسه در شکل‌دهی به هویت دینی دانش‌آموزان است؛ لذا اصلاح الگوی هدف‌گذاری با توجه به ابعاد جامعه‌شناختی و فرهنگی امروز ضروری به نظر می‌رسد.

واژه‌های کلیدی: اهداف آموزشی، تربیت دینی، دوره ابتدایی، تحول تاریخی، شایستگی‌محور.





بررسی دیدگاه معلمان نسبت به نقش شاداب سازی محیطی مدرسه در ارتقاء سلامت روانی معلمان و دانش‌آموزان: یک مطالعه کیفی

مریم دلپذیر^۱، سولماز دلپذیر^۲، پریا دلپذیر^۳، بهارک دلپذیر^۴

۱. کارشناسی ارشد تربیت‌بدنی، دانشگاه ارومیه / آموزش و پرورش، ارومیه، ایران del pazir@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد روان‌شناسی کودک، دانشگاه ارومیه / آموزش و پرورش، ارومیه، ایران

۳. کارشناسی ارشد علوم تربیتی، دانشگاه ارومیه / آموزش و پرورش، ارومیه، ایران

۴. کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه ارومیه / آموزش و پرورش، ارومیه، ایران

چکیده

شاداب سازی محیطی مدارس به‌عنوان یک عامل کلیدی در ارتقاء سلامت روانی معلمان و دانش‌آموزان در نظر گرفته می‌شود. این پژوهش با هدف بررسی دیدگاه معلمان درباره نقش شاداب سازی محیطی مدرسه در بهبود سلامت روانی آن‌ها و دانش‌آموزان انجام شد. این تحقیق با استفاده از رویکرد کیفی و طراحی تحلیل مضمون صورت گرفت. جامعه آماری شامل معلمان مدارس ابتدایی ناحیه ۱ ارومیه، استان آذربایجان غربی در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ بود که از میان آن‌ها ۱۵ نفر به شیوه نمونه‌گیری هدفمند و با توجه به معیار اشباع نظری انتخاب شدند. داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با معلمان جمع‌آوری و با روش تحلیل مضمون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج پژوهش به‌وضوح نشان داد که معلمان، شاداب سازی محیطی مدرسه را به‌عنوان عاملی کلیدی و اثرگذار در بهبود سلامت روانی خود و دانش‌آموزان می‌دانند. این فضاهای شاداب با کاهش چشمگیر استرس و تنش‌های روانی، افزایش انگیزه و رضایت شغلی معلمان، و تقویت روابط اجتماعی سالم در مدرسه همراه است. علاوه بر این، ویژگی‌هایی نظیر طراحی هوشمندانه فضاهای رنگی، بهره‌گیری بهینه از نور طبیعی، تزئینات زیبا و متنوع، و ایجاد فضاهای تفریحی و آرامش‌بخش، از مهم‌ترین عناصر مؤثر در شاداب سازی محیط به شمار می‌روند. معلمان بر این باور بودند که این عوامل، نه تنها فضای یادگیری را جذاب‌تر و دل‌پذیرتر می‌کنند، بلکه نقش مهمی در افزایش تعاملات مثبت و بهبود کیفیت آموزش دارند. در نتیجه شاداب سازی محیطی مدارس به‌عنوان یک راهکار مؤثر و ضروری در ارتقاء سلامت روانی و بهبود کیفیت زندگی کاری معلمان و همچنین بهبود فرایند یادگیری دانش‌آموزان شناخته می‌شود. این پژوهش تأکید می‌کند که برنامه‌ریزی و اجرای سیاست‌های کلان در آموزش و پرورش باید توجه ویژه‌ای به ارتقاء و بهینه‌سازی محیط‌های فیزیکی مدارس داشته باشد. به‌کارگیری عناصر شاداب سازی محیطی می‌تواند موجب افزایش انگیزه، کاهش فرسودگی شغلی و تقویت حس تعلق به مدرسه شود، که در نهایت به بهبود عملکرد آموزشی و رشد سلامت روانی جمعی در فضای مدرسه منجر می‌گردد؛ بنابراین، توصیه می‌شود که مسئولان و تصمیم‌گیرندگان حوزه آموزش و پرورش، توسعه و ارتقاء محیط‌های شاداب را به‌عنوان اولوی اساسی در برنامه‌های توسعه مدارس قرار دهند.

واژه‌های کلیدی: شاداب سازی محیطی، سلامت روانی، معلمان، دانش‌آموزان، تحلیل مضمون، مدارس ابتدایی.





بررسی قدر و منزلت معلمان در جامعه و عوامل مؤثر بر تعالی آن

فاطمه دهقان کلیشادی^{۱*}، معصومه پوررجب^۲

۱. دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس فاطمه زهرا (س)، اصفهان، ایران.

ms.teacher1382@gmail.com

۲. استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس فاطمه زهرا (س)، اصفهان، ایران mpourajab@gmail.com

چکیده

منزلت معلمان در جامعه و در میان سایر مشاغل همواره از مسائل مهم بوده و مطالعات متعددی در این زمینه صورت گرفته است. پژوهش حاضر با هدف بررسی سطح منزلت اجتماعی معلمان و عوامل مؤثر بر آن از دیدگاه معلمان و دانش‌آموزان انجام شد. این پژوهش کیفی با رویکرد مرور نظام‌مند متون صورت گرفت. برای جمع‌آوری داده‌های لازم، وبسایت‌های علمی معتبر داخلی برای شناسایی مقالات فارسی‌زبان مرتبط موردبررسی قرار گرفتند. در ابتدا، حدود ۵۶ مقاله منتشر شده در مجلات معتبر شناسایی شدند. پس از بررسی چکیده‌ها و نتایج، ۲۰ مقاله بر اساس اهداف پژوهش انتخاب شدند. مقالات منتخب سپس تحلیل شدند و یافته‌های آن‌ها در کدهای اولیه دسته‌بندی گردیدند. سپس کدهای محوری و یک کد مرکزی (مضمون) از کدگذاری اولیه استخراج شدند. نتایج نشان داد که منزلت اجتماعی معلمان تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله حقوق و مزایا، امنیت شغلی و حمایت‌های سازمانی قرار داشت. این عوامل به‌طور معناداری بر درک معلمان از جایگاه اجتماعی خود و تمایل به حفظ این شغل تأثیرگذار بودند.

واژه‌های کلیدی: منزلت اجتماعی، معلمان، عوامل مؤثر، تحلیل کیفی.





نقش هوش مصنوعی و تأثیر آن در بالا بردن خلاقیت دانش‌آموزان

مهديه دهنوی*

* کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تربت‌جام. mahdieh62dehnavi@gmail.com

چکیده

رویکردهای شخصی‌سازی‌شده با استفاده از هوش مصنوعی به‌عنوان ابزاری نوین در تقویت فرآیند یادگیری و توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان مطرح شده‌اند. این مطالعه با هدف بررسی نحوه کمک هوش مصنوعی به معلمان در طراحی برنامه‌های درسی متناسب با توانمندی‌ها و سبک‌های یادگیری فردی انجام شد. روش پژوهش کیفی بود؛ داده‌ها از طریق مطالعات اسنادی و تحلیل محتوای مقالات علمی گردآوری شدند. مداخله شامل استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی برای تحلیل داده‌های عملکرد دانش‌آموزان و ارائه بازخورد شخصی‌سازی‌شده بود. ابزار اصلی این پژوهش مقاله «رویکرد شخصی‌سازی‌شده» نوشته هتی (۲۰۱۸) بود که به تأثیر هوش مصنوعی در تقویت مهارت‌های حل مسئله و تفکر انتقادی پرداخته است. تحلیل داده‌ها با روش کیفی و کدگذاری محتوا صورت گرفت. یافته‌ها نشان داد که استفاده از هوش مصنوعی به معلمان کمک کرد تا فراتر از انتقال محتوا، بر انگیزه و خلاقیت دانش‌آموزان تمرکز کنند و برنامه‌های یادگیری را با توجه به سرعت و سبک یادگیری هر فرد طراحی کنند. همچنین، این رویکرد به بهبود تعاملات آموزشی و افزایش مشارکت فعال دانش‌آموزان منجر شد. نتایج این مطالعه برجسته کرد که هوش مصنوعی می‌تواند به‌عنوان یک کلیدی در ارتقای کیفیت آموزش عمل کند، اما نیاز به آموزش معلمان و توسعه ابزارهای کاربردی دارد. این یافته‌ها می‌توانند زمینه را برای طراحی سیاست‌های آموزشی مبتنی بر فناوری‌های نوین فراهم کنند.

واژه‌های کلیدی: هوش مصنوعی، شخصی‌سازی یادگیری، دانش‌آموزان، معلمان، تفکر انتقادی.



رابطه کیفیت محیط مدرسه با عملکرد تحصیلی و سلامت روان دانش‌آموزان

سکینه ذاکری*

* کارشناسی حسابداری، دانشگاه پیام نور تایباد، ایران / آموزگار پایه اول samizaker22665@gmail.com

چکیده

در سال‌های اخیر، کاهش انگیزه تحصیلی، افزایش اضطراب و افت تعاملات اجتماعی در بین دانش‌آموزان، توجه به کیفیت فضای مدرسه و محیط یادگیری را به یک ضرورت جدی تبدیل کرده است. محیط‌زیست آموزشی به‌عنوان یکی از مؤثرترین عوامل در فرآیند یاددهی - یادگیری، می‌توانست نقش مهمی در ارتقای سلامت روانی، بهبود عملکرد تحصیلی و افزایش تعاملات اجتماعی دانش‌آموزان ایفا می‌کند. هدف این پژوهش، بررسی تأثیر محیط‌زیست آموزشی و شاداب سازی فضاهای یادگیری بر عملکرد تحصیلی و سلامت روانی دانش‌آموزان دوره ابتدایی است. این مطالعه با روش توصیفی - همبستگی انجام شد. جامعه آماری شامل دانش‌آموزان مقطع اول ابتدایی شهرستان فریمان در سال تحصیلی ۱۴۰۳ - ۱۴۰۴ بود. نمونه‌ای ۱۲۰ نفری به روش خوشه‌ای انتخاب شد. ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسش‌نامه محقق ساخته درباره کیفیت محیط مدرسه و پرسش‌نامه سلامت روان GHQ-28 (گلدبرگ و هیلر، ۱۹۷۹) بود. داده‌ها با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندمتغیره تحلیل شدند. یافته‌ها نشان دادند که بین کیفیت محیط آموزشی (نور طبیعی، رنگ، تهویه، فضای سبز، انعطاف‌پذیری کلاس‌ها) و عملکرد تحصیلی و سلامت روانی دانش‌آموزان رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود داشت. فضاهای شاد، کلاس‌های منعطف، تهویه مناسب و وجود فضاهای سبز مدرسه با کاهش استرس، افزایش تمرکز، ارتقاء تعاملات و بهبود روحیه دانش‌آموزان همراه بودند. نتایج پژوهش تأکید داشت که توجه به طراحی محیطی مدرسه، به‌ویژه در دوره ابتدایی، نه تنها به بهبود عملکرد تحصیلی، بلکه به ارتقاء سلامت روان دانش‌آموزان نیز کمک کرده بود؛ بنابراین، پیشنهاد شد در سیاست‌گذاری‌ها و طراحی فضاهای آموزشی، مؤلفه‌های روانی - محیطی موردتوجه جدی قرار گیرند تا زمینه‌ساز رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان شوند.

واژه‌های کلیدی: محیط آموزشی، شاداب سازی مدرسه، عملکرد تحصیلی، سلامت روان.

رابطه‌ی مدیریت مشارکتی با تعهد سازمانی و اعتماد سازمانی معلمان

حسین ذوالفقاری^{۱*}، محمد فلاحی^۲

۱. * استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران hossein.zolfaghari59@pnu.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه‌ی آموزش و پرورش، دانشگاه پیام نور همدان / آموزش و پرورش دیواندره، کردستان،
falahimohamad1375@gmail.com ایران

چکیده

با توجه به نقش افزایش مدیریت مشارکتی در تقویت تعهد و اعتماد سازمانی کارکنان، ضرورت بررسی سیستماتیک این رابطه در حوزه آموزش ابتدایی برجسته شده است؛ اما شواهد محدودی از این ارتباط در مدارس ابتدایی شهرستان‌های کوچک ایران وجود دارد. هدف این پژوهش بررسی تأثیر مدیریت مشارکتی بر ارتقای تعهد و اعتماد سازمانی معلمان ابتدایی شهرستان دیواندره بود. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی با رویکرد کاربردی انجام شد که جامعه آماری شامل تمام معلمان ابتدایی این شهرستان (۱۵۰۰ نفر) و نمونه‌ای ۳۰۶ نفری با استفاده از فرمول کوکران و روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه‌های استاندارد مدیریت مشارکتی شادمان (۱۳۸۷)، تعهد سازمانی پورتر (۱۹۷۴) و اعتماد سازمانی بود که روایی و پایایی آن‌ها تأیید شد. داده‌ها با آزمون‌های آماری رگرسیون و تحلیل واریانس تحلیل شدند. یافته‌ها نشان دادند مدیریت مشارکتی با تعهد و اعتماد سازمانی معلمان رابطه مثبت و معناداری دارد و می‌تواند بخشی از تغییرات این متغیرها را پیش‌بینی کند. همچنین تفاوت‌های معناداری بین معلمان زن و مرد در واکنش به عوامل مدیریت مشارکتی مشاهده شد. پژوهش تأکید کرد که اجرای سیاست‌های مدیریت مشارکتی با تقویت تعاملات دموکراتیک و توزیع اختیار می‌تواند به بهبود وضعیت شغلی معلمان و افزایش تعهد آنان به سازمان کمک کند و این یافته‌ها را می‌توان در طراحی برنامه‌های توسعه منابع انسانی مدارس ابتدایی به کار گرفت.

واژه‌های کلیدی: مدیریت مشارکتی، تعهد سازمانی، اعتماد سازمانی، معلمان ابتدایی



معلم به مثابه الگو: ویژگی‌ها در مطالعات اسنادی جهانی

حسن ذوالفقاری*^۱، سیروس منصوری^۲، فرهاد شفیعی پور مطلق^۳

*^۱. دانشجوی دکتری علوم تربیتی، گرایش برنامه‌ریزی درسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک، ایران

1341hz@gmail.com

^۲. دانشیار برنامه‌ریزی درسی، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اراک، اراک، ایران

Smansoori06@gmail.com

^۳. دانشیار، گروه مدیریت آموزشی، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی محلات، ایران farhad_shafieepoor@yahoo.Com

چکیده

نقش الگویی معلمان در نظام آموزشی از اهمیت بالایی برخوردار است. هدف این مطالعه بررسی عملکرد الگویی معلمان در نظام آموزشی بر اساس دیدگاه‌های جهانی بود. این پژوهش از نوع کاربردی و از نظر روش جمع‌آوری داده‌ها کیفی بود و به صورت مرور سیستماتیک ادبیات انجام شد. میدان پژوهش شامل اسناد اولیه لاتین (کتاب‌ها، مجلات علمی-پژوهشی، پایان‌نامه‌ها، طرح‌های پژوهشی) از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۴ بود که از طریق جستجوهای جامع در پایگاه‌های داده علمی بررسی و با نمونه‌گیری هدفمند تا رسیدن به اشباع انتخاب شدند. پس از تحلیل اسناد با استفاده از فرآیند کدگذاری سه‌مرحله‌ای، مؤلفه‌های الگویی معلمان در ۱۹ دسته اصلی طبقه‌بندی شدند. درنهایت، این مضامین تحت سه دسته کلی ویژگی‌های رفتاری و شخصیتی، ویژگی‌های حرفه‌ای و ویژگی‌های ارتباطی سازمان‌دهی شدند. این پژوهش بر اهمیت ویژگی‌های رفتاری، شخصیتی، حرفه‌ای و ارتباطی معلمان به عنوان الگوهای نقش در آموزش تأکید کرد.

واژه‌های کلیدی: معلم، الگو، نظام آموزشی، ویژگی‌ها، مطالعات جهانی.





مدرسه‌داری تربیت‌محور و درون‌زا

سید ضیاء راسخ^{۱*}، محسن دارابی^۲

۱. دانشجوی دکتری، گروه ژنتیک و به‌نژادی گیاهی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. tabishzia2013@gmail.com
۲. مدیرمسئول مؤسسه تعالی‌بخش و درون‌زای مدارس (متد)، تهران، ایران.

چکیده

این مقاله به تحلیل و تبیین مفهوم مدرسه‌داری تربیت‌محور و درون‌زا اختصاص یافته است. اگرچه تجارب جهانی در این زمینه ارزشمند است، تمرکز این پژوهش بر استخراج الگویی بومی و متناسب با نیازها و اقتضات فرهنگی و اجتماعی ایران معطوف شده است. بررسی پژوهش‌های داخلی نشان می‌دهد که مطالعات صورت گرفته، عمدتاً به ابعاد مدیریتی مدرسه‌محور محدود مانده و کمتر به ساختار جامع تربیتی مدارس پرداخته‌اند. غالب این پژوهش‌ها نگاهی کلی و غیرتربیتی داشته و از ارائه تصویری دقیق و عملیاتی از مدرسه‌ای تربیت‌محور بازمانده‌اند. این مقاله با بهره‌گیری از سلسله نشست‌های تخصصی با مدیران مدارس تربیت‌محور و تحلیل تجارب میدانی، نظام موضوعاتی جامع برای مدرسه‌های ابتدایی و متوسطه ارائه می‌دهد. این نظام موضوعات ابعاد مختلف حیات مدرسه، از جذب خانواده‌ها و مدیریت سلامت دانش‌آموزان تا سیاست‌های پرورشی، آموزشی و ارتباطی، را به صورت نظام‌مند موردتوجه قرار می‌دهد و بر اهمیت طراحی ساختاری یکپارچه و آینده‌نگر تأکید می‌ورزد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که گرچه ایده مدرسه‌محوری هم‌زمان با تحولات آغازین دنیای مدرن شکل گرفته است، اما شدت یافتن بحران‌های هویتی، معنوی و تربیتی در قرن بیستم، ضرورت بازاندیشی جدی در کارکرد مدرسه را آشکار ساخته است. مدارس موفق، در مواجهه با این بحران‌ها، به بازسازی ساختار مدرسه پرداخته و تربیت را به‌عنوان محور اصلی فعالیت خود قرار داده‌اند. این تجربه‌ها بیانگر آن است که اصلاح محتوا یا روش‌های آموزشی به تنهایی پاسخگوی نیازهای تربیتی نیست و باید نظام مدرسه به‌گونه‌ای طراحی شود که تربیت در متن حیات روزمره مدرسه جریان یابد.

واژه‌های کلیدی: مدرسه‌داری تربیت‌محور، مدرسه‌محوری، تربیت درون‌زا، معلم راهنما، ساختار تربیتی مدرسه





بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های کارآفرینی در کتاب‌های مطالعات اجتماعی دوره دوم ابتدایی با روش آنتروپی شانون

عطیه راعی^{۱*}، فرحناز سادات دفتریان^۲

۱. دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، پردیس فاطمه الزهرا (س)، دانشگاه فرهنگیان، اصفهان، ایران.

atiye_raei@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، پردیس فاطمه الزهرا (س)، دانشگاه فرهنگیان، اصفهان، ایران.

Daftarian.farhangyan@gmail.com

چکیده

آموزش کارآفرینی به‌عنوان یک پیشران کلیدی توسعه پایدار، نیازمند ادغام اساسی در سطح ابتدایی است. با توجه به نقش محوری کتاب‌های درسی در شکل‌دهی ذهنیت‌های کارآفرینانه، مطالعه حاضر با هدف تحلیل محتوای کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی پایه‌های چهارم تا ششم (منتشر شده در سال‌های ۱۴۰۳-۱۴۰۴) با تمرکز بر هشت مؤلفه اصلی کارآفرینی: خلاقیت، ریسک‌پذیری، تحمل ابهام، اعتمادبه‌نفس، خوش‌بینی، کار گروهی، مسئولیت‌پذیری و آینده‌نگری انجام شد. این پژوهش از رویکرد ترکیبی (کیفی و کمی) استفاده کرد. در فاز کیفی، مؤلفه‌های کارآفرینی از طریق ادبیات نظری و پژوهش‌های قبلی شناسایی شده و منجر به طراحی یک چک‌لیست تحلیل محتوای محقق ساخته شد. روایی چک‌لیست از طریق نظر متخصصان و پایایی آن از طریق ضریب توافق بین کدگذاران تأیید شد. در فاز کمی، جامعه شامل کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی پایه‌های چهارم تا ششم بود. تحلیل داده‌ها با استفاده از روش آنتروپی شانون انجام شد تا میزان توجه به هر یک از مؤلفه‌های کارآفرینی مشخص شود. نتایج نشان داد که میزان توجه به مؤلفه‌های کارآفرینی در کتاب‌های درسی متفاوت بود و برخی مؤلفه‌ها نیاز به تقویت بیشتری داشتند. این یافته‌ها می‌تواند راهنمای مؤثری برای بازنگری و تدوین کتاب‌های درسی جدید با تأکید بیشتر بر آموزش کارآفرینی باشد.

واژه‌های کلیدی: آموزش کارآفرینی، کتاب‌های درسی، آنتروپی شانون.



اصول مدرسه تراز در منظومه فکری شهید مطهری

شهرام رامشت^۱، میثم صداقت‌زاده^۲

۱. مربی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران shahram.ramesht@modares.ac.ir

۲. استادیار، گروه فرهنگ و تربیت، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران msedaghat89@gmail.com

چکیده

تربیت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین حوزه‌های علوم انسانی، نقشی محوری در ساخت تمدن نوین اسلامی ایفا می‌کند و مدرسه به‌عنوان بستر اصلی این فرآیند شناخته می‌شود. پژوهش حاضر با هدف ارائه اصول کلیدی مدرسه تراز انقلاب اسلامی مبتنی بر اندیشه شهید مطهری و در راستای شکوفایی انسان بر مدار فطرت، به روش کیفی و تحلیل محتوای متون انجام شده است. جامعه آماری شامل تمامی آثار اندیشه شهید مطهری بود که با جستجو و کدگذاری متون، ۱۵۷ مضمون پایه استخراج و در نهایت به ۳۲ مؤلفه و ۱۷ اصل کلیدی شامل فطرت‌نهاد، ایمان‌بنیان، کرامت‌پایه، جامع‌نگر، خانواده‌محور، ولایت‌مدار و غایت‌گرا دسته‌بندی شدند. یافته‌ها نشان می‌دهد که این اصول، چارچوبی منسجم و راهبردی برای طراحی برنامه‌ها، فرایندها و ساختارهای مدرسه تراز فراهم می‌آورند و نقش اساسی در تربیت انسان کامل و تحقق اهداف انقلاب اسلامی دارند. نتایج پژوهش تأکید می‌کند که تحقق مدرسه تراز انقلاب اسلامی مستلزم پیروی از اصول بنیادین فطرت‌نهاد، ایمان‌بنیان، کرامت‌پایه، جامع‌نگر، خانواده‌محور، ولایت‌مدار و غایت‌گرا است. این اصول، مبنای طراحی برنامه‌ها، روش‌ها و سیاست‌های آموزشی و مدیریتی در مدارس می‌باشند. توجه به این چارچوب‌ها، مسیر تربیت انسان کامل را هموار می‌سازد و موجب ارتقای کیفیت تربیتی مدارس می‌شود. همچنین، رعایت این اصول در اداره مدارس، زمینه‌ساز شکوفایی استعدادها و تحقق اهداف انقلاب اسلامی است. بدین ترتیب، مدرسه تراز، نه تنها محیطی آموزشی، بلکه مرکزی تربیتی و فرهنگی متعالی خواهد بود.

واژه‌های کلیدی: مدرسه تراز، فطرت، شهید مطهری.





بررسی نگرش معلمان در خصوص عوامل مؤثر بر بهره‌مندی هوشمندانه از فناوری نوین (هوش مصنوعی) در مدارس استثنایی

مرتضی رجبی مقدم بازکیایی^{۱*}، فیروزه محمدی^۲، افسانه عباسی بدایی^۳

۱. کارشناسی ارشد تحقیقات آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن / آموزش و پرورش، رشت، ایران

guilanedu@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت / آموزش و پرورش، رشت، ایران

mohammadifiroozehh2017@gmail.com

۳. کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت / آموزش و پرورش، رشت، ایران afsan681@gmail.com

چکیده

گسترش هوش مصنوعی در آموزش با چالش‌هایی مانند مقاومت کاربران و ناهمخوانی با نیازهای آموزشی روبرو بوده است، به‌ویژه در محیط‌های خاص مانند مدارس استثنایی که نیاز به توجه ویژه دارند. این پژوهش با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر پذیرش هوش مصنوعی توسط معلمان مدارس استثنایی شهر رشت انجام شد. روش پژوهش توصیفی-پیمایشی بود؛ جامعه آماری شامل ۱۷۴ معلم مدارس استثنایی مقاطع ابتدایی و متوسطه اول و نمونه‌گیری به صورت تصادفی ساده انجام گرفت (n=120). ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه عوامل مؤثر پذیرش هوش مصنوعی (حاجی‌انوری و رضایی، ۱۴۰۳) بود که پایایی آن با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۸ تأیید شد. داده‌ها با استفاده از آزمون‌های تحلیل واریانس (ANOVA)، t و فریدمن مورد تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان داد که عواملی مانند «کاربردپذیری ادراک‌شده»، «خودکارآمدی دیجیتال» و «پشتیبانی سازمانی» به‌طور معناداری بر تمایل معلمان به استفاده از هوش مصنوعی تأثیر داشتند، درحالی‌که نگرانی‌های اخلاقی و نااطمینانی از فناوری مانع اصلی در پذیرش آن شناخته شدند. درنهایت، یافته‌ها اهمیت طراحی برنامه‌های آموزشی تخصصی و فراهم کردن زیرساخت‌های حمایتی را برای افزایش مقبولیت هوش مصنوعی در محیط‌های استثنایی برجسته کردند.

واژه‌های کلیدی: هوش مصنوعی، پذیرش فناوری، معلمان مدارس استثنایی، عوامل مؤثر، آموزش



تأثیر آموزش امید به شیوه گروهی بر بهزیستی روان‌شناختی

خسرو رشید^۱، ریزان نیک زبان^۲، هما هوشنگی^۳

۱. دانشیار گروه روان‌شناسی دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

khosrorashid@basu.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران،

Rezannikzaban@yahoo.com

۳. کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران،

Homa.Hshng@Gmail.com

چکیده

نوجوانی یکی از مهم‌ترین دوره‌های زندگی انسان است و توجه به بهزیستی روان‌شناختی و سلامت روان در نوجوانان ایرانی اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا امید از مؤلفه‌های شاخص تأثیرگذار بر این مسئله است. هدف از پژوهش حاضر بررسی تأثیر آموزش امید به روش گروهی بر بهزیستی روان‌شناختی بود. روش پژوهش نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری پژوهش دانش‌آموزان دختر سال سوم مقطع متوسطه دوم شهر دهگلان در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ بودند که تعداد آن‌ها ۴۲۰ نفر گزارش شد. نمونه‌ها با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و به‌صورت تصادفی به‌عنوان گروه آزمایش (۲۵ نفر) و گواه (۲۵ نفر) جایگزین و موردبررسی قرار گرفتند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه ۴۲ سؤالی بهزیستی روان‌شناختی (PWBQ، ریف، ۱۹۸۹) استفاده شد. بسته آموزشی امید اسنایدر (Syder، ۱۹۹۱) برای گروه آزمایش طی ۱۲ جلسه (یک ساعت و ربع) در ۵ هفته اجرا شد و گروه کنترل آموزشی دریافت نکردند. نتایج نشان داد که آموزش امید بر بهزیستی روان‌شناختی تأثیر مثبت و معناداری داشت. این پژوهش بر اهمیت آموزش امید به شیوه گروهی برای ارتقای سلامت روان در نوجوانان تأکید کرد.

واژه‌های کلیدی: آموزش امید، بهزیستی روان‌شناختی، نوجوانان، گروه‌درمانی



هماهنگی تربیتی میان خانواده و مدرسه: چالش‌ها و راهکارها

فرشته رضایی فومنی^{۱*}

۱. کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران / آموزش و پرورش، رشت، ایران.

Fereshterezaei533@gmail.com

چکیده

هماهنگی مؤثر میان خانواده‌ها و مدارس به‌عنوان عاملی کلیدی در موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان شناخته شده است، اما با چالش‌هایی مانند موانع ارتباطی و نابرابری‌های اجتماعی مواجه است. این مطالعه با هدف شناسایی چالش‌های اصلی هماهنگی خانواده-مدرسه و ارائه راهکارهای مبتنی بر شواهد انجام شد. روش پژوهش مروری با رویکرد سیستماتیک و استفاده از پروتکل PRISMA بود؛ جامعه آماری شامل مقالات منتشرشده در مجلات Q1 نمایه‌شده در اسکوپوس (۲۰۱۸-۲۰۲۴) با تمرکز بر آموزش K-12 بود که پس از غربالگری ۱،۲۳۴ مقاله، ۴۲ مطالعه واجد شرایط انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از روش تحلیل موضوعی براون و کلارک (۲۰۰۶) و ابزار ارزیابی کیفیت CASP استخراج و تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد که موانع اصلی شامل محدودیت‌های ارتباطی یک‌طرفه، تفاوت‌های اقتصادی-اجتماعی و عدم دسترسی متعادل به فناوری‌های هماهنگی بود، درحالی‌که برنامه‌های آگاهی‌بخشی والدین و استفاده از ابزارهای دیجیتال چندطرفه به کاهش شکاف‌ها کمک کردند. همچنین، توجه به عوامل روان‌شناختی و ساختارهای سیستمی در بهبود تعاملات خانواده-مدرسه ضروری شناسایی شد. نتایج این مطالعه برجسته کرد که اصلاح سیاست‌های آموزشی با تأکید بر ارتباطات دوطرفه و حمایت از خانواده‌های محروم می‌تواند عدالت آموزشی را تقویت کند؛ بنابراین، طراحی برنامه‌های هماهنگی منعطف و تطبیق‌پذیر با زمینه‌های فرهنگی-اجتماعی ضروری است.

واژه‌های کلیدی: مشارکت والدین، چالش‌های همکاری، ارتباط دوطرفه، سیاست آموزشی.





رابطه کیفیت برنامه‌های پرورشی با انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان

ابراهیم روشنا*^۱

*۱. کارشناسی ارشد تجارت الکترونیک، دانشگاه خواجه‌نصیرالدین طوسی تهران / آموزش و پرورش شهرستان شوشتر.
roshana1368@gmail.com

چکیده

با گسترش فناوری‌های آموزشی و تغییرات اجتماعی، برنامه‌های پرورشی مدارس به‌عنوان عاملی مؤثر در تقویت انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان شناخته شده‌اند؛ اما اثربخشی این برنامه‌ها در مناطق کمتر توسعه‌یافته همچون شهرستان شوشتر هنوز به‌خوبی مستند نشده است. هدف این پژوهش بررسی رابطه بین کیفیت برنامه‌های پرورشی و افزایش انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان متوسطه دوم شهرستان شوشتر بود. روش تحقیق کمی از نوع توصیفی-همبستگی انجام شد که در آن جامعه آماری شامل تمام دانش‌آموزان متوسطه دوم شهرستان شوشتر در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ قرار داشتند و نمونه‌ای ۲۰۰ نفره با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه استاندارد انگیزه تحصیلی والرند و همکاران (۱۹۹۲) و پرسشنامه محقق ساخته کیفیت برنامه‌های پرورشی جمع‌آوری شدند و یافته‌ها با آزمون همبستگی پیرسون و آزمون t زوجی تحلیل شدند. نتایج نشان داد که بین کیفیت برنامه‌های پرورشی و افزایش انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد و اجرای این برنامه‌ها تأثیر بسزایی در تقویت انگیزه آنان داشته است. همچنین مشخص شد که دانش‌آموزان دختر پس از شرکت در برنامه‌ها، افزایش انگیزه بیشتری نسبت به دانش‌آموزان پسر تجربه کردند. پژوهش تأکید کرد که بهبود کیفیت برنامه‌های پرورشی با رویکردی متنوع و هدفمند می‌تواند نقش مهمی در ارتقای انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان ایفا کند و این برنامه‌ها باید به‌عنوان بخشی جدی از فرایند آموزشی مورد توجه قرار گیرند.

واژه‌های کلیدی: برنامه‌های پرورشی، انگیزه تحصیلی، دانش‌آموزان، شهرستان شوشتر





بهبود بخشی غیبت یلدا در مدرسه با تقویت احساس مسئولیت‌پذیری و احساس تعلق به مدرسه

اعظم زارع میرک آباد^۱، معصومه نوری^۲، زهرا محمدزاده^۳

۱. دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات / آموزش و پرورش، تهران، ایران

az.zareh@yahoo.com

۲. کارشناسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

۳. دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران

چکیده

غیبت از مدرسه یکی از مسائل رایج در نظام آموزش و پرورش است که می‌تواند پیامدهای منفی گسترده‌ای برای دانش‌آموزان به همراه داشته باشد. این مقاله با هدف کاهش غیبت یک دانش‌آموز پایه هفتم به نام یلدا، از طریق تقویت احساس مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی و افزایش احساس تعلق به مدرسه، انجام شد. پژوهش حاضر از نوع اقدام پژوهی و با طرح موردکاوی (Case Study) در مدرسه متوسطه اول علی ابن الحسین منطقه ۱۵ شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ انجام گرفت. پژوهشگر به کمک همکار مشاور، داده‌های لازم را از طریق مصاحبه با دانش‌آموز، خانواده و همکاران، و همچنین مشاهده رفتار دانش‌آموز در موقعیت‌های مختلف گردآوری کرد. پس از انتخاب و اجرای راهکارها، نتایج نشان داد که مداخلات صورت‌گرفته به‌طور مؤثری در کاهش غیبت یلدا و افزایش حضور منظم او در مدرسه نقش داشت. این امر نشان داد که تقویت احساس مسئولیت‌پذیری و تعلق به مدرسه می‌تواند راهکاری مؤثر برای حل مشکل غیبت دانش‌آموزان باشد.

واژه‌های کلیدی: غیبت از مدرسه، مسئولیت‌پذیری، تعلق به مدرسه، اقدام پژوهی





بررسی نقش مدیران مدارس در بهبود مدیریت مشارکتی معلمان

امیرحسین زارعی^{۱*}، میثم فهمی جعفرقلی خانلو^۲، راحله خدایاری اهداف^۳

۱. کارشناسی ارشد مهندسی مکانیک، دانشگاه صنعتی امیرکبیر، تهران / آموزش و پرورش، همدان، ایران

ahzareei@aut.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد آموزش و بهسازی منابع انسانی، دانشگاه محقق اردبیلی / آموزش و پرورش اردبیل، اردبیل، ایران.

meysam0561fahmi@gmail.com

۳. کارشناسی علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، همدان، ایران rahilkhodayari@gmail.com

چکیده

مدیریت مشارکتی با توزیع مسئولیت‌ها و تعامل سازنده بین ذی‌نفعان آموزشی، کیفیت آموزش را از طریق تصمیم‌گیری جمعی و بهینه‌سازی منابع بهبود می‌بخشد. این رویکرد همچنین انگیزه و توانمندسازی معلمان را افزایش داده و محیطی مساعد برای توسعه مدرسه مبتنی بر نوآوری و مشارکت فعال ایجاد می‌کند. این مطالعه با هدف بررسی موانع اجرای مدیریت مشارکتی در بین معلمان و نقش مدیران مدارس در رفع این چالش‌ها، به همراه ارائه راهکارهایی برای غلبه بر آن‌ها، انجام شد. این پژوهش از رویکرد کیفی تو صیفی-پدیدار شنا سانه استفاده کرد و برای جمع‌آوری داده‌ها م صاحب‌های نیمه ساختاریافته صورت گرفت. جامعه آماری شامل کلیه مدیران و معلمان مدارس متوسطه شهر همدان در سال تحصیلی ۲۰۲۳-۲۰۲۴ بود. نتایج نشان داد که کمبود زمان، مقاومت در برابر تغییر، و ضعف در مهارت‌های ارتباطی و رهبری مدیران از موانع اصلی محسوب می‌شوند. همچنین، مشخص شد که مدیران می‌توانند با برگزاری کارگاه‌های آموزشی، ترویج فرهنگ همکاری و تفویض اختیار، نقش مؤثری در رفع این موانع ایفا کنند. این یافته‌ها بر ضرورت آموزش و توانمندسازی مدیران و معلمان برای اجرای موفقیت‌آمیز مدیریت مشارکتی در مدارس تأکید کردند.

واژه‌های کلیدی: مدیریت مشارکتی، نقش مدیران، موانع، مدارس، معلمان.





مدرسه از دیدگاه دانش‌آموزان

زهراسادات سادات حسینی^{۱*}، نرگس یافتیان^۲

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش ریاضی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران

zahra.sadat.hosseini2001math@gmail.com

۲. دانشیار، گروه ریاضی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران yafatian@sru.ac.ir

چکیده

مدل مدرسه تمام‌ساحتی یک چارچوب آموزشی است که با هدف توسعه هم‌زمان ابعاد اجتماعی، دینی، هنری، و جسمانی دانش‌آموزان طراحی شده است. این مطالعه با هدف بررسی تصاویر ذهنی دانش‌آموزان از محیط آموزشی از طریق تحلیل استعاره‌های آن‌ها انجام شد. پژوهش از روش پیمایشی توصیفی استفاده کرد. جامعه آماری شامل دانش‌آموزان دختر پایه ششم یک مدرسه ابتدایی در منطقه ۱۵ تهران بود و نمونه پژوهش ۳۰ دانش‌آموز بود که از طریق نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه تک‌ماده‌ای نگرش استعاری نسبت به مدرسه، طراحی شده توسط نکوئی و یافتیان (۱۴۰۳)، جمع‌آوری شدند. در تحلیل داده‌ها، پاسخ‌های دانش‌آموزان بر اساس استدلال‌های ارائه شده توسط آن‌ها دسته‌بندی و با استفاده از آمار توصیفی و جداول فراوانی تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد که دانش‌آموزان مدرسه را با مفاهیمی مانند دوستی، تعلق خاطر، خلاقیت، فشار، اجبار، و شادی درک می‌کنند که این مفاهیم به‌وضوح جنبه‌های عاطفی و روان‌شناختی محیط مدرسه را بیان می‌کنند. این نتایج بینش‌های مهمی در مورد تجربیات و احساسات دانش‌آموزان نسبت به مدرسه ارائه می‌دهد و می‌تواند در طراحی محیط‌های آموزشی مطلوب‌تر مؤثر باشد.

واژه‌های کلیدی: مدرسه تمام‌ساحتی، استعاره، درک دانش‌آموزان.





بهره‌مندی هوشمندانه از فناوری‌های نوین

فریده ساعدی

کارشناسی دبیری شیمی، دانشگاه کردستان / آموزش و پرورش، کردستان، ایران f.saedi403@gmail.com

چکیده

با پیشرفت روزافزون فناوری و ضرورت بهبود کیفیت آموزشی، بررسی اثر فناوری‌های نوین بر یادگیری دانش‌آموزان اهمیتی ویژه یافته است. این پژوهش با هدف بررسی تأثیر فناوری‌های نوین بر یادگیری دانش‌آموزان مدارس متوسطه دوم انجام شد. این پژوهش با رویکرد کیفی و با طرح پدیدارشناسی انجام شد. جامعه آماری پژوهش شامل دانش‌آموزان و معلمان مدارس متوسطه دوم شهر دیواندره (استان کردستان) بود. نمونه پژوهش شامل ۱۵ معلم و ۲۵ دانش‌آموز بود که به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته و مشاهده مشارکتی گردآوری شد. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از روش تحلیل مضمون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌های پژوهش نشان داد که فناوری‌های نوین اثر قابل توجهی بر انگیزه و تعامل دانش‌آموزان داشته و به بهبود فرآیند یادگیری و افزایش مهارت‌های فناورانه کمک می‌کند؛ بنابراین، ادغام فناوری‌های نوین در برنامه‌های آموزشی و ارتقاء مهارت‌های فناورانه معلمان و دانش‌آموزان ضروری به نظر می‌رسد.

واژه‌های کلیدی: فناوری‌های نوین، یادگیری، دانش‌آموزان، معلمان





طراحی مدل مفهومی مدرسه تراز با رویکرد سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش

محبوبه سبحانی*^۱، حسن شهرکی پور^۲

*۱. دکتری مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی رودهن / آموزش و پرورش تهران، ایران m.3obhan@gmail.com

۲. دانشیار علوم تربیتی، مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی رودهن، تهران، ایران.

چکیده

سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش بر لزوم طراحی مدل مدرسه تراز برای دستیابی به اهداف عالی نظام آموزشی تأکید می‌کند. پژوهش حاضر با هدف طراحی مدل مفهومی مدرسه تراز با رویکرد سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش انجام شد. روش پژوهش از نظر هدف، بنیادی-کاربردی و از نظر داده‌های اطلاعاتی، آمیخته اکتشافی متوالی (کیفی - کمی) بود. از نظر نحوه اجرا، پژوهش توصیفی-پیمایشی بود. جامعه آماری در بخش کیفی شامل رؤسا، افراد خبره، مدارس پیشرو در داخل کشور و مدیران و معاونین این مدارس و همچنین مسئولین آموزش و پرورش بود که ۲۰ نفر با استفاده از نمونه‌گیری غیر تصادفی هدفمند و گلوله برفی و بر اساس اصل اشباع به‌عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. گروه دوم از جامعه آماری در بخش کمی شامل مدیران و معاونین مدارس متوسطه شهر تهران با تعداد ۱۲۰۰ نفر بود که ۲۹۱ نفر با استفاده از فرمول کوکران انتخاب شدند. نتایج تحلیل عاملی نشان داد که ۲۳ مؤلفه اصلی از ۱۵۱ شاخص در دسترس شناسایی شدند که در ابعاد مختلف از جمله مهارت‌های هسته‌ای، ارتباطات، و دانش حرفه‌ای معلم قرار گرفتند. این پژوهش بر اهمیت طراحی جامع مدل مدرسه تراز برای تحقق اهداف سند تحول بنیادین تأکید کرد.

واژه‌های کلیدی: مدرسه تراز، سند تحول بنیادین، مدیریت آموزشی، عوامل سازمانی





شاداب سازی محیطی و ارتقا سلامت روان

ستاره ستوده^{۱*}، فاطمه گوری^۲

۱. کارشناسی ارشد دانشگاه فرهنگیان - پردیس رسالت زاهدان pwrmpdpwrmn@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی دانشگاه فرهنگیان - پردیس رسالت زاهدان

چکیده

محیط‌های سالم و شاداب نقش مهمی در بهبود روحیه، کیفیت زندگی و ارتقای سلامت روان افراد دارند. هدف این پژوهش، بررسی جامع شاداب سازی محیطی و ارتباط آن با ارتقای سلامت روان بود. این مطالعه از نوع مروری نظام‌مند بود و به بررسی مقالات مرتبط در بازه زمانی ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۹ در موتورهای جستجوی گوگل و گوگل اسکولار پرداخت. در ابتدا، ۱۰۹ مقاله داخلی و تعداد زیادی مقاله خارجی شناسایی شدند. پس از بررسی دقیق، ۷ مقاله داخلی و تعدادی مقاله خارجی که معیارهای ورود به مطالعه (شامل دسترسی کامل به متن، عدم تکرار و ارتباط مستقیم با موضوع) را داشتند، برای تحلیل نهایی انتخاب شدند. روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و با استفاده از فیش‌برداری بود. نتایج حاصل از تحلیل مقالات نشان داد که محیط‌های زیستی، فیزیکی و اجتماعی می‌توانند بر سلامت روان افراد تأثیرگذار باشند و روش‌های مختلف شاداب سازی محیطی منجر به کاهش استرس، اضطراب و افسردگی و همچنین افزایش احساس خوشبختی و بهبود روابط اجتماعی می‌شوند؛ بنابراین، برای ارتقای سلامت روان در جامعه، لازم است که فضاهای سبز شهری توسعه یابد، محیط‌های کاری و آموزشی به گونه‌ای طراحی شوند که روحیه افراد را بهبود بخشند و فرهنگ‌های حمایتی در این فضاها ترویج یابد.

واژه‌های کلیدی: شاداب سازی محیطی، سلامت روان، کیفیت زندگی، استرس، اضطراب





سنجش کلاسی به مثابه یادگیری: مروری بر تأثیر آن بر انگیزه و یادگیری در سطوح مختلف تحصیلی

فاطمه ستوده نیان^{۱*}، نگین فخار^۲، زهرا اسمعیلی^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم شناختی گرایش ذهن، مغز و تربیت، دانشگاه تهران، تهران، ایران f.sotoude@ut.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران negin.fakhar@ut.ac.ir

۳. کارشناسی ارشد آموزش ابتدایی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران esmazahra1402@gmail.com

چکیده

در سال‌های اخیر، نقش سنجش کلاسی در بهبود فرآیند یاددهی-یادگیری و ارتقای انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان مورد توجه قرار گرفته است، زیرا شیوه‌های سنجش می‌توانند بر عمق یادگیری و مشارکت آنان تأثیر بگذارند. این مطالعه با هدف بررسی ارتباط میان سنجش کلاسی، انگیزه و یادگیری در سطوح مختلف تحصیلی انجام شد. روش پژوهش کیفی با رویکرد تحلیل محتوایی و مرور روایتی بود؛ جامعه آماری شامل مقالات فارسی منتشرشده در پایگاه‌های نورمگز و مگیران (۱۳۹۹-۱۴۰۳) بود که ۱۴ مطالعه با معیارهای ارتباط مستقیم با موضوع و اعتبار نظری انتخاب شدند. داده‌ها با روش کدگذاری مفهومی و مقایسه مستمر تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد که سنجش‌های مشارکت‌محور و فرآیندمحور همراه با بازخورد سازنده می‌توانند انگیزه تحصیلی را افزایش داده و یادگیری عمیق‌تری را تسهیل کنند، همچنین بین شیوه‌های سنجش، سطح انگیزش و عمق یادگیری رابطه‌ای تعاملی وجود داشت. نتایج این مطالعه برجسته کرد که سنجش کلاسی با ایفای نقش تربیتی می‌تواند کیفیت آموزشی را ارتقا دهد و به اهداف برنامه درسی مبتنی بر شایستگی کمک کند؛ بنابراین، طراحی روش‌های سنجش پویا و مشارکتی با تمرکز بر بازخورد مؤثر ضروری است.

واژه‌های کلیدی: سنجش، انگیزه، یادگیری، آموزش.





مروری بر نقش بازی در یادگیری کودکان دبستانی: از دیدگاه نظریه‌های تربیتی

فاطمه ستیه*^۱

*۱. دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی-گرایش آموزش دبستان و پیش‌دبستان، دانشگاه امیرالمؤمنین (ع) اهواز، اهواز، ایران
fatmhstyh9@gmail.com

چکیده

زمینه مسئله: با توجه به اهمیت بازی در فرایند یادگیری و نقش آن در ارتقاء مهارت‌های شناختی، اجتماعی و هیجانی کودکان، توجه به ادغام مؤثر بازی در برنامه‌های درسی ابتدایی ضروری به نظر می‌رسد. هدف: این پژوهش با هدف بررسی نقش بازی‌های آموزشی بر یادگیری کودکان دبستانی و شناسایی مؤلفه‌های مؤثر آن انجام شد. روش: پژوهش حاضر از نوع بنیادی و کیفی بود که با تحلیل اسناد و بررسی متون علمی انجام شد. جامعه آماری شامل مقالات منتشر شده طی ده سال اخیر درباره نقش بازی در یادگیری کودکان دبستانی بود که از پایگاه‌های معتبر داخلی و خارجی گردآوری شد و پس از اعمال ملاک‌های ورود و خروج، ۱۵ مقاله به صورت هدفمند انتخاب گردید. داده‌ها با روش تحلیل مضمون و با تکیه بر رویکرد آتراید و استرلینگ تحلیل شدند و اعتبار نتایج با معیارهای چهارگانه گوبا و لینکولن بررسی و تأیید شد. نتایج: یافته‌ها نشان دادند که بازی‌های آموزشی، به‌ویژه برای کودکان با نیازهای ویژه، نقش مؤثری در تقویت مهارت‌های تحصیلی و افزایش انگیزه یادگیری داشتند. همچنین بازی‌های گروهی موجب بهبود تعاملات اجتماعی و همکاری بین کودکان شدند، هرچند اجرای آن‌ها با چالش‌هایی مانند کمبود منابع و محدودیت زمانی در مدارس مواجه بود. نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش نشان دادند که بازی‌های آموزشی ابزاری اثربخش در ارتقاء مهارت‌های شناختی، اجتماعی و تحصیلی کودکان به شمار می‌رفتند. با این حال، برای بهره‌گیری بهینه از این ابزار، طراحی برنامه‌های درسی انعطاف‌پذیر و فراهم‌سازی امکانات مناسب در محیط‌های آموزشی ضروری بود.

واژه‌های کلیدی: بازی آموزشی و بازی گروهی، تفکر خلاق، نظریه‌های تربیتی، یادگیری





روایت پژوهی درباره عوامل ترک تحصیل دختران در مناطق روستایی

فرزانه سرگزی^۱، نگین درویشی^۲، فاطمه لطیفی^۳

۱. دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس رسالت زاهدان، ایران

sargazifarzaneh888@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس رسالت زاهدان، ایران negindarvishi124@gmail.com

۳. دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس رسالت زاهدان، ایران fl2132710@gmail.com

چکیده

ترک تحصیل دختران در مناطق روستایی یکی از چالش‌های جدی نظام آموزشی ایران بوده است که تحت تأثیر عوامل ساختاری چون فقر اقتصادی، ساختارهای مردسالارانه و ضعف زیرساخت‌های آموزشی شکل می‌گیرد؛ اما درک عمیق از زمینه‌های فردی و اجتماعی این پدیده همچنان نیازمند رویکردهای کیفی دقیق است. هدف این پژوهش شناسایی عوامل مؤثر بر ترک تحصیل دختران روستایی از طریق تحلیل روایت یک مورد واقعی بود. روش تحقیق کیفی با رویکرد روایت‌پژوهی تفسیرگرایانه انجام شد که در آن دختر ارشد یک خانواده تک سرپرست در روستایی از استان سیستان و بلوچستان به عنوان مشارکت‌کننده اصلی و تنها نمونه هدفمند انتخاب شد. داده‌ها با استفاده از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته، بازخوانی خاطرات شفاهی و یادداشت‌برداری‌های مشارکتی جمع‌آوری شدند و تحلیل داده‌ها با کدگذاری سه‌مرحله‌ای (باز، محوری، انتخابی) صورت گرفت. یافته‌ها نشان دادند ترک تحصیل نتیجه تعامل عوامل ساختاری (فقر اقتصادی، نابرابری‌های آموزشی) با زمینه‌های خانوادگی (کنترل سنتی، اولویت‌های شغلی) و فردی (کاهش انگیزه، ناامیدی) بوده است؛ همچنین ضعف انعطاف برنامه‌های درسی و عدم پاسخ‌گویی به نیازهای واقعی دانش‌آموزان از دیگر موانع یادگیری شناسایی شدند. پژوهش تأکید کرد که رفع این معضل نیازمند طراحی سیاست‌های حمایتی ویژه، بازنگری در ساختار مدرسه و گسترش خدمات مشاوره‌ای است تا بتواند موانع ساختاری و فرهنگی را کاهش دهد و به دختران روستایی اجازه دهد تا به‌طور کامل در فرایند آموزشی مشارکت کنند.

واژه‌های کلیدی: ترک تحصیل، روایت پژوهی، دختران روستایی، فقر اقتصادی، نابرابری آموزشی





مروری بر فرصت‌ها و چالش‌های مدارس هوشمند

مرضیه سهیلی^{۱*}

۱. دانشجوی دکتری، روان‌شناسی تربیتی، دانشکده روان‌شناسی، واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران
marzieh.sihyli@srbiau.ac.ir

چکیده

سترش مدارس هوشمند به عنوان یک تحول فناورانه در نظام‌های آموزشی با فرصت‌های جدیدی همراه بوده، اما با چالش‌های ساختاری و عملیاتی نیز مواجه است. این پژوهش با هدف شناسایی فرصت‌ها و چالش‌های پیاده‌سازی مدارس هوشمند در نظام‌های آموزشی انجام شد. روش پژوهش اسنادی-کتابخانه‌ای و با تحلیل محتوای کیفی داده‌ها صورت گرفت که در آن منابع داخلی (پایگاه‌های Magiran، Science Direct، PubMed و غیره) و خارجی (Scopus، Springer، Google Scholar) در بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۲ مورد واکاوی قرار گرفتند. پس از انتخاب ۳۵ منبع مرتبط بر اساس معیارهای ورود و خروج، یافته‌ها با رویکرد تحلیل محتوای کیفی استخراج شدند. نتایج نشان داد که مدارس هوشمند می‌توانند تعامل دانش‌آموزان را افزایش دهند، یادگیری شخصی‌سازی شده فراهم کنند و دسترسی به منابع یادگیری متنوع را تسهیل کنند، اما نابرابری در دسترسی به زیرساخت‌های فناورانه و کمبود آموزش‌های تخصصی برای ذینفعان اصلی چالش‌های کلیدی محسوب می‌شوند. همچنین فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی و کلاس‌های مجازی به عنوان ابزارهای اصلی توسعه این مدارس شناسایی شدند. این یافته‌ها حاکی از آن است که بدون رعایت استانداردهای ملی و برنامه‌ریزی متناسب با شرایط محلی، پیاده‌سازی مدارس هوشمند می‌تواند با شکست‌های سیستمی مواجه شود؛ بنابراین، طراحی الگوهای بومی‌سازی شده و تقویت زیرساخت‌های آموزشی به‌ویژه در مناطق کمتر توسعه‌یافته پیشنهاد می‌شود.

واژه‌های کلیدی: تحلیل اسنادی، مدرسه هوشمند، فناوری آموزشی، چالش‌ها، فرصت‌ها.





ارزیابی تأثیر مشاوره تحصیلی و برنامه‌ریزی درسی مبتنی بر هدف بر عملکرد تحصیلی

امیرحسین سینایی^{*}

*. دانشجوی پزشکی عمومی دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران sin202020aei@gmail.com

چکیده

عوامل متعددی بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر گذاشته‌اند که مدیریت زمان، انگیزش و راهبردهای یادگیری از جمله عوامل کلیدی محسوب می‌شوند. این پژوهش با هدف بررسی تأثیر مشاوره تحصیلی و برنامه‌ریزی درسی مبتنی بر هدف بر بهبود عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان انجام شد. روش پژوهش نیمه‌آزمایشی بود؛ جامعه آماری شامل دانش‌آموزان یک مدرسه متوسطه شهر تبریز و نمونه‌گیری به صورت تصادفی ساده انجام گرفت ($n=30$) نمونه‌ها به دو گروه آزمایش (۱۵ نفر) و کنترل (۱۵ نفر) تقسیم شدند. گروه آزمایش در طی یک دوره ۸ جلسه‌ای (هر جلسه ۶۰ دقیقه) تحت مداخله مشاوره تحصیلی و برنامه‌ریزی درسی مبتنی بر هدف قرار گرفتند، که شامل تعیین اهداف شخصی و تحصیلی، مدیریت زمان و تکنیک‌های تمرکز بود. داده‌ها با استفاده از آزمون تحلیل کوواریانس (ANCOVA) و مقایسه نتایج پیش‌آزمون و پس‌آزمون مورد تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان داد که گروه آزمایش بهبود معناداری در عملکرد تحصیلی نسبت به گروه کنترل داشتند و مداخله مذکور نقش مؤثری در ارتقای توانایی‌های یادگیری و خودنظم‌دهی دانش‌آموزان ایفا کرد. درنهایت، برنامه‌ریزی درسی مبتنی بر هدف به‌عنوان یک راهکار مؤثر، پیشنهاد شد تا در محیط‌های آموزشی برای بهبود عملکرد تحصیلی مورد استفاده قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: مشاوره تحصیلی، برنامه‌ریزی درسی مبتنی بر هدف، عملکرد تحصیلی





ارزیابی، چالش‌ها و راهکارهای بهره‌برداری از کلان داده‌ها در نظام آموزش و پرورش ایران

فاطمه شایان^{۱*}

*۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت فناوری و اطلاعات، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران،
mahannoooo1390@gmail.com

چکیده

اهمیت روزافزون کلان داده‌ها در ارتقای کیفیت نظام‌های آموزشی، ضرورت بررسی چالش‌ها و راهبردهای بهره‌برداری از آن‌ها را در ایران مطرح ساخته است. این مطالعه با هدف ارزیابی و شناسایی روش‌های بهره‌برداری از کلان داده‌ها در نظام آموزش و پرورش ایران انجام شد. روش تحقیق شامل مطالعات اسنادی و مرور نظام‌مند منابع علمی مرتبط با کلان داده‌ها در نظام‌های آموزشی بود. جامعه پژوهش شامل مقالات علمی، گزارش‌ها و منابع معتبر ملی و بین‌المللی مرتبط با کلان داده‌ها و تحلیل یادگیری بود که بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۴ منتشر شده بودند. از میان ۴۰ منبع بررسی شده، ۲۵ منبع با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند بر اساس ملاک‌های مرتبط با کلان داده‌ها در آموزش انتخاب شدند. مقالات از پایگاه‌های میگزین، پورتال جامع علوم انسانی و گوگل اسکالر جمع‌آوری شد. داده‌ها با استفاده از تحلیل کیفی مضمونی بر اساس الگوهای مشترک، مفاهیم اصلی و مضامین کلیدی دسته‌بندی و تحلیل شدند. نتایج نشان داد که چالش‌ها شامل زیرساخت‌های فناوری ضعیف، فقدان سیاست‌های داده‌ای منسجم، و کمبود نیروی انسانی متخصص بودند. این پژوهش بر لزوم توسعه زیرساخت‌ها و سیاست‌گذاری‌های مناسب برای بهره‌برداری مؤثر از کلان داده‌ها در آموزش و پرورش تأکید کرد.

واژه‌های کلیدی: کلان داده‌ها، آموزش و پرورش، چالش‌ها، راهبردها، ایران



ایفای نقش الگویی معلم در تحقق مدرسه تراز در چارچوب سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

امیرعباس شایگان^{۱*}

*۱. دانشجوی کاردانی دانشگاه فرهنگیان آموزش ابتدایی، لار، ایران amirabbas.shayegan325@gmail.com

چکیده

مدرسه تراز، به‌عنوان یک پارادایم نوین در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران، از معلمان انتظار داشت فراتر از صرف انتقال محتوا عمل کرده و به‌عنوان الگو ایفای نقش کنند. این پژوهش با هدف تبیین ابعاد نقش الگویی معلم در تحقق مدرسه تراز انجام شد. پژوهش از نوع کیفی و بر اساس تحلیل محتوای کیفی بود. جامعه پژوهش شامل اسناد و مقالات علمی (داخلی منتشر شده بین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲ و خارجی منتشر شده بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۳) در حوزه آموزش و مدرسه تراز بود. با روش نمونه‌گیری هدفمند، ۲۸ منبع معتبر بر اساس ارتباط آن‌ها با مفهوم نقش الگویی معلم و شاخص‌های مدرسه تراز انتخاب شدند. داده‌ها از طریق فیش‌برداری ساختاریافته از منابع جمع‌آوری و با استفاده از تحلیل محتوای کیفی بر اساس چارچوب تربیت جامع تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد که نقش الگویی معلم در چهار بعد اخلاقی، علمی، اجتماعی و شخصیتی قابل تبیین بود. راهبردهایی نظیر توسعه حرفه‌ای، ارتقای جایگاه اجتماعی معلمان و تقویت محیط فرهنگی در مدارس در تقویت این نقش مؤثر شناخته شدند. این پژوهش بر اهمیت نقش الگویی معلمان در دستیابی به اهداف مدرسه تراز تأکید کرد.

واژه‌های کلیدی: نقش الگویی معلم، مدرسه تراز، سند تحول بنیادین، تحلیل محتوا، تربیت جامع.

تأثیر برنامه‌های آموزشی نوآورانه بر رشد خلاقیت در معلمان و دانش‌آموزان

علی شریفی*^۱

۱. کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه، دانشگاه پیام نور، میاندوآب، ایران. sharifi726@gmail.com

چکیده

در نظام‌های آموزشی سنتی، روش‌های تدریس متمرکز بر حفظ اطلاعات باعث محدودیت خلاقیت دانش‌آموزان و معلمان می‌شود؛ این چالش در شهر سقز نیز به دلیل کمبود برنامه‌های نوآورانه مشهود است. این مطالعه با هدف بررسی تأثیر برنامه‌های آموزشی نوآورانه بر رشد خلاقیت دانش‌آموزان مقطع متوسطه اول شهر سقز انجام شد. طرح پژوهش، شبه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون و گروه‌های مستقل بود؛ جامعه آماری شامل تمامی دانش‌آموزان متوسطه اول سقز در سال ۱۴۰۳-۱۴۰۴ بود که ۱۰۰ دانش‌آموز از پایه‌های هفتم تا نهم به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند. مداخله شامل اجرای بسته آموزشی نوآورانه (با روش‌های مشارکتی، تجربی و استفاده از فناوری‌های دیجیتال) در ۱۶ جلسه دوهفته‌ای بود. خلاقیت دانش‌آموزان با پرسش‌نامه استاندارد تورنس (Torrance Tests of Creative Thinking، تورنس، ۱۹۷۴) اندازه‌گیری شد. داده‌ها با استفاده از تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر و آزمون MANOVA مورد تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان داد برنامه‌های آموزشی نوآورانه تأثیر معناداری بر افزایش خلاقیت دانش‌آموزان، تقویت تفکر انتقادی، مشارکت فعال در کلاس و اعتماد به نفس آن‌ها داشته است. همچنین این روش‌ها توانستند شکاف‌های آموزشی میان دانش‌آموزان با سطوح مختلف خلاقیت را کاهش دهند. به‌طور کلی، برنامه‌های آموزشی نوآورانه می‌توانند راهکار مؤثری برای توسعه مهارت‌های خلاقانه و بهبود کیفیت آموزش در محیط‌های آموزشی باشند؛ بنابراین گسترش این برنامه‌ها در سایر مناطق پیشنهاد می‌شود.

واژه‌های کلیدی: خلاقیت، برنامه‌های آموزشی نوآورانه، دانش‌آموزان، معلمان، سقز.



تأثیر آموزش خود دلسوزی بر اهمال‌کاری تحصیلی و ادراک امنیت در دانش‌آموزان

نسرين شکاری^۱، محمدآزاد عبدالله پور^۲، آرمین لطفی^۳

۱. کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران Nasrinshekari@mail.ir

۲. گروه روان‌شناسی، واحد مهاباد، دانشگاه آزاد اسلامی، مهاباد، ایران a.abdollahpour@iau-mahabad.ac.ir

۳. استادیار، گروه جرم‌یابی، دانشکده امنیت، دانشگاه جامع علوم انتظامی امین، تهران، ایران Arminlotfi@mail.ir

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی تأثیر آموزش خوددلسوزی بر احساس امنیت و اهمال‌کاری تحصیلی در دانش‌آموزان انجام شد. با توجه به تأثیر منفی اهمال‌کاری تحصیلی و کمبود احساس امنیت بر عملکرد دانش‌آموزان، این مطالعه به دنبال ارائه راهکاری مؤثر برای بهبود این متغیرها بود. روش پژوهش به‌صورت نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون و گروه کنترل اجرا شد. جامعه آماری شامل دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه دوم منطقه ۶ تهران بود که از میان آن‌ها ۶۰ نفر به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و به‌صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل قرار گرفتند. گروه آزمایش به مدت ۸ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای تحت آموزش خوددلسوزی قرار گرفتند. ابزارهای پژوهش شامل مقیاس اهمال‌کاری تحصیلی سولومون و راث بلوم (۱۹۸۴) و مقیاس احساس امنیت ادمونسون (۱۹۹۹) بودند. داده‌ها با استفاده از تحلیل کوواریانس موردبررسی قرار گرفتند. نتایج نشان داد که آموزش خوددلسوزی به کاهش معنادار اهمال‌کاری تحصیلی و افزایش احساس امنیت در دانش‌آموزان منجر شد. این یافته‌ها حاکی از آن است که آموزش خوددلسوزی می‌تواند به‌عنوان یک روش مؤثر برای بهبود عملکرد تحصیلی و احساس امنیت دانش‌آموزان مورد استفاده قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: خوددلسوزی، اهمال‌کاری تحصیلی، احساس امنیت، دانش‌آموزان، مداخله روان‌شناختی.





پیش‌بینی سرزندگی تحصیلی بر اساس فضای آموزشی. شایستگی‌های فردی و اشتیاق تحصیلی در دانش‌آموزان

مهسا شماخی^۱، سارا نیک‌اندیش^۲، زینب ربانی^{۳*}

۱. کارشناسی روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد الکترونیک، تهران، ایران.

۲. دانشجوی کارشناسی روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد الکترونیک، تهران، ایران.

۳*. استادیار گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشکده تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اسلامشهر، تهران، ایران.

Rabbany2007@gmail.com

چکیده

نشاط تحصیلی به‌عنوان یکی از شاخص‌های مهم سلامت روان و موفقیت دانش‌آموزان، نقشی تعیین‌کننده در کیفیت تجربه یادگیری آنان دارد. پژوهش حاضر با هدف تبیین نشاط تحصیلی بر اساس فضای یادگیری، شایستگی‌های فردی و اشتیاق تحصیلی در دانش‌آموزان انجام شد. این پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه دوم ناحیه چهار کرج در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ بود. تعداد ۲۹۰ پرسشنامه نشاط تحصیلی (حسین چاری و دهقانی‌زاده، ۱۳۹۱)، فضای یادگیری/جو مدرسه (دنیسون، ترجمه و بومی‌سازی توسط ادیب و همکاران، ۱۳۹۴)، شایستگی‌های فردی (تاگوی، ۱۴۰۰) و اشتیاق تحصیلی (ملکی، ۱۴۰۱) به‌صورت تصادفی طبقه‌ای جمع‌آوری و داده‌ها با استفاده از تحلیل رگرسیون چندگانه هم‌زمان تحلیل شدند. نتایج نشان داد که فضای یادگیری، شایستگی‌های فردی و اشتیاق تحصیلی به‌طور معناداری نشاط تحصیلی دانش‌آموزان را پیش‌بینی می‌کنند و هر یک از این عوامل به تنهایی نیز بر نشاط تحصیلی تأثیر مثبت داشتند. این یافته‌ها حاکی از آن است که بهبود فضای یادگیری، تقویت شایستگی‌های فردی و افزایش اشتیاق تحصیلی می‌تواند به ارتقای نشاط تحصیلی و در نتیجه موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان کمک کند.

واژه‌های کلیدی: نشاط تحصیلی، فضای یادگیری، شایستگی فردی، اشتیاق تحصیلی





بررسی تأثیر فضای آموزشی بر انگیزه‌های درونی و بیرونی در یادگیری

فریبا شهیدی^{۱*}، عبدالله آریان^۲

۱. کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران / آموزش و پرورش، بانه، ایران

Shahidifariba21@gmail.com

۲. کارشناسی حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، بانه، ایران / آموزش و پرورش، بانه، ایران Aryanabdollah913@gmail.com

چکیده

طراحی فضاهای آموزشی با توجه به تأثیر آن بر عوامل درونی و بیرونی دانش‌آموزان به چالشی کلیدی در حوزه آموزش تبدیل شده است. این پژوهش با هدف تحلیل تأثیر طراحی فضاهای آموزشی بر عوامل مرتبط با یادگیری و تعاملات دانش‌آموزان انجام شد. روش پژوهش کیفی-تحلیلی بود؛ جامعه آماری شامل منابع علمی منتشرشده در حوزه روان‌شناسی تربیتی و طراحی فضاهای آموزشی در بازه زمانی ۱۳۸۴ تا ۱۴۰۲ در پایگاه‌های Civilica، SID و پایگاه علوم انسانی بود و نمونه‌گیری به صورت هدفمند انجام گرفت ($n > 20$) مداخله شامل ارزیابی متون علمی با رویکرد تحلیل مضمون و استفاده از چک‌لیست مدل PRISMA بود. داده‌ها با استفاده از روش‌های تحلیل کیفی موردبررسی قرار گرفتند. نتایج نشان داد که عواملی مانند انعطاف‌پذیری فضای یادگیری، ارتقای تعاملات اجتماعی و تطبیق با تنوع فرهنگی نقش برجسته‌ای در بهبود کیفیت محیط‌های آموزشی داشتند، همچنین ضرورت همکاری چندجانبه بین طراحان و کاربران نهایی فضاهای آموزشی برجسته شد. درنهایت، یافته‌ها اهمیت تلفیق الزامات کاربری و رویکردهای یکپارچه در طراحی فضاهای آموزشی را برای ارتقای کیفیت یادگیری برجسته کردند.

واژه‌های کلیدی: طراحی فضاهای آموزشی، عوامل دانش‌آموزی، تحلیل مضمون، مدل PRISMA، رویکرد یکپارچه





پیش‌بینی بهزیستی تحصیلی بر اساس یادگیری خودراهبر با میانجی‌گری اشتیاق تحصیلی

سید محمد شیخی^{۱*}، کمال محمدطالبی^۲

۱. کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی مهاباد / آموزش و پرورش، بانه، ایران

mamadsheikh46@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه شهید بهشتی / آموزش و پرورش، بانه، ایران

kamalmohammadtalebi@gmail.com

چکیده

بهزیستی تحصیلی به‌عنوان یک شاخص کلیدی در موفقیت دانش‌آموزان در محیط‌های آموزشی، تحت تأثیر عوامل متعددی از جمله خودراهبری در یادگیری و اشتیاق تحصیلی قرار دارد. این پژوهش با هدف پیش‌بینی بهزیستی تحصیلی بر اساس خودراهبری در یادگیری با میانجی‌گری اشتیاق تحصیلی در دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه شهر بانه انجام شد. پژوهش حاضر از نظر جمع‌آوری داده‌ها توصیفی-همبستگی از نوع معادلات ساختاری بود. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر دوره دوم متوسطه شهر بانه در نیمسال دوم سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ با مجموع ۵۰۶۶ دانش‌آموز بود. تعداد ۳۰۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. دانش‌آموزان پرسشنامه بهزیستی تحصیلی پیت‌رین و همکاران (۲۰۱۴)، پرسشنامه آمادگی خودراهبری در یادگیری فیشر و همکاران (۲۰۰۱) و پرسشنامه اشتیاق تحصیلی فردریک و همکاران (۲۰۰۴) را تکمیل کردند. برای برازش مدل و آزمون فرضیه‌ها از مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شد. نتایج نشان داد که بین خودراهبری در یادگیری و بهزیستی تحصیلی رابطه مثبت و معناداری وجود داشت و اشتیاق تحصیلی نیز در این رابطه نقش میانجی ایفا کرد. این پژوهش بر اهمیت پرورش خودراهبری در یادگیری و افزایش اشتیاق تحصیلی برای بهبود بهزیستی تحصیلی تأکید کرد.

واژه‌های کلیدی: بهزیستی تحصیلی، خودراهبری در یادگیری، اشتیاق تحصیلی، دانش‌آموزان





بررسی آسیب‌شناسی برنامه درسی مقطع ابتدایی

سمیه شیرزادی^{۱*}، نفیسه رفیعی^۲

۱. دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد میمه، اصفهان، ایران

S.shirzadi2012@gmail.com

۲. استادیار، گروه علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

rafiei@pnu.ac.ir

چکیده

نقایص و چالش‌های موجود در برنامه‌های درسی دوره ابتدایی، ازجمله عدم توجه به نیازهای بومی و منطقه‌ای و حجم بالای مطالب، منجر به کاهش کارایی نظام آموزشی شده است. هدف این پژوهش، بررسی آسیب‌شناسی برنامه درسی دوره ابتدایی بود. روش تحقیق تحلیل محتوای کمی بود. جامعه پژوهش شامل تمامی مقالات، پایان‌نامه‌ها و کتاب‌های منتشرشده با موضوع آسیب‌شناسی برنامه درسی دوره ابتدایی در بازه زمانی ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۳ بود. نمونه پژوهش شامل ۴ مطالعه در زمینه برنامه درسی ابتدایی (کتاب‌های فارسی، ریاضی و قرآن) بود که با روش نمونه‌گیری غیرتصادفی هدفمند انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها، چک‌لیست تحلیل محتوا بود و داده‌ها به روش توصیفی تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد که چهار مؤلفه اصلی شامل طراحی کتب درسی، عدم توجه به یادگیرندگان، مشکلات محتوایی و اجرایی-تربیتی، به همراه ۴۷ زیرمؤلفه، به‌عنوان مهم‌ترین آسیب‌های کتب درسی ابتدایی شناسایی شدند. این آسیب‌ها شامل مواردی مانند عدم وجود فصول مناسب، عدم وجود طرح درس‌های مناسب، مبهم و گنگ بودن مطالب، حجم مطالب فراتر از توان یادگیری و عدم مشورت با معلمان در طراحی برنامه بودند. این پژوهش نتیجه گرفت که برای بهبود کیفیت آموزش ابتدایی، بازنگری جدی در طراحی و اجرای برنامه‌های درسی با توجه به نیازهای واقعی دانش‌آموزان و معلمان ضروری است.

واژه‌های کلیدی: آسیب‌شناسی، برنامه درسی، دوره ابتدایی، تحلیل محتوا





رابطه بین شاداب سازی محیط مدرسه با سلامت روان و رفتار پرخاشگرانه در دانش‌آموزان

معصومه شیرعلی نژاد یکتا^۱، سارا جعفری^۱، حدیثه عطایی^۱، زینب ربانی^{۲*}

۱. دانشجوی کارشناسی روان‌شناسی، دانشگاه الکترونیکی ایران، تهران، ایران.

۲. استادیار گروه روان‌شناسی، دانشکده تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اسلامشهر، تهران، ایران

rabbany2007@gmail.com

چکیده

زیباسازی محیط مدرسه به‌عنوان یک رویکرد نوین در مدیریت آموزشی، به ایجاد فضایی مثبت و حمایتی برای دانش‌آموزان اشاره دارد. هدف این مطالعه بررسی نقش زیباسازی محیط مدرسه در سلامت روان و رفتار پرخاشگرانه دانش‌آموزان بود. جامعه آماری شامل دانش‌آموزان دوره ابتدایی شهر اسلامشهر بود. نمونه‌ای متشکل از ۱۴۶ دانش‌آموز دختر دوره اول متوسطه با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای دومرحله‌ای انتخاب شدند. شرکت‌کنندگان به پرسشنامه محیط فیزیکی مدرسه (Rowe و همکاران، ۲۰۰۴)، پرسشنامه سلامت عمومی (Goldberg؛ GHQ-28، ۱۹۷۹) و پرسشنامه پرخاشگری (Buss & Perry، ۱۹۹۲) پاسخ دادند. داده‌ها با استفاده از تحلیل رگرسیون چندگانه تحلیل شدند. نتایج نشان داد که مؤلفه‌های محیط فیزیکی مدرسه با سلامت روان رابطه مثبت و با رفتار پرخاشگرانه رابطه منفی داشت. این پژوهش بر اهمیت زیباسازی محیط مدرسه برای بهبود سلامت روان و کاهش رفتارهای پرخاشگرانه در دانش‌آموزان تأکید کرد.

واژه‌های کلیدی: زیباسازی محیط مدرسه، سلامت روان، رفتار پرخاشگرانه، دانش‌آموزان



اثربخشی آموزش خودتنظیمی بر اعتیاد به اینترنت و انگیزش تحصیلی

نسرين صالحی نژاد^{۱*}، فاطمه شیخ پور^۲

۱. دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه علوم و تحقیقات، تهران، ایران nasrin.salehi.nejad.1365@gmail.com

۲. کارشناسی مهندسی کامپیوتر، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران fatemeh.sheykhpour65@gmail.com

چکیده

در سال‌های اخیر، رشد فزاینده‌ی استفاده از اینترنت در میان نوجوانان، زمینه‌ساز بروز چالش‌هایی چون اعتیاد به اینترنت و افت انگیزش تحصیلی شده است. از سوی دیگر، آموزش مهارت‌های روان‌شناختی می‌تواند نقش مؤثری در مدیریت رفتارهای ناسازگار و ارتقای عملکرد تحصیلی ایفا کند. پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی آموزش خودتنظیمی بر اعتیاد به اینترنت و انگیزش تحصیلی در دانش‌آموزان دختر متوسطه دوم شهر کرمان انجام شد. روش پژوهش، نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون همراه با گروه کنترل بود. جامعه آماری دانش‌آموزان دختر پایه‌های دهم تا دوازدهم (متوسطه دوم) شهر کرمان در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ بودند. با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، ۸ مدرسه به صورت تصادفی انتخاب و سپس ۶۰ دانش‌آموز که در پرسشنامه اعتیاد به اینترنت یانگ (۱۹۹۸) نمره بالا و پرسشنامه انگیزش تحصیلی والرنند (۱۹۹۲) نمره پایین کسب کرده بودند، شناسایی و به‌طور تصادفی در دو گروه آزمایشی و کنترل (۳۰ نفر) جایگزین شدند. گروه آزمایشی طی ۱۰ جلسه ۴۵ دقیقه‌ای تحت آموزش خودتنظیمی قرار گرفت و گروه کنترل هیچ‌گونه آموزشی دریافت نکرد. داده‌ها با استفاده از آزمون تحلیل کوواریانس چند متغیری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان داد که آموزش خودتنظیمی به‌طور معناداری موجب کاهش اعتیاد به اینترنت و افزایش انگیزش تحصیلی در دانش‌آموزان گروه آزمایشی نسبت به گروه کنترل شد. این یافته‌ها نشان می‌دهد که مداخلات مبتنی بر خودتنظیمی می‌توانند به‌عنوان رویکردی اثربخش در پیشگیری از آسیب‌های مرتبط با استفاده بی‌رویه از اینترنت و ارتقای انگیزش تحصیلی نوجوانان در محیط مدرسه به کار گرفته شوند.

واژه‌های کلیدی: خودتنظیمی، اعتیاد به اینترنت، انگیزش تحصیلی، دانش‌آموزان دختر، دوره دوم متوسطه.



مدارس ماژولار و پیش‌ساخته: راهکاری برای گسترش عدالت آموزشی در مناطق کم‌برخوردار

سینا صالحی نژاد^{۱*}

۱. کارشناسی ارشد مهندسی عمران، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران. sinasalehinejad@gmail.com

چکیده:

توزیع نابرابر زیرساخت‌های آموزشی در مناطق مختلف کشور، یکی از موانع اصلی تحقق عدالت آموزشی و برابری فرصت‌ها در نظام تعلیم و تربیت به شمار می‌رود. استفاده از مدارس ماژولار و پیش‌ساخته، به‌عنوان راهکاری نوین برای رفع این نابرابری، نیازمند بررسی شواهد علمی و تجربی است. این پژوهش با هدف بررسی ظرفیت‌ها و چالش‌های مدارس ماژولار در توسعه عدالت آموزشی در مناطق کم‌برخوردار، به روش مرور نظام‌مند انجام شد. جامعه پژوهش شامل منابع علمی، گزارش‌های فنی و اسناد سیاستی مرتبط با طراحی و کاربست مدارس ماژولار در حوزه آموزش و مهندسی عمران بود. منابع شامل مقالات علمی، پایان‌نامه‌ها، اسناد ملی و گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی از سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲ برای منابع داخلی و از ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۴ برای منابع خارجی بودند. ملاک انتخاب منابع، اعتبار علمی، ارتباط مستقیم با موضوع، تمرکز بر ابعاد آموزشی، مهندسی یا سیاست‌گذاری، و دسترسی کامل به متن کامل بود. با روش نمونه‌گیری هدفمند، ۵۲ منبع (۲۲ داخلی و ۳۰ خارجی) از پایگاه‌های اطلاعاتی ScienceDirect، ERIC، Scopus، Civilica، ISC، SID و از پایگاه‌های اطلاعاتی گردآوری شدند. چارچوب نظری پژوهش، مدل عدالت فضایی آموزشی با تأکید بر سه مؤلفه‌ی دسترسی، کیفیت محیط فیزیکی و مشارکت اجتماعی بود. داده‌ها با روش تحلیل محتوای کیفی مضمون‌محور بررسی شدند. یافته‌ها نشان دادند که مدارس ماژولار در کشورهایی نظیر فنلاند، ژاپن و کانادا نقش مؤثری در گسترش عدالت آموزشی از طریق تسریع در ساخت، کاهش هزینه، و ارتقاء کیفیت محیط‌های یادگیری ایفا کرده‌اند. مضامین اصلی استخراج‌شده شامل «افزایش دسترسی به فضاهای آموزشی استاندارد»، «انعطاف‌پذیری طراحی متناسب با شرایط اقلیمی و جمعیتی»، «تقویت حس تعلق و مشارکت در مدارس محلی» و «کاهش شکاف آموزشی شهری و روستایی» بودند. در ایران نیز شواهد نشان داد که با وجود موانع اجرایی، امکان بهره‌گیری از این الگو در مناطق محروم وجود دارد. درمجموع، توسعه مدارس ماژولار می‌تواند راهبردی مؤثر برای جبران عقب‌ماندگی‌های آموزشی و توزیع متوازن فرصت‌های یادگیری در سطح ملی تلقی شود.

واژه‌های کلیدی: مدارس ماژولار، عدالت آموزشی، فضاهای پیش‌ساخته، مناطق کم‌برخوردار، تحلیل محتوا.



هوش مصنوعی در سیستم‌های آموزشی هوشمند در راستای آموزش پایدار

پروانه صفدریان^{۱*}، لیلا فروزنده^۲

۱. استادیار، گروه آموزش ابتدایی دانشکده تخصصی مرکز آموزش عالی شهید بهشتی، دانشگاه فرهنگیان تهران، تهران، ایران.

parimaah.s@gmail.com

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ریاضی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، دبیر ریاضی منطقه ۲ تهران، تهران، ایران

fliela88@gmail.com

چکیده

با توجه به توسعه روزافزون هوش مصنوعی و تأثیر فزاینده آن بر جهان مدرن در دهه‌های اخیر، این پژوهش با هدف بررسی کاربرد هوش مصنوعی در سیستم‌های آموزشی هوشمند به سوی آموزش پایدار انجام شد. این مطالعه از روش تحقیق کتابخانه‌ای بهره گرفت و مرور عمده‌ای از تحقیقات مرتبط با هوش مصنوعی را در بر گرفت. یافته‌ها نشان داد که هوش مصنوعی به‌طور گسترده در پلتفرم‌های مختلف فناوری آموزشی مانند سیستم‌های معلم مجازی، دستیاران صوتی، محتوای هوشمند، مترجم‌های فوری، و ابزارهای ارزیابی خودکار به کار گرفته شده است. همچنین، هوش مصنوعی توانایی قابل توجهی در شخصی سازی یادگیری، ارائه بازخورد فوری، و بهبود کارایی فرآیندهای آموزشی از خود نشان داد. در نتیجه، ادغام هوش مصنوعی در سیستم‌های آموزشی می‌تواند به ارتقای کیفیت آموزش و دستیابی به پایداری در بلندمدت کمک کند.

واژه‌های کلیدی: هوش مصنوعی، سیستم‌های آموزشی، آموزش پایدار، فناوری آموزشی





همکاری خانواده‌ها و مدارس تراز: راهی به سوی یادگیری مؤثرتر

فاطمه سادات صفوی^۱

۱. کارشناسی روان‌شناسی دانشگاه تبریز. fsadat.safavi1364@gmail.com

چکیده

همکاری اثربخش بین خانواده‌ها و مدارس به عنوان یک عامل کلیدی در بهبود فرآیند یادگیری شناخته شد. هدف این مقاله مروری بررسی نقش همکاری خانواده‌ها و مدارس تراز در دستیابی به یادگیری اثربخش‌تر بود. برای دستیابی به این هدف، تحلیل محتوای مقالات و پژوهش‌های پیشین به کار رفت تا الگوها و نتایج حاصل از همکاری‌های خانواده و مدرسه شناسایی شود. یافته‌ها نشان داد که همکاری نزدیک بین خانواده‌ها و مدارس، به افزایش انگیزه و مشارکت دانش‌آموزان در یادگیری منجر شد و ارتباط بین معلمان و والدین را بهبود بخشید. علاوه بر این، این همکاری‌ها به کاهش مشکلات رفتاری و افزایش موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان کمک کرد. درنهایت، بر اهمیت ایجاد و تقویت روابط مؤثر بین خانواده‌ها و مدارس و ارائه پیشنهادهایی برای بهبود این همکاری‌ها تأکید شد.

واژه‌های کلیدی: همکاری خانواده، مدارس تراز، یادگیری، اثربخشی





تبیین ابعاد، موانع و راهکارهای توسعه مشارکت خانواده در برنامه‌ریزی درسی جمهوری اسلامی ایران

عاطفه صلواتی^۱، بهروز مهram^{۲*}، مرتضی کرمی^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد گروه مطالعات برنامه درسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد،

A.salavati74@gmail.com ایران

۲. استاد گروه مطالعات برنامه درسی و آموزش، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

bmahram@um.ac.ir

۳. استاد گروه مطالعات برنامه درسی و آموزش، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

m.karami@um.ac.ir

چکیده

خانواده به‌عنوان یکی از ذینفعان کلیدی در فرایند برنامه‌ریزی درسی، دارای جایگاهی ویژه و تأثیرگذار است. پژوهش حاضر با هدف شناسایی و تحلیل ابعاد، موانع و راهکارهای توسعه مشارکت خانواده در مراحل مختلف برنامه‌ریزی درسی در نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران انجام شده است. این مطالعه از نظر روش‌شناسی، کیفی و از نظر هدف، کاربردی است. نمونه‌گیری به شیوه هدفمند و مشارکت‌کنندگان شامل متخصصان برنامه‌ریزی درسی و فعالان حوزه آموزش و پرورش بودند. گردآوری داده‌ها از طریق بحث گروهی متمرکز صورت گرفت و تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون و کدگذاری باز و محوری انجام شد. یافته‌ها نشان داد که مشارکت خانواده در برنامه‌ریزی درسی شامل پنج بُعد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و روان‌شناختی می‌شود و چهار دسته کلی موانع فرهنگی و نگرشی، ساختاری، مدیریتی و ارتباطی، فردی و اجتماعی از جمله موانع موجود در مسیر تحقق این مشارکت است. درنهایت در راستای بهبود مشارکت خانواده در برنامه‌ریزی درسی، راهکارها در چهار حیطه ارتقای آگاهی و توانمندسازی خانواده‌ها، ایجاد بسترهای قانونی، تقویت ارتباطات مؤثر، و افزایش انعطاف‌پذیری برنامه‌ریزی درسی پیشنهاد گردید. نتایج حاکی از آن است که از منظر متخصصان، مشارکت مؤثر خانواده‌ها در برنامه‌ریزی درسی نه تنها موجب افزایش کارآمدی و اثربخشی برنامه‌های آموزشی می‌شود، بلکه به تقویت ارتقای کیفیت یادگیری دانش‌آموزان و شکل‌گیری هویت منسجم‌تر در آنان می‌انجامد. درنتیجه رفع موانع و اجرای راهکارهای ارائه شده می‌تواند زمینه‌ساز حضور تأثیرگذارتر خانواده‌ها در تمامی مراحل تدوین، اجرا و ارزیابی برنامه درسی شده و حرکت به‌سوی یک نظام آموزشی مشارکت‌محور و پاسخگو را تسهیل نماید.

واژه‌های کلیدی: برنامه‌ریزی درسی، مشارکت خانواده، ابعاد مشارکت، موانع مشارکت، بحث گروهی متمرکز





هم‌افزایی مدرسه و خانواده در پرورش شایستگی‌های کلیدی: راهبردهایی برای تحقق مدرسه تراز

پروین صولتی اصل^{۱*}، مریم قاسم احمد^۲، سعید انصاری^۳

۱. استادیار، گروه پژوهشی آموزش و توسعه پژوهشکده مطالعات توسعه سازمان جهاد دانشگاهی تهران، تهران، ایران solati@acecr.ac.ir

۲. استادیار، گروه آموزش و توسعه، پژوهشکده مطالعات توسعه سازمان جهاد دانشگاهی تهران، ایران

ghasemahmad@acecr.ac.ir

۳. مدرس بازنشسته دانشگاه فرهنگیان. Saeidans@gmail.com

چکیده

در نظام‌های آموزشی معاصر، ارتقاء شایستگی‌های کلیدی دانش‌آموزان، از جمله مسئولیت‌پذیری، تفکر انتقادی، خودمدیریتی و تعامل اجتماعی، ضرورتی راهبردی برای تحقق مدرسه تراز به شمار می‌آید. این پژوهش با هدف شناسایی راهبردهای تقویت تعامل مدرسه و خانواده در تربیت شایستگی‌محور دانش‌آموزان انجام شد. مطالعه حاضر از نوع مروری با رویکرد تحلیل محتوای اسنادی است. جامعه پژوهش شامل منابع علمی داخلی و خارجی منتشرشده در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۳ در حوزه تعلیم و تربیت، اسناد تحولی، مشارکت والدین و برنامه‌ریزی درسی بود. با نمونه‌گیری هدفمند، ۳۶ سند معتبر انتخاب و با روش تحلیل مضمون کیفی بررسی شدند. نتایج نشان داد سه مؤلفه ارتباطی-سازمانی، تربیتی-رفتاری و فرهنگی-ارزشی، ابعاد اصلی تعامل مؤثر خانواده و مدرسه را تشکیل می‌دهند. همچنین، راهبردهایی همچون تشکیل نهادهای مشارکتی، آموزش والدین، بهره‌گیری از فناوری ارتباطی، و طراحی مدل‌های ارزیابی تعامل، از عوامل مؤثر در پرورش شایستگی‌های کلیدی در دانش‌آموزان هستند. بر این اساس، برنامه‌ریزی برای نهادهای سازش مشارکت ساختارمند مدرسه و خانواده، می‌تواند نقش مهمی در ارتقاء کیفیت تربیت چندانساختی و تحقق مدرسه تراز ایفا کند.

واژه‌های کلیدی: شایستگی‌های کلیدی، مدرسه تراز، تعامل خانواده و مدرسه، تربیت چندانساختی، تحلیل مضمون





شایسته‌گزینی و مسئولیت‌پذیری در منابع انسانی: رویکردی نوین برای ارتقاء رهبری آموزشی در مدرسه تراز

پروین صولتی اصل^{۱*}، سعید انصاری^۲، بهروز نظری بوژانی^۳

۱. استادیار، گروه پژوهشی آموزش و توسعه پژوهشکده مطالعات توسعه سازمان جهاد دانشگاهی تهران، تهران، ایران solati@acecr.ac.ir

۲. مدرس بازنشسته دانشگاه فرهنگیان. Saeidans@gmail.com

۳. استادیار، گروه پژوهشی آموزش و توسعه پژوهشکده مطالعات توسعه سازمان جهاد دانشگاهی تهران، تهران، ایران
behrooznazari@gmail.com

چکیده

تحقق مدرسه تراز مستلزم بازنگری در سیاست‌های منابع انسانی با تمرکز بر شایسته‌گزینی و مسئولیت‌پذیری در بستر مدرسه‌محور است. این پژوهش با هدف شناسایی مؤلفه‌های کلیدی شایسته‌گزینی و مسئولیت‌پذیری در منابع انسانی مدارس و تبیین نقش آن‌ها در ارتقاء رهبری آموزشی انجام شد. مطالعه حاضر از نوع کیفی و به روش تحلیل محتوای اسنادی انجام گرفت. جامعه پژوهش شامل منابع علمی داخلی و خارجی منتشرشده در حوزه‌های مدیریت منابع انسانی، رهبری آموزشی و مدرسه‌محوری بین سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۵ بود. تعداد ۴۲ سند به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و با روش تحلیل مضمون سه‌مرحله‌ای (کدگذاری باز، محوری و انتخابی) تحلیل شد. برای اعتباربخشی تحلیلی‌ها، از ارزیابی دو تحلیل‌گر مستقل و نظر خبرگان استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که تمرکز بر شایستگی‌های حرفه‌ای، اخلاقی و مدیریتی در فرآیندهای جذب و ارتقاء، در کنار نهادینه کردن مسئولیت‌پذیری چندسطحی، می‌تواند رهبری آموزشی را به‌طور قابل‌توجهی تقویت کند. این پژوهش بر اهمیت اصلاح سازوکارهای منابع انسانی در سطح مدرسه برای دستیابی به رهبری آموزشی مؤثر تأکید کرد.

واژه‌های کلیدی: شایسته‌گزینی، مسئولیت‌پذیری، منابع انسانی، رهبری آموزشی، مدرسه تراز.





شناسایی ابعاد مدیریتی مدرسه تراز بر اساس سند تحول بنیادین

یاسر صیادی^{۱*}

*۱. استادیار، گروه آموزش علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران yaser.sayadi@cfu.ac.ir

چکیده

مدیریت و راهبری مدرسه تراز بر اساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، رویکردی نوین در نظام تعلیم و تربیت است. هدف مقاله حاضر شناسایی و واکاوی ابعاد مدیریتی مدرسه تراز بر اساس سند تحول بنیادین بود. این پژوهش از نوع کاربردی و با رویکرد کیفی با استفاده از روش تحلیل اسنادی انجام شد. جامعه‌ی مورد مطالعه پژوهش، شامل کلیه پژوهش‌های داخلی مرتبط با موضوع مدیریت مدرسه تراز و همچنین اسناد بالادستی نظام آموزش و پرورش کشور جمهوری اسلامی ایران بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و با جستجو در پایگاه‌های داده معتبر اطلاعاتی داخل کشور مقالاتی که در متن آن‌ها از عوامل مدیریت تراز نام برده شده بود، مشخص شدند و در نهایت تعداد ۱۶ پژوهش و سند منتشر شده طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۴۰۴ در خصوص مدیریت در مدرسه تراز شناسایی و برای تحلیل انتخاب شدند. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که رهبری تربیتی مدیران مدارس، مشارکت‌پذیری و تعامل با ذی‌نفعان، برنامه‌ریزی استراتژیک در جهت اجرا، نظارت مستمر و تمام ساحتی عملکرد، تقویت هویت اسلامی-ایرانی، ایجاد فضای یادگیری پویا و انگیزشی به عنوان اصلی‌ترین مؤلفه‌های جنبه مدیریت مدرسه تراز بر اساس سند تحول بنیادین شناسایی شدند؛ بنابراین، این مدل مدیریتی با هدف ارتقای کیفیت تربیت و پرورش، تلاش می‌کند تا مدارس را به کانون‌های پیشرفت محلی تبدیل کند. در نهایت، پیشنهادهایی برای بهبود فرآیند مدیریت مدرسه تراز ارائه شده است که می‌تواند به تحقق اهداف سند تحول بنیادین کمک کند.

واژه‌های کلیدی: مدیریت، مدرسه تراز، سند تحول بنیادین.



واکاوی مؤلفه‌های نظارت و ارزیابی مدرسه تراز با تأکید بر تربیت تمام ساحتی

یاسر صیادی^{۱*}

۱. * استادیار، گروه آموزش علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران yaser.sayadi@cfu.ac.ir

چکیده

نظارت و ارزیابی مدرسه تراز بر اساس سند تحول بنیادین، یکی از ارکان اساسی در ارتقای کیفیت تعلیم و تربیت است. هدف این پژوهش واکاوی ابعاد نظارت و ارزیابی مدرسه تراز بر اساس سند تحول بنیادین بود. این پژوهش از نوع کاربردی و با رویکرد کیفی و با استفاده از روش تحلیل محتوای متون و با تکنیک کدگذاری (باز، محوری و گزینشی) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. جامعه‌ی مورد مطالعه این پژوهش شامل کلیه پژوهش‌های داخلی مرتبط با موضوع مدیریت و نظارت و ارزیابی و همچنین اسناد بالادستی نظام آموزش و پرورش که در رابطه با نظارت و ارزیابی بود. در این پژوهش با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و با جستجو در پایگاه‌های داده مگیران، نورمگز، SID و علم نت مقالاتی که در متن آن‌ها از مؤلفه‌های نظارت و ارزیابی در راستای توجه به ساحت‌های شش‌گانه نام‌برده شده بود، مشخص شدند و در نهایت تعداد ۱۳ پژوهش و سند منتشر شده طی سال‌های ۱۴۰۴-۱۳۹۰ به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. نتایج نشان داد که نظارت بر اجرای برنامه‌های تربیتی، ارزیابی عملکرد معلمان، سنجش رشد دانش‌آموزان در ابعاد ساحت‌های شش‌گانه، دریافت بازخورد از ذی‌نفعان و تحلیل داده‌های آموزشی به‌عنوان اصلی‌ترین مؤلفه‌های جنبه نظارت و ارزیابی مدرسه تراز بر اساس سند تحول بنیادین شناسایی شدند؛ بنابراین، با نظارت و ارزیابی دقیق، مدرسه‌ای در تراز مطلوب شکل می‌گیرد که بهبود مستمر، کیفیت آموزشی بالا و رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان را تضمین می‌کند. در نهایت، پیشنهادهایی برای بهبود فرآیند ارزیابی ارائه شد.

واژه‌های کلیدی: نظارت و ارزیابی، مدرسه تراز، سند تحول بنیادین، تربیت تمام ساحتی.



نقش مدرسه هوشمند در تحقق مدرسه تراز: شناسایی ابعاد و مؤلفه‌ها

یاسر صیادی^{۱*}

*۱. استادیار، گروه آموزش علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. yaser.sayadi@cfu.ac.ir

چکیده

ساحت علمی و فناورانه یکی از شش ساحت تربیتی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است. لذا هدف این پژوهش شناسایی مؤلفه‌های مؤثر در مدرسه هوشمند در تحقق مدرسه تراز بود. این پژوهش از نوع کاربردی و با رویکرد کیفی و با استفاده از روش تحلیل محتوای متون و با تکنیک کدگذاری (باز، محوری و گزینشی) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. جامعه‌ی مورد مطالعه پژوهش، شامل کلیه پژوهش‌های داخلی و اسناد بالادستی نظام آموزش و پرورش کشور با توجه به فناوری و اهمیت آن در تحقق ساحت‌های شش‌گانه بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و با جستجو در پایگاه‌های داده مگیران، نورمگز، SID و علم نت مقالاتی که در متن آن‌ها از مؤلفه‌های هوشمندسازی و فناوری در راستای توجه به ساحت‌های شش‌گانه نام برده شده بود، مشخص شدند و در نهایت تعداد ۱۵ پژوهش و سند منتشر شده طی سال‌های ۱۴۰۴-۱۳۹۰ به عنوان نمونه شناسایی و برای تحلیل انتخاب شدند. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که مدیریت هوشمند، توجه به برنامه‌های آموزشی مبتنی بر فناوری دیجیتال، ایجاد بستری برای تعامل مؤثر در میان افراد ذی‌نفع و کنشگران مدرسه، تجهیز و فراهم‌سازی تمهیدات محیط آموزشی هوشمند و استفاده از فناوری‌های نوین در راستای بهبود نتایج تحصیلی دانش‌آموزان به عنوان اصلی‌ترین مؤلفه‌های ابعاد مدرسه هوشمند در تحقق مدرسه تراز شناسایی شدند؛ بنابراین، این مدل از مدرسه هوشمند منجر به زمینه‌سازی برای شخصی‌سازی یادگیری، ارتقای مهارت‌های دانش‌آموزان و افزایش بهره‌وری مدارس می‌شود.

واژه‌های کلیدی: مدرسه هوشمند، مدرسه تراز، سند تحول بنیادین، ساحت‌های تربیتی.



نقش کیفیت بهداشت و تغذیه در میزان تمرکز و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان

مریم طالبی^۱، زینب ربانی^۲

۱. دانشجوی کارشناسی روان‌شناسی عمومی، موسسه آموزش عالی الکترونیکی ایرانیان، تهران، ایران
۲. استادیار گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اسلامشهر، تهران، ایران

چکیده

تغذیه مناسب و متنوع و رعایت رفتارهای بهداشتی سالم از اساسی‌ترین پایه‌های سلامت دانش‌آموزان و عملکرد تحصیلی آنان محسوب می‌شود. هدف از مطالعه حاضر بررسی نقش کیفیت بهداشت و تغذیه در میزان تمرکز و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مقطع دبیرستان شهر تهران بود. مطالعه حاضر توصیفی از نوع همبستگی بود. نمونه مورد مطالعه شامل ۳۲۰ دانش‌آموز از دبیرستان‌های دولتی منطقه ۵ شهر تهران بود که به روش خوشه‌ای دومرحله‌ای انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه مهارت تمرکز (سواری و اورکی، ۱۳۹۴) و پرسشنامه نظام مراقبت مدرسه محور سلامت دانش‌آموزان (GSHS) بود که دو بخش آن (بخش رفتارهای تغذیه‌ای و بهداشتی) پس از تأیید روایی و پایایی آن مورد استفاده قرار گرفت و برای سنجش پیشرفت تحصیلی از معدل پایان‌ترم دانش‌آموزان استفاده شد. داده‌ها با استفاده از روش‌های آماری تحلیل شدند. یافته‌های پژوهش نشان داد که بین کیفیت بهداشت و تغذیه با میزان تمرکز و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه مثبت و معناداری وجود داشت. این نتایج بر اهمیت توجه به ابعاد بهداشتی و تغذیه‌ای برای ارتقای توانایی‌های یادگیری دانش‌آموزان تأکید کردند.

واژه‌های کلیدی: بهداشت، تغذیه، تمرکز، پیشرفت تحصیلی.



مدرسه تراز بر اساس اسناد تحولی و اصول روان‌شناسی تربیتی (مسیری به سوی خودکارآمدی و انگیزش پایدار)

علی طاهرخانی^{۱*}، عادل طاهرخانی^۲

۱. دانشجوی کارشناسی دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید رجایی قزوین. ali.taherkhani9997@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی شیمی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی ره. adel.taherkhani4@gmail.com

چکیده

یکی از دغدغه‌های اساسی سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و ذی‌نفعان نظام آموزشی، سنجش و بهبود عملکرد مدارس است. در نظام‌های آموزشی، استفاده از استعاره‌ها و مدل‌های مفهومی، یکی از روش‌های پاسخگویی به این دغدغه است. این پژوهش با هدف تبیین ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مدل مدرسه تراز بر اساس اسناد تحولی نظام آموزش و پرورش و اصول روان‌شناسی تربیتی انجام شد. پژوهش حاضر از نوع کیفی و به روش تحلیل محتوای اسناد تدوین شده است. جامعه پژوهش شامل اسناد و مدارک رسمی مرتبط با سند تحول بنیادین و برنامه درسی ملی بود که به صورت هدفمند از میان منابع داخلی و خارجی بین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۱ انتخاب شدند. نمونه‌گیری از طریق بررسی پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر انجام شد. ابزار گردآوری داده‌ها شامل فیش‌برداری و تحلیل محتوای اسناد بود. داده‌ها به روش کدگذاری باز و بازبینی دوگانه تحلیل شدند. یافته‌ها نشان دادند که مدرسه تراز علاوه بر دارا بودن معیارهای کالبدی و مدیریتی، باید بر اصول روان‌شناسی تربیتی مانند رشد شناختی، تنظیم هیجانی، انگیزش درونی، سبک‌های یادگیری، خودکارآمدی، و محیط‌های یادگیری حمایتگر مبتنی باشد. شاخص‌های اصلی شامل راهبری و مدیریت تربیتی، برنامه درسی و تربیتی، محیط یادگیری و فضای آموزشی، پژوهش و ارزشیابی، و نقش خانواده و جامعه بودند. نتایج پژوهش نشان داد که تلفیق این اصول با اسناد تحولی زمینه‌ساز ارتقای کیفیت نظام آموزشی و تحقق اهداف تربیتی در مدرسه خواهد بود. این مدل پیشنهادی می‌توانست به عنوان راهبردی مناسب برای سیاست‌گذاران، مدیران و برنامه‌ریزان آموزشی به کار گرفته شود و تأثیر قابل توجهی در رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان داشته باشد.

واژه‌های کلیدی: مدرسه تراز، سند تحول بنیادین، روان‌شناسی تربیتی، تحلیل محتوا.



اثربخشی آموزش نظم‌بخشی در حوزه ردگیری تکلیف و مدیریت زمان بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دختر دارای اختلال نقص توجه - بیش‌فعالی

زینب عابدی^{۱*}، داوود تقوایی^۲

۱. دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک، اراک، ایران farah1348abri@gmail.com

۲. دانشیار روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک، اراک، ایران alimohamadezahra6@gmail.com

چکیده

روش‌های آموزشی مبتنی بر داستان‌گویی به‌عنوان ابزاری مؤثر در توسعه مهارت‌های اجتماعی و همدلی کودکان موردتوجه قرار گرفته است. این پژوهش با هدف بررسی تأثیر داستان‌گویی بر مهارت‌های اجتماعی و همدلی دانش‌آموزان ابتدایی انجام شد. روش پژوهش توصیفی-همبستگی بود؛ جامعه آماری شامل تمامی دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهر رشت و نمونه‌گیری به‌صورت خوشه‌ای انجام گرفت (n=240). مداخله شامل ارزیابی متغیرهای مورد مطالعه با استفاده از پرسشنامه مهارت‌های اجتماعی (گرشام و البوت، ۱۹۹۰) و مقیاس همدلی کودکان (برایانت، ۱۹۸۲) بود. داده‌ها با استفاده از آزمون‌های همبستگی و رگرسیون موردبررسی قرار گرفتند. نتایج نشان داد که بین داستان‌گویی با مهارت‌های اجتماعی و همدلی رابطه مثبت معناداری وجود دارد و ابعادی مانند تعامل با داستان و شخصیت‌ها نقش برجسته‌تری در تقویت این مهارت‌ها ایفا کردند. همچنین، معلمان و والدین گزارش کردند که داستان‌های آموزشی باعث افزایش درک هیجانی و تعاملات مثبت در محیط‌های آموزشی شده‌اند. درنهایت، یافته‌ها اهمیت داستان‌گویی را به‌عنوان یک راهکار ساده و مؤثر در بهبود مهارت‌های اجتماعی و همدلی دانش‌آموزان برجسته کردند.

واژه‌های کلیدی: داستان‌گویی، مهارت‌های اجتماعی، همدلی، دانش‌آموزان ابتدایی، روش‌های آموزشی





رابطه ابعاد سبک زندگی و شادکامی در دانش‌آموزان متوسطه

مریم عابدینی*^۱، نرگس غفارزاده^۲

*۱. گروه روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران abedini@pnu.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران nargesghafar1380@gmail.com

چکیده

شادکامی یکی از متغیرهای مهم و تأثیرگذار در طول زندگی دانش‌آموزان است. هدف این پژوهش تعیین رابطه بین ابعاد سبک زندگی و شادکامی در دانش‌آموزان دبیرستانی شهر رشت بود. پژوهش حاضر از نوع توصیفی-همبستگی بود. نمونه پژوهش شامل ۳۳۱ دانش‌آموز دبیرستانی (۲۴۶ دختر و ۸۵ پسر) بر اساس جدول مورگان بود که با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند و پرسشنامه سبک زندگی لالی و همکاران (۲۰۱۲) و پرسشنامه شادکامی آرچیل و لو آکسفورد (۱۹۹۰) را تکمیل کردند. داده‌ها با استفاده از شاخص‌های توصیفی میانگین و انحراف معیار، ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون گام‌به‌گام تحلیل شدند. نتایج نشان داد که رابطه بین سبک زندگی و ابعاد آن با شادکامی مثبت و معنادار بود. همچنین، متغیرهای سلامت جسمانی و سلامت اجتماعی بهترین پیش‌بینی‌کننده‌های شادکامی در دانش‌آموزان دبیرستانی بودند؛ بنابراین، سلامت جسمانی و اجتماعی نقش مهمی در شادکامی دانش‌آموزان ایفا می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: سبک زندگی، شادکامی، دانش‌آموزان، سلامت جسمانی، سلامت اجتماعی.





طراحی آزمایشگاه‌های آموزشی جانورشناسی در مدارس تراز برای آموزش مفاهیم پیچیده زیستی

وحیده سادات عباس نیا^{۱*}، فاطمه چاجی^۲

۱. استادیار، گروه آموزشی زیست‌شناسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. Abbasnia.vahideh@yahoo.com

۲. کارشناسی، زیست‌شناسی سلولی مولکولی، گروه زیست‌شناسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

fatemeh.chaji.1382@gmail.com

چکیده

کمبود زیرساخت‌های آزمایشگاهی تعاملی در مدارس استان خراسان جنوبی، روند یادگیری مبتنی بر کاوشگری در مفاهیم زیست‌شناسی جانوری را با چالش مواجه ساخته بود. این پژوهش با هدف تدوین الگویی نوین از معماری یادگیری محور برای آزمایشگاه‌های جانورشناسی با تمرکز بر ارتقای شایستگی‌های شناختی دانش‌آموزان اجرا شد. این مطالعه با رویکرد آمیخته اکتشافی-تبیینی در دو فاز کیفی و کمی به انجام رسید. در فاز کیفی، مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته‌ای با ۱۵ متخصص زیست‌شناسی و طراحی آموزشی برای استخراج مؤلفه‌های طراحی انجام شد که نمونه‌ها به شیوه هدفمند انتخاب گردیدند؛ سپس مؤلفه‌های به‌دست‌آمده با استفاده از تکنیک دلفی فازی و مشارکت ۲۵ نفر از خبرگان حوزه آموزش و طراحی محیط‌های یادگیری اعتبار سنجی شدند. در فاز کمی، جامعه آماری شامل دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوره دوم ناحیه یک شهر بیرجند بود که از میان آن‌ها، ۳۲۰ نفر از ۸ مدرسه، به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای برای شرکت در مطالعه نیمه تجربی انتخاب شدند. داده‌های کمی از طریق پرسشنامه محقق ساخته مبتنی بر یافته‌های کیفی و آزمون استاندارد سنجش شایستگی‌های زیستی در حوزه‌های اتنولوژی و مورفولوژی گردآوری شد. تحلیل داده‌ها در بخش کیفی با روش نظریه داده‌بنیاد و در بخش کمی با روش تحلیل کوواریانس انجام شد. یافته‌ها نشان دادند که طراحی آزمایشگاه‌های جانورشناسی بر مبنای معماری مدولار و بهره‌گیری از فناوری‌های چندحسی، موجب بهبود معنادار شایستگی‌های شناختی دانش‌آموزان در حوزه‌های اتنولوژی و مورفولوژی و ارتقای انگیزش درونی آنان گردید. این نتایج بر اهمیت محیط‌های یادگیری تعاملی در ارتقای کیفیت آموزش علوم زیستی تأکید داشت.

واژه‌های کلیدی: آزمایشگاه جانورشناسی، معماری یادگیری محور، شایستگی‌های شناختی، آموزش زیست‌شناسی، محیط‌های تعاملی





واکاوی رابطه بین شخصیت فعال با رفتار کاری نوآورانه و نقش میانجی انگیزه درونی

زهرا عباسیان^{۱*}، محمد حسنی^۲، ناصر شیربگی^۳

۱. کارشناسی ارشد گروه مدیریت آموزشی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران

abbasianz97@yahoo.com

۲. استاد، گروه علوم تربیتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران m.hassani@urmia.ac.ir

۳. استاد، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه سنج، سنج، ایران shirbeigi@urmia.ac.ir

چکیده

بقا و پیشرفت هر سازمانی، به‌ویژه نهادهای آموزشی، نیازمند منابع انسانی نوآور، خلاق و پیشرو است. این پژوهش با هدف بررسی نقش میانجی انگیزش درونی در رابطه بین شخصیت کنشگر و رفتار نوآورانه کاری در بین دبیران دوره دوم متوسطه منطقه ۱ ارومیه انجام شد. این پژوهش از نوع کاربردی و از نظر روش، توصیفی-همبستگی مبتنی بر مدل‌سازی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری شامل ۷۱۱ نفر از دبیران دوره دوم متوسطه منطقه ۱ ارومیه بود که ۲۵۰ نفر با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای و بر اساس جدول مورگان انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه شخصیت کنشگر (Buck, 2011)، پرسشنامه رفتار نوآورانه کاری (Scott & Bruce, 1994) و پرسشنامه انگیزش درونی (Amabile et al., 1994) استفاده شد. نتایج نشان داد که شخصیت کنشگر بر رفتار نوآورانه کاری تأثیر مثبت و معناداری داشت و انگیزش درونی نیز در این رابطه نقش میانجی ایفا کرد. این پژوهش بر اهمیت پرورش شخصیت کنشگر و تقویت انگیزش درونی در کارکنان برای افزایش رفتار نوآورانه تأکید کرد.

واژه‌های کلیدی: شخصیت کنشگر، رفتار نوآورانه، انگیزش درونی، معلمان





نقش سبک رهبری اصیل بر بهبود پایدار مدارس از طریق فرهنگ نوآورانه و عملکرد نوآورانه

آرزو عباسی فرید *

* کارشناسی ارشد علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی ارومیه / آموزش و پرورش، ارومیه، ایران
arezoo.abassifarid13@gmail.com

چکیده

نوآوری در مدارس با چالش‌هایی مانند مقاومت در برابر تغییر و کمبود منابع انسانی و مالی روبرو بوده است. این پژوهش با هدف تحلیل نقش سبک‌های رهبری و فرهنگ سازمانی در ترویج نوآوری در مدارس متوسطه دوره دوم شهر ارومیه انجام شد. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد معادلات ساختاری بود؛ جامعه آماری شامل ۵۰۰ مدیر مدرسه و نمونه‌گیری به صورت خوشه‌ای چندمرحله‌ای انجام گرفت ($n=220$) مداخله شامل ارزیابی سبک‌های رهبری (پرسشنامه استاندارد بس و اولیو، ۱۹۹۵)، فرهنگ سازمانی (پرسشنامه هوفستد، ۲۰۱۱) و نوآوری (تید و همکاران، ۲۰۰۵) بود. داده‌ها با استفاده از آزمون‌های همبستگی و مدل‌سازی معادلات ساختاری مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج نشان داد که رهبری تحول‌گرا و فرهنگ حمایتی نقش مؤثری در افزایش نوآوری مدارس داشتند، درحالی‌که ساختارهای بوروکراتیک به‌عنوان موانع اصلی شناسایی شدند. همچنین، تعامل بین رهبری و فرهنگ سازمانی به‌طور قابل‌توجهی بر نوآوری تأثیر داشت. درنهایت، یافته‌ها اهمیت تقویت رهبری تحول‌گرا و ایجاد فرهنگ حمایتی را در محیط‌های آموزشی برجسته کردند تا زمینه‌های لازم برای نوآوری فراهم شود.

واژه‌های کلیدی: نوآوری، سبک رهبری، فرهنگ سازمانی، مدارس، معادلات ساختاری





چکیده مقالات هفتمین همایش بین‌المللی ارزیابی و تضمین کیفیت در نظام آموزشی با رویکرد مدرسه تراز سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

مقایسه اثربخشی روش کلاس درس معکوس و تدریس چهره‌به‌چهره بر یادگیری مفاهیم محیط‌زیست و ریاضی

سید مجید عبداللہی^{۱*}، علیرضا ایمانی^۲، شهرام رضایی^۳، سید حسین میرشفیعی^۴

۱. *، استادیار، گروه علوم تربیتی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران majidabdellahi@pnu.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه پیام نور، خمین، ایران / آموزش و پرورش، اراک، ایران
Alireza.imani.14@gmail.com

۳. دانشیار، گروه آموزشی ریاضی، دانشگاه پیام نور، خمین، ایران Sha.rezaei@gmail.com

۴. دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه پیام نور، خمین، ایران sh.mirshafiee789@gmail.com

چکیده

یادگیری اثربخش مفاهیم درسی، به‌ویژه در زمینه‌هایی که نیازمند درک عمیق و کاربرد عملی دانش هستند، همواره یکی از دغدغه‌های اصلی نظام‌های آموزشی بوده است. در این میان، ادغام موضوعات به ظاهر مجزا مانند ریاضیات و علوم محیط‌زیست، می‌تواند ضمن افزایش جذابیت یادگیری، به درک بهتر ارتباطات بین این حوزه‌ها و توسعه تفکر سیستمی در دانش‌آموزان منجر شود. با این حال، انتخاب روش تدریس مناسب که بتواند این اهداف را محقق سازد، از اهمیت بسزایی برخوردار است. هدف این پژوهش بررسی مقایسه‌ای اثربخشی روش تدریس معکوس با روش چهره‌به‌چهره برای یادگیری بسته آموزشی تلفیقی ریاضی و محیط‌زیست در دانش‌آموزان پایه هشتم بود. این مطالعه کاربردی با طراحی نیمه‌آزمایشی و طرح مقایسه گروه‌های همگن در پس‌آزمون انجام شد. جامعه آماری شامل دانش‌آموزان پسر مدارس غیرانتفاعی پایه هشتم شهر اراک در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ بود که با نمونه‌گیری در دسترس، ۴۰ نفر از دبیرستان هدف انتخاب شد و به دو گروه ۲۰ نفره آزمایش و گواه تقسیم شدند. گروه‌ها بر اساس نمرات ریاضی نیمسال اول همگن سازی شدند. گروه گواه به روش چهره‌به‌چهره و گروه آزمایش به روش تدریس معکوس آموزش دیدند. در این پژوهش، بسته آموزشی تلفیقی ریاضی و محیط‌زیست، مجموعه‌ای آموزشی شامل درس‌نامه، تکالیف، فیلم، نمودار و تصاویر بود. محتوای این بسته بر اساس مفاهیم و مسائل فصل هشتم ریاضی پایه هشتم (آمار و احتمال) توسط محقق طراحی گردید و این مفاهیم و مسائل با موضوعات، چالش‌ها و راهکارهای مرتبط با محیط‌زیست پیوند خورد. به این ترتیب، مسائل و تکالیف ریاضی با مسائل زیست‌محیطی تلفیق شد و هم‌زمان با آموزش ریاضی، مفاهیم و نحوه حفاظت از محیط‌زیست نیز آموزش داده شد. محتوای آموزشی این فصل به چهار بحث دسته‌بندی داده‌ها، میانگین داده‌ها، احتمال و بررسی حالت‌های ممکن تقسیم شد و آموزش هر بحث طی دو جلسه (در مجموع ۸ جلسه به مدت ۱۲ ساعت برای هر گروه) انجام پذیرفت. ارزیابی یادگیری با آزمون محقق ساخته شامل ۳۰ سؤال (۲۰ سؤال مرتبط با مفاهیم زیست‌محیطی و ۱۰ سؤال درباره کاربرد قواعد ریاضی در حل مسائل زیست‌محیطی) انجام شد. روایی محتوای آزمون با محاسبه شاخص روایی CVT و پایایی آن با فرمول اسپیرمن براون تأیید شد. نتایج تحلیل واریانس چندمتغیره نشان داد روش تدریس معکوس در یادگیری کلی، مفاهیم زیست‌محیطی و مسائل ریاضی اثربخشی بیشتری نسبت به تدریس چهره‌به‌چهره دارد. عواملی چون افزایش انگیزه به دلیل تنوع فعالیت‌ها، زمان بیشتر برای مرور، امکان تکرار و تمرین و تعامل بیشتر بین دانش‌آموزان با محتوا و هم‌کلاسی‌ها از دلایل احتمالی این یافته‌ها بود. این نتایج نشان‌دهنده پتانسیل قابل توجه روش تدریس معکوس در بهبود یادگیری است.

واژه‌های کلیدی: کلاس درس معکوس، آموزش چهره‌به‌چهره، بسته آموزشی تلفیقی، آموزش محیط‌زیست به کمک ریاضی.





الگوی ساختاری رابطه ذهنیت فلسفی معلمان با عملکرد شغلی: نقش میانجی راهبردهای یادگیری

سید مجید عبداللهی^۱، حدیث حسنونند^۲، مهسا شمسی^۳

۱. استادیار، گروه علوم تربیتی دانشگاه پیام نور، مرکزی، دلیجان، ایران majidabdellahi@pnu.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه پیام نور مرکز ری، ایران hadishasanvand074@gmail.com

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه پیام نور مرکز خمین، ایران shmsim8103@gmail.com

چکیده

این پژوهش با هدف ارائه الگوی ساختاری تبیین رابطه ذهنیت فلسفی معلمان با عملکرد شغلی آن‌ها با در نظر گرفتن نقش میانجی راهبردهای یادگیری در معلمان دوره متوسطه شهرستان الشتر انجام شد. نظام‌های آموزشی پویا نیازمند معلمان خلاق و منطقی با ذهنیت فلسفی هستند که به دلیل اهمیت این موضوع، کمبود مطالعات دقیق در رابطه مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای موردنظر در پژوهش‌های پیشین مشهود بود. این مطالعه کاربردی با روش توصیفی-همبستگی و رویکرد معادلات ساختاری انجام شد؛ جامعه آماری شامل ۶۵۰ معلم دوره متوسطه شهرستان الشتر بود که ۲۴۲ نفر به کمک جدول مورگان و روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه‌های استاندارد ذهنیت فلسفی اسمیت (۱۹۶۵)، عملکرد شغلی هرسی و گلداسمیت (۱۹۸۱) و راهبردهای یادگیری سلیمانی (۱۳۹۴) جمع‌آوری شدند. تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف و مدل‌سازی معادلات ساختاری صورت گرفت. یافته‌ها نشان داد که رابطه غیرمستقیم معناداری بین ذهنیت فلسفی معلمان با عملکرد شغلی آن‌ها از طریق راهبردهای یادگیری وجود دارد. همچنین، رابطه مستقیم معناداری بین ذهنیت فلسفی با عملکرد شغلی و راهبردهای یادگیری، و نیز بین راهبردهای یادگیری با عملکرد شغلی مشاهده شد. به‌طور کلی، تقویت ذهنیت فلسفی معلمان باعث توانمندسازی آن‌ها در برخورد با چالش‌های آموزشی و بهبود فرآیندهای یاددهی-یادگیری می‌شود؛ بنابراین، توجه به توسعه این ویژگی در معلمان و برنامه‌ریزی آموزشی برای تقویت راهبردهای یادگیری ضروری به نظر می‌رسد.

واژه‌های کلیدی: ذهنیت فلسفی، عملکرد شغلی، راهبردهای یادگیری، معلمان دوره متوسطه





اثربخشی آموزش الکترونیکی بر ارتقاء سواد زیست‌محیطی سلامت محور

سید مجید عبداللهی^{۱*}، اکبر قاضی^۲، مهدیه رضایی^۳، علی دلیری^۴

۱. * استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران majidabdellahi@pnu.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه پیام نور، خمین / آموزش و پرورش، همدان، ایران
akbarghazi5813@gmail.com

۳. دانشیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران mdrezaee@pnu.ac.ir

۴. دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه پیام نور، خمین، ایران alidaliri1380@gmail.com

چکیده:

در آموزش و پرورش، توجه به آموزش محیط‌زیست و تأثیر آن بر شناخت و رفتار دانش‌آموزان افزایش یافته است، زیرا نقش آموزش در پرورش مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی و توسعه پایدار برجسته شده است. این مطالعه با هدف بررسی تأثیر طرح آموزش الکترونیکی «سفیران سلامت» بر مؤلفه‌های سواد زیست‌محیطی دانش‌آموزان دوره ابتدایی شهر خمین انجام شد. روش پژوهش نیمه‌تجربی با طرح کنترل شونده بود؛ جامعه آماری شامل دانش‌آموزان پایه چهارم ابتدایی بودند که به صورت تصادفی به دو گروه آزمایش و گواه تقسیم شدند. مداخله شامل ۱۶ جلسه آموزش الکترونیکی بر اساس سرفصل‌های برنامه «سفیران سلامت» بود و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه سواد زیست‌محیطی سالم (نوشته فتحی و همکاران، ۱۳۹۹) با روایی و پایایی تأییدشده بود. داده‌ها با استفاده از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی شامل آزمون‌های چندمتغیره‌ای و مقایسه میانگین‌ها تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد که طرح آموزش الکترونیکی موردبررسی در بهبود دانش، نگرش و رفتار زیست‌محیطی دانش‌آموزان مؤثر بوده و تفاوت معناداری بین گروه آزمایش و گواه ایجاد کرده است. همچنین، دانش‌آموزان گروه آزمایش در تمامی مؤلفه‌های سواد زیست‌محیطی عملکرد بهتری نسبت به گروه گواه نشان دادند. نتایج این مطالعه برجسته کرد که استفاده از برنامه‌های آموزش الکترونیکی می‌تواند به عنصر مؤثری در تقویت سواد زیست‌محیطی دانش‌آموزان عمل کند؛ بنابراین، ادغام روش‌های نوین آموزشی در برنامه‌های درسی می‌تواند به افزایش آگاهی و مسئولیت‌پذیری محیطی در سطح مدرسه کمک کند.

واژه‌های کلیدی: آموزش الکترونیکی، سواد زیست‌محیطی، دانش‌آموزان، برنامه درسی.



مدیریت کلاس و تأثیر آن بر یادگیری دانش‌آموزان

فروزان عبداللهی میران^۱

۱. دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان پردیس فاطمه الزهراء، تبریز، ایران tasrin.5086@gmail.com

چکیده

مدیریت کلاس، به‌عنوان یکی از عناصر بنیادی در فرآیند یاددهی-یادگیری، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری یک محیط آموزشی اثربخش و بهبود کیفیت یادگیری دانش‌آموزان ایفا می‌کند. این پژوهش تأثیر مدیریت کلاس بر یادگیری دانش‌آموزان را موردبررسی قرار داد. هدف اصلی این مطالعه، تحلیل ابعاد مختلف مدیریت کلاس و تأثیر آن بر انگیزه، مشارکت و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان بود. روش پژوهش یک مرور نظام‌مند از منابع کتابخانه‌ای و تحلیل محتوای مقالات علمی بود. برای جمع‌آوری داده‌ها، از پایگاه‌های اطلاعاتی معتبری مانند SID، MAGIRAN و Google Scholar استفاده شد. جامعه پژوهش شامل مقالات داخلی منتشر شده بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۳ بود. با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند، منابع مرتبط با موضوع پژوهش انتخاب و بررسی شدند. معیارهای انتخاب شامل اعتبار علمی، نوآوری در ارائه تکنیک‌های مدیریت کلاس و ارتباط مستقیم با موضوع پژوهش بودند. نتایج این مطالعه نشان داد که مدیریت کلاس اثربخش می‌تواند به‌طور قابل‌توجهی بر انگیزه و یادگیری دانش‌آموزان تأثیر بگذارد. معلمان با مهارت‌های مدیریتی بالا قادر به ایجاد یک محیط یادگیری مثبت و سازنده بودند که در آن دانش‌آموزان احساس امنیت، احترام و پذیرش داشتند.

واژه‌های کلیدی: مدیریت کلاس، یادگیری دانش‌آموزان، انگیزه، عملکرد تحصیلی



پرورش سوژه در مدرسه تراز

آتیه عبدمولایی

دکتری جامعه‌شناسی، کارشناس پژوهشی، پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، تهران، ایران.
atyehmolaei@gmail.com

چکیده

نوشتار حاضر درصدد است که به شناسایی ابعاد نظام تربیتی در خلق موقعیت سوژگی در مدرسه تراز بپردازد، به همین منظور هدف مقاله پرورش سوژه در مدرسه تراز بود، روش این مقاله از حیث روش‌شناختی مروری تحلیلی و جامعه‌آماري مورد مطالعه شامل کتب علمی، مقاله‌ها و تحقیقات انجام شده مرتبط با موضوع پژوهش از طریق پایگاه‌های معتبر علمی (نورمگز، مگیران، sid) گردآوری شدند. حجم نمونه با رعایت اصل اشباع نظری با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها فیش‌برداری و مرور ادبیات پژوهش بود. در تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شد. یافته‌ها نشان داد پرورش سوژه در مدرسه تراز آغاز جستجوی یک «خود» است که برای خلق سوژه‌های جدید در این مدرسه دانش‌آموزان باید متناسب با ارزش‌ها و الگوهای جدید، مدرسه را به‌مثابه «موقعیت سوژگی» تجربه کنند. سوژه‌هایی که استعداد ذاتی برای خودانگیختگی، بازتفسیر تجربه زندگی، درک فرهنگ دیگری، کنشگری، خود راهبری، مطالبه‌گری و ارتباط دارند؛ بنابراین زمانی می‌توان مدرسه تراز را نهادی در جهت پرورش سوژه تلقی کرد که مأموریت نظام آموزشی مدرن افزایش توان و اراده افراد برای تبدیل شدن به کنشگر باشد و به دانش‌آموز بیاموزد که دیگری هم مانند او آزاد است و حقوق برابری برای فرد شدگی و دفاع از منابع اجتماعی و ارزش‌های فرهنگی خود دارد. البته همه این‌ها درگرو وجود حمایت‌های نهادی از حقوق سوژه شخصی و روابط فرهنگی است که فقط در مسیر فرآیند دموکراتیک به وجود می‌آید.

واژه‌های کلیدی: پرورش سوژه، مدرسه تراز، سوژه خودمختار، سوژه مدنی، سوژه مقاوم.





الگوی اقتصاد مدرسه تراز با تأکید بر مشارکت اجتماعی و ظرفیت‌های بومی

مرجان عبدی^{۱*}، سید محمد عباس نیا^۲

۱. دکتری مدیریت، دانشگاه علامه طباطبائی، کانون زبان ایران، تهران، ایران marjan.abdi@gmail.com
۲. استادیار، گروه مدیریت و حسابداری، دانشگاه پیام نور، مرکز سمنان، تهران، ایران sm.abbasnia@gmail.com

چکیده

با توجه به چالش‌های مدارس ایران در تأمین مالی و ضرورت حرکت به سمت خوداتکایی و تقویت عدالت آموزشی از طریق ظرفیت‌های بومی و مشارکت اجتماعی، این پژوهش با هدف طراحی مدل درآمدزای مدرسه تراز با رویکرد مشارکت اجتماع‌محور و سازگار با زیست‌بوم محلی انجام شد. روش پژوهش در فاز نخست کیفی و از نوع نظریه داده‌بنیاد بود که با مصاحبه با ۹ متخصص آموزش، والدین و فعالان بومی در سه منطقه آموزش و پرورش، چهار بعد کلیدی شامل سازوکارهای مشارکت والدین، نهادسازی محلی، ظرفیت‌های بومی و بازمهندسی نظام بودجه استخراج شد. در فاز دوم، از گروه‌های متمرکز برای تدوین مدل اولیه استفاده گردید. سپس، در فاز سوم، مدل مفهومی نهایی با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته بین ۶۰ مدرسه ابتدایی در سه استان تهران، خراسان رضوی و خراسان جنوبی کشور به اجرا درآمد و داده‌های کمی با روش معادلات ساختاری تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد که مدل اقتصاد مدرسه تراز می‌تواند با اتصال مدرسه به شبکه اقتصاد محلی، منجر به پایداری مالی و ارتقاء عدالت آموزشی شود. این مدل می‌تواند مبنایی برای سیاست‌گذاری جهت تقویت استقلال مالی مدارس و مشارکت فعال جامعه در آموزش باشد.

واژه‌های کلیدی: اقتصاد مدرسه، مشارکت اجتماعی، ظرفیت‌های بومی، پایداری مالی، عدالت آموزشی





تأثیر آموزش حروف الفبای فارسی با داستان‌سرایی بر یادگیری و حافظه

آسیه عبدی مینق^۱، علی جعفری آذر^۲، جاهد جعفریمند^۳

۱. کارشناسی علوم تربیتی دانشگاه پیام نور تبریز، آموزش و پرورش، تبریز، ایران farah1348abri@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران jafariazar.ali@gmail.com

۳. دکتری معماری دانشگاه آزاد اسلامی شبستر، آموزش و پرورش، تبریز، ایران jafarimand.jahed@gmail.com

چکیده

عوامل مؤثر بر کیفیت یادگیری و حافظه دانش‌آموزان به‌عنوان چالشی کلیدی در حوزه آموزش مطرح شده است. این پژوهش با هدف بررسی تأثیر مداخله‌ای آموزشی بر بهبود کیفیت یادگیری و حافظه دانش‌آموزان انجام شد. روش پژوهش شبه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون بود؛ جامعه آماری شامل دانش‌آموزان یک مدرسه ابتدایی و نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند انجام گرفت. (n=30) نمونه‌ها به دو گروه آزمایش و کنترل تقسیم شدند و گروه آزمایش تحت مداخله شامل روش‌های یادگیری فعال و تمرین‌های تقویت حافظه قرار گرفت. ابزارهای مورد استفاده پرسشنامه کیفیت یادگیری (هاشمی‌نسب و همکاران، ۱۳۹۷) و آزمون حافظه دیجیتال (ویکتور-میلن، ۲۰۰۸) بودند. داده‌ها با استفاده از آزمون‌های تحلیل کوواریانس (ANCOVA) و مقایسه نتایج پیش‌آزمون و پس‌آزمون مورد تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان داد که گروه آزمایش بهبود معناداری در هر دو متغیر کیفیت یادگیری و حافظه نسبت به گروه کنترل داشتند و مداخله مذکور نقش مؤثری در هماهنگی این دو متغیر ایفا کرد. درنهایت، یافته‌ها اهمیت استفاده از روش‌های یادگیری فعال و تمرین‌های تقویت حافظه را در محیط‌های آموزشی برای بهبود عملکرد شناختی دانش‌آموزان برجسته کردند.

واژه‌های کلیدی: کیفیت یادگیری، حافظه، روش‌های یادگیری فعال، تمرین حافظه، دانش‌آموزان



شایسته‌گزینی در مدار تحول: بازآفرینی الگوی اجرایی منابع انسانی در مدارس تراز

مهدیه عزتی مهرینی^{*۱}

*۱. کارشناسی علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان / آموزش و پرورش، قزوین، ایران mahdih.ezati1@gmail.com

چکیده

مدارس تراز به‌عنوان نماد تحقق آرمان‌های نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران، نیازمند بازآفرینی الگوی منابع انسانی بر پایه شایسته‌گزینی هستند. دستیابی به این هدف، مستلزم بازنگری بنیادین در زیرنظام‌های آموزش و پرورش، به‌ویژه نظام منابع انسانی است. این مقاله با هدف بازطراحی الگوی اجرایی منابع انسانی در مدارس تراز، به تحلیل انتقادی وضعیت موجود و ارائه چارچوبی بومی و کاربردی بر پایه اصول تحول‌آفرین پرداخت. مطالعه حاضر از نوع نظری-تحلیلی بود که با روش تحلیل اسنادی و استنتاج منطقی انجام شد. جامعه آماری پژوهش شامل مجموعه‌ای از تصمیم‌گیرندگان، سیاست‌گذاران و مسئولان نظام آموزش و پرورش کشور در سطوح ملی بود. نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند صورت گرفت و ابزار گردآوری داده‌ها، تحلیل محتوای اسناد بالادستی، سیاست‌نامه‌های منابع انسانی و تجارب نظری و میدانی در حوزه مدیریت منابع انسانی بود. داده‌ها با استفاده از روش تحلیل مضمون و تلفیق یافته‌های نظری و تجربی تحلیل شدند. بر اساس تحلیل‌های انجام شده، الگویی چندبعدی شامل پنج مؤلفه شناسایی شد که نقش مهمی در شایسته‌گزینی و مدیریت منابع انسانی در مدارس تراز ایفا می‌کنند. این الگو می‌تواند به‌عنوان چارچوبی برای بهبود فرآیندهای انتخاب، توسعه و حفظ نیروی انسانی شایسته در نظام آموزشی مورد استفاده قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: شایسته‌گزینی، منابع انسانی، مدارس تراز.



بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی بر عزت‌نفس و کمرویی دانش‌آموزان

آوات عزیزی*

* کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور، سنجند، ایران Awatazizi@gmail.com

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر عزت‌نفس و کمرویی دانش‌آموزان انجام شد. با توجه به اهمیت مهارت‌های اجتماعی در توسعه فردی و اجتماعی، این مطالعه به دنبال پاسخ به این سؤال بود که آیا آموزش این مهارت‌ها می‌تواند بر بهبود عزت‌نفس و کاهش کمرویی دانش‌آموزان مؤثر باشد. پژوهش حاضر از نوع نیمه‌تجربی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون و گروه کنترل بود. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع متوسطه اول شهر بانه در استان کردستان در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ بود. از این جامعه، ۳۰ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و به‌صورت تصادفی در دو گروه آزمایش (۱۵ نفر) و کنترل (۱۵ نفر) قرار گرفتند. گروه آزمایش در ۱۵ جلسه آموزش مهارت‌های اجتماعی بر اساس مدل تری شیا ردولف (۲۰۰۵) شرکت کردند. ابزار پژوهش پرسشنامه استاندارد عزت‌نفس و کمرویی کوپرا سمیت (۱۹۶۷) بود که روایی آن توسط متخصصان تأیید و پایایی آن با آلفای کرونباخ به ترتیب ۰٫۹۰ و ۰٫۸۰ محاسبه شد. داده‌ها با استفاده از تحلیل کوواریانس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که آموزش مهارت‌های اجتماعی به‌طور معناداری منجر به افزایش عزت‌نفس و کاهش کمرویی در گروه آزمایش شد. همچنین، این تأثیر در مرحله پیگیری نیز پایدار بود. این یافته‌ها حاکی از آن است که آموزش مهارت‌های اجتماعی می‌تواند به‌عنوان یک روش مداخله‌ای مؤثر برای بهبود سلامت روانی و اجتماعی دانش‌آموزان مورد استفاده قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: مهارت‌های اجتماعی، عزت‌نفس، کمرویی، دانش‌آموزان، مداخله آموزشی.



بررسی نقش نارسایی هیجانی، باورهای انگیزی و خودناتوان‌سازی در تحصیل‌گریزی

مژگان عزیزی راد*

*۱. کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم‌آباد، خرم‌آباد، ایران amojgan38@yahoo.com

چکیده

تحصیل‌گریزی به‌عنوان یکی از چالش‌های جدی نظام آموزشی، علاوه بر هزینه‌های اقتصادی، می‌تواند سبک زندگی، روابط اجتماعی و سلامت روان دانش‌آموزان را تحت تأثیر قرار دهد. هدف این پژوهش، بررسی نقش نارسایی هیجانی، باورهای انگیزی و خودناتوان‌سازی در پیش‌بینی تحصیل‌گریزی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه دوم شهر خرم‌آباد بود. این مطالعه از نوع توصیفی-همبستگی انجام شد و جامعه آماری آن شامل ۷۳۵۷ دانش‌آموز دختر مقطع دوم متوسطه شهر خرم‌آباد در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ بود. با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، ۳۶۴ نفر انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه نارسایی هیجانی تورنتو (TAS-20)؛ تیلور و پارک، (۱۹۹۴)، پرسشنامه راهبردهای انگیزی برای یادگیری (MSLQ)؛ پیترریچ و دی‌گروت، (۱۹۹۰)، پرسشنامه خودناتوان‌سازی (SHS)؛ جونز و رودوال، (۱۹۱۸) (و مقیاس تحصیل‌گریزی کلارک و همکاران (۲۰۱۵) جمع‌آوری شد. برای تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه استفاده شد. یافته‌ها نشان دادند نارسایی هیجانی و خودناتوان‌سازی با افزایش تحصیل‌گریزی و باورهای انگیزی با کاهش آن مرتبط هستند. همچنین، نارسایی هیجانی به‌عنوان قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده تحصیل‌گریزی شناسایی شد. نتیجه‌گیری این پژوهش حاکی از آن است که مداخله‌های هدفمند در زمینه افزایش آگاهی هیجانی، تقویت باورهای انگیزی و کاهش رفتارهای خودناتوان‌سازی می‌تواند به کاهش تحصیل‌گریزی کمک کند.

واژه‌های کلیدی: نارسایی هیجانی، باورهای انگیزی، خودناتوان‌سازی، تحصیل‌گریزی، دانش‌آموزان دختر



بررسی مفاهیم و عوامل مؤثر بر ارتقای سلامت روان دانش‌آموزان با تأکید بر فناوری در مدارس و محیط‌های آموزشی

محسن عسکری^{*}

*۱. کارشناسی ارشد مهندسی فناوری اطلاعات و ارتباطات، دانشگاه صنعتی مالک اشتر، تهران، ایران / آموزش و پرورش،
شهرستان‌های استان تهران، ایران msn.asgary@gmail.com

چکیده

فزایش اختلالات روانی در میان دانش‌آموزان، به‌ویژه در محیط‌های آموزشی، به یکی از چالش‌های مهم نظام‌های تربیتی تبدیل شده و پیامدهای منفی بر عملکرد تحصیلی و اجتماعی آنان داشته است. هدف این پژوهش، شناسایی مفاهیم، ابعاد و عوامل مؤثر بر ارتقای سلامت روان دانش‌آموزان با تأکید بر نقش فناوری‌های نوین در مدارس و محیط‌های آموزشی بود. این مطالعه از نوع توصیفی-تحلیلی با رویکرد مرور نظام‌مند بود. جامعه پژوهش شامل مقالات علمی فارسی و انگلیسی منتشرشده در حوزه سلامت روان و فناوری آموزشی طی بازه زمانی ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۹ برای منابع داخلی و ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۲ برای منابع خارجی بود. نمونه شامل ۳۶ منبع (۱۸ منبع داخلی و ۱۸ منبع خارجی) بود که به روش نمونه‌گیری هدفمند و بر اساس معیارهایی چون دسترسی به متن کامل، اعتبار علمی، و ارتباط مستقیم با موضوع انتخاب شدند. منابع از پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر داخلی و خارجی گردآوری شدند و تحلیل داده‌ها با روش تحلیل محتوای کیفی و با بهره‌گیری از چارچوب‌های نظری انجام گرفت. نتایج نشان داد که فناوری‌ها و آموزش‌های دیجیتال می‌توانند تأثیر مثبتی بر سلامت روان دانش‌آموزان از طریق افزایش دسترسی به منابع آموزشی، تقویت مهارت‌های مقابله‌ای و ایجاد فضاهای یادگیری تعاملی داشته باشند. با این حال، استفاده نادرست از فناوری نیز می‌تواند منجر به بروز مشکلات روان‌شناختی شود. لذا، ادغام هوشمندانه فناوری در فرایند آموزش، با در نظر گرفتن ابعاد مثبت و منفی آن، می‌تواند به ارتقای سلامت روان دانش‌آموزان کمک شایانی کند.

واژه‌های کلیدی: سلامت روان، دانش‌آموزان، فناوری، آموزش، مدرسه





رابطه ادراک عدالت در رفتار معلمان بر انگیزش تحصیلی و خودکارآمدی دانش‌آموزان

فریناز عسگری^۱، فاطمه کیان^۲، زهرا ابراهیم زاده^۲، زینب ربانی^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه علوم تحقیقات، تهران، ایران faasgari16@gmail.com

۲. دانشجوی روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد الکترونیک، تهران، ایران

۳. استادیار گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اسلامشهر، تهران، ایران rabbany2007@gmail.com

چکیده

عدالت معلمان به عنوان یک عامل روان‌شناختی مؤثر بر انگیزه و خودکارآمدی دانش‌آموزان شناخته شده است، زیرا درک انصاف در رفتارهای معلم می‌تواند بر انگیزش تحصیلی و اعتماد به نفس آنان تأثیر بگذارد. این مطالعه با هدف بررسی رابطه بین ادراک عدالت معلمان و انگیزه تحصیلی و خودکارآمدی دانش‌آموزان پسر سوم دبستان منطقه چهار تهران انجام شد. روش پژوهش توصیفی-همبستگی بود؛ جامعه آماری شامل ۱۵۰ نفر از دانش‌آموزان پسر بود که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. ابزارهای گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه‌های «ادراک عدالت معلمان» (نصیری و همکاران، ۱۳۹۹)، «انگیزه تحصیلی» (براساس نظریه خودتعیین‌گری دسی و رایان، ۲۰۰۰) و «خودکارآمدی تحصیلی» (شوارزر و جروسالم، ۱۹۹۵) با روایی و پایایی تأیید شده بودند. داده‌ها با استفاده از آزمون‌های همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد که ابعاد عدالت معلمان (توزیعی، رویه‌ای و مراوده‌ای) با انگیزه تحصیلی و خودکارآمدی دانش‌آموزان رابطه مثبت و معناداری دارند، همچنین عدالت توزیعی به عنوان قوی‌ترین پیش‌بین این متغیرها شناسایی شد. نتایج این مطالعه برجسته کرد که افزایش ادراک عدالت معلمان می‌تواند به عنصر کلیدی در تقویت انگیزه درونی و اعتماد به نفس دانش‌آموزان عمل کند؛ بنابراین، برنامه‌های آموزشی متمرکز بر بهبود عدالت شناخته شده معلمان ضروری است.

واژه‌های کلیدی: عدالت معلمان، انگیزه تحصیلی، خودکارآمدی.





نقش هوش فرهنگی معلمان بر مهارت‌های حل مسئله دانش‌آموزان

سودابه عضدالملکی^{۱*}

۱. دکتری تخصصی کودکان استثنایی عضو هیئت علمی و استادیار دانشگاه آزاد اسلامی تهران جنوب.
shokufeh_raz@yahoo.com

چکیده

در سال‌های اخیر، هوش فرهنگی به عنوان یکی از عوامل مؤثر در تعاملات آموزشی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان مطرح شده است، زیرا توانایی درک و تطبیق با تنوع فرهنگی می‌تواند بر کیفیت یادگیری تأثیر بگذارد. این پژوهش با هدف بررسی رابطه بین هوش فرهنگی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان و معلمان انجام شد. روش پژوهش همبستگی بود؛ جامعه آماری شامل ۱۵۰۰۰ نفر از معلمان و دانش‌آموزان و نمونه‌گیری به صورت خوشه‌ای چندمرحله‌ای انجام گرفت ($n=300$ ، شامل ۲۸۰ دانش‌آموز و ۲۰ معلم). مداخله‌ای صورت نگرفت و ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه هوش فرهنگی آنگ و همکاران (۲۰۰۴) بود. داده‌ها با استفاده از آزمون‌های همبستگی و تحلیل رگرسیون مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج نشان داد که بین هوش فرهنگی معلمان و دانش‌آموزان با عملکرد تحصیلی رابطه مثبت معناداری وجود دارد و ابعادی مانند انعطاف‌پذیری فرهنگی و آگاهی از تفاوت‌های فرهنگی نقش برجسته‌تری در بهبود یادگیری داشتند. در نهایت، یافته‌ها اهمیت تقویت هوش فرهنگی در محیط‌های آموزشی را برای تسهیل تعاملات چندفرهنگی و ارتقای کیفیت یاددهی-یادگیری برجسته کردند.

واژه‌های کلیدی: هوش فرهنگی، عملکرد تحصیلی، تعاملات آموزشی، روش خوشه‌ای، رابطه همبستگی





روایت یک معلم از حضور یک دانش‌آموز بیش‌فعال در کلاس درس: رویکرد روایت پژوهی

مهدیه علی پور^۱، مهدیه عباس زاده بزی^۲

۱. دانشجوی مقطع کارشناسی دانشگاه فرهنگیان پردیس رسالت - واحد سیستان

۲. دانشجوی مقطع کارشناسی دانشگاه فرهنگیان پردیس رسالت - واحد سیستان

چکیده

اختلال بیش‌فعالی و نقص توجه (ADHD) چالش‌های قابل توجهی در محیط‌های آموزشی ایجاد می‌کند و می‌تواند فرآیندهای یادگیری دانش‌آموزان و نظم کلاس را مختل سازد. این مطالعه کیفی با هدف بررسی تجربه زیسته یک معلم در برخورد با دانش‌آموز بیش‌فعال، با استفاده از رویکرد تحلیل روایی انجام شد. داده‌ها از طریق مصاحبه و روایت مستقیم یک معلم با ۲۹ سال سابقه تدریس در یک مدرسه ابتدایی در شهرستان نیمروز در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ جمع‌آوری شد. تحلیل داده‌ها شامل کدگذاری اولیه، استخراج تم‌ها و سازمان‌دهی در چارچوب شبکه معنایی بود. یافته‌ها نشان داد که رفتارهای بیش‌فعالانه دانش‌آموز تحت تأثیر عوامل خانوادگی، از جمله خشونت خانگی و فقدان حمایت عاطفی قرار داشت. معلم از راهبردهایی مانند واگذاری نقش‌های مسئولیت‌پذیر، ارائه پاداش، حمایت عاطفی و ارتباط مستمر با خانواده استفاده کرد که به کاهش رفتارهای نامطلوب و افزایش مشارکت دانش‌آموز در فعالیت‌های کلاس منجر شد. این پژوهش بر اهمیت درک عوامل زمینه‌ای، صبر و حمایت هدفمند معلم در مدیریت موفقیت‌آمیز چالش‌های رفتاری دانش‌آموزان تأکید کرد.

واژه‌های کلیدی: دانش‌آموز بیش‌فعال، مدیریت کلاس، روایت پژوهی، معلم





جایگاه تعلیم و تربیت از منظر رهبر انقلاب اسلامی: تحلیل مبانی نظری و کاربردهای عملی

شهریار علی زاده*^۱، مرضیه جعفری^۲، فاطمه براتی سده

*^۱. کارشناسی ارشد علوم تربیتی / آموزش و پرورش، اصفهان، ایران shahriaralizadeh8@gmail.com

^۲. کارشناسی ارشد تعلیم و تربیت اسلامی / آموزش و پرورش، اصفهان، ایران jafarimarzeye2025@gmail.com

^۲. کارشناسی ادبیات فارسی / مدیر مدرسه آموزش و پرورش، اصفهان، ایران baratisedehfatemeh@gmail.com

چکیده

تعلیم و تربیت در اندیشه رهبر انقلاب اسلامی، بر اساس مبانی قرآنی و سیره پیامبر اکرم (ص)، به عنوان محور اصلی پیشرفت فردی و اجتماعی مورد تأکید قرار گرفته است. این پژوهش با هدف شناسایی اصول و روش‌های تربیتی به کار گرفته شده در نظام آموزشی اسلامی و تحلیل تأثیرات آن‌ها بر شکل‌گیری شخصیت و هویت فرهنگی جوانان انجام شد. این مطالعه با استفاده از روش‌های کیفی و تحلیل متنی انجام شد. داده‌ها از آثار، سخنرانی‌ها و نوشته‌های رهبر انقلاب، همچنین از متون قرآنی و روایات معصومین استخراج شدند. جامعه آماری شامل متون تاریخی و نظرات متخصصان در زمینه تعلیم و تربیت اسلامی بود و منابع معتبر بسیاری از جمله سخنرانی‌ها و نوشته‌های اندیشمندان مورد استفاده قرار گرفتند. یافته‌ها نشان داد که نظام آموزشی اسلامی نقش مهمی در تربیت جوانان متعهد و انقلابی ایفا می‌کند. این پژوهش بر پتانسیل نظام آموزشی اسلامی در توسعه فردی و اجتماعی تأکید کرد.

واژه‌های کلیدی: تعلیم و تربیت، رهبر انقلاب، نظام آموزشی اسلامی، هویت فرهنگی، جوانان.





ایجاد فضای همدلانه در کلاس درس با توازن بین صمیمیت و جدیت

شهریار علی زاده*^۱، مرضیه جعفری^۲، زهرا کریمی^۳

۱. کارشناسی ارشد علوم تربیتی / آموزش و پرورش، اصفهان، ایران shahriaralizadeh8@gmail.com
۲. کارشناسی ارشد تعلیم و تربیت اسلامی / آموزش و پرورش، اصفهان، ایران jafarimarzeyeh2025@gmail.com
۳. کارشناسی فیزیک (مدیر مدرسه) / آموزش و پرورش، اصفهان، فولادشهر، ایران amirkarimy429@gmail.com

چکیده

ایجاد فضایی همدلانه در کلاس‌های درس به‌عنوان یک عامل مهم در افزایش کیفیت یادگیری و تقویت روابط اجتماعی دانش‌آموزان شناخته شده است. این پژوهش با هدف بررسی تأثیر روش‌های ایجاد محیط کلاس همدلانه بر یادگیری و تعاملات اجتماعی دانش‌آموزان انجام شد. روش پژوهش از نوع آزمایشی و با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با دو گروه کنترل و آزمایش بود. جامعه آماری شامل دانش‌آموزان ابتدایی شهر اصفهان در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ بودند که از میان آن‌ها ۶۰ نفر با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی انتخاب و به دو گروه تقسیم شدند. ابزار پژوهش پرسشنامه محقق ساخته بود. گروه آزمایش تحت مداخله آموزشی شامل استفاده از پوشش مناسب و شاد معلم، شوخی‌های کودکانه، برگزاری جشن‌ها و فعالیت‌های بازی‌محور قرار گرفتند، درحالی‌که گروه کنترل آموزش معمول را دریافت کردند. نتایج نشان داد که ایجاد محیط همدلانه به‌طور معناداری بر یادگیری و تعاملات اجتماعی دانش‌آموزان مؤثر بود. این یافته‌ها بر اهمیت رویکردهای نوین در مدیریت کلاس برای بهبود محیط آموزشی تأکید کردند.

واژه‌های کلیدی: محیط همدلانه، کلاس درس، یادگیری، تعاملات اجتماعی، دانش‌آموزان.





ادغام هوش مصنوعی در اقدام پژوهی: تحلیل چالش‌ها، فرصت‌ها و تأثیرات بر تجربه یادگیری معلمان و دانش‌آموزان (رویکردی نوین در آموزش مبتنی بر داده و بازخورد هوشمند)

شهریار علی زاده^{۱*}، مرضیه پرچمی برجویی^۲، فاطمه براتی سده^۳

۱. کارشناسی ارشد علوم تربیتی / آموزش و پرورش، اصفهان، ایران shahriaralizadeh8@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد مدیریت خدمات درمانی / آموزش و پرورش، اصفهان، ایران parchamimarziyeh75@gmail.com

۳. کارشناسی ادبیات فارسی (مدیر مدرسه) / آموزش و پرورش، اصفهان، ایران baratisedehfatemeh@gmail.com

چکیده

ادغام هوش مصنوعی در فرآیند پژوهش عملی نشان‌دهنده یک تحول نوظهور در سیستم‌های آموزشی است که با وجود پتانسیل چشمگیر خود، با چالش‌های ساختاری، فرهنگی و اخلاقی قابل توجهی روبرو است. این مطالعه با هدف تحلیل جامع چالش‌ها، فرصت‌ها و تأثیرات این ادغام انجام شد. در فاز اول، یک مرور سیستماتیک از منابع علمی معتبر از پایگاه‌های داده اسکوپوس، وب آو ساینس و اریک در بازه زمانی ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۵ با استفاده از پروتکل پریزما انجام شد. پس از غربالگری، ۴۵ منبع بر اساس معیارهای مرتبط بودن موضوعی، کیفیت روش‌شناختی و نوآوری انتخاب و با استفاده از روش‌های تحلیل محتوای کیفی بررسی شدند. در فاز دوم، برای اعتبارسنجی یافته‌های مرور سیستماتیک، یک مطالعه میدانی با مشارکت متخصصان و ذینفعان انجام شد. نتایج نشان داد که هوش مصنوعی می‌تواند به‌طور چشمگیری تجربه یادگیری را بهبود بخشد و بازخورد هوشمند ارائه دهد، اما نیاز به برنامه‌ریزی دقیق برای غلبه بر چالش‌های موجود دارد.

واژه‌های کلیدی: هوش مصنوعی، پژوهش عملی، یادگیری، معلمان، دانش‌آموزان.





مطالعه صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان دانش‌آموزان با اختلال طیف اتیسم در دوره ابتدایی: یک مطالعه پدیدارشناسی

عسگر علیمحمدی^{۱*}، مژگان فرهبد^۲

۱. * استادیار، گروه آموزشی روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

alimohamadi@atu.ac.ir

۲. عضو هیئت علمی پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش. m.farahot@yahoo.com

چکیده

افزایش شیوع اختلال طیف اتیسم و نیاز به آموزش مؤثر به این گروه از دانش‌آموزان، اهمیت شناسایی صلاحیت حرفه‌ای معلمان این گروه را برجسته کرده است؛ بنابراین، هدف پژوهش، مطالعه پدیدارشناسانه صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان دانش‌آموزان با اختلال طیف اتیسم در دوره ابتدایی بود. روش پژوهش حاضر کیفی از نوع پدیدارشناسی توصیفی بود. جامعه پژوهش شامل معلمان مدارس اتیسم شهر تهران در سال ۱۴۰۲ بود که از این جامعه به صورت هدفمند با ۱۰ معلم بر اساس ملاک‌های ورود و خروج صاحب‌انجام شد برای تحلیل مصاحبه‌های پژوهش از روش تحلیل مضمون استفاده شد. یافته‌ها در دو مضمون اصلی «شایستگی‌های فردی و بین‌فردی» و «صلاحیت‌های دانشی و آموزشی» جمع‌بندی شد؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که وجود صلاحیت حرفه‌ای معلمان در دو بعد کلی یاد شده نقش محوری در آموزش دانش‌آموزان با اختلال طیف اتیسم دارد و بدون این شایستگی‌ها، پاسخ‌گویی به نیازهای متنوع این گروه از کودکان دشوار خواهد بود.

واژه‌های کلیدی: صلاحیت حرفه‌ای، معلمان، اختلال طیف اتیسم.





بررسی چالش‌ها و راهکارهای اجرایی‌سازی مدرسه تراز در بستر آموزش و پرورش ایران

یگانه علی‌نژاد^{۱*}، کتایون گرمابی^۲، بهاره صدراله^۳

۱. کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان پردیس الزهرا سمنان / آموزش و پرورش منطقه امیرآباد، دامغان، ایران
yegane.aln99@gmail.com
۲. کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان پردیس الزهرا سمنان / آموزش و پرورش منطقه امیرآباد، دامغان، ایران
garmabikatayoon@gmail.com
۳. کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان پردیس الزهرا سمنان / آموزش و پرورش منطقه امیرآباد، دامغان، ایران
sadrbahar44@gmail.com

چکیده

اجرای مدرسه تراز به‌عنوان الگویی تحول‌گرا در پاسخ‌گویی به نیازهای قرن بیست‌ویکم در نظام آموزش و پرورش ایران با چالش‌های ساختاری، فرهنگی، مدیریتی و منابع انسانی مواجه است. هدف این پژوهش شناسایی چالش‌های اجرایی این مدل و ارائه راهکارهای مناسب با زمینه بومی کشور بود. روش این تحقیق با رویکرد کیفی و روش تحلیل محتوای کیفی انجام شد؛ جامعه آماری شامل اسناد ملی و بین‌المللی و ۱۲ خبره آموزشی انتخاب شده با نمونه‌گیری هدفمند و تکنیک گلوله‌برفی بود. داده‌ها با استفاده از فرم تحلیل محتوای اسناد و راهنمای صاحب‌نیمه ساختاریافته گردآوری شدند و روش تحلیل مضمون در چهار مرحله کدگذاری باز، محوری، انتخابی و تفسیر نهایی به کار گرفته شد. نتایج نشان داد چالش‌هایی چون تمرکزگرایی ساختاری، ضعف برنامه‌ریزی درسی، کمبود معلمان توانمند و مقاومت فرهنگی از جمله موانع اصلی اجرای مدرسه تراز هستند. همچنین، راهکارهایی مانند توانمندسازی معلمان، بازنگری در سیاست‌گذاری، مشارکت ذینفعان و توسعه زیرساخت‌های فناورانه به تحقق این الگو کمک می‌کنند. نتیجه‌گیری این مطالعه حاکی از آن است که مدرسه تراز نیازمند تحولی سیستمی در ساختارها، فرهنگ و روش‌های مدیریتی است. همکاری فعال ذینفعان و سرمایه‌گذاری در منابع انسانی و زیرساخت‌ها می‌تواند زمینه‌ساز موفقیت این مدل در نظام آموزشی ایران باشد.

واژه‌های کلیدی: مدرسه تراز، چالش‌های اجرایی، راهکارهای تحول، آموزش و پرورش ایران، قرن بیست‌ویکم.





طراحی نظام‌مند برنامه درسی مدرسه تراز مبتنی بر نیازهای قرن بیست‌ویکم

یگانه علی‌نژاد^{۱*}، کتایون گرمابی^۲، بهاره صدراله^۳

۱. کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان پردیس الزهرا سمنان / آموزش و پرورش منطقه امیرآباد، دامغان، ایران
yegane.aln99@gmail.com
۲. کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان پردیس الزهرا سمنان / آموزش و پرورش منطقه امیرآباد، دامغان، ایران
garmabikatayoon@gmail.com
۳. کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان پردیس الزهرا سمنان / آموزش و پرورش منطقه امیرآباد، دامغان، ایران
sadrbahar44@gmail.com

چکیده

با تحولات سریع فناوری‌ها و نیاز به مهارت‌های قرن بیست‌ویکم، نظام‌های آموزشی با چالش‌هایی در تنظیم برنامه‌های درسی متناسب با شرایط جدید روبرو هستند؛ این امر ضرورت طراحی چارچوب‌های مبتکرانه برای مدارس تراز را برجسته می‌کند. هدف این پژوهش طراحی نظام‌مند برنامه درسی مدرسه تراز مبتنی بر نیازهای قرن بیست‌ویکم بود. روش تحقیق کیفی با رویکرد تحلیل مضمون انجام شد که در آن جامعه آماری شامل ۱۵ سند بین‌المللی کلیدی در حوزه آموزش (۲۰۱۵-۲۰۲۳) انتخاب شدند. نمونه‌گیری هدفمند با معیارهای روزآمدی، جامعیت و تأکید بر شایستگی‌های قرن بیست‌ویکم صورت گرفت و داده‌ها با استفاده از کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل شدند. یافته‌ها نشان دادند برنامه درسی مدرسه تراز باید بر تفکر انتقادی، خلاقیت، سواد دیجیتال، یادگیری مادام‌العمر و همکاری تیمی تمرکز کند؛ همچنین انعطاف‌پذیری ساختاری، استفاده از فناوری‌های نوین و مشارکت ذینفعان به عنوان عناصر کلیدی شناسایی شدند. پژوهش چارچوبی مفهومی برای طراحی برنامه درسی مدارس تراز ارائه کرد که با تقویت مهارت‌های شهروندی و توانمندسازی معلمان می‌تواند به پاسخ‌گویی به چالش‌های آموزشی جهان امروز کمک کند.

واژه‌های کلیدی: برنامه درسی مدرسه تراز، نیازهای قرن بیست‌ویکم، شایستگی‌های کلیدی، چارچوب نظام‌مند، تحلیل مضمون





مروری بر تأثیرات آموزش بازی محور بر انگیزش و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان

زهره غلامی^{۱*}، نجمه خدادادی^۲، مرضیه صادقی گوغری^۳

۱. دانشجوی کارشناسی آموزش علوم اجتماعی، دانشگاه فرهنگیان فاطمه الزهرا (س) بندرعباس، ایران

zahra82golami@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی آموزش علوم اجتماعی، دانشگاه فرهنگیان فاطمه الزهرا (س) بندرعباس، ایران

najmeh80.24@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران m.sadeghi1372.ms@gmail.com

چکیده

نقش بازی در فرآیند آموزش و یادگیری فراتر از سرگرمی صرف است، اما مطالعات جامعی که تأثیر آن بر انگیزش و عملکرد تحصیلی را به‌طور هم‌زمان بررسی کنند، محدود هستند. این مطالعه با هدف بررسی تأثیرات یادگیری مبتنی بر بازی بر انگیزش و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان در محیط‌های مختلف آموزشی انجام شد. این پژوهش از روش توصیفی-مروری با رویکرد کتابخانه‌ای استفاده کرد. جامعه پژوهش شامل مقالات علمی و پژوهشی مرتبط با آموزش مبتنی بر بازی بود که در پایگاه‌های داده داخلی مانند نورمگز و سیویلیکا و همچنین سایر منابع معتبر منتشر شده بودند. منابع به‌صورت هدفمند بر اساس کلمات کلیدی «بازی‌های آموزشی»، «تأثیر بازی بر انگیزش»، و «عملکرد تحصیلی» انتخاب شدند. انتخاب نهایی شامل ده مقاله از سال ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۴ و دو منبع بین‌المللی از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶ بود. داده‌ها با استفاده از تحلیل محتوا و روش سنتز اطلاعات بررسی شدند. یافته‌ها نشان دادند که یادگیری مبتنی بر بازی به‌طور قابل توجهی انگیزش دانش‌آموزان را افزایش داد و منجر به بهبود عملکرد تحصیلی آن‌ها شد. این رویکرد به‌ویژه در ایجاد مشارکت فعال دانش‌آموزان در فعالیت‌های آموزشی مؤثر بود.

واژه‌های کلیدی: یادگیری مبتنی بر بازی، انگیزش، عملکرد تحصیلی، آموزش





بررسی چگونگی تأثیر حلقه‌های میانی بر توسعه حرفه‌ای معلمان و ارتقاء کیفیت آموزش

پروانه فتحعلی بیگی^۱، معصومه السادات ابطحی^{۲*}، حمیدرضا مقامی^۳، رحیم مرادی^۴

۱. دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی، گروه مطالعات تربیتی و برنامه ریزی درسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. papeli6794@gmail.com

۲. استادیار، گروه مطالعات تربیتی و برنامه ریزی درسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. m.abtahi@srbiau.ac.ir

۳. دانشیار، گروه علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. h.maghami.atu.ac.ir

۴. استادیار، گروه علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اراک، اراک، ایران. rahimnor08@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی چگونگی تأثیر حلقه‌های میانی بر توسعه حرفه‌ای معلمان و ارتقاء کیفیت آموزش است. به این منظور در این پژوهش از روش کیفی با رویکرد توصیفی-تحلیلی برای صورت‌بندی برخی مطالب در اندیشه‌های رهبر انقلاب، و همچنین از روش تحلیل مضمون استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که حلقه‌های میانی دارای تشکّل‌های از قبیل حزب‌ها، انجمن‌ها، جبهه‌ها، هیئت‌های مذهبی، گروه‌های جهادی، گروه‌های مردم‌نهاد و بسیج مستضعفین هستند که می‌تواند بر توسعه حرفه‌ای معلمان و پرورش شایستگی‌های آن‌ها تأثیر داشته باشد. ازجمله چالش‌هایی که این حلقه‌های میانی در بر سر راه تحقق اهداف خود در حوزه بهبود کیفیت آموزش با تأثیر بر توسعه حرفه‌ای معلمان روبه‌رو هستند. پژوهش حاضر بر اساس یافته‌ها نتیجه می‌گیرد که حلقه‌های میانی در ایران ظرفیت توسعه حرفه‌ای معلمان را دارند، مشروط بر غلبه بر چالش‌ها. این چالش‌ها شامل عدم هماهنگی، مقاومت در برابر تغییر، کمبود منابع، فقدان شفافیت و الگوهای تشکیلاتی مناسب، تمرکز بر مسائل غیر مرتبط و مشکلات معیشتی متولیان است. رفع این موانع برای اثربخشی این حلقه‌ها ضروری است.

واژه‌های کلیدی: حلقه‌های میانی، سند تحول بنیادین، بسیج مستضعفین، گروه‌های جهادی، توسعه حرفه‌ای



نقش فلسفه در پرورش تفکر انتقادی

نگین فخار*^۱، فاطمه ستوده ثیان^۲، زهرا اسمعیلی^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، تهران، ایران
negin.fakhar@ut.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم شناختی گرایش ذهن، مغز و تربیت، دانشگاه تهران، تهران، ایران f.sotoude@ut.ac.ir

۳. کارشناسی ارشد آموزش ابتدایی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران esmazahra1402@gmail.com

چکیده

در دنیای امروز، دانش‌آموزان با حجم عظیمی از اطلاعات روبه‌رو هستند و برای پردازش آن‌ها نیاز به مهارت تفکر انتقادی دارند. یکی از برنامه‌های مؤثر در این زمینه، آموزش فلسفه است. از این رو، هدف پژوهش حاضر، بررسی تأثیر این برنامه بر پرورش تفکر انتقادی در دانش‌آموزان ابتدایی بود. این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی و از نظر روش شناسی، کیفی با رویکرد مرور نظام‌مند بود. روش گردآوری داده‌ها، مطالعه‌ی اسنادی و مرور منظم منابع علمی در بازه زمانی ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۳ بود. جستجوی مقالات در پایگاه Google Scholar با استفاده از کلیدواژه‌های مرتبط با موضوع پژوهش صورت گرفت. جامعه‌ی آماری، مقالات پژوهشی معتبر بین‌المللی در زمینه‌ی ارتباط آموزش فلسفه با تفکر انتقادی بودند که در نهایت ۲۴ منبع با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. تحلیل داده‌ها با روش تحلیل مضمون بر مبنای الگوی اوکولی و شابران (۲۰۱۵) صورت گرفت و در نهایت پنج مضمون اصلی استخراج شد. یافته‌ها نشان داد که برنامه آموزش فلسفه از طریق پنج مضمون اصلی (آموزش تخصصی معلمان، طرح سؤالات بازپاسخ، گفت‌وگوهای فلسفی، تقویت مهارت‌های تحلیلی و ارزیابی) می‌تواند به ارتقاء تفکر انتقادی منجر شود. همچنین پیامدهای اجرای این برنامه شامل افزایش پرسشگری، ارتقای استدلال استقرایی و قیاسی، و تقویت توانایی حل مسئله در دانش‌آموزان بود. نتیجه‌گیری نشان داد که P4C، با فراهم‌سازی بستری تعاملی، قابلیت بالایی در پرورش تفکر انتقادی دارد. اجرای موفق این برنامه، مستلزم آموزش هدفمند معلمان و طراحی محتوایی بر مبنای سؤالات تأمل‌برانگیز است. با توجه به شواهد تجربی مرور شده، بهره‌گیری از P4C در نظام آموزشی می‌تواند دانش‌آموزانی پرسشگر، تحلیل‌گر و مسئله‌محور تربیت کند. واژه‌های کلیدی: آموزش فلسفه، تفکر انتقادی، برنامه درسی، دانش‌آموزان ابتدایی.

واژه‌های کلیدی: فلسفه برای کودکان، تفکر انتقادی، برنامه درسی

بررسی اثربخشی استفاده از دستیارهای هوشمند گفتاری (Voice AI) بر مشارکت و انگیزش دانش‌آموزان در کلاس درس

مجتبی فرامرزی*

*۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، موسسه آموزش عالی شاندیز، مشهد، ایران
mojtabafaramarzi@aol.com

چکیده

ادغام روزافزون دستیارهای هوشمند صوتی (Voice AI) در محیط‌های آموزشی، نیاز به بررسی تأثیر مستقیم آن‌ها بر مشارکت کلاسی و انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان را برجسته ساخته است. این پژوهش با هدف بررسی تأثیر استفاده از دستیارهای هوشمند صوتی بر میزان مشارکت و انگیزه دانش‌آموزان در کلاس درس انجام شد. این مطالعه از طرح شبه‌تجربی با رویکرد پیش‌آزمون-پس‌آزمون و گروه کنترل استفاده کرد. جامعه پژوهش شامل دانش‌آموزان دختر و پسر پایه اول متوسطه شهر مشهد در سال تحصیلی ۲۰۲۴-۲۰۲۵ بود. ۶۰ دانش‌آموز با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب و به‌صورت تصادفی در گروه‌های آزمایش (۳۰ نفر) و کنترل (۳۰ نفر) قرار گرفتند. گروه آزمایش طی چندین هفته آموزش با فناوری Voice AI را دریافت کرد، درحالی‌که گروه کنترل محتوای آموزشی مشابه را بدون این مداخله تکنولوژیک دریافت کرد. ابزارهای جمع‌آوری داده‌ها شامل پرسشنامه درگیری تحصیلی ریو (۲۰۱۳) با ۱۷ گویه در چهار بعد (رفتاری، عاملانه، شناختی، هیجانی) و پرسشنامه انگیزش تحصیلی هارتر (۱۹۸۱) بودند. نتایج نشان داد که استفاده از دستیارهای هوشمند صوتی به‌طور معناداری مشارکت و انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان را افزایش داد؛ بنابراین، می‌توان از این فناوری‌ها برای بهبود فرآیندهای یادگیری و ایجاد محیط‌های آموزشی فعال‌تر بهره برد.

واژه‌های کلیدی: دستیار صوتی هوشمند، مشارکت دانش‌آموزان، انگیزش تحصیلی، کلاس درس.



تحلیل یافته‌های پژوهشی درباره عوامل مؤثر بر تمرکز دانش‌آموزان ابتدایی

مهسا فرهادی^{*۱}

*۱. دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی-گرایش آموزش ابتدایی و پیش‌دستانی، امیرالمؤمنین (ع) اهواز، اهواز، ایران
mahsafarhadi1211@gmail.com

چکیده

تمرکز به عنوان یک عنصر کلیدی در فرآیند یادگیری دانش‌آموزان ابتدایی شناخته شده و عوامل متعددی می‌توانند بر آن تأثیرگذار باشند؛ از این رو شناسایی این عوامل برای بهبود کیفیت آموزش در این مقطع ضروری است. این پژوهش مروری با هدف بررسی و تحلیل یافته‌های تحقیقاتی مرتبط با عوامل مؤثر بر تمرکز در دانش‌آموزان ابتدایی انجام شد. این پژوهش کیفی از طریق مرور متون علمی صورت گرفت. جامعه آماری شامل مقالات منتشر شده در پنج سال اخیر مرتبط با عوامل مؤثر بر تمرکز در دانش‌آموزان ابتدایی بود که از پایگاه‌های داده معتبر ملی و بین‌المللی جمع‌آوری شده بودند. از بین آن‌ها، ۱۵ مقاله به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از تحلیل مضمون مبتنی بر رویکرد اتراید و استرلینگ تحلیل شدند و روایی یافته‌ها با معیارهای گوبا و لینکلن تأیید گردید. نتایج نشان داد که تمرکز دانش‌آموزان ابتدایی تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل فردی مانند انگیزه و سبک یادگیری، عوامل محیطی شامل فضای فیزیکی کلاس و روابط اجتماعی، و عوامل آموزشی از جمله روش‌های تدریس و راهبردهای ارزیابی قرار می‌گیرد. این عوامل به صورت پیچیده‌ای با یکدیگر تعامل داشتند و می‌توانستند به صورت مثبت یا منفی بر تمرکز دانش‌آموزان اثر بگذارند؛ بنابراین، برای بهبود تمرکز دانش‌آموزان، نیاز به رویکردی جامع و چندوجهی وجود داشت.

واژه‌های کلیدی: تمرکز، دانش‌آموزان ابتدایی، عوامل مؤثر، مرور متون.





بررسی استفاده از فناوری‌های نو و هوش مصنوعی در مدارس: چالش‌ها و فرصت‌ها

فرنوش فزونی^{۱*}

۱. دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامی کیش، کیش، ایران FFiozooni@gmail.com

چکیده

در سال‌های اخیر، استفاده از فناوری‌های نو و هوش مصنوعی در محیط‌های آموزشی با چالش‌هایی مانند نابرابری دسترسی، نیاز به زیرساخت‌های فنی و نگرانی‌های امنیتی روبرو بوده است. این پژوهش با هدف شناسایی چالش‌ها و فرصت‌های استفاده از این فناوری‌ها در مدارس انجام شد. روش پژوهش فراترکیب و کیفی بود؛ جامعه آماری شامل منابع نظری و مطالعات منتشر شده در پایگاه‌های داده داخلی (۱۳۹۱-۱۴۰۲) و خارجی (۲۰۰۳-۲۰۲۳) بود و نمونه‌گیری به‌صورت غیرتصادفی هدفمند انجام گرفت. داده‌ها با استفاده از تحلیل مضمون و بر اساس مدل پریزما استخراج و سنتس شدند. یافته‌ها چالش‌هایی مانند نیاز به آموزش معلمان، حفظ حریم خصوصی دانش‌آموزان و نابرابری در دسترسی به فناوری را برجسته کردند، درحالی‌که فرصت‌هایی چون افزایش تعامل، ارائه بازخورد فوری و یادگیری سفارشی شده نیز شناسایی شدند. درنهایت، یافته‌ها نشان داد که استفاده از هوش مصنوعی در آموزش نیازمند برنامه‌ریزی استراتژیک برای رفع چالش‌ها و بهره‌گیری از فرصت‌های آن است تا بتوان از این فناوری‌ها به‌عنوان ابزاری مؤثر در بهبود کیفیت آموزش استفاده کرد.

واژه‌های کلیدی: فناوری‌های نو، هوش مصنوعی، چالش‌ها، فرصت‌ها، آموزش





بررسی ارتباط مدیریت مسیر شغلی با شایستگی شغلی معلمان

میثم فهمی جعفرقلی خانلو*^۱، علی خالق خواه^۲، مهدی معینی کیا^۳

۱. کارشناسی ارشد آموزش و بهسازی منابع انسانی، دانشگاه محقق اردبیلی / آموزش و پرورش اردبیل، اردبیل، ایران
meysam0561fahmi@gmail.com

۲. استاد، گروه آموزشی علوم تربیتی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران khaleghkhah@uma.ac.ir

۳. دانشیار، گروه آموزشی علوم تربیتی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران m-moeinikia@uma.ac.ir

چکیده

مدیریت مسیر شغلی کارکنان به عنوان یکی از وظایف مهم سازمان‌ها، به‌ویژه در آموزش و پرورش، شناخته شده است. هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه بین مدیریت مسیر شغلی و کارکردهای آن با شایستگی‌های شغلی معلمان اداره آموزش و پرورش شهرستان نیر بود. روش پژوهش توصیفی-همبستگی بود. به‌منظور بهبود روایی پرسش‌نامه‌ها، روایی صوری مورد تأیید قرار گرفت و پایایی با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای تمامی متغیرها بالای ۰٫۷۰ به دست آمد. جامعه آماری شامل تمامی معلمان اداره آموزش و پرورش شهرستان نیر در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ بودند. نمونه‌گیری به روش تصادفی طبقه‌ای انجام شد. ابزارهای مورد استفاده شامل پرسش‌نامه مدیریت مسیر شغلی (طراحی شده توسط محقق بر اساس ابزارهای موجود) و پرسش‌نامه شایستگی شغلی معلمان (طراحی شده توسط محقق بر اساس ابزارهای موجود) بودند. داده‌ها با استفاده از تحلیل همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه تحلیل شدند. نتایج نشان دادند که مدیریت مسیر شغلی با شایستگی‌های شغلی معلمان رابطه مثبت و معناداری داشت و ابعاد مختلف مدیریت مسیر شغلی قادر به پیش‌بینی شایستگی شغلی معلمان بودند. این یافته‌ها بر اهمیت طراحی و اجرای برنامه‌های مدیریت مسیر شغلی برای افزایش شایستگی معلمان تأکید داشتند.

واژه‌های کلیدی: مدیریت مسیر شغلی، شایستگی شغلی، معلمان، آموزش و پرورش





بررسی رابطه توسعه حرفه‌ای معلمان با شایستگی شغلی آنها

میثم فهمی جعفرقلی خانلو^{۱*}، ویدا فصاحتی^۲

۱. کارشناسی ارشد آموزش و بهسازی منابع انسانی، دانشگاه محقق اردبیلی / آموزش و پرورش اردبیل، اردبیل، ایران

meysam0561fahmi@gmail.com

۲. کارشناسی علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، اردبیل، ایران vidafasahati78@gmail.com

چکیده

توسعه حرفه‌ای معلمان، فرآیندی مستمر و مداوم برای ارتقاء استانداردهای آموزشی و شهروندی است که به افزایش ظرفیت یادگیری مادام‌العمر در تمامی اعضای جامعه منجر می‌شود. این پژوهش با هدف بررسی رابطه بین توسعه حرفه‌ای معلمان و شایستگی‌های شغلی آنان و ارائه راهبردهایی برای توسعه حرفه‌ای معلمان انجام شد. این مطالعه از روش همبستگی استفاده کرد که ترکیبی از روش‌های کمی و کیفی بود. به‌منظور بهبود روایی پرسش‌نامه‌ها، روایی صوری مورد تأیید قرار گرفت و پایایی با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای تمامی متغیرها بالای ۰٫۷۰ به دست آمد. جامعه آماری شامل تمامی معلمان اداره آموزش و پرورش شهرستان نیر در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ بودند. نمونه‌گیری به روش تصادفی طبقه‌ای انجام شد. ابزارهای مورد استفاده شامل پرسش‌نامه توسعه حرفه‌ای معلمان (طراحی شده توسط محقق بر اساس ابزارهای موجود) و پرسش‌نامه شایستگی شغلی معلمان (طراحی شده توسط محقق بر اساس ابزارهای موجود) بودند. داده‌ها با استفاده از تحلیل همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه تحلیل شدند. نتایج نشان دادند که توسعه حرفه‌ای معلمان با شایستگی‌های شغلی آنان رابطه مثبت و معناداری داشت و ابعاد توسعه حرفه‌ای قادر به پیش‌بینی شایستگی شغلی معلمان بودند. این یافته‌ها بر اهمیت سرمایه‌گذاری در برنامه‌های توسعه حرفه‌ای برای بهبود عملکرد معلمان و کیفیت آموزش تأکید داشتند.

واژه‌های کلیدی: توسعه حرفه‌ای، شایستگی شغلی، معلمان، آموزش و پرورش





طراحی فضاهای آموزشی ایمن، متنوع و هوشمند با رویکرد تلفیقی مهندسی عمران سازه و تربیت تمام‌ساختی برای مدارس تراز

فرزان فهیمی*

۱. * کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی تهران جنوب/ کارشناس پژوهش دانشگاه شهید رجایی.
fahimifarzan7@gmail.com

چکیده

مدرسه به‌عنوان هسته مرکزی نظام تربیتی، فضایی است که باید رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان را در ابعاد اعتقادی، اجتماعی، علمی، هنری، و بدنی تسهیل کند. در ایران، بیش از ۷۰ درصد مناطق در پهنه‌های لرزه‌خیز قرار دارند که ایمنی سازه‌های آموزشی را به اولویتهای حیاتی تبدیل کرده است. هدف پژوهش طراحی فضاهای آموزشی ایمن، پایدار، و چندمنظوره با رویکرد تلفیقی مهندسی عمران سازه و اصول تربیتی است. پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی انجام شد. جامعه آماری شامل آیین‌نامه‌های طراحی لرزه‌ای (استاندارد ۲۸۰۰ ایران، ASCE 7-22)، اسناد تربیتی (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰)، و ۳۲ مطالعه علمی (۲۰۱۵-۲۰۲۴) بود. نمونه‌گیری هدفمند شامل ۳۲ مقاله، ۵ سند، و ۳ آیین‌نامه بود. ابزارها شامل چک‌لیست‌های استاندارد ایمنی، تحلیل محتوای کیفی، و شبیه‌سازی لرزه‌ای با شتاب ۰.۳g تا ۰.۵g بودند. داده‌ها با تحلیل مضمون بررسی شدند. نتایج نشان داد سیستم‌های مهاربندی همگرا، دیوارهای برشی با الیاف پلیمری، و پانل‌های مدولار هوشمند، ایمنی لرزه‌ای را تضمین کرده و فضاهای منعطفی برای فعالیتهای آموزشی، هنری، و ورزشی ایجاد کردند که شادابی و سلامت روانی را ارتقا می‌دادند. این سیستم‌ها امکان ایجاد فضاهای بزرگ‌تر با هزینه کمتر را فراهم کردند. نتیجه‌گیری شد که این رویکرد مدارس ایمن و هم‌راستا با اهداف تربیتی خلق کرد و راهبردهایی برای هوشمندسازی ارائه نمود. این یافته‌ها با مطالعات ژاین و فنلاند هم‌راستا بودند که بر ایمنی و شادابی تأکید داشتند.

واژه‌های کلیدی: ایمنی لرزه‌ای، تربیت تمام‌ساختی، طراحی مدولار، هوشمندسازی.





طراحی فضاهای سبز آموزشی با رویکرد مهندسی پایدار برای ارتقای سلامت روانی و تربیت تمام ساحتی در مدارس تراز

فرزان فهیمی*

* کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی تهران جنوب / کارشناس پژوهش دانشگاه شهید رجایی.

fahimifarzan7@gmail.com ایران

چکیده

فضاهای آموزشی به عنوان محیط‌های پویا، نقش حیاتی در ارتقای سلامت روان دانش‌آموزان و دستیابی به آموزش جامع ایفا می‌کنند. این مطالعه با هدف طراحی فضاهای سبز آموزشی با استفاده از اصول مهندسی پایدار برای ارتقای سلامت روان و آموزش جامع در مدارس نمونه انجام شد. این پژوهش ترکیبی از طراحی مفهومی و مطالعات میدانی بود. دو مدرسه واقعی در تهران (مناطق ۵ و ۱۲ با مساحت ۶۰۰ و ۴۵۰ مترمربع) به صورت هدفمند انتخاب شدند. داده‌ها از طریق پرسشنامه سلامت روان WHO-5 و تحلیل عملکرد تحصیلی (میانگین نمرات) ۲۰۰ دانش‌آموز (۱۰۰ نفر از هر مدرسه) جمع‌آوری شدند. ابزارهای طراحی شامل اتوکد (نسخه ۲۰۲۳) و اسکچ‌آپ (نسخه ۲۰۲۲) بودند. نتایج نشان داد که استفاده از مصالح پایدار، از جمله کفپوش‌های نفوذپذیر و گیاهان بومی، همراه با سیستم‌های مدیریت آب، سلامت روان دانش‌آموزان را بهبود بخشید و عملکرد تحصیلی آن‌ها را ارتقا داد. این مطالعه نشان می‌دهد که اجرای طرح‌های پایدار با حمایت مالی دولت و آموزش تخصصی می‌تواند کیفیت محیط‌های آموزشی را افزایش دهد، هر چند چالش‌هایی مانند هزینه‌های اولیه بالا نیازمند مدیریت دقیق است.

واژه‌های کلیدی: فضاهای سبز آموزشی، مهندسی پایدار، سلامت روان، آموزش جامع



بررسی چالش‌های تعامل میان مدرسه و خانواده و تبیین اصول تعامل مطلوب در مدرسه تراز

مینا فیاضی^۱

۱. مربی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، شیراز، ایران m_fayazi@modares.ac.ir

چکیده

این پژوهش با توجه به نقش و جایگاه مهمی که خانواده در رشد و شکوفایی شخصیت کودکان و نوجوانان در کنار تربیت مدرسه‌ای دارد، با هدف بررسی تجارب زیسته در خصوص تعامل خانواده و مدرسه و چالش‌های این تعامل انجام شد تا از این رهگذر، امکان تبیین اصول تعامل مطلوب میان خانواده و مدرسه در مدرسه تراز را فراهم نماید. لذا نگرش مدیران، معاونان، معلمان و مربیان مدارس در مورد چگونگی تعامل مدارس با خانواده موردبررسی واقع شده است. برای دستیابی به این هدف از رویکرد کیفی، روش پدیدارشناسی تفسیری و تحلیل مضمون استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل ۲۷ نفر از مدیران، معلمان و مربیان پرورشی مدارس دولتی، غیردولتی و مسجدمحور شهرستان شیراز است که با روش گلوله برفی انتخاب شدند. نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته استفاده شد و تحلیل داده‌ها نیز در دو مرحله تحلیل پدیدارشناسی و تحلیل مضمون براساس مدل شش مرحله‌ای براون و کلارک انجام شد. ۱۴ مضمون پایه شناسایی شد که ذیل یک مضمون فراگیر و ۶ مضمون سازمان‌دهنده دسته‌بندی شد. همچنین به منظور افزایش روایی و پایایی پژوهش نیز از روش مثلث‌سازی و بازبینی مشارکت‌کنندگان استفاده شده است. گسست ارزش‌ها و پیام‌های تربیتی، فقدان شناخت نظام‌مند از خانواده‌ها و ظرفیت‌های آنان، محدود بودن تعامل به حل مسائل آموزشی و رفتاری دانش‌آموزان، نگاه ابزاری و محدود به نقش خانواده و نبود الگو و سازوکار مشخص برای تعامل، برخی از چالش‌های موجود در تعامل میان خانواده و مدرسه است که ذیل سه دسته چالش‌های شناختی و ارتباطی، ساختاری و مدیریتی و انگیزشی و ارزشی تبیین شده است. درنهایت، نه اصل از جمله اصل تعامل بر مبنای اشتراکات فرهنگی و اجتماعی، اصل تعریف تدریجی و مشارکتی تغییر، اصل اصالت تعامل، اصل توانمندسازی متقابل، اصل برنامه‌محوری و انسجام در تعامل و اصل تنوع در شیوه‌های تعامل، به عنوان اصول تعامل خانواده و مدرسه تراز تدوین شده است. یافته‌های این پژوهش ضمن تأکید بر اهمیت تعامل مدرسه با خانواده، تلاش در جهت کاهش چالش‌های تعامل و در نظر گرفتن اصول تعامل به منظور ایجاد تعاملی مطلوب و هم‌افزا در حوزه تربیت را ضروری می‌داند.

واژه‌های کلیدی: خانواده، مدرسه تراز، تعامل خانواده و مدرسه، چالش‌های تعامل، اصول تعامل، مطالعه پدیدارشناسانه.



تبیین الگوی مناسبات رفتاری مبتنی بر کرامت قرآنی در مدرسه تراز: از خودآگاهی تا مسئولیت اجتماعی

مریم قاسم احمد^۱، پروین صولتی اصل^۲، بهروز نظری بوژانی^۳

۱. استادیار، گروه آموزش و توسعه، پژوهشکده مطالعات توسعه سازمان جهاد دانشگاهی تهران، ایران

ghasemahmad@acecr.ac.ir

۲. استادیار، گروه آموزش و توسعه، پژوهشکده مطالعات توسعه سازمان جهاد دانشگاهی تهران، ایران solati@acecr.ac.ir

۳. استادیار، گروه آموزش و توسعه، پژوهشکده مطالعات توسعه سازمان جهاد دانشگاهی تهران، ایران

_nazari@acecr.ac.ir

چکیده

مدارس در دهه‌های اخیر با چالش‌هایی همچون گسست اخلاقی، ضعف خودآگاهی و مسئولیت‌گریزی مواجه بوده‌اند که نشان از نارسایی زیرساخت‌های تربیتی دارد. این پژوهش با هدف تبیین الگوی مناسبات رفتاری در مدرسه تراز بر مبنای مفهوم کرامت در قرآن انجام شد. پژوهش حاضر پژوهشی نظری — تحلیلی بود که با بهره‌گیری از روش تحلیل مفهومی قیاسی و با اتکا به معناشناسی تاریخی - ساختاری واژه «کرم» در زبان‌های سامی و قرآن انجام شد. در مرحله نخست، با استفاده از تحلیل معناشناسی تاریخی در زبان‌های سامی و سپس تحلیل معنایی ساخت‌گرا، تمامی ۴۷ کاربرد واژه «کرم» در قرآن شناسایی و با بررسی روابط هم‌نشینی و جان‌نشینی، ساختار بافتی آن‌ها تحلیل گردید. در ادامه با رویکرد تحلیل مفهومی-منطقی، این کاربردها به مفاهیم و مصادیق تقسیم و از طریق تفکیک لایه‌های هسته‌ای و پوسته‌ای معنا، سه مؤلفه شرافت ذاتی، دهش و دوسویگی در ارتباط استخراج شدند. داده‌های پژوهش شامل متون دینی (آیات قرآن و تفاسیر معتبر) و نظریه‌های روان‌شناسی اجتماعی (نظریه خودکنترلی بائرومایستر و هویت اخلاقی در نظریه بلاسی) بود. تحلیل داده‌ها از طریق تطبیق مفهومی با مقایسه قیاسی مفاهیم قرآنی و روان‌شناسی اجتماعی صورت گرفت. نتایج نشان داد که این مؤلفه‌ها در چهار ساحت ارتباط انسان با خالق، خود، دیگران و طبیعت قابل بازنمایی هستند و در پیوند با مفاهیمی همچون خودآگاهی، خودکنترلی و مسئولیت‌پذیری، الگوی مناسبات رفتاری مدرسه تراز را شکل دادند. در این الگو، مدرسه به مثابه شبکه‌ای از روابط مسئولانه، امانت‌محور و مبتنی بر کرامت انسانی ترسیم شد که می‌تواند رشد اخلاقی دانش‌آموزان را تسهیل نماید.

واژه‌های کلیدی: مدرسه تراز، معناشناسی کرامت، تحلیل مفهومی، خودآگاهی، مسئولیت‌پذیری، روان‌شناسی اجتماعی، تعلیم و تربیت





طراحی مدرسه تراز برای نظام آموزش و پرورش ایران

طاهره قاسمی^{۱*}، محمد قاسمی^۲

۱. کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد الکترونیکی، تهران، ایران / آموزش و پرورش، اهواز، ایران

tgh766624@gmail.com

۲. کارشناسی دینی و عربی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران / آموزش و پرورش، اهواز، ایران mohamad1918@gmail.com

چکیده

مدرسه تراز به‌عنوان یک الگوی کلیدی در سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت ایران معرفی شده و نقش مهمی در ارتقاء کیفیت آموزش و یادگیری و دستیابی به اهداف آموزشی، فرهنگی و تربیتی ایفا می‌کند. این مطالعه با هدف شناسایی و تبیین ابعاد و مؤلفه‌های مدرسه تراز در نظام تعلیم و تربیت ایران انجام شد. این پژوهش کیفی، کاربردی و توصیفی (غیرآزمایشی) بود که بر پایه تحلیل مضمون صورت گرفت. جامعه آماری شامل پژوهشگران، مدیران آموزشی و اساتید دانشگاهی متخصص در زمینه مدارس تراز و مدیریت آموزشی بودند که به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. داده‌ها از طریق ۱۵ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با متخصصان جمع‌آوری و با استفاده از روش تحلیل مضمون شش مرحله‌ای براون و کلارک تحلیل شدند. روایی مطالعه با استفاده از معیارهای قابلیت اعتماد، قابلیت انتقال، قابلیت اتکا و تأییدپذیری ارزیابی شد. نتایج نشان دادند که مدرسه تراز شامل هشت مضمون اصلی بود که ابعاد مختلف آن را پوشش می‌داد. این یافته‌ها چارچوبی جامع برای طراحی و اجرای مدل مدرسه تراز در ایران فراهم می‌کردند.

واژه‌های کلیدی: مدرسه تراز، نظام تعلیم و تربیت، تحلیل مضمون، مدیریت آموزشی





بررسی رابطه شاداب سازی محیط با انگیزه تحصیلی و سلامت روان

زینب قاسمی نژاد دهج^{۱*}، مریم سلیمی ترکمانی^۲، مهسا پاشایی مرنی^۳، زینب ربانی^۴

۱. دانشجوی کارشناسی روان‌شناسی، موسسه آموزش عالی ایرانیان، تهران، ایران Zghasemi477@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی روان‌شناسی، موسسه آموزش عالی ایرانیان، تهران. maryamsalimi.4001@gmail.com

۳. دانشجوی کارشناسی روان‌شناسی، موسسه آموزش عالی ایرانیان، تهران pashayimaha1@gmail.com

۴. استادیار گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اسلامشهر، تهران، ایران.
rabbani2007@gmail.com

چکیده

ایجاد محیطی شاداب و پویا به‌عنوان عاملی کلیدی در تقویت سلامت روان و انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان شناخته شده است؛ با این حال، ماهیت دقیق این رابطه در بین گروه‌های خاص مانند دانش‌آموزان دختر نیازمند بررسی بیشتر است. این مطالعه با هدف تحلیل رابطه بین شاداب سازی محیط مدرسه با سلامت روان و انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه اول منطقه ۸ شهر تهران انجام شد. طرح پژوهش توصیفی-همبستگی بود؛ جامعه آماری شامل تمامی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه اول منطقه ۸ تهران در سال ۱۴۰۲ بود که ۱۵۰ نفر به صورت تصادفی انتخاب شدند. ابزارهای جمع‌آوری داده‌ها شامل پرسش‌نامه شاداب سازی محیط مدرسه (محقق ساخته)، پرسش‌نامه انگیزه تحصیلی والرند (AMS-HS 28، والرند، ۲۰۰۷) و پرسش‌نامه سلامت روان گلدبرگ (۱۹۷۹) بودند که روایی و پایایی آن‌ها تأیید شد. داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی (میانگین، انحراف استاندارد) و آزمون همبستگی پیرسون مورد تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان داد بین شاداب سازی محیط مدرسه با سلامت روان و انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ این یافته‌ها حاکی از آن است که بهبود محیط آموزشی می‌تواند به‌طور هم‌زمان هم انگیزه تحصیلی و هم سلامت روان دانش‌آموزان را تقویت کند. به‌طور کلی، توجه به شاداب سازی محیط مدرسه می‌تواند راهکار مؤثری برای بهبود کیفیت آموزش و رفاه روانی دانش‌آموزان باشد؛ بنابراین، برنامه‌های هدفمند در این زمینه باید در سیاست‌های آموزشی منطقه‌ای دیده شوند.

واژه‌های کلیدی: شاداب سازی محیط مدرسه، انگیزه تحصیلی، سلامت روان، دانش‌آموزان دختر، تهران.





نقش شایستگی‌های دیجیتالی در تربیت اجتماعی دانش‌آموزان ابتدایی و جایگاه آن در سند تحول بنیادین

فاطمه قدردان^{۱*}

۱. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران Bk.qadrdan@gmail.com

چکیده

در پی رشد فناوری‌های دیجیتال و نفوذ گسترده آن در زندگی، توسعه شایستگی‌های دیجیتالی به‌عنوان زیربنای تربیت اجتماعی دانش‌آموزان ابتدایی ضروری شده است؛ اما سیاست‌های آموزشی ایران در این حوزه با کمبودهایی مواجه بوده است. هدف این پژوهش تعیین نقش شایستگی‌های دیجیتالی در تقویت تربیت اجتماعی دانش‌آموزان ابتدایی در چارچوب سند تحول بنیادین و شناسایی نقاط قوت و ضعف آن بود. روش تحقیق کیفی مبتنی بر تحلیل محتوای مضمون‌محور با رویکرد کدگذاری سه‌مرحله‌ای (باز، محوری، انتخابی) انجام شد. جامعه آماری شامل بخش‌های مرتبط با فناوری‌های نوین و شایستگی‌های دیجیتالی از سند تحول بنیادین و ۲۵ سند مرتبط از پایگاه‌های SID، Magiran و ERIC طی پنج سال گذشته بود که از طریق نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از رهیافت کدگذاری سیستماتیک تحلیل شدند. یافته‌ها نشان دادند که علی‌رغم تأکید گسترده بر فناوری‌های نوین، شایستگی‌های دیجیتالی در سطح عملیاتی و ساختارمندی اجرا نشده‌اند؛ همچنین برنامه‌های اجرایی، آموزش معلمان و به‌روزرسانی سیاست‌ها به روش‌های جامع کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. پژوهش تأکید کرد که وزارت آموزش باید برنامه‌های قطعی برای توسعه شایستگی‌های دیجیتالی و آموزش معلمان را با رویکردی یکپارچه دنبال کند تا شکاف دیجیتال کاهش یافته و تعامل اجتماعی مدارس ابتدایی ارتقا یابد.

واژه‌های کلیدی: شایستگی‌های دیجیتالی، تربیت اجتماعی، تحول بنیادین، نظام آموزشی ایران



معماری مدارس ابتدایی با رویکرد افزایش خلاقیت دانش‌آموزان

رضا قدردان قراملکی^۱، زهرا قدردان قراملکی^{۲*}

۱. دکتری معماری اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران R.Ghadrdan@tabriziau.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس حضرت معصومه (س)، قم، ایران

ZahraGhadrdanQ025@gmail.com

چکیده

تحولات نظام‌های آموزشی و نیاز به محیط‌های یادگیری پویا، بازطراحی مدارس ابتدایی با رویکرد پرورش خلاقیت دانش‌آموزان را به مسئله‌ای حیاتی تبدیل کرده است. این پژوهش با هدف شناسایی مؤلفه‌های معماری مؤثر در طراحی فضاهای آموزشی با تأکید بر افزایش خلاقیت دانش‌آموزان انجام شده است. مطالعه با روش تحلیل محتوای کیفی و مطالعات کتابخانه‌ای شامل مقالات علمی، کتب تخصصی، استانداردهای آموزشی و نقشه‌های معماری از پایگاه‌های اطلاعاتی داخلی (نورمگز، SID) و بین‌المللی (ScienceDirect) با روش نمونه‌گیری هدفمند بر اساس ارتباط موضوعی، اعتبار علمی و تنوع جغرافیایی منابع اجرا گردید. داده‌ها با استفاده از چارچوب نظری تلفیقی که خود ترکیبی از نظریه‌های آموزش با رویکرد افزایش خلاقیت، اصول روان‌شناسی محیطی و معماری خلاق محور است و کدگذاری موضوعی تحلیل شدند. یافته‌ها نشان می‌دهد ویژگی‌های کالبدی مانند انعطاف‌پذیری فضاها، تنوع حسی، مقیاس کودک‌محور و پیوند با طبیعت، به‌طور مستقیم بر تقویت تفکر خلاق، مهارت‌های اجتماعی و رشد شناختی دانش‌آموزان تأثیرگذارند. همچنین تبدیل فضاهای واسط به محیط‌های یادگیری پویا و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین به‌عنوان راهکارهای کلیدی شناسایی شدند. نتایج بر ضرورت طراحی مدارس مبتنی بر نیازهای روان‌شناختی کودکان و هماهنگی با اصول محیطی تأکید کرد و الگویی یکپارچه برای برنامه‌ریزی فضاهای آموزشی آینده ارائه داد.

واژه‌های کلیدی: خلاقیت، روان‌شناسی محیطی، کیفیت آموزش، معماری مدرسه، یادگیری فعال



نقش انعطاف‌پذیری فضا بر ارتقا کیفیت آموزش در معماری مدرسه

رضا قدردان قراملکی^۱، زهرا قدردان قراملکی^{۲*}

۱. دکتری معماری اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران R.Ghadrdan@tabriziau.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس حضرت معصومه (س)، قم، ایران
ZahraGhadrdanQ025@gmail.com

چکیده

با تغییر نیازهای آموزشی و گرایش به روش‌های یادگیری فعال، طراحی فضاهای انعطاف‌پذیر در مدارس به چالشی کلیدی در نظام آموزشی تبدیل شده است که خلاقیت و مشارکت دانش‌آموزان را تسهیل می‌کند. این پژوهش با هدف بررسی و تحلیل نمونه‌های موردی از فضاهای انعطاف‌پذیر در معماری مدارس جهت شناسایی ویژگی‌های طراحی و تأثیرات آن‌ها بر فرایندهای یادگیری انجام شد. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و کیفی بود که با استفاده از روش موردکاوی چهار نمونه برجسته بین‌المللی (AltSchool, Flex, KhanLab School و Unity School) مورد بررسی قرار گرفتند. جامعه آماری شامل مدارس طراحی‌شده با رویکرد انعطاف‌پذیری فضایی بود و نمونه‌ها به صورت هدفمند انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها شامل تحلیل اسناد، نقشه‌ها و مشاهده ویژگی‌های طراحی فضاها گردید، سپس یافته‌ها با روش تحلیل کیفی از منظر تأثیر بر تعاملات دانش‌آموزان و فرایندهای یادگیری مورد ارزیابی قرار گرفتند. نتایج نشان داد که ادغام فناوری‌های هوشمند، استفاده از مبلمان ماژولار و ایجاد فضاهای تعاملی و چندمنظوره می‌تواند مشارکت دانش‌آموزان را افزایش دهد و فرصت‌های یادگیری تجربی و همکاری‌محور را فراهم کند. همچنین طراحی‌های مورد مطالعه با توجه به مبانی شناختی و نظریه‌های یادگیری سازنده‌گرایی، بهبود قابل توجهی در انگیزش و توانمندسازی دانش‌آموزان ایجاد کردند. این یافته‌ها نشان می‌دهند که فضاهای انعطاف‌پذیر نه تنها به پاسخگویی به نیازهای آموزشی متنوع کمک می‌کنند، بلکه زمینه را برای توسعه مهارت‌های حل مسئله و خلاقیت فراهم می‌آورند؛ بنابراین، طراحی مدارس آینده باید با توجه به این الگوها، تعامل بین فضای فیزیکی و فرایندهای تربیتی را در محیط‌های یادگیری تقویت کند.

واژه‌های کلیدی: فضای انعطاف‌پذیر، معماری مدرسه، موردکاوی، تعامل یادگیری، فناوری هوشمند.



فرا تحلیلی بر طراحی و اعتبار سنجی چارچوب سنجش شایستگی‌های پایه در دوره ابتدایی با تمرکز بر سواد خواندن، نوشتن، حساب کردن و مهارت‌های اجتماعی- عاطفی

زهرا قدس^۱، مینا غفوری^{۲*}

۱. دانشجوی دکتری روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

Zahra.quds2017@gmail.com

۲. دکتری روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران mo.ghafouri10@gmail.com

چکیده

نیاز به ابزارهای سنجش شایستگی‌های پایه مانند سواد خواندن و نوشتن و مهارت‌های اجتماعی-عاطفی با چالش‌هایی مانند سوگیری فرهنگی و ناهمخوانی با شرایط محیط‌های غیرغربی روبرو بوده است. این پژوهش با هدف تحلیل سوگیری فرهنگی در ابزارهای سنجش و پیشنهاد راهکارهای بهبود آن انجام شد. روش پژوهش ترکیبی (کمی-کیفی) بود؛ جامعه آماری شامل ۲۹ مطالعه منتشر شده در حوزه سنجش شایستگی‌های پایه (۲۰۲۳-۲۰۰۰) و نمونه‌گیری به صورت غیر تصادفی هدفمند انجام گرفت. مداخله شامل تحلیل ابزارهای استاندارد (پرسشنامه‌های مبتنی بر نظریه منطقه تقریبی رشد ویگوتسکی و استانداردهای بین‌المللی TIMSS و PIRLS) و طراحی مدل‌های سنجش فرهنگ‌پسند بود. داده‌ها با استفاده از تحلیل‌های فرا تحلیلی، مدل‌سازی معادلات ساختاری و کدگذاری مبتنی بر نظریه زمینه‌ای موردبررسی قرار گرفتند. نتایج نشان داد که ابزارهای بومی‌سازی شده به‌طور قابل توجهی موجب بهبود نتایج آموزشی و کاهش نابرابری‌ها شدند، درحالی‌که ابزارهای غربی در بیشتر موارد فاقد اعتبار در جوامع غیرغربی شناخته شدند. همچنین، نقش آموزش معلمان در تطبیق ابزارها با شرایط محلی به‌عنوان عامل کلیدی برجسته شد. درنهایت، یافته‌ها اهمیت طراحی ابزارهای سنجش فرهنگی و آموزش معلمان را در جهت دستیابی به ارزیابی‌های دقیق و عادلانه برجسته کردند.

واژه‌های کلیدی: سوگیری فرهنگی، شایستگی‌های پایه، ابزارهای سنجش، مهارت‌های اجتماعی-عاطفی، نتایج آموزشی





پیش‌بینی اهمال‌کاری بر اساس کمال‌گرایی، خودارجی و خودپنداره تحصیلی

بهروز قلائی^{۱*}، خسرو رشید^۲، افشین افضلی^۳، فاطمه مهدوی راد^۴، زهرا نعیمی^۵

۱. استادیار گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا همدان، ایران *b.ghalaei@basu.ac.ir*

۲. دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا همدان، ایران

khosrorashid@basu.ac.ir

۳. دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا همدان، ایران

afzali.afshin@basu.ac.ir

۴. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران *mahdavaraddfatemeh@gmail.com*

۵. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران *zahranaeimiii2001@gmail.com*

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش پیش‌بینی‌کننده سه متغیر روان‌شناختی کمال‌گرایی، خودارجی و خودپنداره تحصیلی در اهمال‌کاری تحصیلی انجام شده است. این پژوهش از نوع توصیفی همبستگی بوده و جامعه آماری آن دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه دوم ناحیه یک شهر همدان را شامل می‌شود. نمونه‌ای متشکل از ۲۰۰ دانش‌آموز به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی انتخاب و به پرسشنامه‌های اهمال‌کاری تحصیلی سواری (۱۳۹۰)، مقیاس کمال‌گرایی هیل (۲۰۰۴)، مقیاس خودارجی آیزنک (۱۹۷۶) و مقیاس خودپنداره تحصیلی دلاور (۱۳۷۳) پاسخ دادند. داده‌ها با استفاده از روش تحلیل همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره بررسی شدند و نتایج نشان داد که کمال‌گرایی به‌طور مثبت و معناداری اهمال‌کاری تحصیلی را پیش‌بینی می‌کند. درحالی‌که با خودپنداره تحصیلی و خودارجی رابطه‌ای منفی معناداری دارد. نتایج این پژوهش نشان داد هر چه دانش‌آموزان کمال‌گرایی بیشتری داشته باشند، بیشتر دچار اهمال‌کاری تحصیلی می‌شوند و هر چه دانش‌آموزان از خودارجی پایین‌تری برخوردار باشند، میزان اهمال‌کاری در آن‌ها بالاتر می‌رود. همچنین دانش‌آموزانی که از خودپنداره تحصیلی مثبت و بالایی برخوردارند، کمتر دچار اهمال‌کاری تحصیلی می‌شوند. نتایج پژوهش نشان داد که کمال‌گرایی به‌طور معنی‌داری پیش‌بینی‌کننده افزایش اهمال‌کاری تحصیلی است، به‌گونه‌ای که دانش‌آموزان با گرایش‌های کمال‌طلبانه بیشتر، تمایل بیشتری به تعویق انداختن و ظایف تحصیلی دارند. همچنین، خودارجی و خودپنداره تحصیلی به‌طور معناداری با کاهش اهمال‌کاری مرتبط هستند؛ یعنی دانش‌آموزانی که تصویر مثبت‌تری از خود و انگیزه درونی بالاتری دارند، کمتر دچار اهمال‌کاری می‌شوند. این نتایج اهمیت توجه به عوامل روان‌شناختی در مدیریت رفتارهای تحصیلی دانش‌آموزان را برجسته می‌سازد. درنهایت، تقویت خودپنداره تحصیلی و کاهش کمال‌گرایی می‌تواند به کاهش اهمال‌کاری تحصیلی کمک مؤثری کند.

واژه‌های کلیدی: اهمال‌کاری، کمال‌گرایی، خودارجی، خودپنداره تحصیلی.





بررسی تحلیلی چالش‌ها و راهکارهای بهبود کیفیت آموزش در مدارس

ناهید قندهاری علویجه^۱، فاطمه شبیانی^۲

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه پیام نور، (تفت) یزد، ایران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه پیام نور، (تفت) یزد، ایران

چکیده

امروزه آموزش به‌عنوان یکی از شاخص‌های توسعه جوامع شناخته می‌شود و بهبود کیفیت آموزشی همواره موردتوجه پژوهشگران بوده است. این مقاله با هدف بررسی تحلیلی چالش‌ها و راهکارهای بهبود کیفیت آموزش در مدارس انجام شد. روش پژوهش از نوع کتابخانه‌ای بود و جامعه پژوهش شامل کتاب‌ها، مقالات علمی و پایان‌نامه‌های معتبر با موضوع کیفیت آموزشی بود. معیار انتخاب مقالات بر اساس اعتبار و زمان انتشار در سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۳ بود و از یازده منبع داخلی از پایگاه‌های پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران، پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)، پورتال جامع علوم انسانی و سیویلیکا استفاده شد. نتایج بررسی‌ها نشان داد که ضعف در نظام مدیریتی مدارس، کمبود نیروی انسانی توانمند، نبود ساختار آموزشی منعطف و محدودیت در تخصیص منابع مالی از جمله عوامل مؤثر بر کاهش کیفیت آموزش هستند. درنهایت، بر اساس تجربیات موفق برخی کشورها و تحلیل پژوهش‌های معتبر، مجموعه‌ای از راهکارهای کاربردی برای ارتقای کیفیت آموزش ارائه شد. این پژوهش بر اهمیت تقویت منابع مالی و تجهیزات و استفاده از رسانه‌های ملی در فرهنگ‌سازی برای بهبود کیفیت آموزشی تأکید می‌کند.

واژه‌های کلیدی: کیفیت آموزش، چالش‌ها، راهکارها، مدارس





اثربخشی روش یادگیری معکوس بر فراگیری و علاقه دانش‌آموزان به درس عربی (نمونه موردی: دانش‌آموزان دختر دوره‌ی دوم متوسطه شهر داران)

ناهید کاویانی دارانی^۱، لطفعلی عابدی^{۲*}

۱. کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی، موسسه آموزش عالی غیرانتفاعی صفاهان، اصفهان، ایران

nahidkaviany16@gmail.com

۲. دانشیار، گروه علوم تربیتی، موسسه آموزش عالی غیرانتفاعی صفاهان، اصفهان، ایران

ltflibd@yahoo.com

چکیده

با توجه به اهمیت افزایش علاقه و مشارکت دانش‌آموزان در یادگیری و ناکارآمدی روش‌های سنتی تدریس، این مطالعه با هدف بررسی تأثیر روش یادگیری معکوس بر فراگیری و علاقه دانش‌آموزان به درس عربی انجام شد. پژوهش حاضر از نوع نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون و گروه کنترل بود. جامعه آماری شامل ۶۷ دانش‌آموز دختر پایه دهم مدارس غیرانتفاعی شهر داران در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ بود که از این تعداد، ۳۴ دانش‌آموز به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و به‌صورت تصادفی در دو گروه آزمایش (۱۷ نفر) و کنترل (۱۷ نفر) قرار گرفتند. گروه آزمایش به مدت ۸ جلسه تحت آموزش با روش یادگیری معکوس قرار گرفت، درحالی‌که گروه کنترل با روش سنتی (سخنرانی) آموزش دید. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه سنجش علاقه به درس (CIS) کِلِر و سوبیا (۱۹۹۳) و آزمون‌های محقق‌ساخته جمع‌آوری شدند. تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون‌های لوین، رگرسیون و ANCOVA انجام شد. نتایج نشان داد که روش یادگیری معکوس تأثیر معناداری بر افزایش فراگیری و علاقه دانش‌آموزان به درس عربی داشت. این روش نه‌تنها یادگیری را بهبود بخشید، بلکه انگیزه و مشارکت دانش‌آموزان را نیز افزایش داد. درنتیجه، استفاده از روش یادگیری معکوس به‌عنوان یک راهکار مؤثر برای ارتقای کیفیت آموزش درس عربی توصیه می‌شود.

واژه‌های کلیدی: یادگیری معکوس، فراگیری، علاقه، درس عربی، روش تدریس.





ارائه مدل ساختاری پیشرفت تحصیلی بر اساس سرزندگی تحصیلی. اشتیاق به مدرسه. احساس تعلق به مدرسه با میانجی‌گری خودپنداره تحصیلی در دانش‌آموزان

میسره کرامتی^{۱*}، اعظم زارع میرک آباد^۲

۱. دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، آموزش و پرورش، تهران، ایران Kmeysareh@gmail.com
۲. دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات / آموزش و پرورش، تهران، ایران
az.zareh@yahoo.com

چکیده

پدیده اهمال‌کاری تحصیلی به‌عنوان یک چالش روانی-تربیتی، می‌تواند بهزیستی تحصیلی دانش‌آموزان را تحت تأثیر قرار دهد. هدف پژوهش بررسی رابطه هویت تحصیلی و خودکارآمدی تحصیلی با بهزیستی تحصیلی با نقش میانجی اهمال‌کاری تحصیلی در دانش‌آموزان بود. روش پژوهش همبستگی و مدل‌سازی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه اول شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ به تعداد ۳۰۰۰ نفر بودند. از میان آن‌ها، ۳۰۱ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. ابزارهای جمع‌آوری داده‌ها شامل پرسشنامه بهزیستی تحصیلی توومینن-سوینی و همکاران (۲۰۱۲)، پرسشنامه هویت تحصیلی واس و آیزاکسون (۲۰۰۸)، پرسشنامه خودکارآمدی تحصیلی جینکس و مورگان (۱۹۹۹)، و پرسشنامه اهمال‌کاری تحصیلی سولومون و رابلمون (۱۹۸۴) بود. روایی ابزارها از طریق روایی صوری تأیید شد و پایایی آن‌ها با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب ۰٫۸۰، ۰٫۷۲، ۰٫۷۰ و ۰٫۷۱ به دست آمد. نتایج نشان داد که هویت تحصیلی و خودکارآمدی تحصیلی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم از طریق اهمال‌کاری تحصیلی بر بهزیستی تحصیلی تأثیرگذار بودند. یافته‌ها حاکی از آن بود که اهمال‌کاری تحصیلی نقش میانجی در این روابط ایفا می‌کند. این پژوهش بر اهمیت توجه به عوامل هویتی و خودکارآمدی در برنامه‌های مداخله‌ای برای بهبود بهزیستی تحصیلی و کاهش اهمال‌کاری تأکید دارد.

واژه‌های کلیدی: بهزیستی تحصیلی، هویت تحصیلی، خودکارآمدی تحصیلی، اهمال‌کاری تحصیلی





شاداب سازی محیطی و ارتقای سلامت روان در مدارس

میسره کرامتی^{۱*}، اعظم زارع میرک آباد^۲

۱. دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، دانشکده روان‌شناسی، گرمسار، ایران

Kmeysareh@gmail.com

۲. دکتری روان‌شناسی تربیتی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران az.zareh@yahoo.com

چکیده

شاداب سازی محیطی و ارتقای سلامت روان در مدارس به‌عنوان راهبردی کلیدی در بهبود کیفیت آموزش و پرورش شناخته می‌شود. این مقاله با هدف بررسی و بیان راهکارهایی جهت شاداب سازی محیطی و ارتقای سلامت روان در مدارس انجام شد. پژوهش از نوع مروری و کتابخانه‌ای بود. مطالعات تجربی و نظری مرور شدند تا مؤلفه‌های مؤثر در طراحی محیط‌های آموزشی شاداب و ارتقادهنده سلامت روان بررسی شوند. یافته‌ها حاکی از آن بود که عواملی مانند طراحی فضای سبز، نور طبیعی، رنگ‌آمیزی متناسب، امکانات ورزشی و هنری و همچنین ایجاد روابط مثبت بین معلمان و دانش‌آموزان، نقش بسزایی در ایجاد محیطی پویا و حمایتی ایفا می‌کنند. از سوی دیگر، برنامه‌های آموزشی مبتنی بر مهارت‌های اجتماعی-هیجانی، مدیریت استرس و فعالیت‌های گروهی به کاهش مشکلات روانی و افزایش تاب‌آوری دانش‌آموزان کمک شایانی می‌کنند. این پژوهش بر اهمیت هم‌افزایی عوامل فیزیکی و روان‌شناختی برای ایجاد محیط‌های آموزشی سالم و حمایت‌کننده تأکید کرد.

واژه‌های کلیدی: شاداب سازی محیطی، سلامت روان، مدارس، محیط آموزشی، دانش‌آموزان.





تأثیر شاداب سازی محیطی و ارتقا سلامت روانی بهداشت و تغذیه در دانش‌آموزان ابتدایی

شایان کرد*^۱، حمید لشکری^۲، آرمان کرد^۳، عمران دهانی^۴، محمدرضا وکیلی^۵

۱. دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، گروه آموزش علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

Shayankrd10@gmail.com

۲. گروه آموزش جغرافیا، دانشگاه فرهنگیان، صندوق پستی ۸۸۹-۱۴۶۶۵ تهران، ایران lashkari.tjl@gmail.com

۳. دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، گروه آموزش علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان تهران، ایران

۴. دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، گروه آموزش علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان تهران، ایران

۵. دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، گروه آموزش علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان تهران، ایران

چکیده

در سال‌های اخیر، توجه به بهبود کیفیت محیط‌های زندگی به‌ویژه در مدارس افزایش یافته است، زیرا عواملی مانند شاداب سازی محیطی و طراحی فضاهای سبز می‌توانند بر سلامت روانی و تغذیه دانش‌آموزان تأثیر بگذارند. این مطالعه با هدف بررسی رابطه بین شاداب سازی محیطی و سلامت روانی و عادات تغذیه‌ای دانش‌آموزان ابتدایی شهر خاش انجام شد. روش پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی بود؛ جامعه آماری شامل دانش‌آموزان ابتدایی شهر خاش بود و نمونه‌ای ۳۰۰ نفری به‌صورت تصادفی ساده انتخاب شد. ابزارهای گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه سلامت عمومی (GHQ) نوشته‌شده توسط گلدبرگ در سال ۱۹۷۲، پرسشنامه تغذیه‌ای و پرسشنامه شاداب سازی محیطی بود. تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون‌های همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه صورت گرفت. یافته‌ها نشان داد که بین شاداب سازی محیطی و سلامت روانی دانش‌آموزان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد، همچنین بهبود محیط‌های فیزیکی مانند فضاهای سبز و نورپردازی مناسب تأثیر مثبتی بر عادات غذایی و کاهش استرس آنان داشت. نتایج این مطالعه برجسته کرد که شاداب سازی محیطی می‌تواند به‌عنوان یک راهکار مؤثر در ارتقای سلامت روانی و تغذیه دانش‌آموزان مطرح شود؛ بنابراین برنامه‌ریزان شهری و مدارس باید با طراحی فضاهای سبز و بهبود محیط‌های یادگیری، شرایط لازم برای افزایش کیفیت زندگی و سلامت دانش‌آموزان را فراهم کنند.

واژه‌های کلیدی: شاداب سازی محیطی، سلامت روانی، تغذیه، فضاهای سبز، طراحی شهری.





مطالعه تجارب زیسته بزرگان اسلام و انقلاب. رویکردی برای تربیت دانش‌آموز تراز انقلاب اسلامی

زهره کرمی^{۱*}

*۱. استادیار، گروه آموزش علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران karami.edu@cfu.ac.ir

چکیده

یادگیری از طریق تجربه‌های زیسته، رویکردی ارزشمند است که به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا با الهام از زندگی بزرگان، ارزش‌ها و اهداف انقلابی را در عمل زنده نگه دارند و در زندگی خود به کار بندند. هدف پژوهش حاضر، مطالعه تجربه‌های زیسته شخصیت‌های برجسته اسلام و انقلاب اسلامی به منظور تربیت دانش‌آموزانی در تراز آرمان‌های انقلاب اسلامی بود. این پژوهش از روش تحلیل محتوا استفاده کرد. جامعه آماری شامل کتاب‌ها و مقالات مرتبط با یادگیری از طریق تجربه‌های زیسته بود که از پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر داخلی (مگیران، SID و پرتال جامع علوم انسانی) و خارجی (اسکوپوس و گوگل اسکولار) انتخاب شدند. بازه زمانی برای منابع داخلی ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۳ و برای منابع خارجی ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۲ بود. از مجموع ۲۸ منبع یافت‌شده، ۱۶ منبع مرتبط به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. منابع منتخب با استفاده از روش‌های کدگذاری باز و محوری مطالعه و تحلیل شدند. نتایج نشان داد که چارچوب تربیت دانش‌آموزان در تراز آرمان‌های انقلاب اسلامی بر اساس تجربه‌های زیسته، شامل مؤلفه‌هایی چون خودسازی، جهاد علمی، ولایت‌مداری و ایثارگری بود. این یافته‌ها بر اهمیت الگوبرداری از شخصیت‌های برجسته و تأثیر آن بر پرورش نسل انقلابی تأکید کردند.

واژه‌های کلیدی: تجربه‌های زیسته، تربیت دانش‌آموزان، آرمان‌های انقلاب اسلامی، تحلیل محتوا.



هنر متعهد: ابزاری برای تربیت اخلاقی دانش‌آموزان

زهرة کرمی^{۱*}

*۱. استادیار، گروه آموزش علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران karami.edu@cfu.ac.ir

چکیده

تربیت اخلاقی دانش‌آموزان از دغدغه‌های اصلی نظام تعلیم و تربیت محسوب می‌شود. هنر متعهد، با تمرکز بر ارزش‌های دینی، اسلامی و آرمان‌های انقلاب اسلامی، می‌تواند ابزاری مؤثر در پرورش ارزش‌های مذهبی، اسلامی و اخلاقی دانش‌آموزان باشد. این پژوهش با هدف ارائه چارچوبی برای تربیت اخلاقی دانش‌آموزان با بهره‌گیری از هنر متعهد (هنر انقلاب اسلامی) انجام شد. این پژوهش با استفاده از روش مرور نظام‌مند متون صورت گرفت. جامعه پژوهش شامل مقالات معتبر موجود در پایگاه‌های اطلاعاتی داخلی و خارجی در زمینه هنر متعهد و تربیت اخلاقی بود. پس از جستجو در منابع داخلی (۲۰۰۱ تا ۲۰۲۳) و خارجی (۱۹۷۴ تا ۲۰۲۵)، از مجموع ۳۹ مقاله یافت‌شده، ۲۶ مقاله مرتبط با سؤال پژوهش به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از تحلیل مضمون تحلیل شدند. نتایج نشان داد که چهار مضمون اصلی و ۱۴ مضمون فرعی شناسایی شدند که بر اساس آن‌ها چارچوبی برای تربیت اخلاقی دانش‌آموزان با استفاده از هنر متعهد ارائه گردید. این چارچوب بر اهمیت استفاده از هنر متعهد برای ترویج ارزش‌های اخلاقی و دینی در بین دانش‌آموزان تأکید کرد.

واژه‌های کلیدی: هنر متعهد، تربیت اخلاقی، دانش‌آموزان، انقلاب اسلامی.





بررسی رابطه بین خودکارآمدی با بهزیستی تحصیلی دانش‌آموزان

فائزه کمالی^{*۱}

*۱. کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران
Faezehkamali333@gmail.com

چکیده

بهزیستی تحصیلی به عنوان یک پیامد کلیدی آموزشی شناخته می‌شود که به طور قابل توجهی بر موفقیت کلی دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد. هدف این مطالعه بررسی رابطه بین خودکارآمدی و بهزیستی تحصیلی در دانش‌آموزان دختر دبیرستانی شهر تهران بود. این پژوهش از نوع کاربردی با روش توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری شامل دانش‌آموزان دختر پایه دهم تا دوازدهم رشته‌های نظری منطقه ۴ شهر تهران در سال ۱۴۰۳ بود. روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای به کار رفت و حجم نمونه بر اساس اصل شایع داده‌ها تعیین شد. ابزارهای جمع‌آوری داده‌ها شامل پرسشنامه خودکارآمدی شرر و همکاران (۱۹۹۲) با ۱۷ گویه و پرسشنامه بهزیستی تحصیلی تومین-سویینی و همکاران (۲۰۱۲) با ۳۱ گویه بود. داده‌ها با استفاده از همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی چندگانه تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد که بین سه زیرمقیاس خودکارآمدی (ابتکار عمل، تلاش و استقامت) و بهزیستی تحصیلی رابطه مثبت و معناداری وجود داشت. این پژوهش بر اهمیت تقویت خودکارآمدی برای افزایش بهزیستی تحصیلی دانش‌آموزان تأکید کرد.

واژه‌های کلیدی: خودکارآمدی، بهزیستی تحصیلی، دانش‌آموزان، موفقیت تحصیلی





نقش آزمایشگاه مجازی در بهبود آموزش فیزیک

**احمد کامالیان فر*^۱، عباس نوری فیروزی^۲، علی حاج علیزاده^۳، علی اسماعیلی^۴،
 میلاد حمید^۵**

۱. *استادیار، گروه آموزشی علوم پایه، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران a.kamalianfar@cfu.ac.ir
 ۲. دانشجوی کارشناسی آموزش فیزیک، دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید رجایی، شیراز، ایران abbas819179@gmail.com
 ۳. دانشجوی کارشناسی آموزش فیزیک، دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید رجایی، شیراز، ایران alihajalizadeh.1382@gmail.com
 ۴. دانشجوی کارشناسی آموزش فیزیک، دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید رجایی، شیراز، ایران Esmaeili.ali.2003@gmail.com
 ۵. دانشجوی کارشناسی آموزش فیزیک، دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید رجایی، شیراز، ایران milad.hamid2025@gmail.com

چکیده

استفاده از روش‌های سنتی در آموزش فیزیک با چالش‌هایی مانند محدودیت در دسترسی به تجهیزات و کاهش مشارکت دانش‌آموزان همراه بوده است؛ این وضعیت ضرورت بهره‌گیری از فناوری‌های نوین مانند آزمایشگاه‌های مجازی را در بهبود کیفیت یادگیری برجسته می‌کند. این مطالعه با هدف بررسی نقش و اثربخشی آزمایشگاه‌های مجازی در ارتقای یادگیری مفاهیم فیزیک انجام شد. طرح پژوهش مروری و توصیفی بود؛ جامعه آماری شامل مقالات علمی منتشرشده در پایگاه‌های معتبر داخلی و خارجی) مانند Magiran، Google Scholar، (SID) از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۴ بود که نمونه‌ها با روش جستجوی کلیدواژه‌های مرتبط (آزمایشگاه مجازی، آموزش فیزیک، شبیه‌سازی کامپیوتری) انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از تحلیل محتوای کیفی و مقایسه‌ی ویژگی‌های آزمایشگاه‌های مجازی و واقعی مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج نشان داد آزمایشگاه‌های مجازی به دلیل دسترسی آسان، کاهش هزینه‌ها و افزایش انگیزه دانش‌آموزان می‌توانند یادگیری مفاهیم پیچیده فیزیک را تسهیل کنند؛ اما محدودیت‌هایی مانند نبود تجربه‌ی عملی و نیاز به آموزش معلمان در استفاده از این فناوری‌ها به‌عنوان چالش‌های کلیدی شناسایی شدند. به‌طور کلی، آزمایشگاه‌های مجازی می‌توانند ابزار مؤثری در تحول روش‌های آموزش فیزیک باشند، اما یکپارچه‌سازی آن‌ها با برنامه‌های درسی و فراهم‌کردن زیرساخت‌های لازم برای غلبه بر معایب ضروری است.

واژه‌های کلیدی: آزمایشگاه مجازی، آموزش فیزیک، یادگیری، شبیه‌سازی کامپیوتری، ارزیابی عملکرد.





مطالعه تطبیقی مدل جذب و گزینش دانشجو معلم در کشورهای منتخب فرهنگی آیسکو به منظور ارائه مدل مناسب برای کشور ایران

نوراله کیانی^۱، بدری شاه طالبی^۲، محمدعلی نادى^۳

۱. دانشجوی دکتری گروه مدیریت آموزشی، واحد اصفهان (خوراسگان) دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

n.kiyani@iau.ac.ir

۲. گروه مدیریت آموزشی، واحد اصفهان (خوراسگان) دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران bshahtalebi@iau.ac.ir

۳. گروه مدیریت آموزشی، واحد اصفهان (خوراسگان) دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران mnadi@khuif.ac.ir

چکیده

جذب و انتخاب دانشجو-معلمان کارآمد از اهمیت بالایی در کیفیت نظام‌های آموزشی برخوردار است. این پژوهش با هدف بررسی مدل جذب و انتخاب دانشجو-معلم در کشورهای منتخب آیسکو و ارائه مدلی مناسب برای ایران انجام شد. این تحقیق از نوع کاربردی و با روش توصیفی-پیمایشی و رویکرد کمی انجام شد. جامعه آماری شامل اعضای هیئت‌علمی و مدیران پردیس‌های دانشگاه فرهنگیان و همچنین مسئولان گزینش وزارت آموزش و پرورش در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ بود که مجموعاً ۸۷۶ نفر را شامل می‌شد. با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی ساده، یک استان از هر یک از مناطق جغرافیایی شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز کشور انتخاب شد و سپس از طریق نمونه‌گیری سهمیه‌ای، ۲۸۳ نفر انتخاب شدند. ابزار پژوهش پرسشنامه محقق ساخته بود. نتایج این مطالعه نشان داد که کشورهای منتخب آیسکو دارای رویکردهای متنوعی در جذب و انتخاب دانشجو-معلمان بودند که می‌تواند الهام‌بخش طراحی یک مدل بومی مناسب برای ایران باشد. این مدل بومی باید به ابعاد فرهنگی و ساختاری نظام آموزش ایران توجه کند.

واژه‌های کلیدی: دانشجو-معلم، جذب، انتخاب، آیسکو، ایران.





مدل یابی استفاده از آموزش آنلاین و عملکرد درسی دانش‌آموزان دوره اول متوسطه منطقه ۱۴ تهران با توجه به نقش میانجی قابلیت‌های نوآوری آموزشی و توانمندسازی دانش‌آموزان

رستا کیمیایی*

* کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، ایران
shayestehaseaman@gmail.com

چکیده

در عصر جدید، آموزش آنلاین یکی از موضوعات جامع و کارآمد در حوزه ارتقای عملکرد درسی دانش‌آموزان است که می‌توان با کمک توانمندسازی دانش‌آموزان و قابلیت‌های این روش، تأثیر بیشتری داشته باشد. از این رو پژوهش حاضر با هدف مدلیابی استفاده از آموزش آنلاین و عملکرد درسی با توجه به نقش میانجی قابلیت‌های نوآوری آموزشی و توانمندسازی دانش‌آموزان انجام شد. جامعه آماری این پژوهش دانش‌آموزان دوره اول متوسطه منطقه ۱۴ تهران انتخاب شدند که حجم نمونه آماری از طریق فرمول کوکران ۳۴۴ نفر مشخص شد. داده‌ها به کمک روش تصادفی-طبقه‌ای جمع‌آوری و موردبررسی قرار گرفتند. پرسشنامه‌ای برگرفته از پژوهش‌های مورالس و همکاران (۲۰۱۸)، چانوپاس و همکاران (۲۰۰۶)، و شورت و راینهارت (۱۹۹۲) طراحی گردید و برای سنجش پایایی آن یک پایلوت ۴۰ تایی گرفته شد که تمامی متغیرها از پایایی مناسبی برخوردار بودند. تجزیه و تحلیل داده‌ها به کمک شاخص‌های آمار استنباطی (آزمون‌های کلموگروف اسمیرنوف، مدلیابی معادلات ساختاری، شاخص‌های برازش مدل، همبستگی پیرسون، و کفایت نمونه‌برداری) انجام شد. نتایج حاکی از آن بود که آموزش آنلاین تأثیر مثبت و معناداری بر عملکرد درسی، قابلیت‌های نوآوری آموزشی و توانمندسازی دانش‌آموزان داشت. همچنین قابلیت‌های نوآوری آموزشی و توانمندسازی دانش‌آموزان نیز تأثیر مثبت مستقیم و غیرمستقیم معناداری بر عملکرد درسی آنان داشتند. لذا نتایج پژوهش حاضر از این فرض حمایت کرد که قابلیت‌های نوآوری آموزشی به روش آنلاین و توانمندسازی دانش‌آموزان نقش میانجی و مهمی در تأثیر استفاده از آموزش آنلاین بر عملکرد درسی داشتند. این مطالعه به درک بهتر مدیران و مسئولان آموزش و پرورش در این منطقه کمک کرد.

واژه‌های کلیدی: عملکرد درسی، آموزش آنلاین، نوآوری آموزشی، توانمندسازی دانش‌آموزان.





بهبود عدالت آموزشی با هوش مصنوعی و راهکاری برای کاهش شکاف‌های آموزشی در ایران

محسن گلریز*^۱، مصطفی رجب‌زاده^۲

*۱. کارشناس پژوهشسرای اندیشه پویا، آموزش و پرورش، تهران، ایران mohsenarchitect64@gmail.com
۲. کارشناس گروه آموزشی، آموزش و پرورش، تهران، ایران eatemady.m@gmail.com

چکیده

با توجه به تحولات گسترده در فناوری‌های نوین از جمله هوش مصنوعی و فضای مجازی، نظام تعلیم و تربیت به شدت تحت تأثیر قرار گرفته و شکاف‌های آموزشی به دلیل تفاوت‌های منطقه‌ای، اقتصادی و فرهنگی همچنان به‌عنوان یک چالش اصلی در ایران مطرح است. این پژوهش با هدف بررسی نقش این فناوری‌ها در بهبود عدالت آموزشی و کاهش شکاف‌های آموزشی در ایران انجام شد. این مطالعه با رویکرد ترکیبی (کمی-کیفی) صورت پذیرفت؛ در بخش کیفی از روش تحلیل محتوای مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با معلمان و متخصصان فناوری اطلاعات استفاده شد، و در بخش کمی، داده‌ها از طریق پرسشنامه محقق ساخته با پایایی مطلوب (بر اساس آلفای کرونباخ) از نمونه‌ای ۲۰۰ نفره از معلمان و دانش‌آموزان که به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شده بودند، گردآوری گردید. داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد که استفاده مؤثر از هوش مصنوعی می‌تواند به شخصی‌سازی یادگیری، افزایش انگیزه دانش‌آموزان و دسترسی عادلانه‌تر به منابع آموزشی منجر شود؛ با این حال، چالش‌هایی چون کاهش تعاملات اجتماعی، وابستگی به فناوری و نگرانی‌های مربوط به حریم خصوصی نیز مطرح گردید؛ بنابراین، برنامه‌ریزی هدفمند، ارتقای سواد دیجیتال و تدوین مقررات مناسب برای بهره‌برداری ایمن و مؤثر از فناوری‌های نوین در آموزش ضروری است.

واژه‌های کلیدی: هوش مصنوعی، فضای مجازی، تعلیم و تربیت، شکاف آموزشی





بررسی رابطه شاداب سازی محیط با ارتقاء سلامت روانی در معلمان

محبوبه گلشن*^۱، حامد رمضانی پور^۲

۱. کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه پیام نور واحد آستارا/ آموزش و پرورش، رشت، ایران.

mohboubeh.golshan@gmail.com

۲. کارشناسی روان‌شناسی کودکان استثنایی، دانشگاه شهید بهشتی تهران/ آموزش و پرورش، رشت، ایران.

hamedram60@gmail.com

چکیده

حفظ سلامت روان معلمان به عنوان عامل کلیدی در ارتقای کیفیت یادگیری ضروری است؛ با این حال، فشارهای شغلی و محیط نامناسب مدرسه می‌تواند سلامت روان این قشر را به خوبی تحت تأثیر قرار دهد. این مطالعه با هدف بررسی رابطه بین شاداب سازی محیط مدرسه و ارتقای سلامت روان معلمان مدارس استثنایی شهرستان رشت انجام شد. طرح پژوهش توصیفی-پیمایشی بود؛ جامعه آماری شامل ۱۷۴ معلم مدارس استثنایی مقاطع ابتدایی و متوسطه اول بود که ۱۲۰ نفر به صورت تصادفی و در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای جمع‌آوری داده‌ها پرسش‌نامه‌های استاندارد «عوامل مؤثر بر شاداب سازی مدارس» (محقق ساخته) و «سلامت روان» (گلدبرگ، ۱۹۷۹) بودند که روایی و پایایی آن‌ها تأیید شده بود. داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی (فراوانی، میانگین، انحراف استاندارد) و آمار استنباطی (آزمون‌های همبستگی، t مستقل، آنالیز واریانس و رگرسیون) مورد تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان داد بین شاداب سازی محیط مدرسه و سلامت روان معلمان رابطه مثبتی وجود دارد و این ارتباط در تمامی گروه‌های سنی و جنسیتی یکنواخت بود. همچنین تحلیل رگرسیون تأیید کرد که عوامل محیطی می‌توانند پیش‌بینی‌کننده مؤثری بر سلامت روان معلمان باشند. به طور کلی، بهبود محیط آموزشی از طریق شاداب سازی می‌تواند به کاهش استرس و افزایش رضایت شغلی معلمان منجر شود؛ بنابراین، برنامه‌های شاداب سازی محیط مدرسه را می‌توان به عنوان یک راهکار کارآمد در سیاست‌های آموزشی توسعه داد.

واژه‌های کلیدی: شاداب سازی محیط مدرسه، سلامت روان، معلمان، مدارس استثنایی





بازاندیشی در معماری مدارس با رویکرد تربیت تمام‌ساختی الزامات طراحی و مواجهه با چالش‌های نوپدید

فاطمه گلشنی کلور*^۱

*۱. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه علوم و تحقیقات، تهران، ایران fgk1361@gmail.com

چکیده

تحول در دیدگاه‌های تربیتی و تأکید بر رویکرد «تربیت تمام‌ساختی» در اسناد بالادستی نظام آموزشی ایران، ضرورت بازاندیشی در طراحی فضاهای آموزشی را بیش‌ازپیش نمایان ساخت. این مقاله با هدف بررسی الزامات معماری مدارس بر پایه رویکرد تربیت تمام‌ساختی، به تحلیل ابعاد شش‌گانه تربیت و بازتاب آن‌ها در محیط‌های یادگیری پرداخت. در این راستا، ابتدا مفاهیم نظری تربیت تمام‌ساختی واکاوی شد و سپس با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی و مرور نمونه‌های طراحی مدرسه در ایران و سایر کشورها، مؤلفه‌های کلیدی طراحی فضاهای آموزشی شناسایی گردیدند. جامعه پژوهش شامل اسناد رسمی آموزشی، پروژه‌های معماری مدارس منتخب و داده‌های موجود در منابع کتابخانه‌ای و پایگاه‌های اطلاعاتی تخصصی معماری و آموزش بود. نتایج نشان داد که طراحی مدرسه باید فراتر از تأمین نیازهای کالبدی، بستری برای رشد متعادل ساخت‌های گوناگون تربیت فراهم آورد و به موضوعاتی چون انعطاف‌پذیری فضا، تقویت تعاملات اجتماعی، پیوند با طبیعت، ارتقاء سلامت روانی و جسمی و پاسخگویی به نیازهای متنوع دانش‌آموزان توجه کند. این پژوهش بر اهمیت طراحی جامع فضاهای آموزشی برای حمایت از رویکرد تربیت تمام‌ساختی تأکید کرد.

واژه‌های کلیدی: معماری مدارس، تربیت تمام‌ساختی، فضای آموزشی، طراحی مدرسه



اثربخشی آموزش مدیریت خشم بر کارکردهای اجرایی، سازگاری تحصیلی و کفایت اجتماعی

لیلا گنجی^{۱*}، الهام فرزین^۲

۱. استادیار، گروه آموزشی روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

g.leila4531@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

Elhamfarzinn97@gmail.com

چکیده

بهبود مهارت‌های شناختی و اجتماعی دانش‌آموزان به‌عنوان چالشی کلیدی در حوزه آموزش مطرح شده است. این پژوهش با هدف ارزیابی تأثیر مداخله‌ای آموزشی بر بهبود کارکردهای اجرایی، سازگاری تحصیلی و کفایت اجتماعی دانش‌آموزان انجام شد. روش پژوهش شبه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون بود؛ جامعه آماری شامل ۳۰ دانش‌آموز مقطع ابتدایی شهر اراک و نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند صورت گرفت ($n=30$ ، شامل ۱۵ نفر گروه آزمایش و ۱۵ نفر گروه کنترل). گروه آزمایش تحت مداخله شامل تمرین‌های تقویت کارکردهای اجرایی و استراتژی‌های تقویت سازگاری اجتماعی-تحصیلی قرار گرفتند. ابزارهای مورد استفاده پرسشنامه کارکردهای اجرایی (برکلی، ۲۰۱۱)، پرسشنامه سازگاری تحصیلی (هاشمی‌نسب و همکاران، ۱۳۹۷) و مقیاس کفایت اجتماعی (کومار و سینگ، ۲۰۱۵) بودند. داده‌ها با استفاده از آزمون‌های آماری مقایسه نتایج پیش‌آزمون و پس‌آزمون مورد تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان داد که مداخله مذکور نقش مؤثری در ارتقای کارکردهای اجرایی، سازگاری تحصیلی و کفایت اجتماعی گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل داشت و این بهبود در تمامی متغیرها به‌طور معناداری مشاهده شد. درنهایت، یافته‌ها اهمیت استفاده از روش‌های آموزشی هدفمند در محیط‌های آموزشی را برای تقویت مهارت‌های شناختی و اجتماعی دانش‌آموزان برجسته کردند.

واژه‌های کلیدی: کارکردهای اجرایی، سازگاری تحصیلی، کفایت اجتماعی، مداخله آموزشی، دانش‌آموزان

رابطه سبک مدیریتی مدیران با تعهد سازمانی و کارآمدی معلمان ابتدایی منطقه تبادکان

رؤیا گولانی^۱، مریم فانی دیسفانی^۲، اکرم ملول^۳

۱. کارشناسی ارشد آموزش و پرورش ابتدایی، دانشگاه آزد اسلامی واحد مشهد / آموزش و پرورش تبادکان، مشهد، ایران معاون اجرایی.
royagulani@gmail.com
۲. کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه آزد اسلامی واحد مشهد / آموزش و پرورش تبادکان، مشهد، ایران
maryamfani66@gmail.com
۳. کارشناسی ارشد ارتباطات اجتماعی، دانشگاه آزد اسلامی واحد قوچان / آموزش و پرورش تبادکان، مشهد، ایران
tahoora2013g@gmail.com

چکیده

امروزه، مدیریت اثربخش به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی در ارتقای کیفیت آموزش شناخته می‌شود. در این راستا، سبک مدیریتی مدیران می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر تعهد سازمانی و اثربخشی معلمان مدارس ابتدایی داشته باشد. این مطالعه با توجه به اهمیت تعهد و اثربخشی معلمان در فرآیند تدریس-یادگیری، به بررسی این روابط در منطقه تبادکان پرداخت. این پژوهش از نظر هدف کاربردی، از نظر ماهیت توصیفی-همبستگی و از نظر نوع داده کمی بود. جامعه آماری شامل تمامی مدیران مدارس ابتدایی منطقه تبادکان، به تعداد ۳۵۰ نفر، و تمامی معلمان ابتدایی بود. حجم نمونه مدیران ۱۸۵ نفر و معلمان ۲۰۰ نفر بر اساس نمونه‌گیری غیرتصادفی هدفمند تعیین شد. ابزارهای جمع‌آوری داده‌ها شامل پرسشنامه سبک مدیریت هر سی و بلانچارد، پرسشنامه تعهد سازمانی آلن و مایر (۱۹۹۱) و پرسشنامه اثربخشی معلمان گلدبرگ (۱۹۹۸) بودند. داده‌ها با استفاده از تحلیل رگرسیون چندگانه تحلیل شدند. نتایج نشان داد که سبک‌های مدیریتی مختلف مدیران، به‌ویژه سبک‌های مشارکت‌جو و تحول‌گرا، با تعهد سازمانی و اثربخشی معلمان رابطه مثبت و معنی‌داری داشتند. همچنین، تعهد سازمانی معلمان نیز به‌طور معنی‌داری با اثربخشی آن‌ها مرتبط بود. این یافته‌ها بر اهمیت سبک‌های مدیریتی مناسب برای افزایش تعهد و اثربخشی معلمان تأکید می‌کند و می‌تواند در برنامه‌ریزی‌های آموزشی و توسعه حرفه‌ای مدیران مدارس مورد استفاده قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: سبک مدیریت، تعهد سازمانی، اثربخشی معلمان.



بررسی اهمیت و ضرورت پویایی و شادابی محیط آموزشی و رابطه آن با افزایش مشارکت تحصیلی دانش‌آموزان

حمیدرضا لشکری^{۱*}، اله نظر علی صوفی^۲، محمد شاه‌زهی^۳، محمدرضا روحی^۴

۱. استادیار، گروه آموزشی جغرافیا، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران lashkari.tji@gmail.com

۲. استادیار، گروه آموزشی جغرافیا، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران an.alisofi@cfu.ac.ir

۳. دانشجو معلم کاردانی آموزش ابتدایی پردیس شهید مطهری زاهدان، ایران Samershahozhi9@gmail.com

۴. دانشجو معلم کاردانی آموزش ابتدایی پردیس شهید مطهری زاهدان، ایران anten1215@gmail.com

چکیده

در نظام‌های آموزشی معاصر، کیفیت محیط یادگیری به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی در اثربخشی فرآیندهای تربیتی شناخته می‌شود. این مطالعه با هدف بررسی اهمیت و ضرورت پویایی و شادابی محیط آموزشی و رابطه آن با افزایش مشارکت تحصیلی دانش‌آموزان انجام شد. پژوهش حاضر با طرح مروری-کتابخانه‌ای اجرا شد و جامعه آماری آن شامل منابع علمی داخلی (۱۳۸۰-۱۴۰۲) و خارجی (۲۰۰۳-۲۰۲۳) در پایگاه‌های اطلاعاتی SID، Magiran و Google Scholar بود. نمونه‌ها به روش هدفمند و بر اساس معیار اعتبار علمی انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها، فرم استخراج داده محقق‌ساخته بود و داده‌ها با روش تحلیل محتوای کیفی موردبررسی قرار گرفتند. نتایج نشان داد که محیط‌های آموزشی پویا و شاداب موجب تقویت تعاملات اجتماعی، افزایش انگیزه درونی و خلاقیت، کاهش اضطراب تحصیلی و درنهایت ارتقای مشارکت تحصیلی دانش‌آموزان شدند. درنتیجه، توجه به پویایی و شادابی محیط آموزشی به‌عنوان یک ضرورت تربیتی می‌تواند نقش مؤثری در بهبود کیفیت یادگیری و مشارکت فعال دانش‌آموزان ایفا کند.

واژه‌های کلیدی: مشارکت تحصیلی، پویایی محیط آموزشی، کیفیت یادگیری، انگیزه درونی، تحلیل محتوای کیفی.





چالش‌های هوشمندسازی مدارس و نقش آن در یادگیری سریع دانش‌آموزان

حمیدرضا لشکری^{۱*}، سجاد باقری^۲، آریان یارمحمدزهی چاه بیدی^۳

۱. استادیار، گروه آموزشی جغرافیا، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران lashkari.tji@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، پردیس شهید مطهری، دانشگاه فرهنگیان زاهدان، ایران

saajaadbagherii09az@gmail.com

۳. دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، پردیس شهید مطهری، دانشگاه فرهنگیان زاهدان، ایران rigiariyan23@gmail.com

چکیده

با توجه به گسترش فناوری و ضرورت همگام‌سازی نظام آموزشی با آن، هوشمندسازی مدارس به‌عنوان یک راهکار کلیدی مطرح شده است. این تحقیق با هدف بررسی چالش‌های هوشمندسازی مدارس و تأثیر آن بر یادگیری سریع دانش‌آموزان انجام شد. این پژوهش از روش کتابخانه‌ای با رویکرد کیفی استفاده کرد. منابع شامل مقالات علمی، کتب، پایان‌نامه‌ها و گزارش‌های تحقیقاتی مرتبط با موضوع بود که با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند در بازه زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۲ انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از روش تجزیه و تحلیل محتوای کیفی تحلیل شدند. یافته‌ها نشان دادند که هوشمندسازی مدارس می‌تواند در تسریع یادگیری و افزایش تعاملات کلاسی تأثیر مثبت داشته باشد. با این حال، موانعی نظیر کمبود تجهیزات، آموزش ناکافی معلمان، و مشکلات زیرساختی، پیاده‌سازی مؤثر آن را با چالش مواجه کرده بود؛ بنابراین، برای بهره‌برداری کامل از پتانسیل هوشمندسازی، رفع این چالش‌ها و ارائه راهکارهای عملی ضروری به نظر می‌رسد.

واژه‌های کلیدی: هوشمندسازی مدارس، یادگیری سریع، چالش‌ها، فناوری





مدیریت مشارکتی و تصمیم‌گیری جمعی مبتنی بر پژوهش و تفکر انتقادی در آموزش و پرورش

حمیدرضا لشکری^{۱*}، اله نظر علی صوفی^۲، علی حیدری^۳، عرفان جلیلی نیا^۴

۱. استادیار، گروه آموزشی جغرافیا، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران lashkari.tji@gmail.com

۲. استادیار، گروه آموزشی جغرافیا، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران an.alisofi@cfu.ac.ir

۳. دانشجو معلم کاردانی آموزش ابتدایی پردیس شهید مطهری زاهدان. ایران aliheidary1384.aliheidary@gmail.com

۴. دانشجو معلم کاردانی آموزش ابتدایی پردیس شهید مطهری زاهدان. ایران erfanjalilinia82@gmail.com

چکیده

نظام‌های آموزشی معاصر، مدیریت مشارکتی را رویکردی کلیدی برای ارتقای کیفیت آموزش و پرورش شهروندان مسئول می‌دانند. این مطالعه با هدف توسعه چارچوبی بومی برای مدیریت مشارکتی مدرسه‌محور مبتنی بر پژوهش و تفکر انتقادی در مدارس ایران انجام شد. یک تحلیل مقایسه‌ای کیفی صورت گرفت و ۲۰ منبع علمی (شامل ۱۰ مورد داخلی از سال‌های ۲۰۱۶-۲۰۲۳ و ۱۰ مورد بین‌المللی از سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۲۳) که با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند از پایگاه‌های اطلاعاتی Scopus، Web of Science، Magiran و Noormags جمع‌آوری شده بودند، مورد بررسی قرار گرفتند. داده‌ها با استفاده از چارچوب مدیریت مشارکتی و تحلیل محتوای کیفی تحلیل شدند. یافته‌ها نشان دادند که مدل‌های موفق جهانی بر پنج مؤلفه اصلی شامل مشارکت فعال ذی‌نفعان، تصمیم‌گیری مبتنی بر شواهد، توسعه حرفه‌ای مستمر، تفکر انتقادی و فرهنگ سازمانی حمایتی استوار بودند. این پژوهش بر اهمیت بومی‌سازی اصول مدیریت مشارکتی با توجه به ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی ایران تأکید کرد و چارچوبی عملی برای مدیران و سیاست‌گذاران آموزشی ارائه داد.

واژه‌های کلیدی: مدیریت مشارکتی، تفکر انتقادی، مدرسه‌محور، کیفیت آموزش.





مدرسه تراز اسلامی-ایرانی، مدلی برای پرورش انسان متعادل در تراز انقلاب اسلامی

حمیدرضا لشکری^۱، میلاد کرد^۲، یونس قربانی^۳، محمدناصری^۴

۱. گروه آموزشی جغرافیا، دانشگاه فرهنگیان، صندوق پستی ۱۴۶۶۵-۸۸۹ تهران، ایران lashkari.tjl@gmail.com

۲. دانشجو معلم کاردانی آموزش ابتدایی پردیس شهید مطهری زاهدان. kmylad821@gmail.com

۳. دانشجو معلم کاردانی آموزش ابتدایی پردیس شهید مطهری زاهدان. ghorbaniyounes304@gmail.com

۴. دانشجو معلم کاردانی آموزش ابتدایی پردیس شهید مطهری زاهدان. mn7666167@gmail.com

چکیده

تحقق اهداف عالیه نظام جمهوری اسلامی ایران در حوزه تعلیم و تربیت، مستلزم طراحی الگوهایی بومی و منطبق با مبانی اسلامی-ایرانی است. از این رو، طراحی مدلی مفهومی برای مدرسه‌ای که بتواند در تراز ارزش‌های انقلاب اسلامی قرار گیرد، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر در مسیر تربیت نسلی متعادل، مؤمن، خلاق و تمدن‌ساز به شمار می‌رود. هدف پژوهش حاضر، طراحی یک مدل مفهومی برای مدرسه تراز اسلامی-ایرانی در راستای پرورش انسان متعادل و تمدن‌ساز در تراز انقلاب اسلامی بود. این پژوهش با روش کیفی و رویکرد نظریه‌مبنایی انجام شد. جامعه پژوهش شامل اسناد بالادستی، بیانات مقام معظم رهبری و دیدگاه‌های خبرگان تعلیم و تربیت بود که به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. داده‌ها از طریق تحلیل مضمون و کدگذاری باز، محوری و گزینشی تحلیل شدند. نتایج نشان داد که مدل مدرسه تراز اسلامی-ایرانی بر مبانی تربیتی اسلام، با تأکید بر ساحت‌های شش‌گانه تربیت، نقش محوری معلم و مشارکت خانواده، استوار بود. این مدل به پرورش انسان متعادل، مؤمن و متعهد به آرمان‌های انقلاب اسلامی کمک کرد.

واژه‌های کلیدی: مدرسه تراز، انقلاب اسلامی، تربیت اسلامی، مدل مفهومی.





معماری مدرسه آینده‌نگر. همگرایی تربیت تمام‌ساختی با فناوری‌های نوین در طراحی فضاهای آموزشی

حمیدرضا لشکری^۱، محمد محمد نژاد^۲، شعیب ریگی بیداستری^۳، طاها احمد زهی^۴

۱. گروه آموزشی جغرافیا، دانشگاه فرهنگیان، صندوق پستی ۱۴۶۶۵-۸۸۹ تهران، ایران lashkari.tjl@gmail.com

۲. دانشجو معلم کردانی آموزش ابتدایی پردیس شهید مطهری زاهدان. mohamadmir09876@gmail.com

۳. دانشجو معلم کردانی آموزش ابتدایی پردیس شهید مطهری زاهدان. shoeybrigi40@gmail.com

۴. دانشجو معلم کردانی آموزش ابتدایی پردیس شهید مطهری زاهدان. tahaahmadzahi66@gmail.com

چکیده

در عصر تحولات فناورانه و پیچیدگی زیست‌جهان انسان، مدارس نیازمند بازنگری در نقش و ساختار خود بودند. هدف پژوهش حاضر، ارائه الگویی مفهومی برای طراحی فضاهای آموزشی آینده‌نگر مبتنی بر تربیت تمام‌ساختی و فناوری‌های نوین بود. این پژوهش کیفی، از نوع تحلیلی-توصیفی، با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند به تحلیل محتوای اسناد، مقالات و تجارب موفق بین‌المللی و داخلی در حوزه طراحی مدرسه پرداخت. ابزار گردآوری داده‌ها شامل چک‌لیست تحلیل محتوای منابع معتبر داخلی و بین‌المللی بود و تحلیل داده‌ها به روش تحلیل مضمون انجام گرفت. نتایج نشان داد که طراحی فضاهای آموزشی آینده‌نگر مستلزم توجه به انعطاف‌پذیری فضا، استفاده از فناوری‌های هوشمند، و ایجاد محیط‌های یادگیری مشارکتی و مبتنی بر پژوهش بود. این پژوهش بر اهمیت رویکردی جامع در طراحی مدارس تأکید کرد که نه تنها به ابعاد فیزیکی و فناورانه، بلکه به ابعاد تربیتی و فرهنگی نیز توجه کند.

واژه‌های کلیدی: معماری مدرسه، فضاهای آموزشی، تربیت تمام‌ساختی، فناوری نوین.



هم‌آوایی خانه و مدرسه در تربیت ادبی: راهکارهای روان‌شناختی برای مشارکت والدین در فرایند یاددهی-یادگیری ادبیات فارسی و ارزیابی آن در مدرسه تراز

افسانه لطفی عظیمی^۱، فریده محسنی هنجنی^۲، فرزانه بنیان پور^۳

۱. استادیار گروه روان‌شناسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۳. دانشجوی کارشناسی روان‌شناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

چکیده

مشارکت فعال والدین در تعلیم و تربیت فرزندان، به‌ویژه در حوزه آموزش زبان و ادبیات، نقشی بنیادین در موفقیت تحصیلی و رشد همه‌جانبه آنان ایفا می‌کند و از اصول کلیدی مدرسه تراز به شمار می‌رود. با این وجود، موانعی چون عدم آگاهی والدین از شیوه‌های مؤثر، این مشارکت را محدود می‌سازد. پژوهش حاضر با هدف طراحی، اجرا و ارزیابی یک برنامه مداخله‌ای مبتنی بر راهکارهای روان‌شناختی برای افزایش سطح و کیفیت مشارکت والدین در فرایند یاددهی-یادگیری ادبیات فارسی دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایی انجام گرفت. این مطالعه با رویکرد اقدام‌پژوهی ترکیبی (کیفی-کمی) در یک مدرسه ابتدایی و با مشارکت ۴۵ والد و ۳ معلم ادبیات فارسی طی یک سال تحصیلی به اجرا درآمد. در مرحله نخست (نیازسنجی)، با استفاده از پرسشنامه و مصاحبه با والدین و معلمان، موانع و نیازهای موجود شناسایی شد. سپس، بسته مداخله‌ای «همراهان ادبی» بر اساس اصول روان‌شناختی مانند نظریه خودکارآمدی و تعیین سرنوشت، شامل چهار کارگاه آموزشی برای والدین (با موضوعاتی چون ایجاد محیط ادبی غنی در خانه، گفتگوهای ادبی مؤثر، جزوات راهنما و تشکیل گروه مجازی پشتیبانی، طراحی و اجرا گردید. داده‌ها از طریق پرسشنامه مشارکت والدین (پیش‌آزمون و پس‌آزمون)، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته، گروه‌های کانونی و لاگ ثبت فعالیت‌های ادبی والدین جمع‌آوری شد. نتایج کمی حاصل از آزمون تی وابسته نشان‌دهنده افزایش معنادار در میانگین نمرات مشارکت والدین (در ابعاد مختلف مانند مطالعه مشترک و فراهم‌سازی منابع) پس از اجرای برنامه بود ($P < 0/001$). همچنین، فراوانی فعالیت‌های ادبی مشترک والدین و فرزندان در خانه افزایش یافت و نمرات درس ادبیات دانش‌آموزان مرتبط نیز بهبود نسبی نشان داد. یافته‌های کیفی نیز حاکی از افزایش اعتمادبه‌نفس، انگیزه و مهارت والدین برای همراهی فرزندان در فعالیت‌های ادبی بود. والدین، کاربردی بودن راهکارها و تأثیر مثبت آن بر رابطه با فرزندان را گزارش کردند. این پژوهش اثربخشی راهکارهای روان‌شناختی در تقویت مشارکت والدین در تربیت ادبی فرزندان را تأیید می‌کند و بر ضرورت سرمایه‌گذاری مدارس بر برنامه‌های توانمندسازی والدین به‌منظور تحقق هم‌آوایی مؤثر خانه و مدرسه و دستیابی به اهداف والای مدرسه تراز تأکید می‌ورزد.

واژه‌های کلیدی: مشارکت والدین، تربیت ادبی، ادبیات فارسی، راهکارهای روان‌شناختی، اقدام‌پژوهی، هم‌آوایی خانه و مدرسه، مدرسه تراز.



بررسی الگوهای ارزیابی جامع و تأثیر آن‌ها بر مهارت‌های اجتماعی و عاطفی دانش‌آموزان: مطالعه‌ای کیفی از تجربیات معلمان در مدارس تراز

هانیه مبصر^۱، ثمین جولای مجیدی^۲، شیوا خلیلی^۳، فرشته رزاقی^۴

۱. کارشناسی ارشد آموزش و بهسازی منابع انسانی، دانشگاه ارومیه / آموزش و پرورش، ارومیه، ایران

۲. کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه ارومیه / آموزش و پرورش، ارومیه، ایران

۳. کارشناسی علوم تربیتی، دانشگاه ارومیه / آموزش و پرورش، ارومیه، ایران

۴. کارشناسی علوم تربیتی، دانشگاه ارومیه / آموزش و پرورش، ارومیه، ایران

چکیده

در سال‌های اخیر، نظام‌های آموزشی به‌سوی ارزیابی‌های جامع و چندبعدی حرکت کرده‌اند تا علاوه بر مهارت‌های شناختی، به رشد اجتماعی و عاطفی دانش‌آموزان نیز توجه شود. مدارس تراز نیز به‌عنوان محیط‌هایی پیشرو، بستر مناسبی برای اجرای چنین الگوهایی فراهم کرده‌اند. این پژوهش با هدف بررسی الگوهای ارزیابی جامع و تأثیر آن‌ها بر مهارت‌های اجتماعی و عاطفی دانش‌آموزان انجام شد. پژوهش حاضر از نوع کیفی با طرح پدیدارشناسی بود. جامعه آماری شامل معلمان شاغل در مدارس تراز ناحیه ۲ ارومیه، استان آذربایجان غربی، در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ بود. با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند، ۱۲ معلم از سه مدرسه انتخاب شدند. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته جمع‌آوری شدند و ابزار مورد استفاده، پرسش‌نامه مصاحبه نیمه ساختاریافته پژوهشگر ساخته، طراحی شده بر اساس چارچوب‌های تحلیل رفتاری و عاطفی گلدمن (۱۹۹۵) بود. داده‌ها با روش تحلیل مضمون بر اساس رویکرد براون و کلارک تحلیل شدند. یافته‌ها نشان دادند که استفاده از الگوهای ارزیابی جامع موجب رشد معنادار مهارت‌های نرم در دانش‌آموزان شده است. معلمان شرکت‌کننده بیان کردند که این نوع ارزیابی‌ها خودآگاهی، خودتنظیمی، توانایی دریافت و ارائه بازخورد، مهارت‌های بین‌فردی و همدلی را در دانش‌آموزان تقویت کرده و زمینه‌ساز ارتباطات سالم‌تر، مشارکت فعال‌تر و کاهش اضطراب ارزیابی‌های سنتی شده است. همچنین مشخص شد که وجود بازخوردهای توصیفی، فرصت خودارزیابی و مشارکت در فرآیند یادگیری، انگیزه و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان را افزایش داده است. با این حال، چالش‌هایی نظیر کمبود زمان در کلاس، عدم آموزش کافی معلمان و نبود ساختار اجرایی یکپارچه برای پیاده‌سازی ارزیابی جامع به‌عنوان موانع اصلی مطرح شدند. نتایج این پژوهش بر ضرورت بازنگری در نظام‌های ارزیابی و فراهم‌سازی بسترهای اجرایی، آموزشی و سیاستی مناسب برای به‌کارگیری مؤثرتر این الگوها تأکید دارد. ارتقاء کیفیت آموزش در مدارس تراز نیازمند نهادینه‌سازی ارزیابی‌های جامع با تمرکز بر رشد متوازن شناختی، اجتماعی و هیجانی دانش‌آموزان است.

واژه‌های کلیدی: ارزیابی جامع، مدارس تراز، مهارت‌های اجتماعی، مهارت‌های عاطفی، معلمان، تحلیل مضمون.





تکنولوژی‌های کلیدی در مدارس هوشمند: از کلاس‌های دیجیتال تا یادگیری مبتنی بر داده

معصومه محسن نژاد^{۱*}

۱. دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران m.mnejad11@gmail.com

چکیده

اظهار فناوری در زمینه آموزش، مدارس هوشمند به عنوان راه‌حلی نوآورانه برای بهبود فرایندهای تدریس و یادگیری پدیدار شده‌اند. این مقاله با ارائه یک بررسی تحلیلی-مروری، به بررسی تأثیر فناوری‌های کلیدی، از جمله کلاس‌های درس دیجیتال و یادگیری داده‌محور، بر فرآیند آموزشی پرداخت. در این مطالعه، پژوهش‌های قبلی انجام شده در حوزه مدارس هوشمند جمع‌آوری و تحلیل شدند تا دیدگاه‌های متنوع در این حوزه بررسی شوند. جامعه آماری شامل کلیه مقالات و اسناد مرتبط با مدارس هوشمند از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۵ بود که از طریق روش‌های جستجوی سیستماتیک انتخاب شدند. مداخلات شامل تحلیل محتوای مقالات و استخراج داده‌های اولیه از مطالعات قبلی بودند. روش‌های تحلیلی شامل تحلیل کیفی و مرور مضمونی بود که به شناسایی الگوهای مشترک و اثرات کلیدی فناوری‌ها بر یادگیری کمک کردند. نتایج نشان داد که ادغام فناوری‌های نوآورانه در آموزش منجر به افزایش انگیزه دانش‌آموزان، تقویت تعاملات آموزشی و بهبود کیفیت تدریس در میان مربیان شد. در نتیجه، این مطالعه بر اهمیت استفاده از فناوری‌های کلیدی در فرآیند آموزشی مدارس هوشمند و نیاز به توسعه بیشتر در این زمینه تأکید کرد.

واژه‌های کلیدی: مدارس هوشمند، فناوری، کلاس‌های درس دیجیتال، یادگیری داده‌محور، کیفیت آموزش.



نقش تحلیل روان‌شناختی شخصیت‌های ادبیات کلاسیک فارسی در پرورش شایستگی‌های عاطفی-اجتماعی دانش‌آموزان (مطالعه موردی در چارچوب مدرسه تراز)

فریده محسنی هنجانی^۱، افسانه لطفی عظیمی^۲

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. استادیار گروه روان‌شناسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

پرورش شایستگی‌های عاطفی-اجتماعی (شاعا) به‌عنوان یکی از ارکان تربیت تمام‌ساحتی در مدرسه تراز، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ادبیات کلاسیک فارسی، با گنجینه‌ای از شخصیت‌های پیچیده و داستان‌های پرمایه، بستر مناسبی برای کاوش در هیجانات، انگیزه‌ها و روابط انسانی فراهم می‌آورد. این پژوهش با هدف اصلی بررسی تأثیر یک برنامه آموزشی مبتنی بر تحلیل روان‌شناختی شخصیت‌های منتخب از ادبیات کلاسیک فارسی بر ارتقاء سطح شایستگی‌های عاطفی-اجتماعی دانش‌آموزان انجام پذیرفت. روش پژوهش، نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون همراه با گروه کنترل بود که بر روی ۶۰ دانش‌آموز پسر پایه هشتم یک مدرسه (به‌عنوان مطالعه موردی با رویکرد مدرسه تراز) اجرا شد. شرکت‌کنندگان به‌طور تصادفی در دو گروه آزمایش (۳۰ نفر) و کنترل (۳۰ نفر) قرار گرفتند. گروه آزمایش به مدت ۱۲ هفته (جلسات ۹۰ دقیقه‌ای هفتگی) تحت آموزش بسته مداخله‌ای شامل تحلیل روان‌شناختی داستان‌ها و شخصیت‌های منتخب از متون کهن (مانند کلیله و دمنه، گلستان، مثنوی) با استفاده از بحث‌های گروهی هدایت‌شده، ایفای نقش و کاربرگ‌های تحلیلی قرار گرفتند. در حالی که گروه کنترل برنامه معمول ادبیات فارسی را دنبال می‌کردند. ابزار اصلی گردآوری داده‌ها، پرسشنامه استاندارد شایستگی‌های عاطفی-اجتماعی دانش‌آموز بود که در مراحل پیش و پس از مداخله تکمیل شد. یافته‌ها نشان داد که گروه آزمایش در پس‌آزمون، در نمره کلی شایستگی‌های عاطفی-اجتماعی و همچنین در تمامی پنج مؤلفه آن شامل خودآگاهی، خودمدیریتی، آگاهی اجتماعی، مهارت‌های ارتباطی و تصمیم‌گیری مسئولانه، پیشرفت معناداری نسبت به گروه کنترل داشته‌اند. نتایج این پژوهش نشان داد که آموزش مبتنی بر تحلیل روان‌شناختی شخصیت‌های ادبیات کلاسیک فارسی تأثیر قابل‌توجه و مثبت بر ارتقای شایستگی‌های عاطفی-اجتماعی دانش‌آموزان دارد. دانش‌آموزانی که در گروه آزمایش شرکت کردند، در همه مؤلفه‌های مهم این شایستگی‌ها شامل خودآگاهی، خودمدیریتی، آگاهی اجتماعی، مهارت‌های ارتباطی و تصمیم‌گیری مسئولانه نسبت به گروه کنترل پیشرفت معناداری نشان دادند. داده‌های کیفی نیز بیانگر افزایش توانایی دانش‌آموزان در درک و بیان هیجانات، تقویت همدلی و تحلیل رفتارهای شخصیتی بود. این یافته‌ها حاکی از آن است که ترکیب ادبیات فارسی با رویکردهای روان‌شناختی، بستری مؤثر برای پرورش مهارت‌های عاطفی و اجتماعی فراهم می‌کند و می‌تواند به‌عنوان راهکاری کارآمد در مدارس به‌ویژه در چارچوب مدرسه تراز به کار گرفته شود. درنهایت، این روش آموزشی موجب ارتقاء سلامت روان و کیفیت تربیت تمام‌ساحتی دانش‌آموزان می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: تحلیل روان‌شناختی، ادبیات کلاسیک فارسی، شایستگی‌های عاطفی-اجتماعی، تربیت تمام‌ساحتی، مدرسه تراز، آموزش ادبیات.



نقش الگویی معلم به‌عنوان کنشگر اصلی در یادگیری درس فارسی دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه

فریده محسنی هنجانی^۱

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

یادگیری مؤثر درس فارسی در دوره دوم متوسطه، نقشی کلیدی در توسعه مهارت‌های زبانی و ادبی دانش‌آموزان ایفا می‌کند. معلم به‌عنوان کنشگر محوری، نه تنها دانش را منتقل می‌نمود، بلکه به‌عنوان یک الگو، بر ابعاد مختلف یادگیری دانش‌آموزان تأثیرگذار بود. این پژوهش با هدف اصلی تبیین و تحلیل نقش الگویی معلم درس فارسی بر یادگیری (شامل انگیزه، درک مطلب و مهارت‌های نگارشی) دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه انجام پذیرفت. این پژوهش با رویکرد کمی و با استفاده از روش پیمایشی توصیفی-همبستگی انجام شد. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه منطقه ۲ شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ بود. از این جامعه، نمونه‌ای به حجم [تعداد نمونه را ذکر کنید، برای مثال: ۳۰۰ نفر] با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب گردید. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه‌ای محقق ساخته بود که روایی آن توسط متخصصان تعلیم و تربیت و زبان و ادبیات فارسی تأیید و پایایی آن نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ (با ضریب [مقدار آلفا را ذکر کنید، برای مثال: ۰/۸۵]) محاسبه و تأیید شد. پرسشنامه شامل گویه‌هایی برای سنجش ابعاد مختلف نقش الگویی معلم (مانند ویژگی‌های شخصیتی، تسلط علمی، مهارت‌های ارتباطی و اخلاق حرفه‌ای) و سطح یادگیری دانش‌آموزان در درس فارسی (انگیزه تحصیلی، نمرات آزمون‌های درک مطلب و کیفیت نگارش) بود. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS و با بهره‌گیری از آمار توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی (آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندمتغیره) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها نشان داد که بین ابعاد مختلف نقش الگویی معلم (ویژگی‌های شخصیتی، تسلط علمی، مهارت‌های ارتباطی و اخلاق حرفه‌ای) و مؤلفه‌های یادگیری درس فارسی در دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه (انگیزه تحصیلی، نمرات درک مطلب و کیفیت نگارش) رابطه مثبت و معناداری وجود داشت (سطح معناداری $p < 0.05$). تحلیل رگرسیون نیز نشان داد که متغیرهای مرتبط با نقش الگویی معلم، بخش قابل‌توجهی از واریانس یادگیری درس فارسی را در دانش‌آموزان تبیین نمودند. به‌طور مشخص، ویژگی‌هایی نظیر اشتیاق معلم به تدریس، عدالت در رفتار، و توانایی برقراری ارتباط صمیمانه و مؤثر، بیشترین تأثیر را بر افزایش انگیزه و بهبود عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان در درس فارسی داشتند. یافته‌های این پژوهش بر اهمیت بنیادین نقش الگویی معلمان فارسی در فرآیند یادگیری دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه تأکید ورزید. مشخص گردید که ویژگی‌ها و رفتارهای معلم به‌عنوان یک الگو، تأثیر مستقیمی بر جنبه‌های شناختی و عاطفی یادگیری زبان فارسی داشته است؛ بنابراین، توجه به پرورش و تقویت ابعاد الگویی در معلمان، در کنار ارتقاء صلاحیت‌های علمی و آموزشی ایشان، می‌توانست به بهبود کیفیت نظام آموزش زبان و ادبیات فارسی و افزایش عمق یادگیری دانش‌آموزان منجر شود. این نتایج می‌توانست در برنامه‌ریزی‌های آموزشی و دوره‌های تربیت و بازآموزی معلمان مورد استفاده قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: نقش الگویی معلم، یادگیری درس فارسی، دانش‌آموزان دختر، دوره دوم متوسطه، روش پیمایشی، همبستگی پیرسون، منطقه ۲ تهران.





رابطه‌ی شادکامی با خودکارآمدی

حسین محقق^{۱*}، زهرا نبی‌ئی نوید^۲، نازنین احمدی^۳

۱. دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

h.mohagheghi@basu.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی روان‌شناسی، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

n.ahmadi@eco.basu.ac.ir

چکیده

از طریق تعامل مؤثر، رشد تحصیلی، شادکامی و سلامت روان دانش‌آموزان توسط خانواده و مدرسه تضمین شده است. آموزش شادکامی و تقویت خودکارآمدی نیز منجر به بهبود تحصیلی و کاهش آسیب‌های روان‌شناختی شده است. هدف این مطالعه، بررسی رابطه بین شادکامی دختران دبیرستانی و خودکارآمدی آنها، همراه با سه مؤلفه آن بود. این مطالعه توصیفی-همبستگی بر روی نمونه‌ای متشکل از ۱۶۰ دانش‌آموز دختر انجام شد که از سه دبیرستان (شاهد، هجرت و حجاب) با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. شرکت‌کنندگان، همگی دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم در رشته‌های ریاضی، تجربی و انسانی بودند. ابزارهای پژوهش شامل مقیاس خودکارآمدی جینکس و مورگان (۱۹۹۹) و پرسشنامه شادکامی آرجیل و همکاران (۱۹۸۹) بودند. تحلیل همبستگی پیرسون رابطه معناداری بین شادکامی و خودکارآمدی، همچنین مؤلفه‌های خودکارآمدی عمومی، اجتماعی و تحصیلی، نشان داد. این یافته‌ها بر اهمیت تقویت خودکارآمدی برای افزایش شادکامی و بهبود تحصیلی در دانش‌آموزان تأکید کردند.

واژه‌های کلیدی: شادکامی، خودکارآمدی، دانش‌آموزان دختر، رابطه همبستگی، سلامت روان.





طراحی مدل‌های تربیتی پژوهش‌محور در مدارس با تأکید بر ظرفیت‌های کتابخانه‌های نوین

مریم محمدعلی نژاد*^۱

۱. گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران
m.mohamadalinjad@iau.ac.ir

چکیده

در دهه‌های اخیر، تحول نقش کتابخانه‌های مدرسه‌ای از فضای منابع‌محور به محیطی فعال در یادگیری پژوهش‌محور چالش برانگیز بوده است؛ این وضعیت ضرورت طراحی مدل‌های نوآورانه برای یکپارچه‌سازی کتابخانه‌ها با روش‌های آموزشی مبتنی بر پرسشگری را برجسته می‌کند. این مطالعه با هدف طراحی و ارزیابی مدل پداگوژیک تلفیقی MoRBLS برای یادگیری پژوهش‌محور در مدارس مبتنی بر ظرفیت‌های کتابخانه‌های مدرن انجام شد. طرح پژوهش ترکیبی (کمی و کیفی) بود؛ جامعه آماری شامل دانش‌آموزان و فعالان آموزشی (معلمان و کتابداران) در ده مدرسه بود که ۳۰۰ دانش‌آموز و ۳۰ معلم/کتابدار به صورت هدفمند انتخاب شدند. داده‌ها با پرسشنامه‌های ساختاریافته (طراحی‌شده توسط پژوهشگر در سال ۱۴۰۲) و مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته جمع‌آوری شدند. روش تحلیل داده‌ها شامل آمار توصیفی، آزمون‌های تی مستقل، همبستگی پیرسون، رگرسیون چندمتغیره و تحلیل مضمون بازتابی بود. نتایج نشان داد یکپارچه‌سازی کتابخانه‌های مدرن با آموزش مبتنی بر پرسشگری به‌طور معناداری مشارکت، انگیزه و مهارت‌های پژوهشی دانش‌آموزان را افزایش داده است؛ همچنین همکاری فعال بین معلمان و کتابداران به‌عنوان عامل کلیدی در موفقیت مدل شناسایی شد. به‌طور کلی، مدل MoRBLS به‌عنوان یک چارچوب مؤثر در توسعه آموزش پژوهش‌محور مطرح شد و ضرورت حمایت‌های سیستمی برای گسترش آن در نظام آموزشی تأکید شد.

واژه‌های کلیدی: یادگیری پرسش‌محور، کتابخانه‌های مدرسه‌ای، مدل‌های پداگوژیک، نوآوری آموزشی، مهارت‌های پژوهشی.



الگوی کاوش مفهوم: رویکردی فعال در تدریس ریاضی

علیرضا محمدی^{۱*}

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران
alirezamohammadi@sru.ac.ir

چکیده

روش‌های سنتی تدریس ریاضی کمترین اثربخشی را در یادگیری مفهومی دانش‌آموزان دارند و نیاز به استفاده از الگوهای فعال و نوین یاددهی-یادگیری امری ضروری است. هدف این پژوهش، ارائه مفهوم چندضلعی‌ها با استفاده از الگوی کاوش (دریافت) مفهوم و بررسی اثربخشی آن در بین دانش‌آموزان پایه هفتم دبیرستان متوسطه اول شهر خمین بود. این مطالعه از نوع توصیفی-کیفی انجام شد؛ جامعه آماری شامل تمامی دانش‌آموزان کلاس هشتم یکی از دبیرستان‌های شهر خمین بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس، ۲۴ نفر انتخاب شدند. مداخله شامل آموزش مفهوم چندضلعی‌ها در قالب مراحل الگوی کاوش مفهوم (ارائه نمونه‌های مثبت و منفی، آزمون فراگیری مفهوم و تحلیل راهبردهای تفکر) بود. داده‌ها با استفاده از مشاهده تعامل دانش‌آموزان در کلاس و پاسخ‌های آن‌ها به نمونه‌های ارائه شده جمع‌آوری شد و روش تحلیل مضمون برای بررسی پیشرفت آنان در تشخیص نمونه‌های مثبت و منفی به کار گرفته شد. نتایج نشان دادند دانش‌آموزان در مراحل اولیه با چالش‌هایی در تشخیص ویژگی‌های مفهومی مواجه بودند، اما با افزایش تعداد نمونه‌ها، توانایی آن‌ها در شناسایی صحیح نمونه‌ها بهبود یافت و در پایان تمامی دانش‌آموزان مفهوم را به درستی فراگرفتند. همچنین، استفاده از این الگو باعث ایجاد فضایی پویا و مشارکتی در کلاس شد. نتیجه‌گیری این مطالعه حاکی از آن است که الگوی کاوش مفهوم می‌تواند به عنوان یک روش مؤثر در آموزش مفاهیم ریاضی مورد استفاده قرار گیرد و با ایجاد تعامل فعال، یادگیری عمیق‌تری را برای دانش‌آموزان فراهم کند.

واژه‌های کلیدی: الگوی کاوش مفهوم، ریاضی، چندضلعی، یادگیری فعال، مفهوم‌پردازی



اثربخشی آموزش راهبردهای نوین شناختی در چهارچوب (DOLA) بر بهبود تفکر انتقادی: یک مطالعه فراتحلیل

مسعود محمدی^۱، سید داوود حسینی نسب^{۲*}، علی نقی اقدسی^۳

۱. دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران masoud.mohammadi.psy@gmail.com

۲. *استاد، گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران d.hosseininasab@gmail.com

۳. استادیار، گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران alinaghi.aghdasi@iaut.ac.ir

چکیده

امروزه، تنوع روش‌های آموزشی، طبقه‌بندی و بررسی اثربخشی هر یک از روش‌های آموزشی را از قبل ضروری ساخته است. هدف این مطالعه بررسی اثربخشی آموزش راهبردهای شناختی نوین در چهارچوب نظریه (DOLA) بر ارتقای تفکر انتقادی بود. روش این مطالعه فراتحلیل بود و جامعه آماری آن کلیه مقالات در پایگاه داده SID بودند. از بین ۴۴ مطالعه انجام شده، ۲۱ مطالعه به‌عنوان نمونه بر اساس معیارهای شمول و طرد انتخاب شدند و ۴۱ اندازه اثر بررسی شد. نتایج نشان داد که آموزش در چهارچوب نظریه (DOLA) تفاوت معناداری در یادگیری تفکر انتقادی ایجاد کرد. باین‌حال، اندازه اثر بین سطوح یادگیری متفاوت بود. در مدل اثر تصادفی، اثر ترکیبی یادگیری غیرفعال با کوچک‌ترین اندازه اثر، کمترین تأثیر را بر یادگیری داشت و یادگیری تعاملی بیشترین تأثیر را نشان داد. این پژوهش بر اهمیت آموزش راهبردهای شناختی در چهارچوب DOLA برای بهبود تفکر انتقادی تأکید کرد.

واژه‌های کلیدی: راهبردهای شناختی، تفکر انتقادی، فراتحلیل، DOLA، اثربخشی آموزش.





سطوح یادگیری روش نوین یادگیری شناختی (DOLA) و نحوه پیاده‌سازی آن در مدارس

مسعود محمدی^۱، سید داوود حسینی نسب^{۲*}، علی نقی اقدسی^۳

۱. دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران masoud.mohammadi.psy@gmail.com

۲. استاد، گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران d.hosseininasab@gmail.com

۳. استادیار، گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران alinaghi.aghdasi@iaut.ac.ir

چکیده

در آموزش و پرورش ایران، روش‌های سنتی تدریس به دلیل حجم بالای محتوای درسی، تمرکز بر آزمون‌های استاندارد و نبود زیرساخت‌های مناسب، غالب شده‌اند؛ این وضعیت ضرورت استفاده از چارچوب‌های نوآورانه مانند DOLA (چارچوب سطح انفعالی، فعال، سازنده‌گرا و تعاملی) برای توسعه مهارت‌های تحلیلی و مشارکتی دانش‌آموزان را برجسته می‌کند. این مطالعه با هدف بررسی قابلیت‌های چارچوب DOLA در نظام آموزشی ایران و ارائه راهکارهای پیاده‌سازی آن انجام شد. طرح پژوهش ترکیبی (کمی و کیفی) بود؛ جامعه آماری شامل دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر تهران بود که ۱۱۷ نفر به روش طبقه‌بندی شده و تصادفی انتخاب شدند. مداخله شامل اجرای فعالیت‌های آموزشی مبتنی بر چارچوب DOLA در چهار سطح انفعالی، فعال، سازنده‌گرا و تعاملی در طول چند هفته بود. ابزارها شامل پرسشنامه انگیزش تحصیلی والرند (AMS-HS 28)، والرند (۲۰۰۷) و آزمون محقق ساخته برای سنجش تفکر انتقادی و سواد رسانه‌ای بودند. داده‌ها با استفاده از تحلیل کوواریانس چندمتغیره و تحلیل مضمون کیفی موردبررسی قرار گرفتند. نتایج نشان داد که استفاده از چارچوب DOLA به‌ویژه در سطح تعاملی و سازنده‌گرا، موجب بهبود معنادار پیشرفت تحصیلی و تقویت تفکر انتقادی دانش‌آموزان شد و یادگیری عمیق‌تر و معنادارتری نسبت به روش‌های سنتی فراهم کرد. به‌طور کلی، چارچوب DOLA می‌تواند راهکار مؤثری برای توسعه مهارت‌های شناختی پیچیده در نظام آموزشی ایران باشد، اما نیازمند تغییرات سیستمی در برنامه‌های درسی و آموزش معلمان است.

واژه‌های کلیدی: چارچوب DOLA، تفکر انتقادی، پیشرفت تحصیلی، روش‌های آموزشی، ایران.





مروری بر رویکردهای نوین مدیریت مدارس هوشمند مبتنی بر هوش مصنوعی و داده‌کاوی

فاطمه محمدی^{۱*}، احمد محمدی^۲

۱. کارشناسی مدیریت دولتی، دانشگاه پیام نور مرکز گرمی / آموزش و پرورش، تهران، بهارستان، ایران
fatememohammadi201718@gmail.com

۲. واحد تحقیق و توسعه، شرکت تفتاکو، واحد فناوری مستقر در پارک علم و فناوری استان اردبیل، ایران
boiran.ir@gmail.com

چکیده

با پیشرفت فناوری‌های اطلاعاتی و هوش مصنوعی، مدارس هوشمند به‌عنوان یکی از مهم‌ترین تحولات در بخش آموزشی ظهور یافته‌اند. این مطالعه مروری با هدف بررسی و تحلیل رویکردهای نوین در مدیریت مدارس هوشمند بر پایه هوش مصنوعی و داده‌کاوی انجام شد. بدین منظور، مقالات معتبر بین‌المللی منتشر شده طی سه سال اخیر به‌صورت نظام‌مند مورد بازبینی قرار گرفتند. روش پژوهش شامل مرور نظام‌مند ادبیات، تحلیل مقایسه‌ای روش‌های پیاده‌سازی سیستم‌های هوشمند، و بررسی معیارهای ارزیابی عملکرد بود. یافته‌ها نشان داد که سیستم‌های مدیریت مدارس مبتنی بر هوش مصنوعی - با بهره‌گیری از ماژول‌هایی مانند مدیریت اطلاعات دانش‌آموزی، برنامه‌ریزی درسی هوشمند، ارزیابی عملکرد مبتنی بر داده، و یادگیری شخصی‌سازی شده - تأثیر قابل توجهی بر بهبود کیفیت آموزش و بهینه‌سازی فرآیندهای اداری داشتند. معیارهای ارزیابی این سیستم‌ها شامل بهبود عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان، دقت سیستم‌های ارزیابی، و افزایش کارایی فرآیندهای مدیریتی بود؛ بنابراین، بهره‌گیری از هوش مصنوعی و داده‌کاوی در مدارس می‌تواند به ارتقای کارایی و کیفیت نظام آموزشی کمک شایانی کند.

واژه‌های کلیدی: مدارس هوشمند، هوش مصنوعی، داده‌کاوی، مدیریت آموزشی.





مدیریت هوشمند مدارس با هوش مصنوعی: چالش‌ها، فرصت‌ها و روندهای آینده (مطالعه مروری)

فاطمه محمدی^{۱*}، احمد محمدی^۲

۱. کارشناسی مدیریت دولتی، دانشگاه پیام نور مرکز گرمی / آموزش و پرورش، تهران، بهارستان، ایران

@gmail.com:۲۰۱۷۸۸fatememohammadi

۲. واحد تحقیق و توسعه، شرکت تفتاکو، واحد فناوری مستقر در پارک علم و فناوری استان اردبیل، ایران boiran.ir@gmail.com

چکیده

هوش مصنوعی به‌عنوان یک فناوری نوظهور، نقش مهمی در تحول نظام‌های آموزشی و مدیریت مدارس ایفا کرده است. هدف این مطالعه بررسی چالش‌ها، فرصت‌ها و روندهای آینده در مدیریت هوشمند مدارس، با تکیه بر یافته‌های تحقیقات اخیر در کاربردهای هوش مصنوعی در آموزش بود. این مطالعه با استفاده از روش مرور یکپارچه انجام شد. برای اطمینان از دقت، فرآیند مرور شامل جستجو در پایگاه‌های داده معتبر دانشگاهی مانند اسکوپوس، وب آو ساینس و گوگل اسکالر برای مقالات منتشر شده بین سال‌های ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۵ بود. از بین بیش از ۶۰ مقاله بازیابی شده، ۲۷ مقاله بر اساس معیارهای شمول و طرد برای تحلیل نهایی انتخاب شدند. داده‌های استخراج‌شده از مقالات منتخب با استفاده از تحلیل مضمونی تحلیل شدند. نتایج نشان داد که هوش مصنوعی فرصت‌های قابل توجهی برای بهبود کارایی و اثربخشی مدیریت مدارس ارائه می‌دهد، اما چالش‌هایی نظیر مسائل اخلاقی، حفظ حریم خصوصی و نیاز به آموزش معلمان نیز وجود دارد. این پژوهش به پتانسیل هوش مصنوعی در تحول سیستم‌های آموزشی اشاره کرد.

واژه‌های کلیدی: هوش مصنوعی، مدیریت مدرسه، آموزش، چالش‌ها، فرصت‌ها.





طراحی الگوی تربیتی «تکامل» مبتنی بر بیانات مقام معظم رهبری با رویکرد کاربرست در مدارس

مریم محمدی^{۱*}، اشکان رفعتی^۲

۱. استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران mm2.Ir@iau.ac.ir

۲. کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران ashkan.rafaty54321@gmail.com

چکیده

در پاسخ به نیازهای روزافزون نظام آموزشی و ضرورت ارتقای کیفیت تعلیم و تربیت، این پژوهش با هدف طراحی الگوی آموزشی «تکاملی» با تأکید بر قابلیت کاربرد آن در محیط مدرسه و براساس تحلیل نظام‌مند بیانات مقام معظم رهبری در زمینه تعلیم و تربیت انجام شد. این مطالعه کیفی با استفاده از روش تحلیل مضمون و براساس مدل شش مرحله‌ای براون و کلارک صورت گرفت. جامعه پژوهش شامل کلیه بیانات، پیام‌ها و سخنرانی‌های مقام معظم رهبری از سال ۱۳۶۸ تا ۱۴۰۲ در حوزه تعلیم و تربیت بود. از میان آن‌ها، ۵۰ سند (شامل سخنرانی‌های رسمی، دیدارهای با فرهنگیان و پیام‌های مناسبتی) به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. معیارهای انتخاب اسناد، تمرکز مستقیم بر مفاهیم آموزشی، تکرار مضامین و تنوع بسترها بودند. در فاز کدگذاری، ابتدا ۱۸ مضمون پایه (مانند «تربیت توحیدی»، «نقش معلم» و «ارتباط با جامعه») استخراج شدند. سپس این مضامین در ۶ مضمون سازمان‌دهنده (شامل «ساختار تربیتی مدرسه»، «رشد تدریجی» و «عاملیت مربی») دسته‌بندی و در نهایت به ۳ مضمون فراگیر (شامل «نظام آموزشی متکامل»، «تربیت جامع» و «انسان‌سازی در تراز انقلاب») تبدیل شدند. نتایج نشان داد که الگوی طراحی شده می‌تواند به‌عنوان یک چارچوب عملی برای برنامه‌ریزان آموزشی مورداستفاده قرار گیرد. این الگو، راهبردهای مؤثری را برای دستیابی به تربیت جامع و انسان‌سازی متناسب با اهداف انقلاب اسلامی ارائه داد و می‌توان از آن برای اصلاح و بهبود فرآیندهای آموزشی و پرورشی در مدارس بهره برد.

واژه‌های کلیدی: الگوی آموزشی، تربیت متکامل، مقام معظم رهبری، تحلیل مضمون.



بررسی رابطه مدیریت مشارکتی و تصمیم‌گیری جمعی مبتنی بر پژوهش و کانون‌های تفکر با عملکرد کارکنان و معلمان مدارس استثنایی

فیروزه محمدی^{۱*}، سهیل انصاری پیری^۲، زهرا نیکی^۳

۱. کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت / آموزش و پرورش، رشت، ایران

mohammadifiroozehh2017@gmail.com

۲. کارشناسی علوم تربیتی، پردیس امام علی (ع) رشت / آموزش و پرورش، رشت، ایران Soheil.ansari11111@gmail.com

۳. کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه غیرانتفاعی احرار رشت / آموزش و پرورش، رشت.

zahrani7425@gmail.com

چکیده

نقش مدیریت مشارکتی و تصمیم‌گیری جمعی در بهبود عملکرد کارکنان و معلمان مدارس استثنایی به‌عنوان یکی از چالش‌های کلیدی در حوزه آموزش و توسعه منابع انسانی شناخته شده است. این پژوهش با هدف بررسی رابطه مدیریت مشارکتی و تصمیم‌گیری جمعی مبتنی بر پژوهش و کانون‌های تفکر با عملکرد کارکنان و معلمان مدارس استثنایی انجام شد. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بود؛ جامعه آماری شامل تمامی کارکنان و معلمان مدارس استثنایی شهر رشت و نمونه‌گیری به صورت تصادفی ساده انجام گرفت ($n=136$) مداخله شامل ارزیابی متغیرهای مورد مطالعه با استفاده از پرسشنامه‌های مدیریت مشارکتی (چوپانی، ۱۳۸۹)، سبک‌های تصمیم‌گیری عمومی (اسکات و بروس، ۱۹۹۵) و عملکرد کارکنان (شعبانی، ۱۳۹۳) بود. داده‌ها با استفاده از آزمون‌های همبستگی، رگرسیون خطی چندمتغیره، t مستقل و تحلیل واریانس مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج نشان داد که میان مدیریت مشارکتی، تصمیم‌گیری جمعی و عملکرد کارکنان رابطه مثبت معناداری وجود دارد و ابعاد مشارکت کارکنان در حل مشکلات و تغییرات سازمانی برجسته‌ترین تأثیر را در بهبود عملکرد داشتند. همچنین، معلمان و کارکنان با سابقه کار بیشتر به‌طور قابل توجهی عملکرد بهتری داشتند. در نهایت، یافته‌ها اهمیت طراحی برنامه‌های مدیریت مشارکتی و تقویت کانون‌های تفکر در مدارس استثنایی را برای ارتقای کیفیت یاددهی-یادگیری برجسته کردند.

واژه‌های کلیدی: مدیریت مشارکتی، تصمیم‌گیری جمعی، پژوهش مبتنی، کانون‌های تفکر،
عملکرد کارکنان



بررسی ارتباط بین سبک‌های یادگیری و نگرش‌های آموزشی دانش‌آموزان

محمد مهدی محمدی^۱، محترم روحانی^۲

۱. کارشناسی آموزش ابتدایی / آموزش و پرورش d.71.mohammadi@gmail.com

۲. فوق‌دیپلم آموزش ابتدایی / آموزش و پرورش

چکیده

با توجه به تنوع سبک‌های یادگیری و تأثیر آن‌ها بر نگرش‌های آموزشی، بررسی رابطه بین این دو موضوع به عنوان یک چالش مهم در حوزه آموزش مطرح شد. هدف این مقاله مروری تحلیلی رابطه بین سبک‌های یادگیری و نگرش‌های آموزشی دانش‌آموزان بود. برای دستیابی به این هدف، تحلیل محتوای مقالات و پژوهش‌های پیشین به کار رفت تا الگوهای موجود در این رابطه شناسایی شود. یافته‌ها نشان داد که سبک‌های یادگیری مختلف، تأثیرات متفاوتی بر نگرش‌های آموزشی دانش‌آموزان داشتند و برخی از سبک‌ها با افزایش انگیزه و علاقه به یادگیری مرتبط بودند. همچنین، این رابطه بر عملکرد تحصیلی و موفقیت دانش‌آموزان نیز تأثیر گذاشت. در نهایت، بر اهمیت در نظر گرفتن سبک‌های یادگیری در طراحی برنامه‌های آموزشی و ارائه پیشنهادهایی برای بهبود نگرش‌های آموزشی دانش‌آموزان تأکید شد.

واژه‌های کلیدی: سبک‌های یادگیری، نگرش آموزشی، دانش‌آموزان، عملکرد تحصیلی





مقایسه سیستم‌های آموزشی هوشمند مبتنی بر هوش مصنوعی

شهین محمدیان^{۱*}

۱. کارشناسی ریاضی دانشگاه خوارزمی / معلم مقطع دبیرستان آموزش و پرورش استان کردستان شهرستان دیواندره
mohammdianshahin@gmail.com

چکیده

با توجه به تحولات فناورانه و ناکارآمدی روش‌های سنتی آموزشی، این مطالعه با هدف مقایسه ساختار، مزایا و چالش‌های سیستم‌های آموزشی هوشمند مبتنی بر هوش مصنوعی انجام شد. پژوهش حاضر از نوع توصیفی-اسنادی بود و جامعه آماری آن شامل مقالات علمی، گزارش‌های پژوهشی و اسناد رسمی مرتبط با آموزش هوشمند و هوش مصنوعی در بازه زمانی ۲۰۱۵-۲۰۲۳ (منابع خارجی) و ۱۳۹۵-۱۴۰۲ (منابع داخلی) بود. نمونه پژوهش شامل ۳۰ منبع داخلی و ۴۰ منبع خارجی بود که به روش نمونه‌گیری هدفمند و بر اساس معیارهای اعتبار علمی، ارتباط محتوایی و پوشش مفهومی انتخاب شدند. داده‌ها از پایگاه‌های اطلاعاتی SID، Magiran، IranDoc، ScienceDirect، Springer و ERIC استخراج شدند و با استفاده از فرم ثبت اطلاعات محقق‌ساخته و روش تحلیل محتوای کیفی موردبررسی قرار گرفتند. یافته‌ها نشان داد که سیستم‌های هوشمند آموزشی موجب افزایش مشارکت، خودتنظیمی و انگیزش تحصیلی می‌شوند، اما چالش‌هایی مانند ضعف زیرساخت‌ها و نبود محتوای بومی در ایران وجود دارد. در نتیجه، موفقیت این سیستم‌ها مستلزم سیاست‌گذاری فناورانه، توانمندسازی معلمان و توسعه محتوای بومی است.

واژه‌های کلیدی: سیستم‌های آموزشی هوشمند، هوش مصنوعی، یادگیری تطبیقی، تحلیل محتوای کیفی، چالش‌های بومی‌سازی.





واکاوی تجارب زیسته والدین دانش‌آموزان از چالش‌های فضای مجازی

عبدالباسط محمودپور^۱، نورا گیلانی نژاد^۲، لیلا بیرانوند^۳

۱. دکتری مشاوره، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۳. کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

چکیده

پژوهش حاضر با هدف واکاوی تجارب زیسته والدین دانش‌آموزان از چالش‌های فضای مجازی انجام شده است. با توجه به گسترش روزافزون دسترسی دانش‌آموزان به فضای مجازی و نقش مهم والدین در هدایت و نظارت بر استفاده از آن، فهم عمیق از نگرش‌ها، دغدغه‌ها و تجارب والدین در این زمینه ضرورت دارد. روش پژوهش کیفی و با رویکرد پدیدارشناسی انجام شد. شرکت‌کنندگان شامل ۱۶ نفر از والدین دانش‌آموزان مقطع متوسطه بودند که به صورت هدفمند و با رعایت معیار اشباع نظری انتخاب شدند. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته گردآوری و با استفاده از تحلیل مضمون بررسی شدند. یافته‌ها نشان داد که والدین با چالش‌هایی نظیر کاهش تعاملات خانوادگی، وابستگی افراطی به فضای مجازی، مواجهه با محتوای نامناسب، کاهش تمرکز و افت تحصیلی و ناتوانی در مدیریت زمان مواجه هستند. همچنین، احساس ناتوانی در کنترل رفتار آنلاین فرزندان، شکاف نسلی دیجیتال و فقدان آموزش‌های تخصصی برای والدین از دیگر مضمین‌های کلیدی بود. والدین خواستار برنامه‌ریزی نهادهای آموزشی و رسانه‌ای برای ارتقاء سواد رسانه‌ای خود و فرزندان‌شان بودند. نتایج این پژوهش می‌تواند مبنایی برای طراحی مداخلات آموزشی، فرهنگی و حمایتی جهت توانمندسازی والدین در مواجهه با فضای مجازی باشد. بر این اساس، توانمندسازی والدین از طریق آموزش سواد رسانه‌ای، تدوین راهبردهای نظارتی هوشمندانه و مشارکت نهادهای آموزشی و فرهنگی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر در کاهش آسیب‌های فضای مجازی برای دانش‌آموزان محسوب می‌شود.

واژه‌های کلیدی: فضای مجازی، والدین، تجارب زیسته، دانش‌آموزان، چالش‌های تربیتی، پدیدارشناسی.





بررسی رابطه بین خودمتمایزسازی، تنظیم هیجان و حمایت اجتماعی ادراک‌شده با میزان تحمل پریشانی در میان دانش‌آموزان

عبدالباسط محمودپور^۱، نورا گیلانی نژاد^۲، لیلا بیرانوند^۳

۱. دکتری مشاوره، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۳. کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

چکیده

تحمل پریشانی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی تاب‌آوری روان‌شناختی، نقش مهمی در سلامت روان دانش‌آموزان ایفا می‌کند. هدف این پژوهش، بررسی رابطه بین خودمتمایزسازی، تنظیم هیجان و حمایت اجتماعی ادراک‌شده با میزان تحمل پریشانی در میان دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم بود. روش پژوهش توصیفی-همبستگی و جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان پسر و دختر مقطع متوسطه دوم در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ در شهر رشت بود. نمونه‌ای به حجم ۳۵۰ نفر با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب و با استفاده از پرسشنامه‌های خودمتمایزسازی اسکورن و فریدمان (۱۹۹۸)، تنظیم هیجان گراس و جان (۲۰۰۳)، حمایت اجتماعی ادراک‌شده زیمت و همکاران (۱۹۸۸) و پرسشنامه تحمل پریشانی سیمونز و گاهر (۲۰۰۵) مورد ارزیابی قرار گرفتند. نتایج تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه نشان داد که هر سه متغیر پیش‌بین با تحمل پریشانی رابطه مثبت و معناداری دارند. همچنین، حمایت اجتماعی ادراک‌شده به‌عنوان عامل تقویت‌کننده در مقابله با موقعیت‌های استرس‌زا عمل نمود. نتایج این پژوهش نشان داد که خودمتمایزسازی، تنظیم هیجان و حمایت اجتماعی ادراک‌شده به‌طور معناداری تحمل پریشانی دانش‌آموزان را پیش‌بینی می‌کنند. دانش‌آموزانی که توانایی تفکیک هیجانات خود از دیگران را دارند، از راهبردهای سالم تنظیم هیجان بهره می‌برند و حمایت اجتماعی را بیشتر ادراک می‌کنند، در مواجهه با موقعیت‌های استرس‌زا، از تاب‌آوری و تحمل روانی بالاتری برخوردارند؛ بنابراین، آموزش مهارت‌های تنظیم هیجان و تقویت احساس تعلق و حمایت اجتماعی در محیط مدرسه، می‌تواند به‌عنوان راهبردی مؤثر برای ارتقای سلامت روان دانش‌آموزان و افزایش ظرفیت تحمل پریشانی آن‌ها در نظر گرفته شود.

واژه‌های کلیدی: خودمتمایزسازی، تنظیم هیجان، حمایت اجتماعی ادراک‌شده، تحمل پریشانی، سلامت روان دانش‌آموزان.





نقش فناوری کمک‌آموزشی در بهبود یادگیری مفاهیم ریاضی در دانش‌آموزان ناشنوا

مجید محمودی^{*۱}

*۱. کارشناسی مشاوره، دانشگاه فرهنگیان، بوشهر، ایران، آموزش و پرورش، آبادان، ایران

Majidmahmoodi099@gmail.com

چکیده

دانش‌آموزان با ناتوانی‌های شنوایی اغلب با چالش‌هایی در یادگیری مفاهیم ریاضی مواجه هستند، زیرا روش‌های سنتی تدریس قادر به پاسخگویی به نیازهای خاص آنان نیستند. این مطالعه با هدف بررسی تأثیر استفاده از فناوری‌های کمک‌آموزشی در بهبود یادگیری ریاضی دانش‌آموزان کم‌شنوا انجام شد. روش پژوهش شبه‌تجربی بود؛ جامعه آماری شامل ۶۰ دانش‌آموز پایه سوم ابتدایی با اختلال شنوایی بود که به دو گروه آزمایش (استفاده از فناوری‌های کمک‌آموزشی) و گواه (تدریس سنتی) تقسیم شدند. مداخله شامل ۱۲ جلسه آموزشی با استفاده از فیلم‌های آموزشی، نرم‌افزار تعاملی و زبان اشاره بود. ابزار گردآوری داده‌ها آزمون پیشرفت تحصیلی معلم‌ساخته با روایی و پایایی تأییدشده بود. داده‌ها با استفاده از آزمون تحلیل کوواریانس تجزیه و تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد که گروه آزمایش در مقایسه با گروه گواه بهبود معناداری در مفاهیم ریاضی (مانند اعداد، عملیات حسابی و اندازه‌گیری زمان) داشتند. همچنین، استفاده از فناوری‌های تعاملی به افزایش انگیزه و مشارکت فعال دانش‌آموزان منجر شد. نتایج این مطالعه برجسته کرد که ادغام فناوری‌های کمک‌آموزشی در برنامه‌های درسی می‌تواند به عنصر مؤثری در کاهش نابرابری‌های یادگیری دانش‌آموزان ناشنوا عمل کند؛ بنابراین، طراحی روش‌های تدریس خلاقانه و انطباق‌پذیر با نیازهای ویژه آنان ضروری است.

واژه‌های کلیدی: فناوری کمک‌آموزشی، اختلال شنوایی، یادگیری ریاضی، دانش‌آموزان ناشنوا.





پیش‌بینی اهمال‌کاری تحصیلی بر اساس اعتیاد به اینترنت و ناهماهنگی شناختی

عطاالله محمودی^{۱*}، محمد آزاد عبدالله‌پور^۲

۱. دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مهاباد، مهاباد، ایران

atamahmodi2016@gmail.com

۲. استادیار، گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مهاباد، مهاباد، ایران

m.a.abdollahpour@gmail.com

چکیده

اهمال‌کاری تحصیلی دانش‌آموزان، به‌ویژه دختران، به‌عنوان چالشی جدی در نظام آموزشی مطرح شده است که با پیامدهای منفی روانی و تحصیلی همراه است. این مطالعه با هدف پیش‌بینی اهمال‌کاری تحصیلی بر اساس اعتیاد به اینترنت و ناهماهنگی شناختی در میان دانش‌آموزان دختر متوسطه دوم شهرستان بوکان انجام شد. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود که جامعه آماری آن شامل تمامی دانش‌آموزان دختر متوسطه دوم بوکان (۱۴۰۳-۱۴۰۴) به تعداد ۶۵۴۳ نفر قرار داشتند. با استفاده از جدول مورگان و روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، ۳۸۴ نفر انتخاب شدند. داده‌ها با پرسشنامه‌های استاندارد شامل اعتیاد به اینترنت یانگ (۱۹۹۶)، اهمال‌کاری تحصیلی سواری (۱۳۹۰) و ناهماهنگی شناختی هارمون جونز (۱۹۹۹) جمع‌آوری شدند. تحلیل داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه انجام گرفت. یافته‌ها نشان داد که بین اعتیاد به اینترنت و ناهماهنگی شناختی با اهمال‌کاری تحصیلی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد و این دو متغیر به‌طور مستقیم بر اهمال‌کاری دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارند. این نتایج حاکی از آن است که استفاده بیش‌ازحد از اینترنت و تجربه ناهماهنگی شناختی می‌تواند خطر افت تحصیلی و کاهش رفاه روانی را افزایش دهد؛ بنابراین، مداخله‌های هدفمند در زمینه کاهش اعتیاد به اینترنت و مدیریت ناهماهنگی شناختی می‌تواند به بهبود عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان کمک کند.

واژه‌های کلیدی: اعتیاد به اینترنت، اهمال‌کاری تحصیلی، ناهماهنگی شناختی، دانش‌آموزان دختر.





طراحی و پیاده‌سازی مدل جامع توانمندسازی معلمان مبتنی بر هوش مصنوعی با رویکرد تحول در فرایند یاددهی و یادگیری

مهران مداح^{*۱}

*۱. دانشجوی دکتری ریاضی محض دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران mehranmaddah@yahoo.com

چکیده

پیشرفت‌های چشمگیر هوش مصنوعی در سال‌های اخیر، نیاز به بازنگری در روش‌های تدریس سنتی و بهره‌گیری از پتانسیل این فناوری در توانمندسازی معلمان را برجسته ساخته است. این تحقیق با هدف طراحی و پیاده‌سازی یک مدل جامع برای توانمندسازی معلمان مبتنی بر هوش مصنوعی و با رویکرد تحول‌آفرین در فرایند آموزش و یادگیری انجام شد. روش پژوهش کیفی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای بود. در این راستا، جامعه پژوهش شامل کلیه مقالات، کتب و اسناد علمی مرتبط با حوزه‌های کاربرد هوش مصنوعی در آموزش، توانمندسازی معلمان، آموزش شخصی‌سازی شده، بازخورد و شمنده، تحلیل داده‌های آموزشی، محیط‌های یادگیری تعاملی، و توسعه حرفه‌ای معلمان بود. منابع با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند بر اساس معیارهای ارتباط مستقیم با موضوع و اعتبار علمی از پایگاه‌های داده داخلی و بین‌المللی از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۴ جمع‌آوری شدند. داده‌ها با استفاده از روش‌های تحلیل محتوا و سنتز اطلاعات برای طراحی مدل پیشنهادی و تبیین یافته‌ها تحلیل شدند. نتایج نشان داد که مدل طراحی شده می‌تواند به معلمان در ارائه آموزش شخصی‌سازی شده، تحلیل داده‌های آموزشی، و ایجاد محیط‌های یادگیری تعاملی کمک کند، که این امر منجر به بهبود عملکرد و توسعه حرفه‌ای آنان می‌شود. این مدل تحول‌آفرین، بستر لازم برای ارتقاء کیفیت آموزش و یادگیری را فراهم می‌کند.

واژه‌های کلیدی: توانمندسازی معلمان، هوش مصنوعی، آموزش شخصی‌سازی شده، یادگیری تعاملی

رابطه صمیمیت و خودانسجامی والدین با امنیت روانی دانش‌آموزان

اشکان مدرس^۱، جمال صادقی^{۲*}

۱. کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.

۲. دانشیار، گروه روان‌شناسی تربیتی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی رابطه صمیمیت زناشویی و خودانسجامی با امنیت روانی فرزندان انجام شد. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری تحقیق را کلیه دانش‌آموزان پسر دوره دوم متوسطه شهر بابل در سال ۱۴۰۳ - ۱۴۰۲ که تعداد شان ۷۳۹۳ نفر بود تشکیل دادند. براساس جدول گرجسی و مورگان ۳۵۷ نفر از دانش‌آموزان پسر با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. به این صورت که در مرحله اول شهر بابل به چهار بخش شمال، جنوب، شرق و غرب تقسیم شد و در مرحله دوم از هر بخش یک مدرسه و در مرحله سوم از هر مدرسه سه کلاس (هر پایه یک کلاس ۳۰ نفر) انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از ۳ پرسشنامه‌ی مقیاس صمیمیت واکر و تامپسون (۱۹۸۳)، پرسشنامه خودشناسی انسجامی قربانی و همکاران (۲۰۰۸)، و پرسشنامه امنیت روانی مازلو (۲۰۰۴) (فرم کوتاه) استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، میانگین، انحراف معیار و همبستگی پیرسون استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که صمیمیت زناشویی والدین به‌طور مثبت و معناداری با امنیت روانی فرزندان رابطه دارد. همچنین خودانسجامی والدین نیز تأثیر مثبت و معنی‌داری بر امنیت روانی دانش‌آموزان داشته است. به بیان دیگر، هر چه سطح صمیمیت و انسجام روانی والدین بالاتر باشد، امنیت روانی فرزندان نیز افزایش می‌یابد. این نتایج نشان‌دهنده اهمیت روابط خانوادگی سالم در سلامت روانی نوجوانان است. در نتیجه صمیمیت زناشویی و خودانسجامی والدین از عوامل مهم و تأثیرگذار بر امنیت روانی فرزندان به شمار می‌آیند. بهبود کیفیت روابط زناشویی و تقویت انسجام روانی والدین می‌تواند نقش مؤثری در ارتقای سلامت روانی نوجوانان داشته باشد؛ بنابراین، برنامه‌های آموزشی و مشاوره‌ای برای والدین در جهت افزایش صمیمیت و انسجام خانواده ضروری است. توجه به این عوامل می‌تواند به پیشگیری از مشکلات روانی در فرزندان کمک کند.

واژه‌های کلیدی: امنیت روانی، خودانسجام، صمیمیت زناشویی، دانش‌آموزان متوسطه دوم



رابطه خودانجامی و بهزیستی روان‌شناختی والدین با امنیت روانی دانش‌آموزان

اشکان مدرس^۱، جمال صادقی^{۲*}

۱. کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.

۲. دانشیار، گروه روان‌شناسی تربیتی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی رابطه خودانجامی و بهزیستی روان‌شناختی والدین با امنیت روانی فرزندان پسر دوره دوم متوسطه شهر بابل در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ انجام شد. روش تحقیق از نوع توصیفی-همبستگی بود و نمونه شامل ۳۵۷ دانش‌آموز با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب گردید. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه‌های خودشناسی انجامی، بهزیستی روان‌شناختی و امنیت روانی جمع‌آوری و با بهره‌گیری از آمار توصیفی و آزمون همبستگی پیرسون تحلیل شدند. نتایج نشان داد که خودانجامی و بهزیستی روان‌شناختی والدین با امنیت روانی فرزندان رابطه مثبت و معناداری دارند؛ به‌گونه‌ای که افزایش این متغیرها، منجر به بهبود امنیت روانی دانش‌آموزان می‌شود. یافته‌ها اهمیت توجه به سلامت روانی و انسجام والدین را در ارتقای سلامت روانی فرزندان برجسته می‌کند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که خودانجامی والدین رابطه مثبت و معنی‌داری با امنیت روانی فرزندان دارد، به‌طوری‌که افزایش انسجام روانی والدین موجب افزایش احساس امنیت روانی در نوجوانان می‌شود. همچنین، بهزیستی روان‌شناختی والدین نیز تأثیر مثبتی بر امنیت روانی فرزندان نشان داد. این ارتباطات تأکید می‌کند که سلامت روانی والدین نقش مهمی در شکل‌گیری و تقویت امنیت روانی فرزندان ایفا می‌کند. این یافته‌ها اهمیت فراهم آوردن حمایت‌های روان‌شناختی و تقویت سلامت روان والدین را به‌عنوان راهکاری کلیدی در بهبود وضعیت روانی دانش‌آموزان نشان می‌دهد. درنتیجه باید گفت خودانجامی و بهزیستی روان‌شناختی والدین از عوامل مؤثر و تعیین‌کننده در امنیت روانی فرزندان به شمار می‌آیند. ارتقای انسجام روانی و بهزیستی والدین می‌تواند نقش مهمی در پی‌شگیری از آسیب‌های روانی و افزایش سلامت روانی نوجوانان داشته باشد؛ بنابراین، برنامه‌ها و مداخلات روان‌شناختی که سلامت روان والدین را تقویت می‌کنند، باید در دستور کار خانواده‌ها و نهادهای آموزشی قرار گیرد. توجه به این عوامل زمینه‌ساز رشد بهینه روانی و اجتماعی فرزندان خواهد بود و به ارتقای کیفیت زندگی خانواده‌ها کمک می‌کند.

واژه‌های کلیدی: امنیت روانی، بهزیستی روان‌شناختی، خودانجامی، دانش‌آموزان متوسطه دوم





بررسی رابطه بین سبک‌های والدگری و روابط معلم – دانش‌آموز با سواد هیجانی دانش‌آموزان دوره ابتدایی

هوشنگ مدملی‌خواه^{۱*}، محمدحسین محبی نورالدین‌وند^۲

۱. کارشناسی ارشد علوم تربیتی، گرایش آموزش و پرورش ابتدایی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مسجدسلیمان، مسجدسلیمان، ایران
hooshang.m2911@gmail.com
۲. استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مسجدسلیمان، مسجدسلیمان، ایران.

چکیده

سواد هیجانی به‌عنوان یکی از مهارت‌های اساسی برای موفقیت در زندگی و مدرسه شناخته شده است، اما نقش عوامل محیطی مانند سبک‌های والدگری و روابط معلم-دانش‌آموز در شکل‌گیری آن کمتر موردتوجه قرار گرفته است. هدف از پژوهش حاضر، بررسی رابطه بین سبک‌های والدگری و روابط معلم-دانش‌آموز با سواد هیجانی دانش‌آموزان دوره ابتدایی بود. پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی و رگرسیون چندگانه بود. جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانش‌آموزان دوره ابتدایی شهرستان مسجدسلیمان در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ تشکیل داد که از این جامعه آماری، ۳۷۲ دانش‌آموز بر اساس جدول کرجسی و مورگان و با توجه به حجم جامعه (۱۱۴۹۶ نفر) به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه سواد هیجانی ریفی و همکاران (۲۰۰۷)، پرسشنامه اقتدار والدین بوری (۱۹۹۱) و پرسشنامه ارتباط معلم-دانش‌آموز مورری و زوواک (۲۰۱۱) استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد. نتایج همبستگی نشان داد که از میان سبک‌های والدگری، بین سبک والدگری مقتدرانه و سواد هیجانی رابطه مثبت و معنادار و بین سبک‌های والدگری مستبدانه و سهل‌گیرانه با سواد هیجانی رابطه منفی و معنادار وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد بین روابط معلم-دانش‌آموز و سواد هیجانی رابطه مثبت و معنادار وجود داشت. این یافته‌ها بر اهمیت تعاملات مثبت در خانواده و مدرسه برای رشد سواد هیجانی دانش‌آموزان تأکید می‌کند.

واژه‌های کلیدی: سبک‌های والدگری، روابط معلم-دانش‌آموز، سواد هیجانی، دانش‌آموزان ابتدایی





رابطه بین سبک‌های والدگری و شادکامی تحصیلی با سواد هیجانی دانش‌آموزان دوره ابتدایی

هوشنگ مدملی‌خواه^{۱*}، محمدحسین محبی نورالدین‌وند^۲، راضیه شیروانی فیل آبادی^۳

۱. * کارشناسی ارشد علوم تربیتی، گرایش آموزش و پرورش ابتدایی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مسجدسلیمان، مسجدسلیمان، ایران
hooshang.m2911@gmail.com
۲. استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مسجدسلیمان، مسجدسلیمان، ایران.
۳. کارشناسی علوم تربیتی، گرایش آموزش و پرورش ابتدایی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مسجدسلیمان، مسجدسلیمان، ایران

چکیده

در سال‌های اخیر، اهمیت سواد عاطفی در رشد جامع کودکان و تأثیر آن بر جنبه‌های مختلف زندگی تحصیلی و شخصی مورد توجه قرار گرفته است. هدف از این پژوهش بررسی رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و شادی تحصیلی با سواد عاطفی دانش‌آموزان ابتدایی بود. این پژوهش از روش توصیفی-همبستگی استفاده کرد. جامعه آماری شامل تمامی دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهر مسجد سلیمان در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ بودند. تعداد ۳۷۲ دانش‌آموز بر اساس جدول کرجسی و مورگان و با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه سواد عاطفی ریف (Rieffe)، پرسشنامه اقتدار والدینی بوری (Buri) و مقیاس شادی تحصیلی هت (Health) (کاملی مهاجر و همکاران) استفاده شد. داده‌ها با استفاده از تحلیل همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه تحلیل شدند. نتایج نشان داد که بین سبک‌های فرزندپروری مقتدرانه، مسامحه‌کارانه و مستبدانه با سواد عاطفی و شادی تحصیلی دانش‌آموزان رابطه معنی‌داری وجود داشت. همچنین، شادی تحصیلی نیز با سواد عاطفی رابطه مثبت و معنی‌داری داشت. این یافته‌ها حاکی از آن است که سبک‌های فرزندپروری و شادی تحصیلی نقش مهمی در توسعه سواد عاطفی دانش‌آموزان ایفا می‌کنند؛ بنابراین، توصیه می‌شود که والدین و مربیان به اهمیت سبک‌های فرزندپروری توجه ویژه‌ای داشته باشند تا به رشد عاطفی و تحصیلی دانش‌آموزان کمک کنند.

واژه‌های کلیدی: سبک‌های فرزندپروری، شادی تحصیلی، سواد عاطفی.





بهره‌مندی هوشمندانه از فناوری نوین

بهاره مرادی^۱

۱. آموزگار ابتدایی آموزش و پرورش استان کردستان شهرستان دیواندره Baharm736@gmail.com

چکیده:

در سال‌های اخیر، گسترش فناوری‌های نوین تحول چشمگیری در شیوه‌های آموزش و یادگیری ایجاد کرده است؛ با این حال، استفاده ناکارآمد از این فناوری‌ها در محیط‌های آموزشی می‌تواند باعث اتلاف وقت و کاهش تمرکز دانش‌آموزان شود. این مطالعه با هدف شناسایی الگوها و موانع بهره‌گیری هوشمندانه از فناوری‌های نوین در فرآیندهای آموزشی انجام شد. طرح پژوهش کیفی و مبتنی بر تحلیل محتوای منابع علمی داخلی بود؛ جامعه آماری شامل مقالات منتشر شده در پایگاه‌های نورمگز و SID از سال ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۳ بود که نمونه‌ها به صورت هدفمند انتخاب شدند. داده‌ها با روش کدگذاری مضمون تحلیل شدند و الگوها و چالش‌های استفاده از فناوری بررسی گردید. نتایج نشان داد استفاده هوشمندانه از فناوری‌های نوین به بهبود کیفیت تدریس، افزایش انگیزه دانش‌آموزان و توسعه مهارت‌های تفکر انتقادی و خلاقیت کمک کرده است؛ اما موانعی مانند کمبود زیرساخت‌های فناورانه، نیاز به آموزش معلمان و مقاومت فرهنگی در استفاده مؤثر از این ابزارها وجود دارد. به طور کلی، توجه به آموزش معلمان، توسعه زیرساخت‌ها و ترویج فرهنگ استفاده هدفمند از فناوری می‌تواند راهکاری مؤثر در بهبود کیفیت آموزش باشد.

واژه‌های کلیدی: فناوری نوین، آموزش هوشمند، تعامل آموزشی، دانش‌آموزان، معلمان.





مدرسه تراز در اندیشه تربیتی صاحب‌نظران تعلیم و تربیت

به‌نوش مرادی^۱

۱. بهداشت سلامت آموزش و پرورش استان کردستان شهرستان دیواندره behnoushmaradizo@gmail.com

چکیده

توسعه «مدرسه تراز» به‌عنوان مکانی برای رشد جامع دانش‌آموزان از دیدگاه‌های شناختی، عاطفی، اجتماعی و معنوی امری ضروری است؛ با این حال، نبود چارچوبی مفهومی و عملی برای تحقق این مدرسه در بافت بومی ایران چالش برانگیز بوده است. این مطالعه با هدف شناسایی ویژگی‌ها و مؤلفه‌های مدرسه تراز بر اساس دیدگاه‌های نظری صاحب‌نظران تعلیم و تربیت انجام شد. طرح پژوهش کیفی و مبتنی بر تحلیل محتوای اسنادی بود؛ جامعه آماری شامل آثار علمی-کتابی، مقالات پژوهشی، اسناد راهبردی و تألیفات نظریه‌پردازان حوزه تعلیم و تربیت ایران در بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۳ بود که نمونه‌ها به‌صورت هدفمند و بر اساس معیارهای اعتبار علمی، ارتباط مستقیم با موضوع و نوآوری محتوا انتخاب شدند. داده‌ها از طریق جست‌وجو در پایگاه‌های معتبر داخلی (نورمگز، SID، ISC) گردآوری شدند و با روش تحلیل مضمون استخراج مفاهیم انجام گرفت. نتایج نشان داد مدرسه تراز، مدرسه‌ای مشارکتی، عدالت‌محور و اخلاق‌مدار است که بر رشد چندبعدی دانش‌آموزان تأکید دارد؛ همچنین نقش معلم، خانواده و محیط مدرسه در تحقق این مدل به‌عنوان عوامل کلیدی شناسایی شد. به‌طور کلی، این چارچوب مفهومی می‌تواند زمینه‌ساز توسعه مدارس کارآمد و تأثیرگذار در نظام آموزشی ایران باشد و نیازمند توجه به نوآوری، مشارکت سازنده و بومی‌سازی الگوهای موفق جهانی است.

واژه‌های کلیدی: مدرسه تراز، تحلیل محتوای اسنادی، تعلیم و تربیت اسلامی، عدالت آموزشی، یادگیری تحول‌آفرین.



مدیریت مشارکتی در مدرسه تراز با استفاده از پلتفرم‌های دیجیتال

راضیه مردی^۱، حمیدرضا مقامی^{۲*}

۱. کارشناسی ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

۲. دانشیار گروه تکنولوژی آموزشی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

چکیده

تحولات فناوری دیجیتال، پارادایم جدیدی در مدیریت آموزشی ایجاد کرده است. این مقاله مروری با هدف تحلیل نقش پلتفرم‌های دیجیتال در تحقق مدیریت مشارکتی در مدارس تراز و با روش مرور نظام‌مند اسناد انجام شده است. پژوهش حاضر با بررسی ۵۸ مطالعه معتبر (۲۰۱۵-۲۰۲۳) از پایگاه‌های علمی داخلی و بین‌المللی، به تحلیل محتوای کیفی پرداخته است. یافته‌ها در چهار محور اصلی دسته‌بندی شدند: (۱) ویژگی‌های پلتفرم‌های دیجیتال مؤثر (شامل تعاملی بودن، دسترسی‌پذیری و امنیت اطلاعات؛ ۲) کارکردهای مدیریت مشارکتی (تصمیم‌گیری جمعی، نظارت مشارکتی و توسعه حرفه‌ای؛ ۳) چالش‌های اجرایی (مقاومت در برابر تغییر، محدودیت‌های فنی و ملاحظات اخلاقی) و (۴) الگوهای موفق اجرایی (پلتفرم‌های بومی‌شده و تجربیات بین‌المللی). یافته‌های پژوهش نشان داد که پلتفرم‌های دیجیتال با فراهم کردن بسترهای تعاملی و شفاف، می‌توانند مشارکت واقعی معلمان، والدین، دانش‌آموزان و مدیران را در فرآیندهای مدیریتی تسهیل کنند. این پلتفرم‌ها به‌ویژه در تصمیم‌گیری جمعی، مستندسازی بازخوردها، مدیریت بحران، ارزیابی عملکرد و توسعه حرفه‌ای کارکنان مدرسه نقش مؤثری دارند. همچنین بررسی تجربیات موفق جهانی حاکی از آن است که مدارس موفق در اجرای مدیریت مشارکتی دیجیتال، ابتدا بر آموزش کاربران، تدوین پروتکل‌های اخلاقی و فرهنگ‌سازی تأکید داشته‌اند. درنهایت، پژوهش پیشنهاد می‌کند که سیاست‌گذاران آموزشی در ایران با سرمایه‌گذاری در توسعه زیرساخت‌ها، توانمندسازی معلمان و مشارکت فعال والدین، از ظرفیت این پلتفرم‌ها برای تحقق مدرسه تراز بهره ببرند.

واژه‌های کلیدی: مدیریت مشارکتی، مدرسه تراز، پلتفرم دیجیتال، حکمرانی آموزشی، مرور نظام‌مند



مدرسه هوشمند و سلامت روان: نقش فناوری در شاداب سازی محیط تربیت

راضیه مردی^۱

۱. کارشناسی ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

چکیده

با گسترش فناوری‌های دیجیتال در نظام آموزشی، بررسی تأثیر محیط‌های یادگیری هوشمند بر سلامت روان دانش‌آموزان به موضوعی حیاتی تبدیل شده است. این مقاله مروری با هدف تحلیل نظام‌مند نقش فناوری در شاداب سازی محیط تربیت و ارتقای سلامت روان در مدارس هوشمند انجام شد. پژوهش حاضر با روش مرور نظام‌مند (PRISMA) و با بررسی پایگاه‌های علمی معتبر از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۳ اجرا گردید. از میان ۲۵۶ مطالعه اولیه، ۴۲ مقاله معتبر با معیارهای ورود مشخص (شامل ارتباط مستقیم با موضوع، کیفیت روش‌شناسی و انتشار در مجلات معتبر) انتخاب شدند. یافته‌ها در قالب چارچوب تحلیلی یکپارچه در سه محور اصلی دسته‌بندی شدند: (۱) کارکردهای مثبت فناوری (شخصی سازی یادگیری، کاهش استرس تحصیلی و افزایش تعاملات اجتماعی)؛ (۲) چالش‌های احتمالی (اعتیاد دیجیتال، نقض حریم خصوصی و افزایش نابرابری) و (۳) راهکارهای بهینه سازی (طراحی محیط‌های ترکیبی، آموزش مهارت‌های خودتنظیمی و سیستم‌های نظارت هوشمند). نتایج نشان داد که فناوری در صورت طراحی هدفمند و مبتنی بر اصول روان‌شناسی تربیتی می‌تواند به عنوان ابزاری کارآمد در ایجاد محیط‌های شاداب و ارتقای سلامت روان عمل نماید. این مطالعه چارچوبی مفهومی برای تلفیق اثربخش فناوری و سلامت روان در مدارس هوشمند ارائه می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: مدرسه هوشمند، سلامت روان، شاداب سازی محیط، فناوری آموزشی، مرور نظام‌مند





تحلیل همبستگی بین ادراک دانش‌آموزان از نقش الگویی معلم و هویت تحصیلی و اجتماعی آنان

فائزه مصداقی بهاری*

۱. کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه بوعلی سینا / آموزش و پرورش، همدان، ایران fzhmsdgh@gmail.com

چکیده

نقش الگویی معلم یکی از مؤلفه‌های بنیادی در تعلیم و تربیت و شکل‌گیری هویت دانش‌آموزان است. پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین ادراک دانش‌آموزان از معلم خود به عنوان یک الگو و هویت تحصیلی و اجتماعی آن‌ها انجام شد. این پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری شامل دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایی در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ بودند. نمونه‌ای شامل ۱۵ دانش‌آموز با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه نقش الگویی معلم (طراحی شده بر اساس ابزارهای موجود) و پرسشنامه هویت تحصیلی و اجتماعی (طراحی شده بر اساس ابزارهای موجود) جمع‌آوری شدند. تحلیل همبستگی پیرسون برای بررسی روابط استفاده شد. نتایج همبستگی مثبت و معناداری بین نقش الگویی معلم و هویت تحصیلی و اجتماعی دانش‌آموزان نشان داد؛ بنابراین، تقویت رفتارهای الگویی معلمان می‌تواند به عنوان یک راهبرد مؤثر برای دستیابی به اهداف یک مدرسه نمونه عمل کند.

واژه‌های کلیدی: نقش الگویی معلم، هویت تحصیلی، هویت اجتماعی، دانش‌آموزان ابتدایی، روان‌شناسی تربیتی.





بررسی تأثیر برنامه‌های درسی واگرا بر رشد متوازن دانش‌آموزان

مهدی مصطفایی^{۱*}، بهنام سلامی^۲، مهدی عباس زاده^۳

۱. دانشجو کارشناسی ارشد سازه، دانشگاه آزاد اسلامی ارومیه / آموزش و پرورش، ارومیه،

ایران. Mahdi.mostafayi77@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه علم و فن ارومیه / آموزش و پرورش، ارومیه، ایران. Behnamsalami754@gmail.com

۳. کارشناسی حسابداری، دانشگاه قاضی طباطبائی ارومیه / آموزش و پرورش، ارومیه، ایران

Royal.mahdi780726@gmail.com

چکیده

در دهه‌های اخیر، نظام‌های آموزشی سنتی و آزمون‌محور در ایران موجب کاهش تمرکز بر رشد متوازن دانش‌آموزان شده است. این مطالعه به منظور بررسی تأثیر برنامه‌های درسی واگرا بر رشد متوازن دانش‌آموزان در شش ساحت تربیتی (اعتقادی، اخلاقی، علمی، زیستی، اجتماعی و زیبایی‌شناختی) در مدارس متوسطه استان آذربایجان غربی انجام شد. پژوهش ترکیبی (کیفی-کمی) با جامعه آماری شامل مدارس دولتی و غیردولتی استان که برنامه‌های واگرا را اجرا کرده بودند، انجام گرفت. نمونه‌ای شامل ۵۰ معلم و ۲۰۰ دانش‌آموز به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی انتخاب شد. داده‌های کیفی از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با معلمان و مدیران گردآوری و با روش تحلیل محتوا تحلیل شدند، درحالی‌که داده‌های کمی از پرسشنامه استاندارد سنجش توازن تربیتی (طراحی شده توسط پژوهشگران، ۱۳۹۹) جمع‌آوری و با استفاده از آزمون‌های t و ANOVA مورد تحلیل قرار گرفتند. یافته‌ها نشان دادند که برنامه‌های واگرا به‌ویژه در تقویت ساحت‌های اجتماعی و زیبایی‌شناختی مؤثر بوده‌اند، اما با چالش‌هایی مانند مقاومت معلمان و کمبود منابع مواجه شده‌اند. درنهایت، با وجود موانع، برنامه‌های واگرا می‌توانند تعادل تربیتی دانش‌آموزان را بهبود دهند، مشروط بر اصلاح ساختارهای آموزشی و تأمین منابع لازم.

واژه‌های کلیدی: برنامه درسی واگرا، رشد متوازن تربیتی، ساحت‌های شش‌گانه، نظام آموزشی ایران.





مروری بر پژوهش‌های مرتبط با گذار از ابتدایی به متوسطه

انسبیه سادات مصطفوی^۱، زهرا هاشمی^{۲*}

۱. دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

ensiyemostafavi@gmail.com

۲. استادیار گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

z.hashemi@alzahra.ac.ir

چکیده

گذار از دوره ابتدایی به متوسطه به‌عنوان یک تحول آموزشی کلیدی، با چالش‌هایی مانند ناهمخوانی منابع آموزشی، تغییر در محیط یادگیری و نیاز به سازگاری روان‌شناختی دانش‌آموزان همراه است. این پژوهش با هدف تحلیل عوامل مؤثر بر موفقیت گذار از ابتدایی به متوسطه انجام شد. روش پژوهش فراترکیب و کیفی-تحلیلی بود؛ جامعه آماری شامل مطالعات منتشرشده در پایگاه‌های داده PubMed، Google Scholar، Magiran، Civilica و PsycINFO (۲۰۰۳-۲۰۲۳) بود و نمونه‌گیری به‌صورت غیرتصادفی هدفمند و با معیارهای ورود (دسترسی به متن کامل، زبان انگلیسی، مرتبط‌بودن مستقیم با موضوع) انجام گرفت (n=89). ابزارهای مورد استفاده چک‌لیست ۲۷ گانه PRISMA و ضریب کاپای کوهن برای سنجش پایایی بودند. داده‌ها با استفاده از تحلیل مضمون و سنتس نظام‌مند مطالعات موردبررسی قرار گرفتند. نتایج نشان داد عواملی مانند آمادگی روان‌شناختی دانش‌آموزان، حمایت خانوادگی، سیاست‌های آموزشی و تعامل معلمان نقش برجسته‌ای در تسهیل گذار داشتند، درحالی‌که نقص‌های زیرساختی و عدم هماهنگی برنامه‌های درسی بزرگ‌ترین موانع شناسایی شدند. درنهایت، یافته‌ها اهمیت طراحی استراتژی‌های جامع چندجانبه شامل آموزش معلمان، مشارکت خانواده‌ها و به‌روزرسانی سیاست‌های آموزشی را برای ارتقای کیفیت گذار برجسته کردند.

واژه‌های کلیدی: گذار آموزشی، آمادگی روان‌شناختی، حمایت خانواده، سیاست‌های آموزشی، روش فراترکیب



واکاوی پدیدارشناسانه فرسودگی تحصیلی دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه

انسیه سادات مصطفوی^۱، حمیده یزدی^۲، ملوک خادمی اشکذری^{۳*}

۱. دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران
ensiyemostafavi@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران
H.yazdi@alzahra.ac.ir

۳. *استاد تمام گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران
mkhademi@alzahra.ac.ir

چکیده

فرسودگی تحصیلی به‌عنوان یک چالش جدی در حوزه آموزش مطرح شده است که با کاهش رفاه روانی و عملکرد دانش‌آموزان همراه است. این پژوهش با هدف شناسایی تجربیات دانش‌آموزان دبیرستانی از فرسودگی تحصیلی انجام شد. روش پژوهش کیفی-پدیدارشناسی بود؛ جامعه آماری شامل دانش‌آموزان دبیرستانی با سابقه فرسودگی تحصیلی و نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند انجام گرفت (n=6). مداخله شامل انجام مصاحبه‌های نیمه‌ساختارمند با دانش‌آموزان بود که ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه فرسودگی تحصیلی ماسلش (MBI-Student Survey، 1986) و مصاحبه‌های عمیق بودند. داده‌ها با استفاده از تحلیل مضامین استخراج و سنتز شدند. نتایج نشان داد که فرسودگی تحصیلی دانش‌آموزان ریشه در عوامل شخصی، آموزشی و خانوادگی داشته و منجر به خستگی عاطفی، بی‌تفاوتی و کاهش تعهد تحصیلی می‌شود. همچنین، فشارهای ناشی از انتظارات بالای آموزشی و عدم تعادل بین یادگیری و استراحت به‌عنوان دلایل اصلی شناسایی شدند. درنهایت، یافته‌ها اهمیت طراحی برنامه‌های پیشگیرانه برای کاهش عوامل مؤثر بر فرسودگی و ارتقای رفاه روانی دانش‌آموزان را برجسته کردند.

واژه‌های کلیدی: فرسودگی تحصیلی، تحلیل مضامین، رفاه روانی، دانش‌آموزان دبیرستانی،
مصاحبه عمیق



بررسی کاربرد هوش مصنوعی در یادگیری شخصی‌سازی شده

راحله مظاهری^{۱*}، شکبیا مظاهری^۲

*۱. کارشناسی ارشد ریاضی کاربردی، دانشگاه صنعتی قم / آموزش و پرورش، شهرستان‌های استان تهران، ایران

rahelemazaheri3@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری عمومی دامپزشکی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران mazaheri.sh78@gmail.com

چکیده

استفاده از هوش مصنوعی در آموزش شخصی‌سازی شده به‌عنوان یک راهکار نوین برای توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان و افزایش کیفیت یادگیری موردتوجه قرار گرفته است. این مطالعه با هدف شناسایی نقش هوش مصنوعی در حمایت از معلمان در طراحی برنامه‌های درسی شخصی‌سازی شده انجام شد. روش پژوهش مرور نظام‌مند منابع علمی بود؛ جست‌وجوی اولیه در پایگاه‌های Scopus، Web of Science، SID و Google Scholar انجام شد و پس از غربالگری، چندین مطالعه منتخب وارد تحلیل نهایی شدند. داده‌ها با استفاده از روش کدگذاری محتوا و تحلیل مضامین استخراج‌شده از متون علمی موردبررسی قرار گرفتند. یافته‌ها نشان داد که هوش مصنوعی می‌تواند به‌طور مؤثری در تحلیل داده‌های یادگیرنده، ارائه بازخورد شخصی‌سازی شده و طراحی فعالیت‌های یادگیری انطباقی مورد استفاده قرار گیرد. همچنین، استفاده از این فناوری‌ها به بهبود تعاملات آموزشی و افزایش مشارکت فعال دانش‌آموزان منجر شد. نتایج این مطالعه برجسته کرد که هوش مصنوعی می‌تواند به عنصر کلیدی در تحول نظام آموزشی و ارتقای کیفیت یادگیری عمل کند؛ بنابراین، توسعه ابزارهای کاربردی و آموزش معلمان در این حوزه ضروری است.

واژه‌های کلیدی: هوش مصنوعی، یادگیری شخصی‌سازی شده، معلمان، دانش‌آموزان.



تأثیر آموزش مثبت نگر بر بهبود نشاط تحصیلی، افزایش امید به زندگی و تقویت تاب‌آوری در دانش‌آموزان دارای اضطراب اجتماعی

مرضیه معتوقی^{۱*}، فاطمه السادات احمدی حسینیان نژاد^۲

۱. دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲. دانشجو دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن

چکیده

دانش‌آموزان دارای اضطراب اجتماعی به دلیل ترس از ارزیابی منفی و تعاملات اجتماعی دشوار، اغلب با کاهش نشاط تحصیلی، ناامیدی و ضعف در تاب‌آوری مواجه‌اند. هدف پژوهش حاضر، بررسی تأثیر آموزش مثبت نگر بر بهبود نشاط تحصیلی، افزایش امید به زندگی و تقویت تاب‌آوری در دانش‌آموزان دارای اضطراب اجتماعی بود. این پژوهش از روش نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون و گروه کنترل استفاده کرد. جامعه آماری شامل دانش‌آموزان مقطع متوسطه مبتلا به اضطراب اجتماعی در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ در شهر تهران انجام شد. از میان آن‌ها، ۳۰ نفر به صورت هدفمند انتخاب و به‌طور تصادفی در دو گروه آزمایش (۱۵ نفر) و کنترل (۱۵ نفر) قرار گرفتند. گروه آزمایش طی ۸ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای آموزش مثبت‌نگری دریافت کرد، درحالی‌که گروه کنترل هیچ مداخله‌ای دریافت نکرد. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه نشاط تحصیلی (هوپارد و اسنایدر، ۲۰۰۲)، پرسشنامه امید به زندگی اسنایدر (اسنایدر، ۱۹۹۱) و مقیاس تاب‌آوری (کانر و دیویدسون، ۲۰۰۳) استفاده شد. داده‌ها با استفاده از تحلیل کوواریانس موردبررسی قرار گرفتند. نتایج نشان داد که آموزش مثبت‌نگری به‌طور معناداری موجب افزایش نشاط تحصیلی، امید به زندگی و تاب‌آوری همچنین کاهش اضطراب اجتماعی در گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل شد. همچنین، شرکت‌کنندگان در این مداخله پس از پایان جلسات، احساس خوش‌بینی بیشتری نسبت به آینده داشتند و از راهبردهای مقابله‌ای مؤثرتری استفاده کردند. این یافته‌ها بیانگر اثربخشی مداخلات مثبت‌نگرانه در ارتقاء شاخص‌های روان‌شناختی دانش‌آموزان دارای اضطراب اجتماعی بود. اجرای چنین برنامه‌هایی می‌توانست به کاهش اضطراب اجتماعی، افزایش رضایت از زندگی و ایجاد یک محیط یادگیری مثبت و پویا کمک کند.

واژه‌های کلیدی: آموزش مثبت نگر، اضطراب اجتماعی، نشاط تحصیلی، امید به زندگی، تاب‌آوری.



بررسی ضرورت‌ها، چالش‌ها و راهبردهای تربیتی در مدارس ابتدایی پسرانه: گامی به سوی ارتقاء کیفیت تربیت دانش‌آموزان

امیررضا مفیدی^۱

۱. کارشناسی علوم تربیتی / آموزش و پرورش، قم، ایران mofidi1370@gmail.com

چکیده

محیط تربیتی مدارس ابتدایی پسرانه یکی از بسترهای کلیدی برای رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان محسوب می‌شود. این پژوهش با هدف شناسایی ضرورت‌ها، چالش‌ها و راهبردهای مؤثر در ارتقاء تربیت در مدارس ابتدایی پسرانه انجام شد. این مطالعه با رویکرد کیفی و به روش تحلیل محتوای کیفی از نوع قراردادی انجام گرفت. جامعه آماری شامل مدیران، معلمان و مشاوران مدارس ابتدایی پسرانه شهر تهران بودند و با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند، ۱۵ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته گردآوری و با استفاده از روش تحلیل مضمون موردبررسی قرار گرفت. برای ثبت و دسته‌بندی داده‌ها از چکلیست تحلیل محتوای پژوهشگر ساخته استفاده شد که روایی آن به صورت کیفی توسط خبرگان تأیید گردید. یافته‌ها نشان داد که کمبود منابع انسانی متخصص، ضعف ارتباط خانواده و مدرسه، و غلبه آموزش بر تربیت از چالش‌های اصلی بوده‌اند؛ درحالی‌که راهبردهایی همچون طراحی برنامه‌های تربیتی متناسب با ویژگی‌های جنسیتی و افزایش مشارکت والدین پیشنهاد شدند. نتایج پژوهش بیانگر آن بود که تمرکز بر تقویت هویت فردی، آموزش مهارت‌های زندگی و حضور الگوهای مرد مؤثر می‌تواند نقش مهمی در بهبود فرآیند تربیتی ایفا کند. درمجموع، توجه به مؤلفه‌های تربیتی در مدارس ابتدایی پسرانه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است و تدوین سیاست‌های آموزشی بر اساس نیازهای واقعی دانش‌آموزان، الزامی به نظر می‌رسد.

واژه‌های کلیدی: تربیت دانش‌آموز، مدارس ابتدایی، مدارس پسرانه، چالش‌های تربیتی، راهبردهای آموزشی، تحلیل کیفی.





نقش شبکه‌های اجتماعی در هم‌آوایی خانواده و مدرسه

حمیدرضا مقامی^{۱*}، راضیه مردی^۲

۱. دانشیار گروه تکنولوژی آموزشی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
۲. کارشناسی ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

چکیده

هماهنگی بین نهاد خانواده و مدرسه به‌عنوان یکی از ارکان اساسی تربیت مؤثر در عصر دیجیتال نیازمند بازتعریف است. این مطالعه مروری با هدف تبیین نقش شبکه‌های اجتماعی در تقویت هم‌آوایی خانواده و مدرسه و با روش تحلیل محتوای کیفی انجام شد. پژوهشگران با جستجوی نظام‌مند در پایگاه‌های علمی (۲۰۱۸-۲۰۲۳) و اعمال فیلترهای شمول (مطالعات تجربی، مقالات نظری معتبر و نمونه‌های موفق اجرایی)، ۳۷ منبع را مورد تحلیل قرار دادند. یافته‌ها در چهار مقوله اصلی سازمان‌دهی شدند: (۱) فرصت‌ها (افزایش شفافیت، ارتباطات همه‌جانبه و مشارکت والدین در فرآیند یادگیری)؛ (۲) تهدیدها (اختلال در حریم خصوصی، تضادهای ارزشی و بار اطلاعاتی)؛ (۳) الگوهای موفق (پیام‌رسان‌های اختصاصی، پلتفرم‌های یکپارچه و شبکه‌های محلی) و (۴) چهارچوب راهنما (اصول اخلاقی، پروتکل‌های ارتباطی و آموزش ذی‌نفعان). نتایج نشان داد که شبکه‌های اجتماعی در صورت رعایت ملاحظات تربیتی و فنی می‌توانند به عاملی کلیدی در ایجاد پیوند مستمر بین خانه و مدرسه تبدیل شوند. مقاله با ارائه مدل مفهومی، راهکارهای عملیاتی برای بهره‌گیری ایمن و اثربخش از این ابزارها پیشنهاد می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: شبکه‌های اجتماعی، هم‌آوایی خانواده و مدرسه، مشارکت والدین، تربیت دیجیتال، تحلیل محتوا



چالش و راهکارهای آموزگاران پیش‌دبستانی در آموزش کودکان با نیازهای ویژه

راحیل مقدم دوست^۱

۱. دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی-گرایش آموزش دبستان و پیش‌دبستان، دانشگاه امیرالمؤمنین (ع) اهواز، اهواز، ایران
rahil.moghadamdoost@gmail.com

چکیده

ادغام کودکان با نیازهای ویژه در سیستم آموزشی عادی، چالش‌های فراوانی را برای معلمان، به‌ویژه در دوره پیش‌دبستانی، به همراه دارد. این مطالعه با هدف بررسی چالش‌ها و راهکارهای پیش‌روی معلمان پیش‌دبستانی در آموزش کودکان با نیازهای ویژه انجام شد. این پژوهش از نوع کیفی و با استفاده از روش تحلیل محتوا صورت گرفت. جامعه پژوهش شامل مقالات منتشر شده در پایگاه‌های علمی داخلی و خارجی در شش سال اخیر (۱۰ مقاله منتخب) و ۷ معلم پیش‌دبستانی با سابقه تدریس به کودکان با نیازهای ویژه بود که از طریق نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. داده‌ها از طریق مرور نظام‌مند متون و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته جمع‌آوری و با روش تحلیل محتوا تحلیل شدند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود. نتایج تحلیل نشان داد که چالش‌های اصلی در سه محور «محدودیت در منابع و امکانات آموزشی»، «فقدان آموزش‌های تخصصی برای معلمان» و «چالش‌ها در مدیریت کلاس و رفتار دانش‌آموزان» دسته‌بندی شدند. در بخش راهکارها، پیشنهادهایی شامل توسعه برنامه‌های آموزش ضمن خدمت تخصصی، افزایش مشارکت خانواده و بهبود حمایت‌های سازمانی ارائه گردید. نتایج پژوهش بر لزوم اتخاذ رویکردی جامع برای بهبود فرایند آموزش کودکان با نیازهای ویژه تأکید کردند.

واژه‌های کلیدی: معلمان پیش‌دبستانی، کودکان با نیازهای ویژه، چالش‌ها، راهکارها.



بررسی تأثیر راهبردهای توان‌بخشی در برنامه‌ریزی درسی دانش‌آموزان ابتدایی با اختلال طیف اتیسم

عاطفه مقیمی اردکانی^{۱*}، نرگس میرزایی تشنیزی^۲

۱. مربی، گروه آموزشی آموزش کودکان با نیازهای ویژه، دانشگاه فرهنگیان پردیس کوثر، یاسوج، ایران

Sarahmoghimi1376@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی آموزش کودکان با نیازهای ویژه، دانشگاه فرهنگیان پردیس کوثر، یاسوج، ایران

Mirzaenarges0@gmail.com

چکیده

اختلال طیف اتیسم به‌عنوان یکی از چالش‌های اساسی نظام آموزشی، نیازمند برنامه‌ریزی درسی منعطف و مداخلات توان‌بخشی چندبعدی است. هدف این پژوهش، بررسی تأثیر راهبردهای ادغام خدمات توان‌بخشی در برنامه درسی و تربیتی دانش‌آموزان ابتدایی دارای اختلال طیف اتیسم بود. این پژوهش از نوع کاربردی و با رویکرد پژوهش روایی (روش کیفی) انجام شد. جامعه آماری شامل دانش‌آموزان مبتلا به اختلال طیف اتیسم در مدارس استثنایی شهر یا سوچ در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ بود که ۲۰ نفر از آن‌ها به صورت هدفمند انتخاب شدند. ابزارهای جمع‌آوری داده‌ها شامل مصاحبه نیمه‌ساختاریافته محقق‌ساخته، مقیاس تعامل اجتماعی گرشام و الیوت (۱۹۹۰) و آزمون عملکرد مداوم راسولد و همکاران (۱۹۵۶) بود. نتایج نشان داد که اجرای هم‌زمان کاردرمانی، گفتاردرمانی و رفتاردرمانی در چارچوب یک برنامه درسی شخصی‌سازی شده، منجر به بهبود تعاملات اجتماعی، افزایش تمرکز و مشارکت تحصیلی دانش‌آموزان شد. علاوه بر این، همکاری میان خانواده‌ها، مدارس و درمانگران در کاهش چالش‌های رفتاری و مشکلات مرتبط با اضطراب مؤثر واقع شد. این پژوهش نتیجه گرفت که طراحی برنامه درسی مبتنی بر رویکردهای یکپارچه و فردی‌سازی شده ضروری است و همکاری بین‌بخشی در فرایند توان‌بخشی آموزشی اهمیت بالایی دارد.

واژه‌های کلیدی: اختلال طیف اتیسم، توان‌بخشی آموزشی، برنامه‌ریزی درسی، مداخلات چندبعدی





پیش‌بینی کیفیت تدریس بر اساس سبک‌های مدیریت کلاس و خودکارآمدی معلمان

اعظم منصوری نیک^{۱*}

*۱. استادیار، گروه روان‌شناسی، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران az.mansourinik@gmail.com

چکیده

کیفیت تدریس به‌عنوان سنگ بنای آموزش، نقش حیاتی در تسهیل یادگیری دانش‌آموزان و توسعه شایستگی‌های آن‌ها دارد. از این رو، شناسایی عوامل مؤثر بر کیفیت تدریس از اهمیت بالایی برخوردار است. این مطالعه با هدف پیش‌بینی کیفیت تدریس بر اساس سبک‌های مدیریت کلاس و خودکارآمدی معلمان انجام شد. این پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه معلمان مدارس ابتدایی در سال تحصیلی ۲۰۲۳-۲۰۲۴ بودند. نمونه‌ای شامل ۲۴۰ معلم با استفاده از فرمول تاباچنیک و فیدل و به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه کیفیت تدریس سراج (۲۰۰۳)، پرسشنامه سبک‌های مدیریت کلاس مارتین و همکاران (۲۰۰۷) و مقیاس خودکارآمدی معلم چانن-موران و وولفولک هوی (۲۰۰۱) جمع‌آوری شدند. داده‌ها با استفاده از همبستگی پیرسون و رگرسیون گام‌به‌گام تحلیل شدند. نتایج همبستگی‌های مثبت و معناداری بین مدیریت کلاس غیرمداخله‌گر، مدیریت کلاس تعاملی، خودکارآمدی معلم و کیفیت تدریس نشان داد. علاوه بر این، خودکارآمدی معلم و مدیریت کلاس تعاملی بهترین پیش‌بینی‌کننده‌های کیفیت تدریس بودند. این یافته‌ها بر اهمیت خودکارآمدی و سبک‌های مدیریت کلاس در ارتقای کیفیت تدریس تأکید کردند.

واژه‌های کلیدی: کیفیت تدریس، مدیریت کلاس، خودکارآمدی معلم، مدارس ابتدایی، همبستگی.





بررسی مرجعیت و جایگاه اجتماعی معلم در شهرستان آبادان

مریم موزرمی^۱، لیلا بهزادی کیا^{۲*}

۱. کارشناسی ارشد زمین‌شناسی تکنونیک، دانشگاه پیام نور/آموزش و پرورش، آبادان، ایران myoungking87@yahoo.com
۲. کارشناسی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت‌معلم/آموزش و پرورش، آبادان، ایران leilabehzadkiya.123@gmail.com

چکیده

جایگاه اجتماعی معلمان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان تولید دانش، نقش مؤثری در رشد و تحول جامعه دارد، اما میزان این جایگاه نیازمند بررسی است. این پژوهش با هدف بررسی جایگاه اجتماعی و مرجعیت معلمان در شهرستان آبادان انجام شد. روش پژوهش کمی و پیمایشی بود. داده‌ها از طریق نمونه‌گیری هدفمند از ۳۸۰ شرکت‌کننده (۲۲۰ معلم و ۱۶۰ شهروند) با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته و مصاحبه نیمه ساختاریافته جمع‌آوری شد. تحلیل داده‌ها با آزمون‌های t ، رگرسیون چندگانه و تحلیل واریانس انجام گرفت. نتایج نشان داد که جایگاه اجتماعی معلمان در سطح متوسط ارزیابی شد و عوامل اقتصادی و فرهنگی بیشترین تأثیر را بر مرجعیت معلمان داشتند. همچنین، مقایسه با مشاغل پزشکی و مهندسی کاهش معناداری در جایگاه معلمان را نشان داد. این پژوهش بر لزوم بازتعریف سیاست‌های حمایتی و تقویت سرمایه اجتماعی معلمان تأکید کرد.

واژه‌های کلیدی: جایگاه اجتماعی، مرجعیت، معلم، آبادان





چارچوب یکپارچه دوقلوهای دیجیتال و یادگیری عمیق تحولی در یادگیری ترکیبی

سمانه سادات موسویان^{۱*}، سمیرا حبیبی^۲، سپیده نوروزی^۳

۱. گروه آموزش علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، صندوق پستی ۸۸۹-۱۴۶۶۵ تهران، ایران s.musavian@cfu.ac.ir

۲. گروه آموزش علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، صندوق پستی ۸۸۹-۱۴۶۶۵ تهران، ایران s.habibi@cfu.ac.ir

۳. گروه آموزش علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، صندوق پستی ۸۸۹-۱۴۶۶۵ تهران، ایران Sepideh.b.noruzi@cfu.ac.ir

چکیده

ادغام دوقلوهای دیجیتال با یادگیری ترکیبی، فرصت‌های نوینی را در آموزش دیجیتال فراهم می‌آورد. این پژوهش با هدف بررسی ادغام فناوری دوقلوهای دیجیتال با مدل‌های یادگیری ترکیبی به‌منظور تحول فرآیندهای آموزشی انجام شد. این مقاله کاربردها، مزایا و چالش‌های به‌کارگیری دوقلوهای دیجیتال در یادگیری ترکیبی را از طریق یک مرور تجربی ۱۹ مطالعه موردی نظری منتخب تحلیل کرد. روش‌شناسی پژوهش بر مبنای یک بررسی نظام‌مند ادبیات مقالات منتشر شده در پایگاه داده ScienceDirect بین سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۵ استوار بود. معیارهای انتخاب نمونه شامل ارتباط مستقیم با موضوع، نوآوری در روش‌شناسی یا یافته‌ها، و کیفیت انتشار در مجلات معتبر بود. داده‌ها به صورت کیفی با استفاده از کدگذاری محتوا برای استخراج الگوهای کلیدی در کاربردها و چالش‌های فناوری تحلیل شدند. نتایج نشان داد که ادغام دوقلوهای دیجیتال در محیط‌های یادگیری ترکیبی، تعامل دانشجویان را افزایش داد، امکان یادگیری شخصی سازی شده را فراهم آورد و به شبیه‌سازی‌های آموزشی واقع‌گرایانه‌تر منجر شد. این مطالعه بر پتانسیل بالای دوقلوهای دیجیتال در ایجاد یک تحول بنیادین در آموزش ترکیبی تأکید کرد.

واژه‌های کلیدی: دوقلوهای دیجیتال، یادگیری ترکیبی، یادگیری تحول‌آفرین، هوش مصنوعی.





بررسی جایگاه برنامه درسی پنهان در بهبود فرایند تعلیم و تربیت در مدارس تراز

سیده زهرا موسوی قیدار^۱

۱. کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی دانشگاه پیام نور بناب zmousavi706k@gmail.com

چکیده

برنامه درسی پنهان به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم در فرایند آموزشی شناخته می‌شود و تأثیر آن بر بهبود کیفیت آموزشی در مدارس تراز اهمیت ویژه‌ای دارد. هدف این مقاله مروری بر روی نقش برنامه درسی پنهان در ارتقای فرایند آموزشی در مدارس تراز بود. برای دستیابی به این هدف، تحلیل محتوای مقالات و پژوهش‌های پیشین به کار رفت تا ابعاد مختلف برنامه درسی پنهان و تأثیرات آن بر یادگیری و رفتار دانش‌آموزان شناسایی شود. یافته‌ها نشان داد که برنامه درسی پنهان به تقویت مهارت‌های اجتماعی و هیجانی دانش‌آموزان کمک کرد و نقش مهمی در ایجاد یک محیط یادگیری مثبت و حمایتی ایفا کرد. علاوه بر این، وجود یک برنامه درسی پنهان مناسب به افزایش انگیزه و مشارکت دانش‌آموزان در فرایند یادگیری منجر شد. درنهایت، توجه به برنامه درسی پنهان به‌عنوان یک عامل کلیدی در بهبود کیفیت آموزش در مدارس تراز مطرح شد.

واژه‌های کلیدی: برنامه درسی پنهان، مدارس تراز، کیفیت آموزش، یادگیری



ظرفیت فناوری‌های نوین یادگیری برای پذیرش تنوع فرهنگی میان دانش‌آموزان

مریم مولائی آرانی^{۱*}، مهدی مولائی آرانی^۲

۱. کارشناسی ارشد تکنولوژی آموزشی، دانشگاه علامه طباطبائی، آموزگار مقطع سوم ابتدایی، تهران، ایران،

m.molaeearani@gmail.com

۲. استادیار، گروه پژوهشی مطالعات فرهنگی اجتماعی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران

movlaeiarani@gmail.com

چکیده

در سیستم‌های آموزشی، پذیرش تنوع فرهنگی از طریق فناوری‌های نوین یادگیری اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده است، زیرا فناوری‌ها به‌عنوان ابزاری میان‌افزاری در شکل‌دهی به تعاملات فرهنگی و یادگیری مشارکتی عمل می‌کنند. این مطالعه با هدف شناسایی نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید فناوری‌های نوین یادگیری در پذیرش تنوع فرهنگی میان دانش‌آموزان انجام شد. روش پژوهش ترکیبی از مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی با طراحی پرسش‌نامه برای گردآوری داده‌های خبرگان بود؛ جامعه آماری شامل ۷۰ نفر از صاحب‌نظران و معلمان بود که ۵۸ نفر به‌طور کامل پاسخ دادند. داده‌ها با روش تحلیل محتوای کیفی و کدگذاری انتخابی بر اساس الگوی SWOT تجزیه و تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد که فناوری‌هایی مانند قصه‌گویی دیجیتال و واقعیت افزوده از قابلیت‌های برجسته در انتقال ظرفیت‌های فرهنگی و ایجاد محیط‌های تعاملی برخوردارند، اما کمبود محتوای مرتبط با تنوع فرهنگی، ناتوانی در انتقال احساس‌های عینی و چالش‌های کنترل محتواهای شخصی‌سازی شده به‌عنوان ضعف‌های اصلی شناسایی شدند. همچنین، امکان استفاده از واقعیت مجازی در زیست‌فرهنگی نسل جدید و افزایش تمرکز از فرصت‌های این فناوری‌ها قلمداد شد. نتایج این مطالعه برجسته کرد که به‌رغم پتانسیل بالای فناوری‌های نوین در تقویت پذیرش تنوع فرهنگی، توسعه محتوای مناسب، آموزش معلمان و ایجاد استانداردهای کنترل محتوا ضروری است. این یافته‌ها می‌توانند زمینه را برای طراحی برنامه‌های آموزشی مبتنی بر فناوری‌هایی که به ارزش‌های فرهنگی احترام می‌گذارند فراهم کنند.

واژه‌های کلیدی: فناوری‌های نوین، تنوع فرهنگی، دانش‌آموزان.



بررسی تأثیر معلمان بر فراهم کردن محیط آموزشی برابر و حمایت از دانش‌آموزان با نیازهای مختلف

مهدی مهدی‌خانلو^۱

۱. کارشناسی آموزش ابتدایی / آموزش و پرورش m0787369@gmail.com

چکیده

ایجاد محیط آموزشی برابر و حمایت از دانش‌آموزان با نیازهای متنوع، یک چالش اساسی در نظام‌های آموزشی است. هدف این مقاله مروری بر بررسی تأثیر معلمان بر ایجاد چنین محیطی و حمایت از دانش‌آموزان با نیازهای ویژه بود. برای دستیابی به این هدف، تحلیل محتوای مقالات و پژوهش‌های پیشین به کار رفت تا الگوها و نتایج مربوط به نقش معلمان در فراهم آوردن محیط آموزشی برابر شناسایی شود. یافته‌ها نشان داد که معلمان با به‌کارگیری استراتژی‌های تدریس متنوع و ایجاد روابط مثبت با دانش‌آموزان، دسترسی و مشارکت آن‌ها را در فرآیند یادگیری افزایش دادند. علاوه بر این، حمایت عاطفی و اجتماعی معلمان به افزایش اعتماد به نفس و انگیزه در دانش‌آموزان با نیازهای ویژه کمک کرد. درنهایت، بر اهمیت نقش معلمان در ایجاد محیط‌های آموزشی فراگیر و حمایت از دانش‌آموزان با نیازهای متفاوت تأکید شد.

واژه‌های کلیدی: محیط آموزشی برابر، حمایت دانش‌آموز، معلمان، نیازهای ویژه





بررسی روش‌های ارزیابی عملکرد دانش‌آموزان در مدارس تراز

مهدی مهدی‌خانلو^۱

۱. کارشناسی آموزش ابتدایی / آموزش و پرورش m0787369@gmail.com

چکیده

ارزیابی عملکرد دانش‌آموزان در مدارس تراز، به عنوان یک مسئله مهم در ارتقای کیفیت آموزشی شناخته می‌شود. هدف این مقاله مروری بررسی روش‌های مختلف ارزیابی عملکرد دانش‌آموزان در این مدارس بود. برای دستیابی به این هدف، تحلیل محتوای مقالات و پژوهش‌های پیشین به کار رفت تا الگوها و نتایج حاصل از روش‌های ارزیابی گوناگون شناسایی شود. یافته‌ها نشان داد که استفاده از رویکردهای ارزیابی متنوع، از جمله ارزیابی‌های تکوینی و پایانی، به درک بهتر پیشرفت دانش‌آموزان و نیازهای آموزشی آن‌ها کمک کرد. علاوه بر این، ارزیابی‌های مبتنی بر پروژه و فعالیت‌های گروهی به افزایش مشارکت و انگیزه دانش‌آموزان منجر شد. در نهایت، بر اهمیت تنوع در روش‌های ارزیابی و ارائه پیشنهادهایی برای بهبود فرآیندهای ارزیابی تأکید شد.

واژه‌های کلیدی: ارزیابی عملکرد، مدارس تراز، روش‌های ارزیابی، کیفیت آموزشی





بررسی استراتژی‌های مؤثر در ایجاد فرهنگ تصمیم‌گیری جمعی مبتنی بر تفکر انتقادی

مهدی مهدیون فرد^۱

۱. کارشناسی علوم تربیتی پردیس فرهنگیان شهید بهشتی زنجان mahdyiunfard.mahdi@gmail.com

چکیده

ایجاد فرهنگ تصمیم‌گیری جمعی مبتنی بر تفکر انتقادی به‌عنوان یک ضرورت در سازمان‌ها و مؤسسات آموزشی شناخته شده است، زیرا این فرهنگ می‌تواند کیفیت تصمیم‌گیری را ارتقا داده و مشارکت افراد را افزایش دهد. این مقاله مروری با هدف بررسی استراتژی‌های اثربخش برای ایجاد چنین فرهنگی انجام شد. برای دستیابی به این هدف، از تحلیل محتوای مقالات مرتبط و منابع علمی معتبر استفاده شد و بر شناسایی الگوهای موفق و چالش‌های موجود در این زمینه تمرکز گردید. یافته‌ها نشان داد که استفاده از تکنیک‌های تفکر انتقادی، آموزش مهارت‌های ارتباطی و ایجاد فضاهای باز برای بحث و تبادل نظر می‌تواند فرهنگ تصمیم‌گیری جمعی را تقویت کند. با این حال، چالش‌هایی نظیر مقاومت در برابر تغییر و عدم آگاهی از مزایای تفکر انتقادی مانع تحقق این فرهنگ در برخی سازمان‌ها می‌شود. درنهایت، ایجاد محیط‌های مناسب و ارائه آموزش‌های لازم برای توسعه تفکر انتقادی به‌عنوان یک ضرورت مطرح شد.

واژه‌های کلیدی: تصمیم‌گیری جمعی، تفکر انتقادی، فرهنگ سازمانی، استراتژی





رابطه بین باورهای فراشناختی با عملکرد تحصیلی در دانش‌آموزان

فائزه میرزائی خرگوشکی^{۱*}

۱. کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، مشاور آموزش و پرورش قلعه گنج، قلعه گنج، ایران Faezeh.fm1374@gmail.com

چکیده

زمینه مسئله: باورهای فراشناختی نقش مهمی در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دارند. این باورها به دانش‌آموزان کمک می‌کنند تا استراتژی‌های یادگیری مؤثرتری را انتخاب کرده و به‌طور مؤثرتری با چالش‌های تحصیلی مقابله کنند. **هدف:** هدف از این پژوهش تعیین رابطه بین باورهای فراشناختی با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان بوده است. **روش:** پژوهش حاضر توصیفی و از نوع همبستگی بوده است. جامعه آماری پژوهش حاضر را دانش‌آموزان مقطع متوسطه تشکیل داده‌اند که تعداد ۲۳۰ نفر با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار این پژوهش پرسشنامه باورهای فراشناختی ولز (۱۹۹۷) بوده و برای سنجش عملکرد تحصیلی از معدل نمرات پایان‌ترم دانش‌آموزان استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید. **نتایج:** یافته‌ها نشان داد بین باورهای فراشناختی (مهارت‌پذیری، باورهای مثبت درباره نگرانی، نیاز به مهار افکار، باور در مورد کفایت شناختی) با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد. **نتیجه‌گیری:** با توجه به یافته‌ها پیشنهاد می‌شود طراحی برنامه‌های آموزشی متناسب با نیازهای فراشناختی دانش‌آموزان باشد و به معلمان توصیه می‌شود فضایی را فراهم کنند که در آن دانش‌آموزان احساس راحتی کنند تا نگرانی‌ها و باورهای خود را بیان کنند این فضا باید شامل بازخورد مثبت، تشویق به پرسش‌گری و حمایت از تلاش‌های یادگیری باشد.

واژه‌های کلیدی: باورهای فراشناختی، پیشرفت تحصیلی





بررسی رابطه راهبردهای خودتنظیمی و پردازش هیجانی با یادگیری ریاضی در دانش‌آموزان

فائزه میرزائی خرگوشکی^{۱*}

۱. کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، مشاور اداره آموزش و پرورش قلعه گنج، کرمان، ایران Faezeh.fm1374@gmail.com

چکیده

زمینه و مسئله: یادگیری ریاضی به عنوان یکی از مهم‌ترین مهارت‌های تحصیلی در نظام آموزشی، نیازمند توجه ویژه به عوامل مؤثر بر آن است. در این راستا، راهبردهای و متغیرهای هیجانی به عنوان عوامل مهمی هستند که می‌توانند تأثیر قابل توجهی بر موفقیت دانش‌آموزان در یادگیری ریاضی داشته باشند. خودتنظیمی به توانایی فرد در مدیریت فرآیندهای یادگیری خود، از جمله برنامه‌ریزی، نظارت و ارزیابی پیشرفت اشاره دارد، درحالی‌که پردازش هیجانی به نحوه‌ی مدیریت و بیان احساسات مرتبط با یادگیری و چالش‌های تحصیلی مربوط می‌شود. **هدف:** هدف پژوهش حاضر بررسی راهبردهای خودتنظیمی و پردازش هیجانی با یادگیری ریاضی در دانش‌آموزان بوده است. **روش:** پژوهش حاضر توصیفی و از نوع همبستگی بوده است. جامعه آماری پژوهش حاضر را دانش‌آموزان مقطع متوسطه تشکیل داده‌اند که تعداد ۲۴۰ نفر با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و به پرسشنامه‌های راهبردهای خودتنظیمی پینترچ و دی گروت (۱۹۹۰) و پرسشنامه پردازش هیجانی باکر و همکاران (۲۰۰۷) پاسخ دادند. برای سنجش یادگیری ریاضی از نمرات پایان‌ترم درس ریاضی دانش‌آموزان استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید. **نتایج:** یافته‌ها نشان داد بین راهبردهای خودتنظیمی (راهبردهای شناختی و فراشناختی) با یادگیری ریاضی رابطه مثبت و معنی‌دار، و بین پردازش هیجانی (تجربه هیجانات ناخوشایند، سرکوبی هیجانی، نشانه‌های هیجانات پردازش نشده) با یادگیری ریاضی رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد. **نتیجه‌گیری:** با توجه به نتایج پیشنهاد می‌شود با آموزش راهبردهای خودتنظیمی (شناختی و فراشناختی)، ایجاد برنامه مطالعه منظم، آموزش تکنیک‌های مدیریت هیجان، تشویق به بیان احساسات سرکلاس، می‌توان به ارتقا یادگیری ریاضی دانش‌آموزان کمک مؤثری کرد.

واژه‌های کلیدی: راهبردهای خودتنظیمی، پردازش هیجانی، یادگیری ریاضی





معایب و مزایای هوشمند سازی مدارس در شهر بیرجند

آفرین میرشاهی^{۱*}

*۱. هنرآموز هنرستان، کارشناسی ارشد مجتمع آموزش عالی فردوس Email: Afarin.mirshahi1359@gmail.com

چکیده

مدارس هوشمند مدارسی هستند که نسبت به توانایی‌ها و ویژگی‌های دانش‌آموزان منعطف عمل می‌کنند و یادگیرندگان را به سازگار کردن خود با ملزومات از پیش تعیین‌شده وادار نمی‌کنند. پژوهش حاضر با هدف تعیین معایب و مزایای هوشمند سازی مدارس در شهر بیرجند و ارائه راهبرد مناسب در این زمینه انجام شده است. این پژوهش، تحقیقی کاربردی و ازلحاظ نوع جمع‌آوری داده‌ها، توصیفی-پیمایشی است. از بین جامعه آماری (۹۵۰ معلم مدارس ابتدایی شهر بیرجند)، با استفاده از روش‌های نمونه‌گیری هدفمند و خوشه‌ای نمونه‌ای با حجم ۲۷۴ معلم انتخاب شد. ابزار جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه و پرسشنامه محقق ساخته ۴۷ سؤالی بوده است. با استفاده از آمار توصیفی و با استفاده از الگوی سوات به تحلیل داده‌ها و ارائه راهبردهای مهم در هوشمند سازی مدارس پرداخته شد. نتایج نشان می‌دهد راهبردهای هوشمند سازی مدارس بر اساس دیدگاه معلمان به راهبردهای محافظه‌کارانه نزدیک است؛ یعنی مسئولان مربوطه می‌توانند با عملی کردن راهبردهای محافظه‌کارانه ارائه‌شده در این تحقیق، تا حد زیادی مزایای هوشمند سازی مدارس را به حداکثر و معایب آن را به حداقل برسانند.

واژه‌های کلیدی: مدارس هوشمند، راهبرد محافظه‌کارانه، راهبرد هوشمند سازی





الگویابی یا شخصی‌سازی: مقایسه مدل‌های انطباقی وب و مدل‌های دانش‌بنیان در آموزش مبتنی بر هوش مصنوعی

ابراهیم مهرعلیان^۱، مسعود جوروند خسروآبادی^۲

۱. دکتری روان‌شناسی تربیتی / مدرس دانشگاه فرهنگیان قزوین، ایران Mehralian87@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی، ایران Masoudj2@gmail.com

چکیده

پروژه‌های مختلفی در حوزه سیستم‌های آموزشی هوشمند اجرا شده است که جدیدترین آن‌ها سیستم‌های آموزشی انطباقی مبتنی بر وب معنایی و سیستم آموزشی مبتنی بر زبان (مدل‌های زبان بزرگ) مانند چت‌جی‌پی‌تی هستند؛ با توجه به پیچیدگی‌های ساختاری و محتوایی موجود در طراحی سیستم‌های هوش مصنوعی در آموزش و از طرفی الگوهای متفاوت یادگیری در دانش‌آموزان، نقص‌هایی در کاربرد آن در زمینه آموزشی وجود دارد. پژوهش حاضر از نوع مروری-کتابخانه‌ای با بررسی و مطالعه تولیدات علمی در پایگاه‌های اطلاعاتی داخلی و خارجی انجام شد. در این پژوهش، داده‌ها از پایگاه‌های ایران داک، نورمگز، مگیران در زمینه‌های علوم کامپیوتر و یافته‌های نوین روان‌شناسی در فاصله سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۳ (۵ اثر از ۱۲ اثر در دسترس) و ساینس دایرکت، الزویر و گوگل اسکالر در فاصله سال‌های ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۵ (۱۶ اثر از ۳۲ اثر موجود) بر اساس الگوها و ویژگی‌های طراحی مدل انتخاب شدند. داده‌ها با روش فراتحلیل بررسی شدند. نتایج نشان داد که هر دو مدل انطباقی وب و دانش‌بنیان مزایا و محدودیت‌های خاص خود را در ارائه آموزش شخصی‌سازی شده دارند. این پژوهش بر لزوم درک دقیق تفاوت‌های این مدل‌ها برای طراحی سیستم‌های هوش مصنوعی کارآمد در آموزش تأکید کرد.

واژه‌های کلیدی: هوش مصنوعی، آموزش شخصی‌سازی‌شده، مدل‌های انطباقی وب، مدل‌های دانش‌بنیان، چت‌جی‌پی‌تی.





تأثیرات اخلاقی چرخه‌ای استفاده از هوش مصنوعی در آموزش

ابراهیم مهرعلیان^۱، روح‌الله مهرعلیان^۲

۱. دکتری روان‌شناسی تربیتی / مدرس دانشگاه فرهنگیان قزوین، ایران mehralian87@gmail.com
۲. کارشناسی ارشد مدیریت ورزشی / مدیر واحد آموزشی، آموزش و پرورش، ایران r.mehralian93@gmail.com

چکیده

امروزه، کاربرد ابزارهای هوش مصنوعی در محیط آموزشی یکی از موضوعات بحث‌برانگیز است و پیاده‌سازی یک نظام اخلاقی در رفتار سیستم‌های هوش مصنوعی اهمیت زیادی دارد. این پژوهش با هدف ایجاد یک فرایند نوآورانه از الگوریتم اخلاقی در این زمینه انجام شد. پژوهش حاضر به‌صورت کیفی و با تلخیص از یافته‌های نوین علمی به صورت مروری انجام گرفت. جامعه مورد استفاده شامل تمامی پژوهش‌هایی بود که در زمینه اخلاق در هوشمندسازی سیستم آموزشی در پایگاه ساینس دایرکت و الزویر در بازه زمانی ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۴ نمایه شده بودند. با در نظر گرفتن بافت فرهنگی-اجتماعی و ملزومات تحقیق، بیست مقاله جهت مطالعه انتخاب شدند. یافته‌های تحقیق به پنج شکاف عمده و متمایز کیفی مرتبط با نحوه دسترسی، مسئولیت‌پذیری، سوگیری، حریم خصوصی و شفافیت اشاره داشتند. نتایج حاکی از آن بود که استفاده از هوش مصنوعی در آموزش، چالش‌های اخلاقی قابل توجهی ایجاد می‌کند که نیازمند توجه و مدیریت دقیق هستند. این مطالعه بر ضرورت توسعه چارچوب‌های اخلاقی جامع برای تضمین استفاده مسئولانه و عادلانه از هوش مصنوعی در آموزش تأکید داشت.

واژه‌های کلیدی: هوش مصنوعی، اخلاق، آموزش، سوگیری، حریم خصوصی





تعیین چشم‌انداز و تدوین برنامه‌های راهبردی و عملیاتی مدرسه

امیرحسین میرشکار^{۱*}

*۱. دانشجو معلم کاردانی آموزش ابتدایی پردیس شهید مطهری زاهدان، ایران amirmirshakar1384@gmail.com

چکیده

تعیین چشم‌انداز و تدوین برنامه‌های راهبردی و عملیاتی در مدارس ابزارهای حیاتی برای ارتقای کیفیت آموزشی هستند، اما فقدان چارچوب‌های نظام‌مند چالش‌هایی را برای مدیران مدارس ایجاد کرده است. این مطالعه با هدف بررسی فرآیند تعیین چشم‌انداز و تدوین برنامه‌های راهبردی و عملیاتی در مدارس انجام شد. یک طرح مرور نظام‌مند به کار گرفته شد و جامعه آماری شامل مقالات علمی و کتب در زمینه مدیریت آموزشی و برنامه‌ریزی راهبردی بود که از پایگاه‌های داده مگیران، نورمگز، SID، اسکوپوس، و ERIC جمع‌آوری شدند. چهل منبع، شامل سال‌های ۲۰۲۵-۲۰۱۱ (فارسی) و ۲۰۲۵-۲۰۱۰ (انگلیسی)، با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند بر اساس ارتباط، اعتبار علمی، و انتشار در مجلات معتبر انتخاب شدند. داده‌ها از طریق تحلیل مضمونی در چارچوب‌های مدل‌های SWOT و کافمن تحلیل شدند. یافته‌ها نشان دادند که تعیین چشم‌انداز بر اساس مشارکت ذی‌نفعان و تحلیل محیطی منجر به برنامه‌های عملیاتی مؤثر شد و مدل‌های راهبردی نقش محوری ایفا کردند. این مطالعه بر ضرورت چارچوب‌های نظام‌مند در برنامه‌ریزی آموزشی تأکید کرد و به مدیران توصیه کرد که از ابزارهای تحلیل راهبردی استفاده کنند.

واژه‌های کلیدی: چشم‌انداز، برنامه‌ریزی راهبردی، برنامه‌ریزی عملیاتی، مدیریت آموزشی





بررسی تأثیر محبوبیت معلم بر میزان یادگیری دانش‌آموزان (مورد مطالعه: مدارس دانشگاه صنعتی اصفهان)

سید حمیدرضا میرطاوسی^۱، فاطمه ایزدی امین‌آبادی^{۲*}، اصغر تیموری جروکانی^۳

۱. استادیار، گروه مدیریت علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی شهرضا، ایران. hamidrezamirtamousi@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد علوم تربیتی مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، ایران / دانشگاه صنعتی اصفهان،
ایران izadi@of.iut.ac.ir

۳. کارشناسی ارشد مدیریت صنعتی - تولید، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد، ایران / دانشگاه صنعتی اصفهان، ایران
kargozini@of.iut.ac.ir

چکیده

نقش عوامل شخصیتی و اخلاقی در یادگیری دانش‌آموزان به‌عنوان یکی از مسائل کلیدی در حوزه آموزش شناخته شده است. این پژوهش با هدف بررسی تأثیر محبوبیت علمی، شخصیتی و اخلاقی بر یادگیری دانش‌آموزان انجام شد. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بود؛ جامعه آماری شامل ۳۰۰ دانش‌آموز مقطع متوسطه شهر اصفهان و نمونه‌گیری به‌صورت خوشه‌ای انجام گرفت. مداخله شامل ارزیابی متغیرهای محبوبیت و یادگیری با استفاده از پرسشنامه‌های محقق‌ساخته بود. داده‌ها با استفاده از آزمون‌های آماری توصیفی (فراوانی، میانگین)، آزمون کولموگروف-اسمیرنوف، تحلیل عاملی تأییدی و رگرسیون موردبررسی قرار گرفتند. نتایج نشان داد که هر سه بعد محبوبیت (علمی، شخصیتی، اخلاقی) به‌طور معناداری با یادگیری دانش‌آموزان مرتبط بودند و محبوبیت اخلاقی نقش برجسته‌تری در بهبود فرآیند یادگیری ایفا کرد. همچنین، تعامل بین این عوامل و محیط آموزشی به‌عنوان یکی از موانع یا تسهیل‌کننده‌های کلیدی شنا سایی شد. درنهایت، یافته‌ها اهمیت توجه به ابعاد شخصیتی و اخلاقی دانش‌آموزان در طراحی راهکارهای آموزشی و ارتقای کیفیت یادگیری را برجسته کردند.

واژه‌های کلیدی: محبوبیت علمی، محبوبیت شخصیتی، محبوبیت اخلاقی، یادگیری،
دانش‌آموزان





رابطه نیازهای اساسی روان‌شناختی با هویت تحصیلی: نقش واسطه‌ای خودتنظیمی و جهت‌گیری هدفی

مهدی ناصرزعیماً^۱، الهه حجازی‌موغاری^۲، ولی‌الله فرزاد^۳

۱. *دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه شهید بهشتی تهران / آموزش و پرورش، کرج، ایران naserzaeim3@gmail.com

۲. استاد، گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران ehejazi@ut.ac.ir

۳. دانشیار بازنشسته، گروه روان‌شناسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران vofarzaad@gmail.com

چکیده

در چارچوب سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، هویت تحصیلی یکی از ارکان اصلی رشد متوازن دانش‌آموزان و عاملی مؤثر در ارتقای کیفیت یادگیری و تحقق مدرسه متوازن محسوب می‌شود. این پژوهش با هدف بررسی رابطه بین نیازهای روان‌شناختی اساسی و هویت تحصیلی دانش‌آموزان با نقش میانجی‌گری خودتنظیمی و جهت‌گیری هدف انجام شد. روش پژوهش توصیفی-همبستگی بود و جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان پسر پایه یازدهم مدارس دولتی شهر کرج در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ بودند. نمونه‌ای ۳۲۵ نفری با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و براساس فرمول کوکران انتخاب شدند که به چهار پرسشنامه هویت تحصیلی (واز و آیزاکسون، ۲۰۰۸)، خودتنظیمی (میلر و همکاران، ۱۹۹۶)، جهت‌گیری هدف (میگلی و همکاران، ۲۰۰۰) و نیازهای روان‌شناختی اساسی پاسخ دادند. نتایج نشان داد که نیازهای روان‌شناختی اساسی با هویت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه معناداری داشتند و خودتنظیمی و جهت‌گیری هدف نیز در این رابطه نقش میانجی ایفا کردند. این یافته‌ها بر اهمیت ارضای نیازهای روان‌شناختی دانش‌آموزان و تقویت مهارت‌های خودتنظیمی و جهت‌گیری هدف برای بهبود هویت تحصیلی و موفقیت تحصیلی آن‌ها تأکید کردند.

واژه‌های کلیدی: نیازهای روان‌شناختی اساسی، هویت تحصیلی، خودتنظیمی، جهت‌گیری هدف.





بررسی عوامل مؤثر در ایجاد انگیزه برای مشارکت دانش‌آموزان متوسطه در آموزش سایه

محمد مهدی نامی^{۱*}، ناصر کمالپور^۲

۱. دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشکده علوم تربیتی، پردیس شهید چمران، دانشگاه فرهنگیان، تهران
mnmn13830@gmail.com
۲. استادیار، آموزش ابتدایی، دانشکده علوم تربیتی، پردیس شهید چمران، دانشگاه فرهنگیان، تهران
n_kamalpour@gmail.com

چکیده

آموزش سایه اغلب جنبه‌هایی از برنامه درسی مدارس را هدف قرار می‌دهد که به شدت از طریق تجویز برنامه‌های درسی و ارزشیابی دقیق کنترل می‌شود. از نظر جامعه‌شناسی پیر بورديو، این کنترل را می‌توان به‌عنوان «نهادسازی» برنامه درسی در یک «حوزه» آموزشی درک کرد. پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل ایجاد انگیزه دانش‌آموزان برای شرکت در آموزش سایه در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ انجام شد. این پژوهش با روش کمی و با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته با ۴۲ گویه در مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت بر روی نمونه تصادفی شامل ۳۱۲ نفر از دانش‌آموزان دخترانه و پسرانه دوره اول و دوم دبیرستان‌های دولتی مناطق ۱۴ و ۴ تهران انجام شد. پایایی پرسشنامه از طریق ضریب آلفای کرونباخ ۰.۸۲، محاسبه و روایی آن نیز با مشورت استادان این حوزه مورد تأیید قرار گرفت. داده‌ها پس از گردآوری، در محدوده آمار توصیفی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته‌های این پژوهش نشان داد عوامل اصلی انگیزش دانش‌آموزان دوره متوسطه برای مشارکت در آموزش سایه شامل فاکتور فردی، عامل خانواده/والدین، عامل مدرسه/معلم، عامل مربی آموزش خصوصی و پارامتر همسالان بودند. عامل شخصی و جاه‌طلبی دانش‌آموزان بالاترین میانگین را به خود اختصاص داد، در حالی که عملکرد و پیشنهادها عامل معلم کمترین نقش را در موافقت دانش‌آموز با حضور در آموزش سایه داشت. از کاربردهای آموزش سایه می‌توان نتیجه گرفت به دلیل ناهمگونی توانایی دانش‌آموزان، معلم باید در طراحی تکالیف، تنوع و تناسب با سبک یادگیری دانش‌آموزان را بیش از پیش مدنظر قرار می‌داد. این یافته‌ها می‌توانست پیامدهایی برای طراحی راهبردهای یادگیری کلاس درس و سیاست‌های آموزشی داشته باشد.

واژه‌های کلیدی: آموزش سایه، تدریس خصوصی، آموزش متوسطه، انگیزه یادگیری.



یادگیری مبتنی بر بازی دیجیتال دانش‌آموز محور: نگرشی نوین در آموزش

محمد مهدی نامی^{۱*}، حمید هاشمی^۲، مریم رشیدیان^۳

۱. دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشکده علوم تربیتی، پردیس شهید چمران، دانشگاه فرهنگیان، تهران.

mnmn13830@gmail.com

۲. مدرس، دانشکده علوم تربیتی، پردیس شهید چمران، دانشگاه فرهنگیان، تهران.

h_hashemi@atu.ac.ir

۳. مدرس، دانشکده علوم تربیتی، پردیس شهید چمران، دانشگاه فرهنگیان، تهران.

maryam.rashidian9@gmail.com

چکیده

با گسترش فناوری‌های دیجیتال و تأکید بر روش‌های یادگیری فعال، استفاده از یادگیری مبتنی بر بازی دیجیتال به عنوان رویکردی نوآورانه در نظام‌های آموزشی مورد توجه قرار گرفته است. این پژوهش با هدف شناسایی اصول و مفاهیم یادگیری مبتنی بر بازی دیجیتال و یادگیری دانش‌آموز محور انجام شد. روش پژوهش اسنادی-مروری بود که با استفاده از جستجو در پایگاه‌های علمی شامل PubMed، PsycINFO و Google Scholar و واژه‌های کلیدی «یادگیری مبتنی بر بازی»، «فناوری اطلاعات و یادگیری» و «یادگیری مبتنی بر بازی دیجیتال دانش‌آموز محور» در بازه زمانی ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۴، ۱۰۷ منبع مرتبط گردآوری شد. پس از اعمال معیارهای ورود و خروج، ۶۷ مقاله برای تحلیل نهایی انتخاب و یافته‌ها با روش تحلیل محتوای کیفی مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج نشان داد که یادگیری مبتنی بر بازی دیجیتال می‌تواند مشارکت فعالانه دانش‌آموزان را افزایش دهد، مهارت‌های تفکر انتقادی و حل مسئله را تقویت کند و از طریق شخصی سازی یادگیری، انگیزه تحصیلی را ارتقا دهد. همچنین یافته‌ها برجسته کرد که تلفیق این روش‌ها با آموزش‌های مبتنی بر استعداد و علاقه دانش‌آموزان می‌تواند به بهبود نتایج یادگیری منجر شود. این یافته‌ها حاکی از آن است که بدون برنامه‌ریزی منسجم برای آموزش معلمان و تقویت زیرساخت‌های دیجیتال، پیاده‌سازی این روش‌ها ممکن است به چالش‌های عملیاتی مواجه شود؛ بنابراین، طراحی برنامه‌های درسی مبتنی بر این اصول و تقویت زیرساخت‌های آموزشی به‌ویژه در مناطق محروم پیشنهاد می‌شود.

واژه‌های کلیدی: یادگیری مبتنی بر بازی دیجیتال، یادگیری دانش‌آموز محور، فناوری آموزشی، مرور نظام‌مند.



بررسی جایگاه معلمان در شکل‌گیری رفتارهای قانونی در دانش‌آموزان

فائزه نجفی شهبازی^۱

۱. کارشناسی آموزش ابتدایی / آموزش و پرورش faezeh.najafiii78@gmail.com

چکیده

معلمان، به‌عنوان الگوهای رفتاری و تربیتی در مدارس، نقش بسزایی در شکل‌گیری رفتارهای قانونی در دانش‌آموزان ایفا کرده‌اند. هدف این مقاله مروری بررسی جایگاه معلمان در تأثیرگذاری بر رفتارهای قانونی دانش‌آموزان بود. برای دستیابی به این هدف، تحلیل محتوای مقالات و پژوهش‌های پیشین به کار رفت تا ابعاد مختلف نقش معلمان در آموزش رفتارهای قانونی و تأثیرات آن بر دانش‌آموزان شناسایی شود. یافته‌ها نشان داد که معلمان با ایجاد محیط‌های یادگیری مثبت و حمایتی، به تقویت ارزش‌های قانونی و اخلاقی در دانش‌آموزان کمک کردند. همچنین، تعامل مؤثر بین معلمان و دانش‌آموزان و استفاده از روش‌های تدریس مناسب، به افزایش آگاهی و مسئولیت‌پذیری قانونی در آن‌ها منجر شد. درنهایت، توجه به نقش معلمان به‌عنوان عوامل کلیدی در شکل‌گیری رفتارهای قانونی در دانش‌آموزان مورد تأکید قرار گرفت.

واژه‌های کلیدی: رفتارهای قانونی، معلمان، دانش‌آموزان، تربیت





استفاده از متاورس در ارزیابی مسئولیت‌پذیری معلمان: طراحی محیط مجازی شبیه‌سازی کلاس درس

محمد مهدی نجفی شهرضا^{۱*}

*۱. دکتری مدیریت دولتی، مدیریت منابع انسانی، مرکز تحصیلات تکمیلی دانشگاه پیام نور تهران / آموزش و پرورش، قم، ایران
ie.najafi@gmail.com

چکیده

پاسخگویی معلم یکی از ارکان اساسی نظام آموزشی است که تأثیر مستقیمی بر کیفیت یادگیری دانش‌آموزان دارد. با ظهور فناوری‌های نوین، متاورس به عنوان یک پلتفرم تعاملی و واقع‌گرایانه، امکان طراحی محیط‌های شبیه‌سازی شده را برای ارزیابی حرفه‌ای معلمان فراهم کرده است. هدف این پژوهش، طراحی و تحلیل نقش محیط‌های شبیه‌سازی شده متاورس در ارزیابی پاسخگویی معلم بود. این پژوهش با استفاده از روش ترکیبی (کمی-کیفی) انجام شد. در بخش کیفی، سناریوها و یک مدل مفهومی با تحلیل محتوای منابع و نظرات خبرگان طراحی شدند. در بخش کمی، جامعه آماری شامل معلمان متوسطه شهر قم در سال ۱۴۰۳ بودند که ۳۰ نفر از آن‌ها با نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها شامل پرسشنامه ارزیابی پاسخگویی حرفه‌ای معلمان (بر اساس مدل دارلینگ-هموند، ۲۰۱۷) و سناریوهای تعاملی طراحی شده در محیط مجازی بود. داده‌ها با استفاده از تحلیل محتوا و تحلیل همبستگی تحلیل شدند. نتایج نشان داد که متاورس به طور مؤثری در ارزیابی مهارت‌های تدریس و تعاملات کلاسی معلمان نقش داشت و به ارتقای پاسخگویی حرفه‌ای آنان کمک کرد.

واژه‌های کلیدی: متاورس، پاسخگویی معلم، شبیه‌سازی مجازی، کلاس درس.





نقش سبک‌های دل‌بستگی و سبک‌های اسنادی در پیش‌بینی اختلالات رفتاری برون‌سازی شده با واسطه‌گری کارکردهای اجرایی در دانش‌آموزان

ناصر نصرالهی*^۱، حسن امین پور^۲

۱. کارشناسی ارشد علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، مهاباد، ایران nasernasrollahi98@gmail.com

۲. استادیار روان‌شناسی دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه پیام نور / پژوهشگر پسادکتری روان‌شناسی دانشگاه پیام نور
h_aminpoor@pnu.ac.ir ایران

چکیده

اختلالات رفتاری در دانش‌آموزان به‌ویژه نوجوانان دختر به‌عنوان یک چالش روان‌شناختی و آموزشی مطرح شده است که عواملی مانند سبک‌های دل‌بستگی و اسنادی نقش مهمی در بروز آن‌ها ایفا می‌کنند. این پژوهش با هدف بررسی نقش میانجی‌گری کارکردهای اجرایی در رابطه بین سبک‌های دل‌بستگی و اسنادی با اختلالات رفتاری برون‌ساز در دانش‌آموزان دختر دوره اول متوسطه شهر پیرانشهر انجام شد. روش پژوهش توصیفی-همبستگی بود؛ جامعه آماری شامل ۶۲۲۳ دانش‌آموز دختر و نمونه‌گیری به‌صورت خوشه‌ای چندمرحله‌ای انجام گرفت (n=300) مداخله شامل ارزیابی سبک‌های دل‌بستگی (پرسشنامه کولینز و رید، ۱۹۹۰)، سبک‌های اسنادی (پرسشنامه سلیگمن، ۱۹۸۳)، کارکردهای اجرایی (پرسشنامه کولیج، ۲۰۰۲) و نافرمانی مقابله‌ای (پرسشنامه هاشمی و همکاران، ۱۳۸۷) بود. داده‌ها با استفاده از تحلیل مسیر و مدل‌سازی معادلات ساختاری مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج نشان داد که مدل مفهومی پژوهش با داده‌ها سازگاری قابل قبولی داشته و کارکردهای اجرایی نقش میانجی‌گری مهمی در ارتباط متغیرهای مورد مطالعه با نافرمانی مقابله‌ای ایفا می‌کنند. همچنین، سبک‌های دل‌بستگی ایمن و اسنادی مثبت با کاهش اختلالات رفتاری و سبک‌های غیرایمن و اسنادی منفی با افزایش آن مرتبط بودند. درنهایت، یافته‌ها اهمیت طراحی برنامه‌های آموزشی متمرکز بر تقویت کارکردهای اجرایی و اصلاح الگوهای دل‌بستگی و اسنادی در محیط‌های آموزشی را برجسته کردند.

واژه‌های کلیدی: سبک دل‌بستگی، سبک اسنادی، کارکردهای اجرایی، اختلالات رفتاری،
مدل‌سازی معادلات ساختاری



عدالت آموزشی و تحول مدارس: راهکارهای گذار به مدارس تراز سند تحول بنیادین

بهروز نظری بوژانی^{۱*}، امیر نوری زاده^۲، پروین صولتی اصل^۳، مریم قاسم احمد^۴

۱. استادیار، گروه آموزش و توسعه، پژوهشکده مطالعات توسعه سازمان جهاد دانشگاهی تهران، ایران b_nazari@acecr.ac.ir

۲. گروه آموزش و توسعه، پژوهشکده مطالعات توسعه سازمان جهاد دانشگاهی تهران، ایران

۳. استادیار، گروه آموزش و توسعه، پژوهشکده مطالعات توسعه سازمان جهاد دانشگاهی تهران، ایران solati@acecr.ac.ir

۴. استادیار، گروه آموزش و توسعه، پژوهشکده مطالعات توسعه سازمان جهاد دانشگاهی تهران، ایران
ghasemahmad@acecr.ac.ir

چکیده

زمینه مسئله مربوط به تنوع ساختار مدارس (دولتی، نمونه دولتی، سمپاد، شاهد، غیردولتی و ...) در ایران است که منجر به نقض عدالت آموزشی و جداسازی دانش‌آموزان بر اساس معیارهای اقتصادی یا هوشی شده است. این امر موجب تضعیف مدارس عادی و محرومیت آن‌ها از تنوع استعدادها گردیده است. این مطالعه با هدف بررسی امکان تحقق عدالت آموزشی از طریق ادغام مدارس خاص و ارائه راهکارهای تدریجی برای کاهش شکاف آموزشی، در راستای اهداف سند تحول بنیادین انجام شده است. با توجه به چالش‌های سیاسی و اجتماعی ادغام کامل مدارس خاص، راهکارهای گام‌به‌گام و تعاملی به‌عنوان روش این مطالعه پیشنهاد می‌شود. نتایجی که این پژوهش ارائه می‌کند به شرح زیر است: (۱) تخصیص سهمیه عادلانه: الزام مدارس خاص به پذیرش حداقل ۵۰٪ دانش‌آموزان از مناطق محروم. (۲) اشتراک منابع: بهره‌برداری مشترک از امکانات و معلمان مجرب میان مدارس عادی و خاص. (۳) تبدیل به قطب‌های تربیتی: تغییر مأموریت مدارس خاص به مراکز الهام‌بخش با برنامه‌های مبتنی بر شش ساحت تربیتی. (۴) ارزیابی یکپارچه: اجرای نظام سنجش پیشرفت تحصیلی و تربیتی یکسان برای همه مدارس. (۵) توانمندسازی معلمان: آماده‌سازی معلمان برای کلاس‌های ناهمگن. (۶) اصلاح گزینش: جایگزینی آزمون‌های هوش با شناسایی استعدادها در مدارس عادی. ادغام کامل مدارس خاص در کوتاه‌مدت امکان‌پذیر نیست، اما راهکارهای تدریجی مانند تخصیص سهمیه عادلانه، اشتراک منابع و تغییر مأموریت این مدارس می‌تواند گام مؤثری در جهت عدالت آموزشی باشد.

واژه‌های کلیدی: عدالت آموزشی، مدارس خاص، تدریج‌گرایی، شبکه همکاری مدارس، سند تحول بنیادین



مقایسه سیستم‌های آموزشی هوشمند مبتنی بر هوش مصنوعی

علیرضا نظریان^{۱*}

*۱. کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران alireza.nazarian.tbs@gmail.com

چکیده

توسعه‌های فناوریانه در حوزه هوش مصنوعی، ساختارهای آموزشی را متحول کرده و به ظهور سیستم‌های آموزش هوشمند منجر شده‌اند. هدف این پژوهش مقایسه تطبیقی چندین سیستم آموزش هوشمند مبتنی بر هوش مصنوعی بود. این مطالعه با روش توصیفی-تحلیلی انجام شد. جامعه پژوهش شامل اسناد علمی، مقالات تخصصی و گزارش‌های فنی مرتبط با چهار سیستم آموزش هوشمند ALEKS، Carnegie Learning، Knewton و Squirrel AI بود. منابع از پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر مانند Scopus، ERIC و Springer با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند و بر اساس معیارهای اعتبار علمی و تأثیرگذاری بر آموزش انتخاب شدند. در مجموع ۲۵ منبع (۱۳ منبع خارجی از ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۳ و ۱۲ منبع داخلی از ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۴) مورد بررسی قرار گرفتند. چارچوب تحلیل پژوهش بر اساس شاخص‌های شخصی‌سازی، انطباق با سبک یادگیری، بازخورد فوری و اثربخشی آموزشی طراحی شد. داده‌ها با استفاده از تحلیل محتوای کیفی تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد که سیستم‌ها در ابعاد مختلف، عملکرد متفاوتی داشتند و هر کدام مزایا و معایب خاص خود را دارا بودند. این پژوهش بر اهمیت درک ویژگی‌های هر سیستم برای انتخاب بهینه آن‌ها در محیط‌های آموزشی تأکید کرد.

واژه‌های کلیدی: سیستم‌های آموزش هوشمند، هوش مصنوعی، شخصی‌سازی، بازخورد





واکاوی منابع توسعه و شکل‌گیری دانش فناورانه معلمان دوره ابتدایی با رویکرد پدیدارشناسی

علیرضا نظریان^{۱*}، صادق انوشا^۲

۱. کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران alireza.nazarian.tbs@gmail.com
۲. کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران sadegh.anosha72@gmail.com

چکیده

در سال‌های اخیر، توسعه دانش فناورانه معلمان به یکی از ارکان کلیدی آموزش اثربخش در عصر دیجیتال تبدیل شده است. این پژوهش با هدف واکاوی منابع مؤثر بر شکل‌گیری و توسعه دانش فناورانه معلمان ابتدایی انجام شد. این پژوهش کیفی و از نوع پدیدارشناسی تفسیری بود. جامعه آماری شامل معلمان ابتدایی شهرستان طیس بود و نمونه‌گیری به صورت هدفمند و از نوع ملاک‌محور انجام شد؛ داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته با ۱۲ معلم گردآوری و با روش تحلیل مضمون بررسی شدند. یافته‌ها نشان دادند که منابع شکل‌گیری دانش فناورانه معلمان در هفت مقوله اصلی شامل یادگیری تجربی، آموزش‌های رسمی، تعامل با همکاران، منابع دیجیتال، منابع دانشگاهی، حمایت خانواده و الزامات سازمانی قابل طبقه‌بندی بودند. به‌ویژه یادگیری درون‌کلاسی از طریق آزمون و خطا، تعاملات غیررسمی با همکاران و بهره‌گیری از شبکه‌های اجتماعی نقش مهمی در توسعه حرفه‌ای فناورانه ایفا می‌کردند. این یافته‌ها بر اهمیت طراحی سیاست‌هایی تأکید داشتند که توسعه دانش فناورانه معلمان را از طریق حمایت از یادگیری غیررسمی، مشارکتی و موقعیتی تسهیل کنند.

واژه‌های کلیدی: دانش فناورانه معلمان، توسعه حرفه‌ای، یادگیری تجربی، پدیدارشناسی



هدایت تحصیلی هدفمند در مدرسه تراز: از شناخت استعدادها تا طراحی مسیرهای شغلی

قادر نعیمی^{۱*}

*. دکتری تخصصی مشاوره، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران / آموزش و پرورش آذربایجان شرقی، تبریز، ایران
ghader.naimi@hotmail.com

چکیده

در سال‌های اخیر، نقش مدرسه در تربیت همه‌جانبه دانش‌آموزان از آموزش صرف فراتر رفته و به بستری برای شناسایی استعدادها و طراحی مسیرهای رشد تحصیلی و شغلی تبدیل شده است. هدف پژوهش حاضر، شناسایی مؤلفه‌های کلیدی هدایت تحصیلی هدفمند در مدارس تراز و تبیین پیوند آن با فرآیند کشف استعداد و طراحی مسیرهای یادگیری و شغلی بود. این مطالعه با روش فراتحلیل نظام‌مند از نوع اسنادی انجام شد. جامعه پژوهش شامل کلیه مقالات علمی منتشر شده در حوزه هدایت تحصیلی و مدرسه تراز در بازه زمانی ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۴ بود که از پایگاه‌های ERIC، Scopus، Google Scholar، SID و Magiran گردآوری شدند. از میان منابع بازیابی شده، ۳۰ مطالعه با روش نمونه‌گیری هدفمند و بر اساس معیارهایی نظیر اعتبار علمی، دقت روش‌شناختی و هم‌راستایی با رویکرد تربیت تمام‌ساحتی انتخاب گردید. برای تحلیل داده‌ها، از روش تحلیل مضمون استقرایی استفاده شد و داده‌ها با بهره‌گیری از نرم‌افزار MAXQDA (نسخه ۲۰۲۲) کدگذاری، دسته‌بندی و تجزیه و تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد که برنامه‌های موفق هدایت تحصیلی در مدارس تراز دارای پنج مؤلفه اصلی اند: ارزیابی چندبعدی استعداد و علایق، مشارکت فعال خانواده و مشاوران، ارتباط بین برنامه درسی و بازار کار، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین مشاوره‌ای، و انعطاف‌پذیری در طراحی مسیرهای تحصیلی-شغلی. همچنین، مدارس دارای رویکرد رشدگرا و تصمیم‌سازی مشارکتی بستر مؤثرتری برای اجرای هدایت تحصیلی هدفمند فراهم می‌کنند. بر اساس یافته‌ها، طراحی مجدد نظام هدایت تحصیلی مدارس با رویکرد داده‌محور، مشارکتی و آینده‌نگر می‌تواند راهکاری عملی برای تحقق مدرسه تراز و پاسخ‌گویی به نیازهای واقعی دانش‌آموزان در مسیر آینده‌سازی باشد که تحقق هدایت تحصیلی هدفمند در مدارس تراز مستلزم رویکردی یکپارچه، داده‌محور و مبتنی بر مشارکت همه‌جانبه است. برنامه‌هایی که بر ارزیابی دقیق استعدادها و علایق، مشارکت مؤثر خانواده و مشاوران، پیوند محتوای درسی با نیازهای بازار کار، و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین استوارند، تأثیر بیشتری در طراحی مسیرهای یادگیری و شغلی دارند. همچنین، مدارس با نگرش رشدگرا و ساختار تصمیم‌سازی مشارکتی، زمینه‌ای مناسب برای رشد تحصیلی و آینده‌سازی دانش‌آموزان فراهم می‌کنند. در نتیجه، بازنگری در نظام هدایت تحصیلی با تأکید بر انعطاف‌پذیری، عدالت آموزشی و پاسخ‌گویی به تفاوت‌های فردی، ضرورتی اساسی برای دستیابی به مدرسه‌ای تراز، کارآمد و متناسب با نیازهای قرن ۲۱ است.

واژه‌های کلیدی: هدایت تحصیلی هدفمند، مدرسه تراز، شناسایی استعدادها، طراحی مسیر شغلی، فراتحلیل



چالش‌ها و راهبردهای هوشمندسازی مدارس ابتدایی شهرستان لامرد

سمیه نگهداری^{۱*}، زهرا انصاری^۲

۱. * استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران so.negahdari89@pnu.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی آموزشی، دانشگاه پیام نور، واحد اقلید، ایران z.ansari00a@gmail.com

چکیده

هوشمندسازی مدارس به‌عنوان یک رویکرد نوین در نظام آموزشی، با چالش‌ها و فرصت‌هایی همراه است که نیازمند بررسی دقیق هستند. این مطالعه با هدف بررسی چالش‌های هوشمندسازی مدارس ابتدایی در شهرستان لامرد انجام شد. پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش اجرا، اکتشافی ترکیبی (کمی و کیفی) بود. در بخش کیفی، نمونه آماری شامل ۱۸ نفر از متخصصان و اساتید دانشگاهی فعال در حوزه‌های مدیریت آموزشی، برنامه‌ریزی آموزشی و آموزش ابتدایی بودند که با نمونه‌گیری گلوله برفی انتخاب شدند. در بخش کمی، نمونه آماری شامل ۱۸۵ نفر از معلمان و مدیران مدارس ابتدایی شهرستان لامرد بودند که با نمونه‌گیری سرشماری انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها در بخش کیفی، مصاحبه با متخصصان و در بخش کمی، پرسشنامه محقق ساخته بود. برای تحلیل داده‌ها در بخش کیفی از روش کدگذاری باز و در بخش کمی از آزمون فریدمن استفاده شد. یافته‌های پژوهش در بخش کیفی نشان داد که چالش‌های اصلی شامل مشکلات زیرساختی، مقاومت فرهنگی، کمبود آموزش و عدم حمایت مالی بودند. این پژوهش بر اهمیت برنامه‌ریزی جامع و توجه به ابعاد مختلف برای هوشمندسازی موفق مدارس تأکید کرد.

واژه‌های کلیدی: هوشمندسازی مدارس، چالش‌ها، راهبردها، مدارس ابتدایی، لامرد



تدوین الگوی گذر از کلاس سنتی به آموزش فناورانه جغرافیا: مطالعه‌ای به روش بنیادبخشی نظریه

فاطمه نورانی فر^{۱*}، ام‌البنین معمری^۱، نازنین غفاری^۱،
آیدا غلامی مقدم^۱، زهرا سادات فریمانه^۱

۱. دانش‌آموخته کارشناسی آموزش علوم اجتماعی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

* ftem.nooranifar2636@gmail.com

چکیده

تحول در فناوری اطلاعات و ارتباطات، نظام آموزشی را با چالش‌های جدی مواجه کرده است. درس جغرافیا، به دلیل ماهیت تصویری و فضامحور خود، ظرفیت بالایی برای بهره‌گیری از فناوری‌های نوین دارد. این پژوهش با هدف تدوین الگوی برای گذار از کلاس‌های سنتی به آموزش فناورانه در درس جغرافیا انجام شد. این مطالعه کیفی با رویکرد نظریه‌پردازی داده‌بنیاد صورت گرفت. مشارکت‌کنندگان شامل هشت معلم جغرافیای متوسطه دوم بودند که به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته گردآوری و با استفاده از کدگذاری باز، محوری و گزینشی تحلیل شدند. ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه نیمه ساختاریافته بود. تحلیل داده‌ها نشان داد که شرایط علی مانند تنوع‌بخشی به تجربه یادگیری، پاسخ به تفاوت‌های فردی و آموزش فعال، از عوامل گرایش معلمان به بهره‌گیری از فناوری بودند. عوامل فرهنگی-اجتماعی، آموزشی-برنامه‌ریزی و فردی-حرفه‌ای به‌عنوان زمینه‌های تأثیرگذار شناسایی شدند. همچنین، تسهیل‌کننده‌هایی همچون حمایت‌های سازمانی و زیرساخت مناسب در برابر محدودکننده‌هایی مانند ضعف تجهیزات، ترس از فناوری و کمبود انگیزه قرار گرفتند. راهبردهای اتخاذ شده نیز شامل توانمندسازی حرفه‌ای معلمان و بهره‌گیری از ابزارهای دیجیتال بود. این یافته‌ها نشان داد که تحقق آموزش فناورانه جغرافیا نیازمند درک عمیق از عوامل زمینه‌ای و اتخاذ راهبردهای جامع است.

واژه‌های کلیدی: آموزش فناورانه، جغرافیا، نظریه داده‌بنیاد، کلاس سنتی.

اهمیت توانایی استدلال و تحلیل دانش‌آموزان در مدرسه تراز

ریحانه نیکنام اسکوئی*^۱، نرگس یافتیان^۲

۱. دانشجوی کارشناسی آموزش ریاضی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران

reyhaneniknam2731@gmail.com

۲. دانشیار، گروه ریاضی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران yaftian@sru.ac.ir

چکیده

توانایی تحلیل، استدلال و بیان افکار از جمله شایستگی‌های کلیدی است که دانش‌آموزان در مدارس تراز توسعه می‌دهند. این مطالعه با هدف بررسی نحوه درگیری دانش‌آموزان با استدلال و تحلیل هنگام مواجهه با مسائل زندگی واقعی و روزمره انجام شد. این پژوهش از روش پیمایش توصیفی استفاده کرد. جامعه آماری شامل دانش‌آموزان دختر پایه دهم دوره دوم متوسطه در سال تحصیلی ۲۰۲۴-۲۰۲۵ در یکی از مدارس منطقه ۱۹ تهران بودند. نمونه مطالعه شامل ۸۲ دانش‌آموز بود که از طریق نمونه‌گیری در دسترس و بر اساس جدول مورگان انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از یک آزمون تک‌سؤالی با عنوان «استدلال در مسائل روزمره» که بر اساس ویرایش ۲۰۲۴ کتاب درسی ریاضی طراحی شده بود، استفاده شد. پاسخ‌های جمع‌آوری شده دسته‌بندی و تحلیل شدند. روش تحلیل داده‌ها آمار توصیفی و شامل جداول فراوانی بود. یافته‌ها نشان دادند که دانش‌آموزان در استدلال هنگام مواجهه با مسائل مبتنی بر زندگی واقعی و هم‌سو با علایق‌شان، عملکرد نسبتاً خوبی داشتند. این نتایج بر اهمیت ارتباط محتوای آموزشی با زندگی روزمره دانش‌آموزان برای تقویت مهارت‌های استدلالی آن‌ها تأکید داشتند.

واژه‌های کلیدی: استدلال، تحلیل، مدرسه تراز، ریاضیات، مسائل روزمره



رابطه بین هوشمندسازی مدارس با پیشرفت تحصیلی و انگیزه یادگیری دانش‌آموزان

فریبا وفائی^۱، حدیثه قورچیان^۲، سحر رفیعی نوروژی^۳، پریناز طهورثی اشتلق^۴

۱. دانشجوی کارشناسی روان‌شناسی، دانشگاه آزاد، اسلامشهر، ایران mahin2022.vafaei@gmail.com

۲. دانشجوی روان‌شناسی، دانشگاه آزاد، اسلامشهر، ایران hadiseh77@gmail.com

۳. دانشجوی روان‌شناسی، دانشگاه آزاد، اسلامشهر، ایران sahar.ratiee8111@gmail.com

۴. دانشجوی روان‌شناسی، دانشگاه آزاد، اسلامشهر، ایران prynazthmwrthy2@gmail.com

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی رابطه بین هوشمندسازی مدارس با پیشرفت تحصیلی و انگیزه یادگیری دانش‌آموزان انجام شد؛ زیرا توسعه فناوری‌های آموزشی به‌عنوان عاملی کلیدی در بهبود کیفیت نظام‌های آموزشی شناخته می‌شود. این مطالعه از نوع توصیفی-همبستگی بود که جامعه آماری آن را دانش‌آموزان استان تهران در سال ۱۴۰۴ تشکیل دادند و ۱۷۲ نفر از آنان به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه‌های استاندارد شامل پیشرفت تحصیلی بداغت (۱۹۸۵)، انگیزه تحصیلی هارتر (۱۹۸۰-۱۹۸۱) و هوشمندسازی مدارس برجی (۱۳۹۵) جمع‌آوری شد و با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون گام‌به‌گام تحلیل یافت. یافته‌ها نشان داد که هوشمندسازی مدارس با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه مثبت و معناداری دارد و می‌تواند آن را پیش‌بینی کند، اما همبستگی معناداری بین هوشمندسازی مدارس با انگیزه یادگیری مشاهده نشد. به‌طور کلی، به‌کارگیری ابزارهای نوین فناوری در محیط‌های آموزشی می‌تواند نقش مؤثری در ارتقای عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان داشته باشد، اما تأثیر آن بر انگیزه یادگیری نیازمند بررسی‌های بیشتر است.

واژه‌های کلیدی: هوشمندسازی مدارس، پیشرفت تحصیلی، انگیزه یادگیری





کرامت، تعاون و عدالت در مناسبات رفتاری مدرسه

بتول هاتفی کیوانلو^۱، مریم مجیدی فر^۲

۱. کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآنی، استاد حوزه علمیه، آموزگار، دانشگاه حضرت عبدالعظیم حسنی، ری، ایران

hatefibatool@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مشاور خانواده، مدیریت مدرسه، دانشگاه گرمسار

چکیده:

وجه به اصول کرامت انسانی، تعاون و عدالت در محیط‌های آموزشی به‌عنوان راهکاری مؤثر برای تقویت روابط انسانی و ارتقای عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان مطرح شده است. این پژوهش با هدف بررسی تأثیر آموزش این اصول در برنامه درسی بر بهبود روابط و خلق محیطی سالم در مدارس ابتدایی شهر پاکدشت انجام شد. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بود که جامعه آماری آن شامل ۲۰۰ نفر از دانش‌آموزان و معلمان یکی از مدارس ابتدایی شهر پاکدشت قرار داشت. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه‌های استاندارد روان‌شناختی گردآوری شدند و پس از اجرای مداخله آموزشی (آموزش اصول کرامت، تعاون و عدالت در برنامه مدرسه)، یافته‌ها مورد تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان داد که آموزش این اصول منجر به بهبود کیفیت روابط انسانی، افزایش انگیزه تحصیلی و ایجاد فضایی متعالی و همکاری‌محور در مدرسه شد. همچنین مشارکت فعالانه دانش‌آموزان و معلمان در فعالیت‌های گروهی و حل مسائل کلاسی ارتقا یافت. این یافته‌ها حاکی از آن است که تلفیق ارزش‌های اخلاقی در برنامه درسی می‌تواند زمینه را برای رشد شخصیت و توسعه اجتماعی دانش‌آموزان فراهم کند؛ بنابراین، طراحی مناهج آموزشی مبتنی بر این اصول پیشنهاد می‌شود تا از طریق تقویت اخلاق مشارکتی، کیفیت نظام‌های آموزشی را افزایش دهد.

واژه‌های کلیدی: کرامت انسانی، تعاون، عدالت، شخصیت، آموزش اخلاق.





تحلیل محتوای کتاب‌های درسی مقطع ابتدایی از نظر میزان توجه به مهارت‌های تفکر خلاق

سوگند هاشم زاده^۱

۱. دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی، آموزش دبستان و پیش‌دبستان، دانشکده علوم تربیتی دانشگاه امیرالمؤمنین (ع) اهواز، اهواز،
ایران sogandhashemzadeh5@gmail.com

چکیده

با توجه به اهمیت پرورش مهارت‌های تفکر خلاق در نظام‌های آموزشی قرن بیست و یکم، این پژوهش به بررسی میزان توجه کتاب‌های درسی مقطع ابتدایی به این مهارت پرداخت. هدف از این پژوهش، تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی از منظر میزان توجه به مهارت‌های تفکر خلاق بود. پژوهش حاضر به روش کیفی و از نوع بنیادی با رویکرد مرور نظام‌مند بر متون علمی انجام شد. جامعه آماری شامل مقالات منتشر شده در پنج سال اخیر درباره تحلیل محتوای کتاب‌های درسی ابتدایی با تمرکز بر مهارت تفکر خلاق بود. ۱۵ مقاله بر اساس معیارهای مشخص ورود و خروج انتخاب شدند و با استفاده از روش تحلیل مضمون با رویکرد اتراید و استرلینگ و بهره‌گیری از معیارهای گوبا و لینکلن موردبررسی قرار گرفتند. یافته‌ها نشان داد که کتاب‌های درسی ابتدایی در پرداختن به مؤلفه‌های تفکر خلاق، به‌ویژه در زمینه‌های خودآگاهی، نوآوری، و تفکر انتقادی، دچار عدم توازن بودند. همچنین، کمبود امکانات و روش‌های نامناسب آموزشی مانع از پرورش خلاقیت و تفکر انتقادی در دانش‌آموزان می‌شد؛ بنابراین، بازنگری در محتوای درسی و طراحی تمرین‌های هدفمند و خلاقانه برای توسعه مهارت‌های تفکر خلاق ضروری به نظر می‌رسید.

واژه‌های کلیدی: تفکر خلاق، تحلیل محتوا، کتاب‌های درسی، دوره ابتدایی.





ارائه الگوی عوامل مؤثر بر اجتماع یادگیری حرفه‌ای معلمان

معصومه هرمزی نژاد^۱، مجتبی جهانی‌فر^{۲*}، ماریا نصیری^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه مدیریت آموزشی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

masoomehhormozinejad@gmail.com

۲. * استادیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

m.jahanifar@scu.ac.ir

۳. استادیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران nasiri132@yahoo.com

چکیده

با توجه به اهمیت فزاینده بهبود کیفیت آموزش، هدف این مطالعه ارائه مدلی از عوامل مؤثر بر جامعه یادگیری حرفه‌ای معلمان بود. روش پژوهش کیفی و از نوع نظریه زمینه‌ای بر اساس رویکرد استراوس و کوربین بود. جامعه آماری متشکل از مسئولین آموزش و پرورش، مدیران و معلمان دوره دوم متوسطه استان خوزستان بودند. اشباع نظری داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۱۸ نفر از جامعه مذکور در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ حاصل شد. در این مطالعه از روش نمونه‌گیری گلوله برفی استفاده شد. داده‌های به‌دست‌آمده از فرآیند جمع‌آوری مصاحبه با استفاده از روش کدگذاری سه‌مرحله‌ای (باز، محوری، انتخابی) تحلیل شدند. بر اساس نتایج این مطالعه، مدل جامع و چندبعدی از عوامل مؤثر بر جوامع یادگیری حرفه‌ای معلمان شناسایی شد که شامل ابعاد فردی، سازمانی و محیطی بودند. این مدل می‌تواند به بهبود توسعه حرفه‌ای معلمان و در نهایت ارتقای کیفیت آموزش کمک کند.

واژه‌های کلیدی: جامعه یادگیری حرفه‌ای، معلمان، کیفیت آموزش، نظریه زمینه‌ای





رابطه مکانیزم‌های دفاعی و وابستگی به شبکه‌های اجتماعی با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان

علیرضا همایونی^۱، فائزه میرزائی خرگوشکی^۲

۱. گروه روان‌شناسی، واحد بندر گز، دانشگاه آزاد اسلامی، بندر گز، ایران homayouni.ar@iau.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، مشاور آموزش و پرورش قلعه گنج، قلعه گنج، ایران Faezeh.fm1374@gmail.com

چکیده

زمینه مسئله: با گسترش استفاده از شبکه‌های اجتماعی، وابستگی به این شبکه‌ها به‌عنوان یکی از مهم عوامل تأثیرگذار بر پیشرفت تحصیلی اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده است. هدف: این تحقیق با هدف بررسی رابطه مکانیزم‌های دفاعی و وابستگی به شبکه‌های اجتماعی با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان انجام شد. روش: پژوهش حاضر توصیفی و از نوع همبستگی بوده است. جامعه آماری پژوهش حاضر را دانش‌آموزان مقطع متوسطه تشکیل دادند که تعداد ۱۸۰ نفر با روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند و به پرسشنامه‌های سبک‌های دفاعی اندروز و همکاران (۱۹۹۳) و پرسشنامه وابستگی به شبکه‌های اجتماعی شهناز و عثمان (۲۰۲۰) پاسخ دادند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج: یافته‌ها نشان داد بین مکانیزم دفاعی رشدیافته با پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت و معنی‌دار، بین مکانیزم‌های دفاعی رشدیافته و روان‌آزرده با پیشرفت تحصیلی رابطه منفی و معنی‌دار، بین مکانیزم‌های دفاعی رشدیافته با وابستگی به شبکه‌های اجتماعی رابطه منفی و معنی‌دار، و بین مکانیزم‌های دفاعی رشدیافته و روان‌آزرده با وابستگی به شبکه‌های اجتماعی رابطه مثبت و معنی‌دار دارد. نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج، آموزش استفاده مناسب از شبکه‌های اجتماعی، فراهم کردن دسترسی به مشاوران و متخصصان علوم رفتاری برای دانش‌آموزانی که دارای مکانیزم‌های دفاعی ناکارآمد هستند می‌تواند به تقویت مکانیزم‌های دفاعی سالم، کاهش وابستگی به شبکه‌های اجتماعی و افزایش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان کمک مؤثری کند.

واژه‌های کلیدی: مکانیزم‌های دفاعی، وابستگی به شبکه‌های اجتماعی، پیشرفت تحصیلی، دانش‌آموز





بررسی جایگاه و اهمیت استفاده از استراتژی‌های مدیریت کلاس درس در مدارس تراز

فرناز هیکلی^۱، فاطمه سرداری^۲، رؤیا مرادی^۳، آذر عزیزی^۴، مهری جعفرخانی^۵

۱. کارشناسی ارشد ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر

۲. کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی دانشگاه فرهنگیان زنجان

۳. کارشناسی مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر

۴. کارشناسی مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر

۵. کارشناسی معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زنجان mehrana.jafari2@gmail.com

چکیده

معلمان، به‌عنوان الگوهای رفتاری و تربیتی در مدارس، نقش بسزایی در شکل‌گیری رفتارهای قانونی در دانش‌آموزان ایفا کرده‌اند. هدف این مقاله مروری بررسی جایگاه معلمان در تأثیرگذاری بر رفتارهای قانونی دانش‌آموزان بود. برای دستیابی به این هدف، تحلیل محتوای مقالات و پژوهش‌های پیشین به کار رفت تا ابعاد مختلف نقش معلمان در آموزش رفتارهای قانونی و تأثیرات آن بر دانش‌آموزان شناسایی شود. یافته‌ها نشان داد که معلمان با ایجاد محیط‌های یادگیری مثبت و حمایتی، به تقویت ارزش‌های قانونی و اخلاقی در دانش‌آموزان کمک کردند. همچنین، تعامل مؤثر بین معلمان و دانش‌آموزان و استفاده از روش‌های تدریس مناسب، به افزایش آگاهی و مسئولیت‌پذیری قانونی در آن‌ها منجر شد. درنهایت، توجه به نقش معلمان به‌عنوان عوامل کلیدی در شکل‌گیری رفتارهای قانونی در دانش‌آموزان مورد تأکید قرار گرفت.

واژه‌های کلیدی: رفتارهای قانونی، معلمان، دانش‌آموزان، تربیت





مطالعه تأثیر مدارس هوشمند بر توانمندی شناختی، خوش‌بینی علمی و راهبردهای یادگیری خودتنظیمی دانش‌آموزان

فهیمه یاری^۱، علیرضا همایونی^۲، یوسف بهارلو^۳،
مهدی حاجی شمسایی^۴، علی توکلی^۵

۱. دکتری برنامه‌ریزی آموزش از راه دور / اداره کل آموزش و پرورش شهرستان‌های استان تهران

Research.education@outlook.com

۲. گروه روان‌شناسی، واحد بندر گز، دانشگاه آزاد اسلامی، بندر گز، ایران homayouni.ar@iau.ac.ir

۳. رئیس شورای تحقیقات اداره کل آموزش و پرورش شهرستان‌های استان تهران

۴. رئیس شورای تحقیقات اداره کل آموزش و پرورش شهرستان‌های استان تهران

۵. عضو شورای تحقیقات اداره کل آموزش و پرورش شهرستان‌های استان تهران

چکیده

مدارس هوشمند به عنوان محیط‌های آموزشی نوین، با بهره‌گیری از فناوری، نقش مهمی در توسعه قابلیت‌های دانش‌آموزان ایفا می‌کنند. هدف این پژوهش، مقایسه توانمندی شناختی، خوش‌بینی علمی و راهبردهای یادگیری خودتنظیمی دانش‌آموزان مدارس هوشمند و عادی بود. این پژوهش از نوع توصیفی-علی مقایسه‌ای بود. جامعه آماری شامل تمامی دانش‌آموزان مدارس متوسطه اول شهرستان‌های تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ بود. تعداد ۴۵۰ نمونه از طریق پرسشنامه‌های راهبردهای یادگیری خودتنظیمی پینتریچ و دی گرو (۱۹۹۰)، پرسشنامه توانمندی شناختی گراهام (۲۰۰۸) و پرسشنامه خوش‌بینی شیپر و کارور (۱۹۸۵) به صورت آنلاین جمع‌آوری شدند. نمونه‌گیری به صورت در دسترس هدفمند انجام شد و داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از تحلیل واریانس چندمتغیره (مانووا) تحلیل شدند. نتایج نشان داد که بین توانمندی شناختی، خوش‌بینی علمی و راهبردهای یادگیری خودتنظیمی دانش‌آموزان مدارس هوشمند و عادی تفاوت معناداری وجود داشت. به این معنی که دانش‌آموزان مدارس هوشمند در این ابعاد عملکرد بهتری داشتند. این پژوهش نتیجه گرفت که مدارس هوشمند با فراهم آوردن محیطی غنی‌تر و تعاملی‌تر، می‌توانند به ارتقای توانایی‌های شناختی، خوش‌بینی و مهارت‌های خودتنظیمی در دانش‌آموزان کمک کنند.

واژه‌های کلیدی: مدارس هوشمند، توانمندی شناختی، خوش‌بینی علمی، یادگیری خودتنظیمی





ارائه مدل مفهومی برای مدرسه تراز: رویکردی نوین به آموزش فراگیر و پایدار

مجتبی یزدان پناه^۱، سعیده نجم الدینی^۲، اعظم شعبانی^۳

۱. کارشناسی ارشد هنر اسلامی، دانشکده صنایع‌دستی، دانشگاه هنر اصفهان، ایران

۲. استادیار، عضو هیئت‌علمی گروه هنر اسلامی، دانشکده صبا، دانشگاه باهنر کرمان، ایران

۳. کارشناسی ارشد هنر اسلامی، دانشکده صنایع‌دستی، دانشگاه هنر اصفهان، ایران

چکیده

چالش‌های نظام‌های آموزشی معاصر از جمله نابرابری فرصت‌های یادگیری و کاهش کیفیت آموزشی، ضرورت طراحی رویکردهای نوین را ایجاب می‌کند. این پژوهش با هدف طراحی مدل مفهومی مدرسه تراز به‌عنوان راهکاری نوین برای مواجهه با این چالش‌ها انجام شد. روش تحقیق ترکیبی (کیفی-کمی) بود و از تکنیک‌های تحلیل محتوای نظام‌مند (۱۲۷ مطالعه معتبر بین‌المللی)، مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با ۲۸ خبره آموزشی از ۱۵ کشور و بررسی تطبیقی ۱۲ نمونه موفق جهانی استفاده شد. یافته‌های کمی پژوهش نشان داد که ارتباط معناداری بین اجرای این مدل و بهبود شاخص‌های آموزشی وجود داشت و اجرای آزمایشی مدل افزایش در شاخص‌های فراگیری و پایداری را نشان داد. تحلیل‌های کیفی نیز حاکی از ایجاد مکانیسم‌های مؤثر در توزیع عادلانه منابع، استفاده از روش‌های یادگیری فعال، افزایش مشارکت ذینفعان و استفاده مسئولانه از فناوری‌های آموزشی بود. این مطالعه نشان داد که مدل مفهومی مدرسه تراز یک سیستم پویا و چندبعدی است که در آن پنج مؤلفه کلیدی عدالت آموزشی، کیفیت یادگیری، مشارکت جامعه، فناوری آموزشی و پایداری در تعامل پیچیده با یکدیگر قرار دارند.

واژه‌های کلیدی: مدرسه تراز، آموزش فراگیر، آموزش پایدار، کیفیت یادگیری





نقش کتاب‌های مصور در پرورش خلاقیت

ابوالقاسم یعقوبی^{۱*}، حسین باجولوند^۲، سید حسام موسوی^۳، محمد عارف پيله ورپور^۴

۱. *استاد گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا همدان، همدان، ایران

yaghoobi@basu.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا همدان، همدان، ایران

hossein.bajolvand96@gmail.com

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا همدان، همدان، ایران

s.mousavi@eco.basu.ac.ir

۴. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا همدان، همدان، ایران

m.pilehvarpour@eco.basu.ac.ir

چکیده

علاقه به استفاده از کتاب‌های مصور به‌عنوان ابزاری برای پرورش خلاقیت کودکان و دانش‌آموزان افزایش یافته، اما نیاز به یک مرور سیستماتیک از شواهد موجود برای درک چگونگی تأثیر این ابزار بر ابعاد مختلف خلاقیت احساس می‌شود. این مطالعه با هدف مرور منابع تجربی، شبه‌تجربی و همبستگی درباره رابطه بین کتاب‌های مصور و خلاقیت کودکان و دانش‌آموزان انجام شد. روش پژوهش مرور سیستماتیک و تحلیل کیفی داده‌ها بود که شامل جستجو در ۱۲ پایگاه اطلاعاتی، غربالگری ۲۴ مقاله با معیارهای ورود/خروج، و استخراج اطلاعات ۱۱ مطالعه منتخب از طریق کدگذاری باز، محوری و انتخابی بود. ابزارهای مورد استفاده شامل چک‌لیست‌های تحلیل محتوا (بر اساس دسته‌بندی‌های حل مسئله، تفکر واگرا، کنجکاوی و طرز تفکر رشدگرا) و روش‌های تحلیل کیفی و کمی (تحلیل کوواریانس و آزمون t) در مطالعات منتخب بود. یافته‌ها نشان دادند که انواع کتاب مصور به‌ویژه آن‌هایی با تصاویر غیرخطی و داستان‌های باز، می‌توانند خلاقیت دانش‌آموزان را از طریق تقویت تفکر واگرا و انعطاف‌پذیری فکری ارتقا دهند، اما تفاوت‌های روش‌شناسی و ناهمگونی در طرح‌های پژوهشی مانع از تعمیم یافته‌ها شد. درنهایت، کتاب‌های مصور به‌ویژه با طراحی تعاملی و تمرکز بر مشارکت فعال کودک، می‌توانند ابزاری مؤثر در پرورش خلاقیت باشند، اما نیاز به چارچوب‌های استاندارد برای ارزیابی کیفیت مداخلات آموزشی و تعیین مؤلفه‌های مؤثر در طراحی این کتاب‌ها احساس می‌شود.

واژه‌های کلیدی: کتاب مصور، خلاقیت، پرورش خلاقیت، مرور سیستماتیک، تحلیل محتوا.



تأثیر آموزش احساسات با استفاده از انیمیشن بر تنظیم هیجان و مهارت‌های ارتباطی

ابوالقاسم یعقوبی^{۱*}، محمدرضا روشنائی^۲، زهرا امیرآبادی^۳

۱. استاد، گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا همدان، همدان، ایران

yaghoobi@basu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری روان‌شناسی، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا همدان، همدان، ایران

m.roshanaei@eco.basu.ac.ir

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا همدان، همدان، ایران

z.amirabadi@eco.basu.ac.ir

چکیده

در دنیایی که کودکان بیش‌ازپیش در معرض محتوای بصری و رسانه‌ای قرار دارند، استفاده از ابزارهایی مانند انیمیشن برای آموزش مهارت‌های اساسی مانند هیجانات ضروری است. این مطالعه با هدف بررسی تأثیر آموزش هیجان با استفاده از انیمیشن بر تنظیم هیجان و مهارت‌های ارتباطی در کودکان انجام شد. روش پژوهش از نوع شبه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری شامل دانش‌آموزان پایه اول ابتدایی (۷ تا ۱۰ سال) منطقه ۵ تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ بودند. از این میان، ۵۰ کودک با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و به‌طور تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل ۲۵ نفره جایگزین شدند. ابزارهای مورد استفاده شامل مقیاس تنظیم هیجان شیلدز و چیپتی (۲۰۰۳) و مقیاس مهارت‌های ارتباطی برتون (۱۹۹۰) بودند. گروه آزمایش تحت آموزش هیجان با انیمیشن قرار گرفتند. نتایج حاکی از آن بود که آموزش هیجان از طریق انیمیشن توانست به‌طور معناداری تنظیم هیجان و مهارت‌های ارتباطی کودکان را بهبود بخشد. این یافته‌ها بر اهمیت استفاده از روش‌های جذاب و متناسب با سن برای آموزش مهارت‌های هیجانی در کودکان تأکید کردند.

واژه‌های کلیدی: آموزش هیجان، انیمیشن، تنظیم هیجان، مهارت‌های ارتباطی، کودکان.



عوامل مؤثر بر پذیرش فناوری‌های هوش مصنوعی توسط مشاوران مدارس در راستای پیشگیری از اختلالات یادگیری

ابوالقاسم یعقوبی^{۱*}، آرزو سماوات^۲، حسین محقق^۳

۱. استاد، گروه روان‌شناسی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا همدان، همدان، ایران

yaghoobi@basu.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا همدان، همدان، ایران

arezo.sv@gmail.com

۳. دانشیار، گروه روان‌شناسی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا همدان، همدان، ایران

h.mohagheghi@asu.ac.ir

چکیده

با گسترش فناوری‌های نوین، استفاده از هوش مصنوعی در خدمات مشاوره‌ای مدارس، به‌ویژه در زمینه پیشگیری و شناسایی اختلالات یادگیری، اهمیت فزاینده‌ای یافته است. این مطالعه با هدف بررسی عوامل مؤثر بر پذیرش هوش مصنوعی توسط مشاوران مدارس بر اساس مدل پذیرش و استفاده یکپارچه از فناوری (UTAUT) انجام شد. این پژوهش با رویکرد توصیفی-پیمایشی صورت گرفت. جامعه آماری شامل تمامی مشاوران مدارس متوسطه شهر همدان در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ بودند و نمونه‌ای ۱۵۰ نفری با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شد. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه پذیرش فناوری بر اساس مدل UTAUT (ون‌کاتش، موریس، دیویس و دیویس، ۲۰۰۳) بود که شامل مؤلفه‌های عملکرد مورد انتظار، تلاش مورد انتظار، تأثیر اجتماعی و شرایط تسهیل‌کننده بود. داده‌ها با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری تحلیل شدند. نتایج نشان داد که عملکرد مورد انتظار، تلاش مورد انتظار و شرایط تسهیل‌کننده تأثیر مثبت و معنی‌داری بر قصد استفاده از هوش مصنوعی توسط مشاوران داشتند. همچنین، تأثیر اجتماعی نیز به‌طور معنی‌داری بر قصد استفاده مؤثر بود. این یافته‌ها بر اهمیت عوامل روان‌شناختی و سازمانی در پذیرش فناوری‌های هوش مصنوعی توسط مشاوران مدارس تأکید دارد و می‌تواند به طراحی مداخلات مؤثر برای ترویج استفاده از این فناوری‌ها کمک کند.

واژه‌های کلیدی: هوش مصنوعی، مشاوران مدارس، اختلالات یادگیری، مدل UTAUT.





تأثیر بازی‌های آموزشی مبتنی بر واقعیت افزوده (AR) بر یادگیری خلاقانه در کودکان دبستانی

ابوالقاسم یعقوبی^{۱*}، آرزو سماوات^۲، حسین محقق^۳

۱. استاد، گروه روان‌شناسی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا همدان، همدان، ایران

yaghoobi@basu.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا همدان، همدان، ایران

arezo.sv@gmail.com

۳. دانشیار، گروه روان‌شناسی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا همدان، همدان، ایران

h.mohagheghi@asu.ac.ir

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر بازی‌های آموزشی مبتنی بر واقعیت افزوده (AR) بر یادگیری خلاقانه در کودکان دبستانی است. با توجه به گسترش فناوری‌های نوین در عرصه آموزش، استفاده از محیط‌های تعاملی و چندحسی می‌تواند به شکوفایی خلاقیت در کودکان کمک کند. پژوهش حاضر به روش نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون – پس‌آزمون با گروه کنترل انجام شد. جامعه آماری شامل دانش‌آموزان پایه سوم دبستان در یکی از مدارس شهر همدان در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ بود. نمونه‌ای شامل ۳۰ نفر به صورت تصادفی انتخاب و در دو گروه آزمایش و کنترل جای داده شدند. گروه آزمایش به مدت ۴ هفته تحت آموزش با استفاده از بازی‌های آموزشی واقعیت افزوده قرار گرفتند، در حالی که گروه کنترل از روش‌های سنتی بهره‌مند شدند. ابزار پژوهش شامل آزمون خلاقیت تورنس (فرم تصویری) بود. داده‌ها با استفاده از آزمون t مستقل تحلیل شد. نتایج نشان داد که استفاده از بازی‌های مبتنی بر AR به‌طور معناداری باعث افزایش نمره خلاقیت در کودکان گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل شد ($p < 0.05$). یافته‌ها حاکی از آن است که فناوری واقعیت افزوده می‌تواند به عنوان ابزاری کارآمد در بهبود یادگیری خلاقانه مورد استفاده قرار گیرد. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود طراحان آموزشی و معلمان از ابزارهای نوین دیجیتال برای ارتقای کیفیت آموزش بهره‌گیرند.

واژه‌های کلیدی: واقعیت افزوده، بازی آموزشی، خلاقیت، یادگیری، کودکان دبستانی.





ارزیابی مدل انگیزش تحصیلی بر اساس خودتنظیمی تحصیلی و اشتیاق به مدرسه با میانجی‌گری فرسودگی تحصیلی

ابوالقاسم یعقوبی^{۱*}، زهرا ورمزیار^۲، زهرا الماسی^۳

۱. استاد، گروه روان‌شناسی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا همدان، همدان، ایران

yaghoobi@basu.ac.ir

۲. دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا همدان، همدان، ایران

۳. دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا همدان، همدان، ایران

چکیده

در عصر کنونی، تعلیم و تربیت و به‌طور کلی تحصیل بخش مهمی از زندگی افراد را تشکیل می‌دهد و کیفیت و کمیت این تحصیل نیز نقش مهمی در آینده افراد ایفا می‌کند. هدف از پژوهش حاضر، ارزیابی مدل انگیزش تحصیلی بر اساس خودتنظیمی تحصیلی و اشتیاق به مدرسه با میانجی‌گری فرسودگی تحصیلی در دانش‌آموزان بود. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ روش جزو مطالعات همبستگی بود. جامعه پژوهش شامل تمامی دانش‌آموزان دختر پایه‌های متوسطه اول و دوم در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ شهر همدان بود. نمونه مورد استفاده بر اساس جدول مورگان ۳۸۴ نفر به روش خوشه‌ای انتخاب شد که سه مورد از پرسشنامه‌ها کنار گذاشته شد و حجم نمونه‌ها به ۳۸۱ کاهش یافت. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه انگیزش تحصیلی والراند (۱۹۹۲)، مقیاس خودتنظیمی تحصیلی بوفارد و همکاران (۱۹۹۵)، مقیاس اشتیاق به مدرسه وانگ و همکاران (۲۰۱۱) و پرسشنامه فرسودگی تحصیلی سالما-آرو و ناآتانن (۲۰۰۵) بود. برای بررسی روابط بین متغیرها و آزمون مدل از همبستگی پیرسون، رگرسیون و تحلیل مسیر استفاده شد. نتایج نشان داد که خودتنظیمی تحصیلی و اشتیاق به مدرسه به‌طور مثبت با انگیزش تحصیلی مرتبط بودند و فرسودگی تحصیلی نیز نقش میانجی‌گری در این روابط ایفا کرد. این یافته‌ها بر اهمیت ارتقای خودتنظیمی و اشتیاق به مدرسه برای بهبود انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان تأکید کردند.

واژه‌های کلیدی: انگیزش تحصیلی، خودتنظیمی، اشتیاق به مدرسه، فرسودگی تحصیلی.





چالش‌های عدالت آموزشی مدارس ابتدایی کم‌برخوردار و راهکارهای ارتقاء کیفیت آموزشی: (مطالعه موردی مدرسه ابتدایی حر در منطقه ۸ تهران)

صفیه یوسف صفری^{۱*}

۱. کارشناسی ارشد مهندسی کامپیوتر، دانشگاه آزاد اسلامی تهران شمال / مدیر دبستان پسرانه حر، منطقه ۸ تهران،
s_safari147@hotmail.com ایران

چکیده

تحقق عدالت آموزشی در مدارس کم‌برخوردار، یکی از مسائل بنیادی و چالش‌برانگیز نظام تعلیم و تربیت در ایران است؛ چرا که نابرابری‌های گسترده در منابع ساختاری، نیروی انسانی و محرومیت‌های اجتماعی، فرصت‌های یادگیری مؤثر را برای دانش‌آموزان این مدارس به‌طور قابل‌توجهی محدود می‌سازد. پژوهش حاضر با هدف شناسایی چالش‌های تحقق عدالت آموزشی و ارائه راهکارهایی برای ارتقای کیفیت یادگیری در یکی از مدارس ابتدایی کم‌برخوردار شهر تهران انجام شده است. این مطالعه کیفی با بهره‌گیری از نمونه‌گیری هدفمند و مشارکت ۱۵ نفر (۵ معلم با حداقل ۲ سال سابقه، ۵ والد با وضعیت اقتصادی-اجتماعی مشابه، و ۵ دانش‌آموز پایه‌های چهارم تا ششم) تا رسیدن به اشباع نظری انجام شد. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته‌ی ۴۵ تا ۶۰ دقیقه‌ای گردآوری شد. روایی ابزار به‌وسیله‌ی نظر سه متخصص آموزش و پرورش تأیید و پایایی از طریق توافق بین کدگذاران بررسی گردید. تحلیل داده‌ها با روش تحلیل محتوای موضوعی و بر اساس الگوی شش‌مرحله‌ای براون و کلارک (۲۰۰۶) انجام شد. یافته‌ها نشان داد عواملی همچون بی‌انگیزگی شغلی معلمان، شکاف ارتباطی میان خانواده و مدرسه، و نادیده‌گرفتن نیازهای روانی و آموزشی دانش‌آموزان از جمله موانع مؤثر بر تحقق عدالت آموزشی بودند. در مقابل، راهکارهایی مانند تقویت خدمات مشاوره‌ای تخصصی در دوره ابتدایی، به‌ویژه در حوزه اختلالات یادگیری و مشکلات رفتاری، به‌عنوان محورهای بهبود مطرح شد. این پژوهش نشان داد که بهره‌گیری از رهبری تحول‌آفرین، توسعه خدمات مشاوره‌ای و ارتقای تعامل مدرسه با خانواده می‌تواند زمینه‌ساز تحقق عدالت آموزشی در مدارس کم‌برخوردار باشد.

واژه‌های کلیدی: عدالت آموزشی، رهبری تحول‌آفرین، مدارس کم‌برخوردار، مشاوره تخصصی،
کیفیت یادگیری





Impact of Entrepreneurship on Digital Transformation in Schools

Rouhollah Givechi*¹, Abbas Jafari²

1. Corresponding author, M.Sc. Student in Technology Entrepreneurship, Faculty of Entrepreneurship, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: givechi@ut.ac.ir
2. Assistant Professor, Faculty of Entrepreneurship, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: ab.jafari@ut.ac.ir

Abstract

The rapid advancement of digital technologies has transformed educational systems, creating a need to explore the role of entrepreneurship in fostering digital transformation within schools. This study aimed to examine the impact of entrepreneurial activities on digital transformation in educational settings. A literature review methodology was employed, analyzing scholarly articles, institutional reports, and theoretical frameworks published between 2014 and 2025. The sources were selected from reputable academic databases such as Scopus, focusing on relevance and credibility. Thematic analysis was used to identify key patterns and relationships in the data. Findings revealed that integrating digital tools into entrepreneurship education enhanced students' technological proficiency, enriched learning experiences, and strengthened institutional support structures. However, challenges such as the digital divide, content standardization, and the need for continuous teacher training were identified. The study concluded that combining entrepreneurial education with digital transformation strategies can drive sustainable innovation and improve educational outcomes, provided that equitable access and balanced skill development are prioritized.

Keywords: Entrepreneurship, Digital Transformation, Educational Innovation, Student Engagement, Technological Competence





Investigating The Impact of AI-Assisted Learning on Critical Thinking in Educational Environments: A Systematic Literature Review

Mohammad Hossein Hashemi Arasi^{*1}, Zahra Amani²

1*. M.Sc. Student in Clinical Psychology, Islamic Azad University, South Tehran
Branch, Tehran, IranMohammad009hahsemi@gmail.com

2. M.Sc. Student in Clinical Psychology, Islamic Azad University, Kish International
Branch, Kish Island, IranAsal.amaani8088@outlook.com

Abstract

The integration of Artificial Intelligence (AI) into educational environments has raised critical questions regarding its impact on students' cognitive skills, particularly critical thinking. This study aimed to systematically explore the influence of AI-assisted learning on critical thinking development through thematic analysis of recent academic literature. The methodology employed Braun and Clarke's (2006) six-phase framework, analyzing 32 peer-reviewed articles published between 2015 and 2024, selected via SPIDER-based criteria from Scopus, ERIC, and Web of Science databases. The statistical population included studies focusing on AI tools (e.g., IBM Watson, 2011; ChatGPT, OpenAI, 2020; Google Bard, 2022) and their empirical outcomes on critical thinking. Data collection involved qualitative analysis using thematic coding, while interventions included adaptive learning systems and natural language processing (NLP)-based platforms. Results indicated that AI enhances critical thinking through interactive environments, increased student engagement, and self-regulated learning but highlighted risks such as cognitive dependency and algorithmic bias. The study concludes that AI-assisted learning holds significant potential for fostering critical thinking when integrated with pedagogically balanced strategies, though its implementation requires safeguards against over-reliance and ethical pitfalls.

Keywords: AI-assisted learning, Critical thinking, Educational environments, Thematic analysis, Cognitive development



The Anatomy of Critical Thinking in Iran's National Curriculum: A Phenomenological Perspective

Mohammad Hossein Hashemi Arasi*¹, Fahimeh Yoozbashi²

1*. M.Sc. Student in Clinical Psychology, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran. Mohammad009hahsemi@gmail.com

2. The student of Master, Clinical Psychology, Islamic Azad University Roudehen Branch, Roudehen, Iran.

Abstract

Critical thinking, a vital 21st-century skill, varies in conceptualization and implementation across educational systems, particularly in centralized, exam-driven contexts like Iran's national curriculum. This study aimed to explore the structure and lived experiences of critical thinking within Iran's high school curriculum through a phenomenological lens. A multi-phase qualitative methodology was employed, integrating curriculum content analysis across five academic tracks (Mathematics & Physics, Experimental Sciences, Humanities, Technical-Vocational Education, Arts), conceptual modeling, and semi-structured interviews with 20 high school students (grades 11–12) selected via purposive sampling. Textbook analysis focused on skill extraction using deductive-inductive coding, while student interviews explored perceptions of critical thinking in pedagogical practices and assessments. Data were analyzed thematically, incorporating phenomenological principles to identify patterns in cognitive engagement and contextual influences. Findings revealed a complex interplay between curriculum intentions and student experiences, highlighting gaps in fostering critical thinking despite its theoretical emphasis. Cultural and systemic factors, such as exam-oriented instruction and limited student-centered practices, were identified as barriers. Students reported fragmented opportunities for authentic critical engagement, with disparities across academic tracks. The study underscores the need for curriculum reforms that align global critical thinking frameworks with local educational realities, emphasizing teacher training and pedagogical shifts to bridge theory-practice divides. Such efforts could enhance cognitive competencies while respecting Iran's educational values.

Keywords: Critical Thinking, National Curriculum, Phenomenology



SHAD Application in ELT in Iranian High Schools: A Retrospective Study

Abutaleb Iranmehr^{*1}, Hamidreza Ahmadi²

1*. Assistant Professor, English Language Department, Shahrood University of Technology,
Shahrood, Iran Email: a.iranmehr946@yahoo.com

2. Master in TEFL, English language Department, Shahrood University of Technology, Shahrood,
Iran .Email: h.ahmadicn2@yahoo.com

Abstract

In educational systems, the integration of innovative teaching methods has been recognized as a critical factor in enhancing students' creativity and engagement, yet traditional approaches often prioritize rote learning over experiential and collaborative techniques. This study aimed to investigate the impact of innovative educational programs on fostering creativity among middle school students in Saez. A quasi-experimental design with pre-test/post-test and control groups was employed; the statistical population included all middle school students in Saez during the 2023–2024 academic year, with 100 students selected via simple random sampling from grades 7 to 9. The intervention involved implementing a 16-session innovative teaching package (incorporating participatory, experiential, and digital technologies) over eight weeks. Creativity was measured using the Torrance Tests of Creative Thinking (Torrance, 1974), and data were analyzed through repeated-measures ANOVA and MANOVA. Results indicated that innovative teaching methods significantly enhanced students' creativity, critical thinking, classroom participation, and self-confidence, while also reducing educational disparities among students with varying creativity levels. Overall, innovative educational programs demonstrate potential as effective tools for nurturing creative skills and improving teaching quality; thus, their expansion in other regions is recommended.

Keywords: Creativity, innovative teaching programs, students, teachers, Saez



Challenges and Strategies in Mixed-ability EFL Classrooms in Iran: Teacher Perspectives

Abutaleb Iranmehr^{*1}, Zahra Rahimi²

1*. Assistant Professor, English Language Department, Shahrood University of Technology,

Shahrood, Iran Email: a.iranmehr946@yahoo.com

2. Master of TEFL, English language Department, Shahrood University of Technology, Shahrood,

Iran.Email: zahraprince.19999@gmail.com

Abstract

Mixed-ability English as a Foreign Language (EFL) classrooms in Iran present significant challenges for educators due to diverse student proficiencies, learning styles, and systemic constraints such as rigid curricula and limited resources. This study aimed to identify the primary challenges faced by Iranian EFL teachers in mixed-ability secondary school classrooms and evaluate the strategies they employ to address these issues. A quantitative descriptive design was adopted, utilizing an online questionnaire adapted from Al-Shammakhi and Al-Humaidi (2015), which included 26 items for challenges (four domains: teaching/learning, motivation, materials, classroom management) and 30 items for strategies (six domains). The statistical population comprised Iranian EFL teachers in public and private schools, with a sample of 91 participants selected through convenience sampling. Data collection involved a five-point Likert-scale survey, validated by experts (Cronbach's $\alpha = 0.82$), and analysis included descriptive statistics, one-sample t-tests, and Friedman tests to assess challenge severity and strategy frequency. Results indicated that teaching and learning emerged as the most critical challenge, while classroom management strategies were most frequently applied. Other findings revealed underutilization of needs analysis and motivation-focused strategies, highlighting gaps in addressing individual learner requirements. The study concluded that systemic reforms, including flexible curricula, targeted teacher training, and enhanced resource allocation, are essential to support differentiated instruction and improve educational equity in mixed-ability settings.

Keywords: Mixed-ability classes, EFL teachers, Differentiated instruction

Predicting depressive symptoms in high school adolescents based on self-compassion and perfectionism

Nasrin Ganjei^{1*}, Jalil Babapour Kheyreddin²

1*. Ph.D in Psychology, Aras International Campus, University of Tabriz, Iran correspond:
nasringanjei@yahoo.com

2. Professor, Department of Psychology, University of Tabriz, Iran

Abstract

Adolescence represents a critical developmental period marked by significant personal and social changes, with depressive symptoms emerging as a prevalent mental health concern globally. This study aimed to investigate the predictive role of self-compassion and perfectionism in depressive symptoms among female high school adolescents in Tabriz, Iran. A correlational descriptive design was employed, utilizing multi-stage cluster sampling to select 220 participants from three urban districts. Data collection involved validated instruments: the Neff Self-Compassion Scale (2003), the Children's Depression Inventory (Kovacs, 2002), and the Frost Multidimensional Perfectionism Scale (1995). Quantitative analysis included descriptive statistics, Pearson correlation, and multiple regression to assess relationships and predictive power. Findings revealed that self-compassion components (self-kindness, common humanity) and perfectionism dimensions (adaptive and maladaptive) significantly predicted depressive symptoms, while mindfulness and over-identification did not show statistical significance. Specifically, higher self-compassion and adaptive perfectionism were associated with reduced depressive symptoms, whereas maladaptive perfectionism exacerbated them. These results underscore the importance of fostering self-compassion and adaptive perfectionism in educational and therapeutic settings to mitigate depressive vulnerabilities during adolescence. Integrating these psychological constructs into interventions could enhance mental health outcomes for at-risk youth.

Keywords: Adolescents, Depression, Perfectionism, Self-compassion

The study and comparative evaluation of intelligent educational systems and the effectiveness of artificial intelligence-based learning platforms

Mehri Nodolaghi Kavanroudi^{1*}, Jamileh Bozorgbasha²,
Zahra Mokhtari³

1*. The Student of PhD in Educational Management, Islamic Azad University, Islamshahr, Iran
Mehrinodolagi1358@gmail.com

2. The Student of PhD in Educational Management, Islamic Azad University, Islamshahr, Iran
maneshazin@gmail.com

3. The Student of PhD in Educational Management, Islamic Azad University, Islamshahr, Iran
Zendegizibas92@yahoo.com

Abstract

In recent years, the integration of innovative learning technologies into educational practices has gained significant attention, particularly in fostering cultural diversity among students. These technologies offer potential opportunities to enhance cross-cultural understanding and create inclusive learning environments. This study aimed to identify the strengths, weaknesses, opportunities, and threats (SWOT) of using emerging learning technologies in promoting cultural diversity acceptance among students. A mixed-methods research design was employed, combining documentary analysis with expert interviews; data were collected through a researcher-made questionnaire based on SWOT framework, which was distributed among 70 experts, including teachers and scholars, of whom 58 fully completed the form. The qualitative content analysis approach was used for data analysis, applying selective coding based on thematic categories. Findings indicated that technologies such as augmented reality, digital storytelling, and virtual reality have strong potential to facilitate immersive cultural experiences and improve student engagement. However, challenges such as lack of culturally relevant content, limited teacher training, and technical constraints were identified as major barriers. It was concluded that while these technologies hold great promise for supporting cultural diversity in education, their effective implementation requires targeted teacher training, development of appropriate educational content, and establishment of content regulation standards. Policymakers and educators are encouraged to integrate these tools into curricula in ways that respect and reflect cultural values.

Keywords: New technologies, cultural diversity, students.

Investigating the impact of job burnout on teachers as a role model and its impact on teachers' teaching style on students in society

Zahra Parsaei Panah¹, Salar Karjalian²

1. Master's degree in Industrial Organization psychology, Islamic Azad University Central Organization, parsaei.melo@gmail.com

2. Graduate student in World Studies Tehran University, salarian933@gmail.com

Abstract

Teacher burnout reduces the quality of teaching and their role as role models. This study examines the correlation between burnout, role models, and teaching style among 150 teachers. Data analysis showed that burnout has a negative and significant effect on the role model, which subsequently affected teaching style. Reducing burnout can lead to improved role model performance and teaching style. The aim of the study was to investigate the effect of burnout on teachers' role models and its effect on teachers' teaching style on students in society. This study was conducted using a descriptive-correlation method and its statistical population consisted of all teachers working in the 1403-1404 academic year. A sample of 150 people was selected using stratified random sampling. The data collection tools included interviews and the Maslach burnout questionnaire (1985) and the GHQ-28 general health questionnaire (1972). The findings using statistical methods showed that burnout has a negative and significant effect on the role of role model ($p < 0/01$). Also, being a role model as a mediating variable moderates the effect of burnout on teaching style, so reducing burnout improved teaching style and increased the quality of education. The results of this study emphasize the provision of preventive programs and psychological interventions to reduce burnout in teachers in order to maintain their mental health, improve their teaching performance and role model in schools.

Keywords: Teacher, Job burnout, Student



Social Status of Teachers: A Systematic Review

Vida Rahiminezhad

1. Associate Professor, Research Institute for Education, Organization of educational Research
and Planning, Iran, vrahiminejad@yahoo.com

Abstract

The social status of teachers significantly impacts education systems globally, influencing student outcomes and societal development. This study explores factors affecting teachers' social status through a systematic review guided by Scaringella and Radziwon's seven-stage methodology. From an initial pool of 29 studies, 14 met the inclusion criteria, including relevance, international and Iran-specific focus, English and Persian availability, non-duplication, and publication between 2003 and 2024 from credible sources. The analysis identified three key domains: economic, cultural, and institutional factors. A recurring theme is the declining social standing of teachers, emphasizing the need for targeted interventions. Proposed strategies include public awareness campaigns to highlight teaching's intellectual rigor, reducing bureaucratic control, enhancing teacher participation in policy reforms, and offering curriculum flexibility. Encouraging media engagement and improving working conditions could also bolster morale and respect. Cross-cultural comparisons reveal diverse contexts. Countries like Japan and Taiwan show high societal respect for teachers due to cultural traditions, competitive salaries, and professional development. In contrast, Iran, France, Sweden, and the Slovak Republic face challenges from economic constraints, limited resources, and negative media portrayals. Key themes include cultural reverence for education, economic incentives, media representation, and teacher involvement in decision-making. Long-term trends indicate a gradual decline in teachers' status in some regions, underscoring the need for systemic reforms, economic improvements, and societal recognition. Future research should focus on identifying and implementing effective strategies to elevate teachers' social standing globally, fostering stronger education systems for educators and students alike.

Keywords: teachers, social status, education policy, economic and cultural factors



Family-School Collaboration: A systematic Review

Vida Rahiminezhad¹, Mahdieh Sadat Faal Nazari²

1. Associate Professor, Research Institute for Education, Organization of educational Research and Planning, Iran, vrahiminejad@yahoo.com

2. PhD. Candidate at Azad University, Tehran- South Branch, Iran, mfn105@yahoo.com

Abstract

This study investigated family-school collaboration, focusing on barriers to parental involvement and strategies to improve engagement. The aim was to analyze factors influencing family participation in education and identify effective approaches for strengthening school-parent partnerships. A systematic review was conducted, synthesizing findings from 15 out of 35 peer-reviewed studies selected based on predefined criteria, including relevance to the research question, publication in English, and credible sources from 2014 to 2023. Sources retrieved from Google Scholar, Elsevier, and Scopus. Data were analyzed using Scaringella & Radziwon's seven-stage review process. The study examined the impact of socioeconomic status, cultural barriers, educator attitudes, and school policies on parental engagement. Findings revealed that socioeconomic disadvantage, limited parental education, and institutional barriers significantly hindered participation, while structured support systems, professional development for educators, and inclusive communication strategies enhanced engagement. The research confirmed that effective family-school collaboration boosts student academic success and highlighted the need for targeted interventions to address disparities in educational access and participation. Future studies should explore policy-driven solutions and digital communication tools to further improve engagement. This study underscores the importance of fostering inclusive and supportive environments to strengthen family-school partnerships.

Keywords: family-school collaboration, socio-political and cultural factors, school



The Role of ChatGPT in Shaping Intelligent Educational Systems: A Short Review

Mohsen Saffar¹, Hojatollah Hamidi^{*2}

1. Ph.D. Student, Department of Industrial Engineering, Information Technology Group, K. N. Toosi University of Technology, Tehran, Iran Email: mohsen.saffar@email.kntu.ac.ir

2*. Associate Professor, Department of Industrial Engineering, Information Technology Group, K. N. Toosi University of Technology, Tehran, Iran Email: h_hamidi@kntu.ac.ir

Abstract

Artificial intelligence, particularly large language models like ChatGPT, revolutionized intelligent educational systems by offering innovative solutions for personalized learning and instructional support. This literature review aimed to investigate the role of ChatGPT in shaping intelligent educational systems, focusing on its applications, benefits, limitations, and future potential in education. A narrative review was conducted by searching the Scopus database using the keywords "ChatGPT", "education" and "intelligent tutoring system". Relevant peer-reviewed articles from 2020 to 2025 published in English were selected to synthesize existing research. The review revealed that ChatGPT supported interactive and adaptive learning through applications such as virtual tutoring, content generation, and language learning assistance, while enhancing educational accessibility and personalization. However, it also posed challenges, including the risk of misinformation and ethical issues like data privacy and algorithmic bias. Comparisons with traditional teaching methods suggested that a blended approach integrating human instruction with AI tools offered a balanced educational strategy, with future possibilities including integration with virtual and augmented reality for immersive learning. The review concluded that ChatGPT held transformative potential for education but required careful management of ethical and practical challenges to ensure equitable and effective use.

Keywords: Intelligent Educational Systems, ChatGPT in Education, Artificial Intelligence, Large Language Models, Educational Technology

